

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۱

بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی
گروه بی تی اس از منظر هواداران ایرانی

/ دکتر مرتضی منطقی /

/استاد دانشگاه خوارزمی/

تابستان ۱۴۰۳

فهرست اجمالی

مقدمه

- ۱- بسترهای اولیه پردازش گروه بی تی اس
- ۲- پردازش گروه بی تی اس
- ۳- آرایه محتوایی جذاب برای جوانان
- ۴- پردازش پرهیجان و پرشکوه صحنه‌های اجرا
- ۵- تبلیغات کمپانی برای گروه بی تی اس
- ۶- بخشیدن وجهه اجتماعی و سیاسی به گروه بی تی اس
- ۷- ایجاد ارتباط عمیق بین ستاره‌ها و هواداران
- ۸- اهداف کمپانی بیگ هیت

فهرست تفصیلی

مقدمه

۱- بسترهای اولیه پردازش گروه بی تی اس

۲- پردازش گروه بی تی اس

۱-۲- نوجوانی و جوانی و تحول‌های فراروی آن

۲-۲- پردازش اندیشمندان کمپانی بیگ هیت

۳-۲- نیاز نوجوان و جوان به الگو

۴-۲- استعدادیابی از سنین پایین

۵-۲- برگزاری آزمون جهت جذب کارآموزان

۶-۲- اعمال استانداردهای سخت‌گیرانه زیبایی

۷-۲- الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی پیشنهادی

۸-۲- تغییر نام ستاره‌ها

۹-۲- الزام ستاره‌ها به جراحی زیبایی در صورت نیاز

۱۰-۲- استفاده از برنامه سفیدکردن پوست بدن برای ستاره‌ها

۱۱-۲- در نظر گرفتن شرایط دشوار برای کارآموزان و ستاره‌ها

۱۲-۲- منوط شدن رابطه کارآموزان و ستاره‌ها با خانواده‌شان به اجازه کمپانی

۱۳-۲- اعمال محدودیت برای ستاره‌ها در دیدار با دوستان و آشنایان

۱۴-۲- الزام به قرار نگذاشتن و ازدواج نکردن ستاره‌ها

۱۵-۲- الزام به تبعیت ستاره‌ها از رنگ کردن موها، آرایش، پوشش و زیورآلات پیشنهادی کمپانی

۱۶-۲- الزام ستاره‌ها به کاربری از برندهایی که تبلیغ آن‌ها را کرده اند

۱۷-۲- الزام ستاره‌ها به تبعیت از بازی‌های رسانه‌ای

۱۸-۲- نداشتن حق اعتراض ستاره‌ها نسبت به شایعات مرتبط با خودشان

۱۹-۲- ممنوعیت همکاری ستاره‌ها با هنرمندان دیگر بدون اجازه کمپانی

۲۰-۲- الزام به تبعیت از تماس بدنی ستاره‌ها در جریان اجراها توسط آنان

۲۱-۲- الزام ستاره‌ها به همکاری در تهیه لحظات جذاب

۲۲-۲- الزام ستاره‌ها به عدم طرح گرایش عقیدتی خودشان

۲۳-۲- الزام ستاره‌ها به عدم طرح گرایش جنسی خودشان

۲۴-۲- الزام ستاره‌ها به تبعیت از رژیم‌های غذایی خاص

- ۲-۲۵- الزام ستاره‌ها به بیش‌تر نشدن وزنشان از حد مقرر
- ۲-۲۶- الزام ستاره‌ها به تبعیت از خط‌مشی‌های فرهنگی- اجتماعی کمپانی
- ۲-۲۷- الزام ستاره‌ها به جهت‌گیری‌های سیاسی طبق نظر کمپانی
- ۲-۲۸- پذیرش نظارت ناظران کمپانی بر فعالیت ستاره‌ها
- ۲-۲۹- رصد گسترده رفتار ستاره‌ها
- ۲-۳۰- در نظر گرفتن تمهیدهای جانبی برای موفقیت بیش از پیش گروه
- ۲-۳۱- زیر بار بدهی بردن ستاره‌ها
- ۲-۳۲- الزام به بی‌نقص و ایده‌آل جلوه کردن ستاره‌ها
- ۲-۳۳- تعیین نیروهای حفاظتی برای مراقبت از ستاره‌ها
- ۲-۳۴- اعمال تنبیه در صورت تخطی ستاره‌ها از قوانین و مقررات کمپانی
- ۲-۳۵- پذیرش کنار نهاده شدن پس از چند سال دیدن دوره کارآموزی
- ۲-۳۶- پذیرش عدم تمدید قرارداد (و انحلال گروه) در صورت صلاحدید کمپانی
- ۲-۳۷- کم توجهی به سلامت جسمانی و بهداشت روانی ستاره‌ها
- ۲-۳۸- داشتن نگاه ابزاری به ستاره‌ها
- ۲-۳۹- انتظار نادیده گرفتن تناقض‌ها از سوی ستاره‌ها
- ۲-۴۰- القای هویت ریاتیکی به ستاره‌ها

۳- آرایه محتوایی جذاب برای جوانان

- ۳-۱- طرح برخی از مسایل جوانان
- ۳-۲- امید و انگیزه دادن به مخاطبان
- ۳-۳- افزایش اعتماد به نفس مخاطبان
- ۳-۴- تلاش در جهت ارتقای مهارت‌های زندگی در هواداران
- ۳-۵- استفاده از برخی از محتوای فلسفی و روان‌شناختی در آهنگ‌ها
- ۳-۶- فاصله گرفتن نسبی از محتوای بی‌ادبانه موسیقی سایر پاپ‌ها
- ۳-۷- آرایه گاه و بی‌گاه برخی از محتوای جنسی
- ۳-۸- طرح پازل‌گونه برخی از مفاهیم در آهنگ‌های مختلف
- ۳-۹- اجرای بعضی از آهنگ‌ها در مکان‌های تاریخی و هنری
- ۳-۱۰- سوق دادن جوانان به سمت رؤیاپردازی
- ۳-۱۱- اجرای برنامه‌های شاد

۴- پردازش پرهیجان و پرشکوه صحنه‌های اجرا

- ۴-۱- توجه به جذابیت فیزیکی ستاره‌ها
- ۴-۲- توأم شدن اجرای آهنگ‌ها با رقص
- ۴-۳- تنوع پوشش و رنگ موی ستاره‌ها در هر اجرا

۴-۴- استقبال ستاره‌های مرد از آرایش

۴-۵- ایجاد صحنه‌های هیجان‌انگیز و پرمخاطره در جریان اجرا

۴-۶- تنوع اجرا و استفاده از سبک‌های مختلف موسیقایی

۴-۷- آرایه موسیقی کی‌پاپ با چند زبان مختلف

۴-۸- اجرای کنسرت‌های بین‌المللی گروه بی‌تی‌اس در استادیوم‌های بزرگ

۴-۹- استفاده از البسه سنتی کره و قومیت‌های دیگر

۴-۱۰- ایجاد عرصه‌ای جهت تخلیه هیجانی و روانی هواداران

۴-۱۱- آرایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری به مخاطب

۴-۱۲- تهیه آهنگ توسط خود ستاره‌ها

۵- تبلیغات کمپانی برای گروه بی‌تی‌اس

۵-۱- انجام تبلیغات گسترده، همه‌جانبه و فراگیر

۵-۲- توجه به مسأله حقوق زنان

۵-۳- برگزاری پرشکوه جشن‌های مرتبط با ستاره‌ها

۵-۴- تلاش برای بین‌المللی ظاهر شدن گروه بی‌تی‌اس

۵-۵- راه‌اندازی خبرگزاری اختصاصی و تعامل با رسانه‌های دیگر

۵-۶- طرح چندتوانی اعضای گروه بی‌تی‌اس

۵-۷- کمک به مراکز درمانی و خیریه

۵-۸- فرهنگ‌سازی جهت سوق دادن آرایه هدایای جشن تولد ستاره‌ها از سوی هواداران به سمت کمک به

مراکز درمانی و خیریه

۵-۹- عرضه انواع زیورآلات، تصاویر و وسایل بی‌تی‌اسی

۵-۱۰- عرضه ویدیوی آموزشی رقص هر اجرای ستاره‌ها

۵-۱۱- استقبال از حاشیه‌سازی‌های مختلف

۵-۱۲- باج دادن به رسانه‌ها و افرادی که به شکل بالقوه امکان تهدید ستاره‌ها را دارند

۶- بخشیدن وجهه اجتماعی و سیاسی به گروه بی‌تی‌اس

۶-۱- دیدار با رئیس جمهور امریکا

۶-۲- حضور در سازمان ملل

۶-۳- پذیرش سفیری یونیسف

۶-۴- پرداختن به برخی از مسایل اجتماعی و نعدوستانه

۷- ایجاد ارتباط عمیق بین ستاره‌ها و هواداران

۷-۱- رهنمود دادن ستاره‌ها به هواداران

۷-۲- احترام نهادن ستاره‌ها به عقاید هواداران (و دعوت به تسامح)

۷-۳- سرگرم‌سازی

- ۴-۷- تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران
- ۵-۷- تلاش برای نزدیک‌تر کردن ستاره‌ها و هواداران به یکدیگر
- ۶-۷- ترسیم جهانی رمزآلود، تخیلی و رؤیایی
- ۷-۷- دیدار با ستاره‌ها
- ۸-۷- هویت‌بخشی به هواداران
- ۹-۷- ایجاد تشکل‌های هواداری از سوی طرفداران (ایجاد فندوم)
- ۱۰-۷- حمایت از ستاره‌ها
- ۱۱-۷- ارائه خدمات به هواداران
- ۱۲-۷- راه‌اندازی برخی از برنامه‌های سرگرمی از سوی هواداران با محوریت ستاره‌ها
- ۱۳-۷- برگزاری جشن‌های مرتبط با اعضای گروه بی‌تی‌اس
- ۱۴-۷- هزینه کردن برای گروه
- ۱۵-۷- استقبال هواداران از مدهای بی‌تی‌اسی

۸- اهداف کمپانی بیگ‌هیت

- ۱-۸- اهداف اقتصادی
 - ۱-۱-۸- تلاش در جهت کسب درآمد برای کمپانی
 - ۲-۱-۸- اقدام در جهت حمایت از نظام سرمایه‌داری کره جنوبی
 - ۳-۱-۸- اقدام در جهت حمایت از نظام سرمایه‌داری جهانی
- ۲-۸- اهداف فرهنگی
 - ۱-۲-۸- به رخ کشیدن قدرت فرهنگی کره
 - ۲-۲-۸- بسترسازی جهت گسترش فرهنگی لیبرال
- ۳-۸- اهداف اجتماعی
- ۴-۸- اهداف اخلاقی - عقیدتی
- ۵-۸- اهداف سیاسی
- ۶-۸- اهداف زیست‌محیطی
- ۷-۸- اهداف زیباشناختی
- ۸-۸- اهداف روان‌شناختی

فهرست کتاب حاضر

مقدمه	۱۵
۱- بسترهای اولیه پرده‌زنی گروه بی‌تی‌اس	۲۹
۲- پرده‌زنی گروه بی‌تی‌اس	۴۳
۱-۲- نوجوانی و جوانی و تحول‌های فراروی آن	۴۴
۲-۲- پرده‌زنی اندیشمندانه کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت	۵۱
۳-۲- نیاز نوجوانان و جوانان به الگو	۵۳
۴-۲- استعدادیابی از سنین پایین	۵۶
۵-۲- برگزاری آزمون جهت جذب کارآموزان	۵۸
۶-۲- اعمال استانداردهای سختگیرانه زیبایی	۵۹
۷-۲- الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی پیشنهادی	۶۴
۸-۲- تغییر نام ستاره‌ها	۶۶
۹-۲- الزام ستاره‌ها به جراحی زیبایی در صورت لزوم	۶۸
۱۰-۲- استفاده از برنامه سفیدکردن رنگ پوست بدن برای ستاره‌ها	۷۲
۱۱-۲- در نظر گرفتن شرایط دشوار برای کارآموزان و ستاره‌ها	۷۳
۱۲-۲- منوط شدن رابطه کارآموزان و ستاره‌ها با خانواده‌شان به اجازه کمپانی	۷۷
۱۳-۲- اعمال محدودیت برای ستاره‌ها در دیدار با دوستان و آشنایان	۸۰
۱۴-۲- الزام به قرار نگذاشتن و ازدواج نکردن ستاره‌ها	۸۱
۱۵-۲- الزام به تبعیت ستاره‌ها از رنگ کردن موها، آرایش، پوشش و زیورآلات پیشنهادی کمپانی	۸۲
۱۶-۲- الزام ستاره‌ها به کاربری از نشانه‌ایی که تبلیغ آن‌ها را کرده‌اند	۸۷
۱۷-۲- الزام ستاره‌ها به تبعیت از بازی‌های رسانه‌ای	۸۹
۱۸-۲- نداشتن حق اعتراض ستاره‌ها نسبت به شایعات مرتبط با خودشان	۹۲
۱۹-۲- ممنوعیت همکاری ستاره‌ها با هنرمندان دیگر بدون اجازه کمپانی	۹۳
۲۰-۲- الزام به تبعیت از تماس بدنی ستاره‌ها در جریان اجراها توسط آنان	۹۴
۲۱-۲- الزام ستاره‌ها به همکاری در تهیه لحظات جذاب	۹۶
۲۲-۲- الزام ستاره‌ها به عدم طرح گرایش عقیدتی خودشان	۹۸
۲۳-۲- الزام ستاره‌ها به عدم طرح گرایش جنسی خودشان	۹۹
۲۴-۲- الزام ستاره‌ها به تبعیت از رژیم‌های غذایی خاص	۱۰۱
۲۵-۲- الزام ستاره‌ها به بیش‌تر نشدن وزنشان از حد مقرر	۱۰۴
۲۶-۲- الزام ستاره‌ها به تبعیت از خط‌مشی‌های فرهنگی- اجتماعی کمپانی	۱۰۴
۲۷-۲- الزام ستاره‌ها به جهت‌گیری سیاسی طبق نظر کمپانی	۱۰۶
۲۸-۲- پذیرش نظارت ناظران کمپانی بر فعالیت ستاره‌ها	۱۰۷
۲۹-۲- رصد گسترده رفتار ستاره‌ها	۱۱۱

- ۳۰-۲- در نظر گرفتن تمهیدهای جانبی برای موفقیت بیش از پیش گروه ۱۱۱
- ۳۱-۲- زیر بار بدهی بردن ستاره‌ها ۱۱۸
- ۳۲-۲- الزام به بی‌نقص و ایده‌آل جلوه کردن ستاره‌ها ۱۲۰
- ۳۳-۲- تعیین نیروهای حفاظتی برای مراقبت از ستاره‌ها ۱۲۲
- ۳۴-۲- اعمال تنبیه در صورت تخلفی ستاره‌ها از دستورالعمل‌های کمپانی ۱۲۴
- ۳۵-۲- پذیرش کنار نهاده شدن پس از چند سال کارآموزی ۱۲۶
- ۳۶-۲- پذیرش عدم تمدید قرارداد (و به تعبیری انحلال گروه) در صورت صلاحدید کمپانی ۱۳۰
- ۳۷-۲- کم توجهی به سلامت جسمانی و بهداشت روانی ستاره‌ها ۱۳۳
- ۳۸-۲- داشتن نگاه ایزاری به ستاره‌ها ۱۴۱
- ۳۹-۲- انتظار نادیده گرفتن تناقض‌ها از سوی ستاره‌ها ۱۴۴
- ۴۰-۲- القای هویت ربات مانند (رباتیک) به ستاره‌ها ۱۴۶
- ۳- ارایه محتوای جذاب ۱۵۵**
- ۱-۳- طرح برخی از مسایل جوانان ۱۵۵
- ۲-۳- امید و انگیزه دادن به مخاطبان ۱۵۹
- ۳-۳- افزایش اعتماد به نفس مخاطبان ۱۷۲
- ۴-۳- تلاش در جهت ارتقای مهارت‌های زندگی ۱۷۵
- ۵-۳- استفاده از برخی از مفاهیم فلسفی و روان‌شناختی در آهنگ‌ها ۱۷۷
- ۶-۳- فاصله گرفتن نسبی از محتواهای بی‌ادبانه موسیقی سایر پاپ‌ها ۱۸۳
- ۷-۳- ارایه گاه و بی‌گاه برخی از محتواهای جنسی ۱۸۴
- ۸-۳- طرح پازل‌گونه برخی از مفاهیم در آهنگ‌های مختلف ۱۸۸
- ۹-۳- اجرای بعضی از آهنگ‌ها در مکان‌های تاریخی و هنری ۱۸۹
- ۱۰-۳- سوق دادن جوانان به سمت رؤیاپردازی ۱۹۰
- ۱۱-۳- اجرای برنامه‌های شاد ۱۹۱
- ۴- پردازش پرهیجان و پرشکوه صحنه اجرا ۱۹۷**
- ۱-۴- توجه به جذابیت فیزیکی ستاره‌ها ۱۹۷
- ۲-۴- توأم شدن اجرای آهنگ‌ها با رقص ۱۹۸
- ۴-۴- استقبال ستاره‌های مرد از آرایش ۲۰۱
- ۵-۴- ایجاد صحنه‌های هیجان‌انگیز و پرمخاطره در جریان اجرا ۲۰۱
- ۶-۴- تنوع اجرا و استفاده از سبک‌های مختلف موسیقایی ۲۰۴
- ۷-۴- ارایه موسیقی کی پاپ با چند زبان مختلف ۲۰۶
- ۸-۴- اجرای کنسرت‌های بین‌المللی در استادیوم‌های بزرگ ۲۰۷
- ۹-۴- استفاده از البسه سنتی کره و قومیت‌های دیگر ۲۰۸
- ۱۰-۴- ایجاد عرصه‌ای جهت تخلیه هیجانی و روانی هواداران ۲۱۲
- ۱۱-۴- ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری به مخاطب ۲۱۳
- ۱۲-۴- تهیه آهنگ توسط خود ستاره‌ها ۲۱۶

- ۵- تبلیغات کمپانی برای گروه بی تی اس ۲۱۷
- ۱-۵- انجام تبلیغات گسترده همه جانبه و فراگیر برای گروه بی تی اس ۲۱۷
- ۲-۵- توجه به مسأله حقوق زنان ۲۲۴
- ۳-۵- برگزاری پرشکوه جشن های مرتبط با ستاره ها ۲۲۴
- ۴-۵- تلاش در جهت بین المللی ظاهر شدن گروه بی تی اس ۲۲۸
- ۵-۵- راه اندازی خبرگزاری اختصاصی و تعامل با رسانه های دیگر ۲۳۱
- ۶-۵- طرح چندتوانی اعضای گروه بی تی اس ۲۳۳
- ۷-۵- کمک به مراکز درمانی و خیریه ۲۳۸
- ۸-۵- فرهنگ سازی جهت سوق دادن آرایه هدایای جشن تولد ستاره ها به مراکز درمانی و خیریه ۲۴۱
- ۹-۵- عرضه انواع زیورآلات، تصاویر و وسایل بی تی اسی ۲۴۳
- ۱۰-۵- عرضه ویدیوی آموزشی رقص هر اجرای گروه ۲۵۱
- ۱۱-۵- استقبال از حاشیه سازی های مختلف ۲۵۲
- ۱۲-۵- باج دادن به رسانه ها و افرادی که به شکل بالقوه امکان تهدید ستاره ها را دارند ۲۵۷

مقدمه

«به عیان مشاهده می‌افتد که کودکان و جوانان به پرورش و مجالست کسانی که به خُلُقِ موسومند، آن خُلُق را از افراد فرا می‌گیرند» (خواجه نصیرالدین طوسی).

الگوها از اهمیت وافری در شکل دادن به شخصیت انسانی انسان‌ها و جوامع برخوردارند. الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راه را بر کشتی‌ها نشان می‌دهند، راه را بر کشتی وجودی انسان‌ها و جوامع می‌نمایانند. از همین رو از دیدگاه‌های دینی گرفته تا دیدگاه‌های معاصر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، همگی بر اهمیت الگوها صحه نهاده از ضرورت عطف توجه انسان‌ها و جوامع بشری نسبت بدان‌ها یاد کرده‌اند.

از منظر دیدگاه دینی در عین وجود الگوها و اسوه‌های حسنه، الگوهای غیرحَسَن نیز وجود دارند که برخلاف اعتلایابی و تحول‌آفرینی که در اسوه‌های حسنه برای انسان‌ها وجود دارد، اسوه‌های غیرحَسَن در سقوط ارزشی و انسانی انسان‌ها، ذی‌نقش بوده، اسباب اضمحلال آنان را فراهم می‌آورند. در نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسأله الگوپردازی افراد، ذیل نظریات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. هرگنهان و السون^۱ در این زمینه می‌نویسند:

«مسأله الگو و تقلید یا همانندسازی با آن، از مقوله‌های مهم روان‌شناسی معاصر دیده شده، مکاتب روان‌شناسی زیادی درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند».

سایت سلامتی نیز با اشاره به مقاله منتشره لئوناردو^۲ که در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷ در نشریه ساینس منتشر شده است، ذیل عنوان الگوپردازی کودکان، از اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فرارویشان یاد می‌کند.

مسأله الگو، الگویابی و جامعه‌پذیری نیز از مباحث مورد توجه در نظریات جامعه‌شناسی بوده است (هر چند جامعه‌شناسان مقوله الگوپردازی را گسترده‌تر از روان‌شناسان دیده و مسأله الگوگیری را در ابعاد اخلاقی تا فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی، گسترده دیده‌اند).

۱ - خواجه نصیرالدین طوسی (؟). اخلاق ناصری. به تصحیح مجتبی مینوی. ۱۳۶۵. تهران: خوارزمی.

۲ - هرگنهان، بی. آر. و السون، میتو، اچ. (؟). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف. چ ۱. ۱۳۹۶.

3 - Leonardo, J. (2017). When Adults Show Determination, Babies Copy. Massachusetts Institute of Technology, department of brain and cognitive sciences, Cambridge. *Science*, Sept. 22, 2017.

نقش پراهمیتی که الگوها در تربیت انسان‌ها و جوامع بشری دارند، سبب شده است که هم انسان‌ها و نهادهای نیک‌اندیش و هم انسان‌های بد و نهادهایی که در پی به تاراج بردن هستی انسان‌ها و جوامع بشری هستند، متوجه الگوها شده، منطبق با خواست خود به پردازش الگوهای مطلوب طبع خویش اقدام کنند. بالطبع از آنجا که انسان‌ها و نهادهای بدان‌دیش به صراحت نمی‌توانند با طرح الگوهای سیئه و ناپاک، دیگران را معطوف به خود کنند، می‌کوشند تا با پردازش الگوهایی به ظاهر ارزشمند و متعالی، انسان‌ها را با اتکاء به الگوهای به ظاهر جذاب، به سمت اهداف سوء خویش هدایت کرده و راهنمون سازند.

طبرسی در تفسیر مجمع البیان (؟، ترجمه محمد رازی، ۱۳۶۵)، در توضیح آیه ۲۳ از سوره نوح که ناظر بر مسأله الگوها است، به اشاره همین مسأله پرداخته است. به این معنا که طبرسی خاطر نشان می‌سازد، برخی از الگوها ممکن است دارای ویژگی‌های قابل توجهی باشند، اما در عمل انسان‌ها را به راه‌های نامناسبی سوق می‌دهند که اسباب سقوط و اضمحلال آنان و جوامعشان را فراهم می‌آورند. بررسی چگونگی پردازش الگوها در طول تاریخ بشر، بیانگر آن است که ورای الگوهای دینی که چند بعدی هستند، الگوهای عامی که در سطح جوامع بشری پردازش می‌شده‌اند، در ابتدا، تنها واجد یک ویژگی قابل ملاحظه بودند، مثلاً رستم کوهی از عضله بود، باربد و نکیسا، نوازندگی شگفتی داشتند، کئوپاترا از چهره زیبایی برخوردار بود و مانند آن‌ها. اما اهمیت تعیین کننده الگوها سبب شد تا بشر طی چند دهه اخیر، برای تحقق بیش از پیش اهدافش، رو به پردازش الگوهای فراگیرتر و قدرتمندتری بیاورد، از این رو با ادغام دو جریان ورزشی و هنری، در صدد پردازش الگوهایی دو بعدی برآمد. به عنوان مثال، آرنولد که چندین بار قهرمان پرورش اندام در سطح جهان شده بود، پا به عرصه هنر نهاد و در فیلم‌های سینمایی نقش آفرین واقع شد.

در موج جدید پردازش الگوها، به فرض اگر کسی علاقه‌مند به مسایل ورزشی بود، پای فیلم افرادی همچون آرنولد، استالونه، بروس لی و نظایر آن‌ها می‌نشست و فیلم آن‌ها را می‌دید و اگر کسی هم علاقه‌مند به هنر سینما بود، باز پای همان فیلم‌ها نشست و به کاربری از همان فیلم‌ها می‌پرداخت. بررسی روند پردازش الگوها در حال حاضر بیانگر آن است که اهمیت وافر الگوها، سبب شده است که برخی از نهادها و جریان‌های اجتماعی در پی محقق کردن بیش از پیش اهداف خودشان، در صدد پردازش الگوهای چند بعدی برآیند. از همین رو، روند پردازش الگوها پس از تبدیل الگوهای یک بعدی به دو بعدی، از حالت اخیر به پردازش الگوهای چند بعدی سوق یافته و ارتقاء پیدا کرده اند.

از جمله نهادهایی که در پردازش الگوهای چند بعدی موفق عمل کرده اند، می‌توان از کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت (کمپانی گروه کی‌پاپری بی‌تی‌اس) یاد کرد. این کمپانی در جریان شکل دادن به گروه خویش، از آغاز، پردازش الگوهای چند بعدی را مدنظر قرار داده و عملی ساخته است.

کمپانی بیگ‌هیت در گام نخست برای شروع فعالیت خویش، پسرانی «زیبا رو» را برای تشکیل گروه خود گزینش کرد. افراد زیباروی اخیر، طی سال‌ها کارآموزی در زمینه‌های خوانندگی، رقص، رسانه، بازیگری و مانند آن، هم‌زمان با اجرای آهنگ‌های خویش، به نمایش «رقصی پرهیجان» نیز می‌پردازند که نمایش دشوار اخیر از عهده افراد عادی خارج است.

پسران بی‌تی‌اس علاوه بر اجراهای پرهیجان و باشکوهی که دارند، با ارایه آهنگ‌هایی که ناظر بر مسایل و مشکلات دوران جوانی و جوانی افراد است، خود را به صورت «مدافع جوانان» به نمایش کشیده و با دادن رهنمود در مورد عصیان علیه ارزش‌های نسل بزرگسال خود را به صورت «گروهی روشنفکر» تثبیت کرده و با ارایه رهنمود در مورد چگونه ادامه دادن و چگونه زیستن در جهان دشواری که جوانان را دربر گرفته است، با طرح حمایت تام خویش از جوانان، خود را به صورت «منجی جوانان» مطرح می‌سازند.

۱ - کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، در سال ۲۰۱۰ گروه بی‌تی‌اس را شکل داد و با پا به عرصه نهادن این گروه در سال ۲۰۱۳ تا به حال، گروه بی‌تی‌اس به موفقیت‌های قابل توجهی در سطح جهان دست یافته است.

«مدیرعامل کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، بانگ شی - هیوک با این اندیشه که جوانان امروز نیازمند قهرمانانی هستند که بدون آن که آنان را از موضع بالا موعظه کنند، تکیه‌گاه آنان قرار گرفته و دست به همراهی با آنان بزنند» (ویکی‌پدیا)، به گروه بی‌تی‌اس (که با نام بنگتن بویز نیز شناخته می‌شود)، شکل داد.

شوگا یکی از اعضای ۷ نفره گروه بی‌تی‌اس نیز در مصاحبه‌ای خاطرنشان می‌کرد، ما برای آن که با مخاطبان خودمان همدلی ایجاد کنیم، در صدد بیان داستان‌هایی برآمدم که مردم تمایل به شنیدنشان داشتند، یعنی داستان‌هایی از عواطف و احساسات آنان و طرح اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و دردهای مردم، چیزی که دیگران کمتر به طرح آن‌ها می‌پرداختند.

اندیشه‌های اخیر سبب شد، گروه بی‌تی‌اس، فضایی نسبتاً متفاوت از گروه‌های پاپ کره‌ای را رقم بزند و در این مسیر با استقبال داخل و خارجی گسترده‌ای روبرو شود.

«رتبه اول آهنگ خون، عرق و اشک در تمامی جداول کره جنوبی، رتبه اول آهنگ نقشه روح: ۷، در صدر جداول ۱۰۰ آهنگ داغ و جدول بیلبورد ۲۰۰، شکستن رکورد پربیننده‌ترین نمایش اولیه یوتیوب و شکستن بیش‌تر از ۱۰۰ میلیون بازدید آهنگ طی ۲۴ ساعت پس از انتشار و دریافت ۱۲ جایزه در جشنواره موسیقی بیلبورد، تنها قسمتی از دستاوردهای قابل توجه گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌روند» (ویکی‌پدیا). تبدیل شدن اعضای گروه به الگوی بسیاری از نوجوانان و جوانان از دیگر دستاوردهای گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت است.

اما کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن، ورای دستاوردهای قابل توجه اخیر، از ابعاد ناشناخته‌ای نیز برخوردارند که مجموعه حاضر کوشیده است تا با مصاحبه میدانی با طرفداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس، از آن‌ها پرده بردارد و در کنار ارزیابی موفقیت‌های جهانی اخیر، اهداف آشکار و پنهان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی - عقیدتی، روان‌شناختی و زیباشناختی کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن را عمیق‌تر واکاوی کند.

از سوی دیگر پسران گروه بی‌تی‌اس، هم‌زمان با تلاش در جهت ارایه تولیدهایی برای «پرکردن فراغ‌بال هواداران و سرگرم کردن آنان»، دست به «ایجاد روابطی عمیق با هواداران» زده، به فرض شعار می‌دهند: «اگر شما هیچ پناهی ندارید، ما در سؤال در اندیشه شما هستیم و شما می‌توانید ما را همواره پشتیبان و یاور خودتان ببینید».

اقدام‌های «نوعدوستانه و به ظاهر نوعدوستانه» گروه بی‌تی‌اس از سویی و «فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی» آنان از سوی دیگر، جذابیت‌های دیگری هستند که گروه کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت از آن برخوردار است و در نهایت، پسران با پرهیز از ازدواج و یا حتی گذاشتن یک قرار ملاقات با جنس مخالف، به شکل غیرمستقیم خود را به صورت «عشق» و «همسر بالقوه مخاطبان دختر» خویش مطرح می‌سازند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس را به صورت الگوهای چند بعدی (زیبا، سرشار از هیجان، با صدایی زیبا، نوعدوست، با توجهات اجتماعی-سیاسی، روشنفکر، منجی جوانان و مانند آن) مطرح می‌سازد که شاید در طول پردازش الگوهای بشری، مشابه آن‌ها یافت نشود. بررسی شواهد میدانی در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس، حکایت از اثرگذاری فوق‌تصور این گروه بر مخاطبان خویش، خاصه هواداران مؤنث، دارد.

بررسی‌های مقدماتی پژوهشگر و دانشجویانش در زمینه شناخت اثرات گروه بی‌تی‌اس بر هوادارانش، بیانگر آن است که گاه تشکل‌های هواداری قدرتمندی در سطح طرفداران گروه بی‌تی‌اس شکل گرفته است که به فرض با عرضه ۸ ساعت ویدیوی سفر سالانه پسران بی‌تی‌اس (بن ویاژ) در فضای مجازی، تنها یک گروه ۳۰ نفره مترجم از یک تشکل هواداری، هم‌زمان تمامی شب روی ترجمه فیلم‌های پسران گروه کار می‌کنند و با اتمام ترجمه، محتوای تهیه شده را به دست ویراستاران گروه سپرده، می‌خوانند تا جمع ویراستارها نیز پس از ویرایش نهایی متن تهیه شده، آن را برای بارگذاری به دست جمع سوم تیمشان بسپارند و خودشان به استراحت پردازند و گروه بارگذاری نیز بلافاصله، با بارگذاری محتوای تهیه شده در فضای مجازی، آن را به دست خیل هواداران گروه بی‌تی‌اس می‌رساند. به همین ترتیب در موارد متعددی مشاهده شده است که برخی از هواداران، با نشر آهنگ‌های جدید بی‌تی‌اس، برای آن که آهنگ گروه مورد علاقه‌شان در سایت‌های مطرح موسیقیایی جهان، از رتبه بالایی برخوردار شود و یا جوایز انتخاب‌های مردمی را ببرند، «به شکل ۲۴ ساعته شروع به گوش کردن آهنگ مورد نظر کرده» یا «به کار رأی دادن پرداخته‌اند» تا به این ترتیب با افزایش دفعات کاربری از آهنگ مورد نظر، میزان آرای آن (استریمینگ) افزایش یافته، رتبه بالایی را در سایت‌های مطرحی مانند بیلبورد، اسپاتیفای و نظایر آن‌ها به دست بیاورند یا جوایز انتخاب‌های مردمی را از آن خود سازند.

یکی از دانشجویان نگارنده، در گزارش خویش خاطرنشان می‌ساخت، وقتی وی برای گردآوری داده‌های مورد نظرش، به یکی از دبیرستان‌های دخترانه مراجعه کرده بود، ملاحظه کرد، قریب به نیمی

از دانش‌آموزان مدرسه گریه می‌کنند و وقتی وی با شگفتی جوپای این امر شده بود که آیا کسی از کادر آموزشی شما در گذشته است که شما این چنین بی‌تابی می‌کنید، دانش‌آموزان به وی پاسخ داده بودند که «نه، جین - یکی از پسران عضو بی‌تی‌اس - به سربازی رفته است!»

دختران زیادی در جریان مصاحبه‌های خودشان اظهار می‌داشتند: «حاضرند جانشان را برای پسران گروه بدهند»، «در مواجهه با نفرت پراکنان گروه‌های رقیب، دچار حمله ترس (پنیک) شده‌اند»، «حاضر است کلیه‌اش را بفروشد و بهای آن را برای یک شب به سر بردن نزد جیمین، ببردازد»، «سر این که فلان آیدول (ستاره)، شوهر من است، با دیگر دانش‌آموزان به دعا و مرافعه و گیس و گیس‌کشی در مدرسه پرداخته‌اند»، «سفارش تهیه داستان‌های هرزنگار (فن‌فیکشن‌های اسمات) با محوریت خود و یکی از پسران گروه را به افرادی که از قلم‌گیری برخوردارند، داده‌اند»، «خانواده خودشان را تهدید کرده‌اند که آن‌ها را به کره جنوبی (موطن بی‌تی‌اس) بفرستند، وگرنه خودکشی خواهند کرد»، «دست به برگزاری گرهمایی (میتینگ)های بزرگ با حضور ادمین کانال‌های بی‌تی‌اس، ادمین صفحات بی‌تی‌اس، کلسیونرهای (کالکشنرهای) بی‌تی‌اس، داستان‌نویس‌ها (فن‌فیک یا فن‌فیکشن)های بی‌تی‌اس و هواداران (فن‌های) ساده، برای تجلیل از پسران گروه در ایران زده‌اند»، «دست به تمرین ۵-۶ ساعت رقص در روز می‌زنند تا حداقل به عنوان رقاصان پس‌صحنه اجرای بی‌تی‌اس پذیرفته شوند»، «با شنیدن شایعه رابطه ستاره مورد علاقه‌شان با یک دختر، به اندیشه خودکشی افتاده‌اند» و «به گونه‌ای حرف می‌زنند که انگار با ستاره مورد نظرشان ازدواج کرده‌اند» و یا حتی «داعیه باردار شدن از ستاره مورد نظرشان را دارند».

بررسی میدانی مقدماتی گروه پژوهش دلالت بر آن داشت که دانش‌آموزان قابل توجهی (حتی در مقطع دبستان) فراگیری خودآموز زبان کره‌ای را شروع کرده، برخی در حدی با این زبان آشنا شده‌اند که به راحتی متن‌های به زبان کره‌ای را ترجمه کرده و یا اصولاً صفحه اینستاگرامی خویش را با نوشتار کره‌ای اداره می‌کنند.

فروش بالای کتاب‌های آموزش زبان کره‌ای (پس از کتاب‌های زبان انگلیسی) در جامعه، شاهد مثال بارز دیگری در موفقیت گروه‌های کی‌پاپ و خاصه گروه بی‌تی‌اس در سطح نوجوانان و جوانان جامعه است و این در حالی است که وقتی دانش‌آموزان دبیرستانی، روی صفحه رایانه‌های مدرسه‌شان، تصویر اعضای ۷ نفره پسران گروه بی‌تی‌اس را می‌گذارند، اولیای آموزشی مدرسه یا آن‌ها را نمی‌شناسند و یا به سادگی از کنار علت و دلیل این امر، عبور می‌کنند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، نگارنده را بر آن داشت تا در جهت روشنگری در امر تحول‌های پدید آمده در پردازش الگوها در جهان معاصر اقدام کند که در پی این امر با همراهی دانشجویانش، به پژوهش در این جهت پرداخت!

۱- درباره روش پژوهش حاضر باید بیان داشت که در این تحقیق، روش پژوهش، روش کیفی بوده است.

گاهی پژوهش‌گران حوزه‌های انسانی با مسأله‌ها و پرسش‌هایی رو به رو می‌شوند که امکان پاسخ‌گویی آن‌ها با کمک روش‌های معمول پژوهش میسر نیست. معمولاً در این پرسش‌ها مؤلفه‌ها و مفاهیمی وجود دارد که نمی‌توان به راحتی آن‌ها را تعریف کرد، یا سابقه‌ای از موارد مشابه آن‌ها در متون قبلی وجود ندارد و بر این اساس نمی‌توان فرضیه‌ای تدوین کرد و در نتیجه نمی‌توان به آزمون فرضیه پرداخت. پژوهش کیفی برای پاسخ به شرایط اخیر، مناسب‌ترین گزینه است.

اجرای پژوهش کیفی فرآیندی غیرخطی است و قسمت‌های مختلف آن بیش از آن که در پی یکدیگر قرار گیرند، در کنار هم قرار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، در پژوهش کیفی هم‌زمان با گردآوری داده‌ها تحلیل نیز آغاز می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهش‌گر به نقطه اشباع برسد. منظور از نقطه اشباع زمانی است که می‌توان از کیفیت و کفایت (بسنده‌گی) داده‌های گردآوری شده برای رسیدن به تحلیلی دقیق اطمینان یافت.

رویکرد پژوهش کیفی در این پژوهش روش داده‌بنیاد بود. روش داده‌بنیاد، روش مناسبی برای پژوهش در حوزه‌هایی است که دانش اندکی درباره آن‌ها در دسترس است.

نظریه‌پردازان نظریه داده‌بنیاد، سعی بر آن دارد که درکی از فرایندهای مرتبط با موضوع‌های بنیادی به وجود آورند. در همه پژوهش‌های کیفی محقق باید یافته‌های خود را که بیش‌تر جنبه تفسیری دارند، بدون تکیه بر روش‌های آماری، به نحو متقاعد کننده‌ای گزارش کنند.

معمولاً کتاب‌های روش تحقیق کیفی در مورد حجم نمونه مورد بررسی ارقام ۸، ۱۲ و یا ۲۰ مصاحبه کیفی عمیق را در مورد مسأله مورد بررسی پیشنهاد کرده‌اند که به زعم پژوهش‌گر، این ارقام به چند دلیل در ایران درست جواب نمی‌دهند.

دلیل نخست را می‌توان در تفاوت روند جامعه‌پذیری در غرب و در ایران خلاصه کرد، به این معنا که به نظر می‌رسد روند جامعه‌پذیری در ایران، روندی دشوار و بعضاً متناقض است، در حالی که در غرب چنین نیست. به عنوان مثال، آنچه خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در ایران به کودک یا جوان القا می‌کنند، خط‌مشی‌هایی ناهمگون است. به تعبیر دیگر، در ایران اولیا از فرزند می‌خواهند، وی تنها به فکر بیرون کشیدن گلیم خویش از آب باشد، اولیای آموزشی در مدرسه به دانش‌آموز مستقیم و غیرمستقیم القا می‌کنند که وی باید ایثار، جهاد و شهادت را در دستور کار خود داشته باشد و سرانجام همین فرد در جامعه شاهد آن است که فساد اقتصادی در جامعه شکل نظام‌مند به خود گرفته و بسیاری از مسوولان و نزدیکان آنان در زمینه رانت‌خواری با یکدیگر مسابقه نهاده‌اند، از این رو روند جامعه‌پذیری در ایران با دشواری و تنگنا پیش رفته و محقق می‌گردد، در حالی که نهادهای خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در غرب، در غالب موارد به گونه‌ای یک‌دست و هماهنگ عمل می‌کنند.

دلیل بعدی احتیاط در افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی در ایران را باید در عدم حمایت مالی بسیاری از پژوهش‌ها در ایران دید. به این معنا که به فرض در غرب، پژوهش‌گر خود را موظف می‌داند، در برابر گرفتن وقت مصاحبه‌شونده، با پرداخت وجهی، قردرانی لازم را از همکاری و صرف وقت فرد مصاحبه شده انجام دهد، در حالی که این امکان در ایران، در غالب موارد میسر نیست و همین مسأله سبب می‌شود، مصاحبه‌شوندگان به ویژه در پژوهش‌های کیفی که مستلزم صرف وقت کافی است، حاضر به صرف وقت مناسب نشده، مصاحبه خود را زودتر از حد لازم به پایان برسانند. ترس سیاسی پاسخ‌دهندگان در محیط ایران - که البته در این پژوهش به میزان نسبتاً کمی مطرح بود- و بی‌حوصلگی، عدم تمرکز و پاسخ‌های بعضاً متعارض پاسخ‌دهندگان - که در پاسخ‌دهندگان کم سن، طبیعی است- از دیگر مشکلات پژوهش کیفی به شمار می‌روند.

روند تهیه مجموعه حاضر به این ترتیب بود که نگارنده، پس از آموزش مقدماتی روش کیفی داده بنیاد به دانشجویانش در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، و پس از ارایه برخی از اطلاعات اولیه در مورد اهمیت الگوها و چگونگی پردازش الگوهای گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی بیگ‌هیت به دانشجویان، از آنان می‌خواست تا در برخورد با هواداران این گروه، دست به مصاحبه عمیق با آنان بزنند و دیدگاه‌های آنان در ارتباط با فراز و فرودهای کمپانی بیگ‌هیت، گروه بی‌تی‌اس و هواداران این گروه را جویا گردند.

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های انجام شده از نمونه‌های در دسترس بهره جسته، اما در شهرهای مختلف ایران صورت پذیرفته است. شرط انجام مصاحبه نیز هواداری و شناخت کافی از گروه بی‌تی‌اس بود.

سازمان‌بندی اولیه پژوهش حاضر، شامل «بررسی ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت (کمپانی مالک گروه بی‌تی‌اس)»، «بررسی ابعاد آشکار و پنهان گروه پسران بی‌تی‌اس» و «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» بود.

پس از گردآوری اطلاعات میدانی لازم، اطلاعات گردآمده، در دو زیر مجموعه ارایه گردیدند. زیر مجموعه نخست، شامل مصاحبه‌های انجام شده حول محورهای «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» (۲۳ مصاحبه)، «ابعاد آشکار و پنهان گروه بی‌تی‌اس» (۱۲ مصاحبه) و «ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت» (۱۲ مصاحبه) بود که پس از درج کامل اظهارات دانش‌آموزان و دانشجویان^۱ مصاحبه شده، در یک بررسی کیفی مقدماتی با روش داده بنیاد، جمع‌بندی لازم در مورد موضوع پژوهش، صورت پذیرفته است.

در زیر مجموعه دوم، اولاً با توجه به فیش‌های گردآوری شده از تمامی مصاحبه‌های انجام شده (۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده در پژوهش) و ثانیاً با تحلیل برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و ثالثاً با

مسائل اخیر سبب می‌شود، پژوهش‌گران ایرانی برای وقوف کامل به پدیده کیفی مورد نظر، آمار مصاحبه‌های عمیق خویش را افزایش دهند، همان‌گونه که در پژوهش حاضر، تعداد مصاحبه‌های مورد نظر برای گردآوری داده‌های تحقیق، بیش‌تر از موارد توصیه شده در کتاب‌های پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است.

۱ - با توجه به سرعت تحولات اجتماعی از سویی و بی‌عنایتی به بررسی‌های پژوهشی در مورد مسائل انسانی - اجتماعی جامعه، در کلان نظام دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی کشور، درج مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق، واجد این مزیت هست که ترسیمی هر چند نسبی از تحول‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی و سیاسی آنان را به دست می‌دهد و اگر چه نگارنده در انتهای کتاب‌های یاد شده، با اتکاء به همین مصاحبه‌ها، دست به جمع‌بندی‌های لازم زده و بر همان مبنای، به ارایه رهنمود اقدام ورزیده است، اما این مصاحبه‌ها می‌توانند به عنوان یک ماده خام، مورد استفاده سایر پژوهشگران انسانی - اجتماعی قرار گیرند. از این رو ارایه کامل مصاحبه‌های انجام شده، در برهوت تحقیقاتی ایران، به نظر می‌رسد، ابداع ارزشمندی باشد که به دیگر پژوهشگران مسایل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نوجوانان و جوانان در فهم بهتر تحول‌های نسل‌های جدید ایران، یاری خواهند رساند.

استعانت از محدودی از پژوهش‌های انتقادی انجام شده در مورد گروه بی‌تی‌اس و برخی از منابع مربوط به تحول‌های نوجوانان و جوانان، موضوع‌های مورد نظر پژوهش، به شکل عمیق‌تری مورد بررسی قرار گرفتند و به این ترتیب کتاب‌های زیر مجموعه دوم، تدوین گردیدند. به تعبیر دیگر، زیر مجموعه نخست، بیش‌تر سنخ یک تحلیل داده بنیاد اصیل را دارد که بدون اتکاء به اطلاعات دیگر و صرفاً مبتنی بر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، به ارایه جمع‌بندی لازم پرداخته است، اما در زیر مجموعه دوم، سنخ تحلیل کیفی انجام شده، بیش‌تر متمایل به روش کیفی سه سویه‌سازی است که در آن اطلاعات حاصل از جمعیت تحقیق، با اطلاعات حاصل از محدود اسناد و مدارک موجود و نظریات دیگر پژوهشگران در زمینه موضوع پژوهش، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته اند.

مجموعه حاضر شامل ۱۴ جلد کتاب است، عناوین کتاب‌های زیر مجموعه نخست به قرار زیرند:

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره اعضای این گروه (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره هواداران این گروه (۳ جلد)

عنوان‌های کتاب‌های زیر مجموعه دوم به شرح زیر است:

- بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

- بررسی اهداف آشکار و پنهان گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

- بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۳ جلد).

کتاب حاضر دارای یک مقدمه و ۸ فصل است.

در مقدمه کتاب، ضمن اشاره به روش‌شناسی پژوهش، دورنمایی کلی از مباحث مطرح در مجموعه ۱۳ جلدی حاضر ارایه شده است.

فصل‌های بعدی کتاب که ماحصل جمع‌بندی ۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده با هواداران گروه بی‌تی‌اس - اس درباره ابعاد مختلف و فراز و فرودهای کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی است، کوشیده است تا دورنمایی از اقدام‌های کمپانی در ارتباط با راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس و اهداف آشکار و پنهان کمپانی را به دست بدهد.

با بررسی موضوع‌های مطرح شده توسط هواداران مصاحبه شده، محورهای کلی زیر مشخص شدند: «بسترهای اولیه پردازش گروه بی‌تی‌اس»، «پردازش گروه بی‌تی‌اس»، «ارایه محتواهای جذاب توسط گروه»، «پردازش پرهیجان و پرشکوه صحنه‌های اجرا»، «تبلیغات کمپانی هایب برای گروه بی‌تی‌اس»، «بخشیدن وجهه اجتماعی - سیاسی به گروه بی‌تی‌اس»، «ایجاد ارتباط عمیق بین ستاره‌ها (آیدول‌ها) و هواداران» و سرانجام «اهداف کلی کمپانی هایب» در جریان راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس.

پس از مقدمه، فصل نخست کتاب به بحثی اجمالی با عنوان «بسترهای اولیه پردازش گروه بی‌تی‌اس» پرداخته است. در این بحث خاطر نشان شده است که دولت کره پس از استقلال یابی، به جدّ به دنبال به دست آوردن قدرت در ابعاد مختلف، از جمله قدرت فرهنگی برآمد و با ایجاد موجی با عنوان موج کره‌ای، با سرمایه‌گذاری در صنعت سینما و موسیقی، به دنبال تحقق خواست خود برآمد. این بسترسازی در عمل بستر اولیه برای شکل‌گیری گروه بی‌تی‌اس و گروه‌های مشابه آن بود.

در فصل دوم کتاب با عنوان «پردازش گروه بی‌تی‌اس»، خطامشی نسبتاً متفاوت و خلاق کمپانی بیگ‌هیت در راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس مورد توجه قرار گرفته است.

کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت در جریان جذب کارآموز و تبدیل آن‌ها به ستاره‌هایی (آیدول‌هایی) برای مخاطبان داخلی و جهانی خویش، با اعمال استانداردهای متعددی دست به انتخاب افرادی خاص زده است و در جریان آموزش‌های خویش و البته قراردادهایی که بین خود و آنان منعقد کرده است، از کارآموزان خویش ربات‌هایی ساخته است که بدون هر گونه چون و چرا و اعتراضی، منویات مسوولان کمپانی را محقق سازند، حتی اگر این منویات شأن انسانی آنان را زیر سوال ببرد و یا اسباب مشکلات روانی و افسردگی آنان را فراهم سازد.

کمپانی بیگ‌هیت پس از تربیت کارآموزانی که همچون ربات در خدمت تحقق اهداف وی هستند، با طرح جذابیت‌های بی‌شماری، هواداران گروه بی‌تی‌اس را عمیقاً با ستاره‌های (آیدول‌های) خویش درگیر کرده است و هواداران نیز با توجه به آن که اعضای گروه به توان دو در خدمت آنان درآمده‌اند، بعضاً می‌کوشند تا به توان دو به ستاره‌های مورد علاقه خویش پاسخ داده و از آنان طرفداری به عمل بیاورند. در این میان کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت با توجه به اثرگذاری فوق‌تصوری که گروه بی‌تی‌اس وی در اذهان مخاطبانش ایجاد کرده است، در صدد بهره‌برداری از شرایط اخیر برآمده است و ضمن کسب منافع اقتصادی قابل توجه، اهداف دیگر خویش را که در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، عقیدتی و زیباشناختی گسترده است، پی گرفته است.

در عنوان «پردازش گروه بی‌تی‌اس»، نخست از شناخت دقیق تحول‌های نوجوانی و جوانی توسط کمپانی یاد شده است. به این معنا که در دوره نوجوانی، ضمن بهم خوردن چرخه‌خواب نوجوانان، تحول‌های مغزی آنان نیز قابل توجه است. تحول‌های اخیر که غالباً از سوی اولیا و اولیای آموزشی شناخته شده نیستند، موجبات اختلاف نظر و تکدر خاطر نوجوانان و اولیا از یکدیگر را به دنبال دارد.

مسوولان کمپانی بیگ‌هیت با شناخت تحول‌های زیستی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی، زیباشناختی و سیاسی - اقتصادی و عقیدتی نوجوانان و جوانان وارد صحنه شده، می‌کوشند تا با تولیدهای خویش در عمل به نوجوان و جوان سردرگم در تحول‌های بلوغ کمک کرده و خود را معین عمل وی معرفی سازند.

از سوی دیگر مسوولان کمپانی هایب با تشکیل گروهی که اعضای آن در عین جوان بودن، از جذابیت فیزیکی بالایی برخوردار بوده، در رقص و خوانندگی نیز دست برتری دارند، می‌کوشد تا اقشار نوجوان و جوان جامعه را از طریق این گروه جذب خویش کند.

اعضای گروه که غالباً در سنین پایین به عنوان کارآموز جذب کمپانی می‌شوند، پس از امضای قراردادهایی غالباً یک‌طرفه وارد دوره آموزشی خویش می‌گردند.

طبق قراردادهای منعقد، اعضای گروه به میزان زیادی از خانواده منفک شده و بدون آن که اجازه قرار ملاقات و یا ازدواج با جنس مخالف‌شان را داشته باشند و بدون آن که اجازه انتخاب رنگ مو، پوشش، چگونگی تغذیه خویش و مانند آن‌ها را داشته باشند، وارد آموزش‌های دوره خودشان می‌شوند. استفاده از برنامه سفیدکردن پوست بدن (وایت واشینگ) برای ستاره‌ها (آیدول‌ها)، الزام به تبعیت از بازی‌های رسانه‌ای (مدیا پلی)، الزام به تبعیت از تماس بدنی (اسکین شیپ) در جریان اجراها توسط ستاره‌ها، الزام به همکاری در تهیه لحظات جذاب (مومن‌ها)، الزام به عدم طرح گرایش جنسی خویش، الزام به تبعیت از رژیم‌های غذایی خاص و الزام به جهت‌گیری‌های سیاسی طبق نظر کمپانی، از دیگر مواردی است که آیدول‌ها باید طبق نظر کمپانی، به تحقق آن بپردازند.

ماحصل آموزش‌ها و الزام‌های پذیرفته شده از سوی کارآموزان و ستاره‌ها، به تربیت افرادی می‌انجامد که بدون آن که اختیاری از خود داشته باشند، بسان یک ربات، در خدمت اوامر و نواهی کمپانی هستند. فصل بعدی کتاب با عنوان «ارایه محتوای جذاب»، ناظر بر ارایه محتواهایی است که به نوجوانان و جوانان سردرگم، انگیزه بخشیده، به تشویق آن‌ها می‌پردازد که فردا متعلق به آنان است. کمپانی و گروه وی، مضاف بر امید و انگیزه دادن به مخاطبان، با استفاده از برخی از محتواهای فلسفی و روان‌شناختی در آهنگ‌ها، طرح پازل‌گونه برخی از مفاهیم در آهنگ‌های مختلف و اجرای بعضی از آهنگ‌ها در مکان‌های تاریخی و هنری، بر عمق محتوا و جذابیت اجرای اعضای گروه بی‌تی‌اس می‌افزاید.

اظهارات افراد مصاحبه شده ذیل عنوان «پردازش پرهیجان و پرشکوه صحنه‌های اجرا»، در بردارنده این محتوا است که مضامین تهیه شده کمپانی هایب، در جریان اجرا، با آمیخته شدن با مواردی نظیر رقص، رنگ موهای متنوع ستاره‌ها، پوشش متفاوت ستاره‌ها، آرایش نسبتاً زنانه اعضای گروه بی‌تی‌اس، نورپردازی‌های گسترده، رقاصان پس صحنه و بسیاری از موارد مشابه، صحنه‌های پرهیجان و پرشکوهی را پدید می‌آورند که ناظران این صحنه‌ها، از شدت هیجان خود را نیازمند آن می‌بینند که به شکل ایستاده صحنه اجرای گروه را پیگیری و تعقیب کنند.

فصل پنجم کتاب با عنوان «تبلیغات کمپانی برای گروه بی‌تی‌اس» ناظر بر این مسأله است که کمپانی برای دادن برد اثر بیش‌تر به گروه بی‌تی‌اس، ضمن تلاش در جهت بین‌المللی کردن این گروه، با برگزاری جشن‌های پرشکوه در تولد ستاره‌ها یا برگزاری جشن سالگرد راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس (جشن فستا)، راه‌اندازی خبرگزاری‌های رسمی و غیررسمی (نظیر دیسپچ)، نمایش کمک ستاره‌ها به مراکز

خبریه، عرضه زیورآلات مربوط به گروه و مانند آن‌ها، کوشیده است تا گروه بی‌تی‌اس را بیش از پیش در اذهان شهروندان کره‌ای و شهروندان دیگر نقاط جهان طرح ساخته و جا بیاندازد.

عنوان «بخشیدن وجهه اجتماعی و سیاسی به گروه»، بیانگر این مسأله است که اعضای گروه بی‌تی‌اس با مساعدت و همکاری کمپانی و مقامات سیاسی جامعه‌شان، در مجامعی مانند یونیسف و سازمان ملل، ظاهر شده و یا با رئیس‌جمهور امریکا ملاقات و دیدار داشته‌اند، بالطبع موارد این چنینی، در کنار خوانندگی گروه، صبغه‌ای اجتماعی و سیاسی نیز به آنان خواهد داد.

عنوان «ایجاد ارتباط عمیق بین ستاره‌ها و هواداران» حکایت از تمهیدات مختلف و متعدد کمپانی گروه بی‌تی‌اس برای تعمیق رابطه بین ستاره‌ها و هواداران آن دارد. برنامه‌هایی مانند: تکریم هواداران از سوی ستاره‌ها، روز هواداران، تهیه برنامه ران بی‌تی‌اس، تهیه برنامه بن وایژ (بن ویاچ)، تهیه برنامه بی‌تی‌اس این دِ سوپ، برگزاری فن میتینگ، برگزاری فن ساین، تهیه ولاگ از زندگی ستاره‌ها، برگزاری منشن پارتی، استریم پارتی (استریمینگ)، ترندینگ (هشتگ‌گذاری در تویتر - ایکس-)، ایجاد فندوم، فن سرویس، راه‌اندازی مرکز عشق و مثبت نگری، تهیه فتوبوک، داستان‌نویسی در ارتباط با ستاره‌ها (فن فیک یا فن فیکشن)، تهیه داستان‌های تک‌صحنه (وان‌شات)، طراحی وسایل بی‌تی ۲۱، عرضه وسایل طراحی شده توسط ستاره‌ها به هواداران و برگزاری برنامه‌های زنده - لایوهای - فردی و جمعی، از جمله مواردی هستند که مانع از یاد رفتن ستاره‌ها بین دو اجرایشان (که ممکن است چندین ماه به درازا بیانجامد) می‌شوند.

در مورد «اهداف کمپانی بیگ‌هیت» می‌توان بر مبنای یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، این اهداف را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی، اخلاقی، زیست‌محیطی، زیباشناختی و روانی طبقه‌بندی کرد.

اهداف اقتصادی کمپانی را می‌توان در مواردی مانند: کسب سود بیش‌تر و بیش‌تر، تبلیغ غیرمستقیم نظام سرمایه‌داری، تبلیغ برندهای جهان سرمایه‌داری، تبدیل اعضای گروه به بلاگر و ترغیب هواداران به مصرف‌گرایی بیش‌تر و بیش‌تر مشخص کرد. اما در کنار کسب سود بیش‌تر و بیش‌تر، اهداف فرهنگی کمپانی را می‌توان در مواردی مانند: جنسیت‌زدایی در عشق، آرایش و پوشش؛ صحه نهادن بر فرهنگ برهنگی، به نمایش نهادن قدرت فرهنگی کره، ترغیب افراد به سفر و مهاجرت به کره، ترویج زبان کره‌ای و اثرگذاری در عادات تغذیه هواداران، مشاهده کرد.

اهداف اجتماعی کمپانی را می‌توان در مواردی نظیر: الگوبرداری هواداران از ستاره‌ها - در ابعاد صوری و ظاهری، رفتاری و ارزشی-، تحقق جهانی شدن و شهروندی جهانی، جابه‌جاسازی سبک زندگی تکلیف‌مدار و قناعت‌پیشه به سبک زندگی لذت‌مدار و مصرف‌زده و تبلیغ فردگرایی مفرط، ملاحظه کرد.

از منظر مصاحبه شونده‌گان، اهداف سیاسی کمپانی را می‌توان در مواردی مانند: ستایش نظام سرمایه‌داری و پذیرش اندیشه‌های ایلومیناتی ملاحظه کرد.

برخی از افراد شرکت کننده در مصاحبه‌های انجام شده، معنویت‌زدایی و استقبال از نمادهای شیطان-پرستی را جلوه‌هایی از اهداف عقیدتی کمپانی بیگ‌هیت اینترنتینمنت معرفی کرده بودند. از سوی پاسخ دهندگان، عنوان اهداف اخلاقی کمپانی ناظر بر جابه‌جایی اخلاق تکلیف‌مدار با اخلاق لذت‌مدار، تبلیغ اخلاق نسبت‌گرا، حمایت از اقلیت جنسی -ال‌جی‌بی‌تی‌کیو- و برتر دیدن نژاد سفید است.

اگر چه کمپانی به صراحت از اهداف زیست‌محیطی خویش حرفی به میان نیاورده است، اما به نمایش نهادن اوج مصرف‌گرایی ستاره‌ها و ترغیب هواداران در این جهت، مواردی خلاف اهداف زیست‌محیطی به شمار می‌آیند که در سطح اعضای گروه بی‌تی‌اس و هواداران‌شان قابل مشاهده است. مصاحبه شونده‌گان دیگری دامن زدن به برهنگی، استقبال مردان از آرایش‌های زنانه و تشویق غیرمستقیم استانداردهای زیبایی مدنظر کمپانی بیگ‌هیت را از اهداف زیباشناختی این کمپانی بر شمرده بودند.

سرانجام اهداف روانی مدنظر کمپانی را برخی از مصاحبه شونده‌گان در توهم زده کردن هواداران، مصرف‌زده بار آوردن هواداران، تربیت هیجان‌مدار هواداران، القای هویت ربات مانند (رباتیک)، طرح هویت مرزی جنسی و نظایر آن خلاصه کرده بودند.

مجموعه ویژگی‌های که بر شمرده شدند، هواداران را می‌توانند تبدیل به افرادی مصرف‌کننده، فردگرا، شهوت‌زده و ربات مانند می‌کنند که به بهترین شکل ممکن اهداف نظام سرمایه‌داری را تأمین سازند.

این اثر در دو جلد ارائه گردیده است. جلد نخست شامل مقدمه، و فصل‌های «بسترهای اولیه پردازش گروه بی‌تی‌اس»، «پردازش گروه بی‌تی‌اس»، «ارایه محتواهای جذاب توسط گروه»، «پردازش پرهیجان و پرشکوه صحنه‌های اجرا» و «تبلیغات کمپانی هایب برای گروه بی‌تی‌اس» است.

جلد دوم این اثر شامل دیگر فصل‌های یاد شده («بخشیدن وجهه اجتماعی- سیاسی به گروه بی‌تی‌اس»، «ایجاد ارتباط عمیق بین ستاره‌ها (آیدول‌ها) و هواداران» و سرانجام «اهداف کلی کمپانی هایب» در جریان راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس) است.

در خاتمه باید از دانشجویان محترم کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که در امر پژوهش میدانی گسترده تحقیق، به نگارنده یاری رسانده و وی را رهین منت خویش کردند، سپاس‌گزاری داشته باشم. عزیزان همکار در تهیه مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

آتنا رعیتی، آلا سیاحی، امیرحسین عمویی، پرنیان بحرینی، پریسا عزیزآبادی فراهانی، پویان عزتی‌زاده، پیمان اصغری، ثمین مرادی، جواد بشردوست، حانیه یاسمن، درناز دشتی‌زاده، زهرا بزرگی، زهرا خجوی، زهرا قاضی زاهدی، زینب‌سادات موسوی، ساجده فرخی، ستاره ورزشی، سعید علوی، سینا

هداوند، صدف سادات حقیقت‌زاده، عارفه جامه بزرگ، عسل یمینی، علی امینی، علی دراج، علی شهباز، فاطمه ایمانی، فاطمه رضانی، فاطمه سیادت، فاطمه قلی‌زاده، فاطمه کرمی‌زاده، فاطمه یاری‌سعدی، مایده طاهری، مایده واعظی، مبینا رهگشای، مجید طهماسبی، محمدحسین دستورانی، محمدکاظم آذرکمان، مرضیه حمیدی، مرضیه دمرچی‌لو، مریم حسینی، مریم خوانساری، مریم فرشاد، مریم قربانی، معید مطهری، ملیکا ابراهیمی، مهتا شیردل، مهرگان نظام اسلامی، مهسا فرمانی، مهشید محمدلو، مهناز سرمستی، المیرا داودخانی، المیرا قاسمی، میرمحمد مشرقی، مینا مردای تبار، نرجس رحمتی، نسرین جعفری، نگین شهریاری و نیکا مهدی‌زاده.

زحمت تایپ کتاب نیز بر عهده خانم اکرم مظاهری بود که از ایشان نیز تشکر و قدردانی می‌گردد.
اجرشان مأجور باد.

۱- بسترهای اولیه پردازش گروه بی‌تی‌اس

جنبش استقلال‌طلبی کره در سال ۱۹۴۸ به سرانجام رسید و توانست بعد از ۳۸ سال به استعمار ژاپن پایان دهد. کره‌ای‌ها بعد از به استقلال رسیدن کشورشان، به سرعت برای پیشرفت کره جنوبی دست به کار شدند. آنان می‌خواستند علاوه بر پیشرفت علمی، فرهنگ خود را به دنیا نشان دهند. کیم‌گو، یکی از رهبران جنبش استقلال‌طلبی کره که بعدها به مقام ریاست جمهوری این کشور هم رسید، در یکی از سخنرانی‌های مشهور خودش در این باره می‌گوید:

«من می‌خواهم کشورمان زیباترین کشور دنیا باشد، ولی منظور از زیباترین، قدرتمندترین نیست. چرا که ما درد و رنج حمله و تسخیر را چشیده‌ایم و من نمی‌خواهم ملت دیگری، این رنج و درد را تحمل کند. ثروت، به اندازه‌ای که فراوانی برایمان بیاورد، کافی است. قدرت، به قدری که جلوی حمله کشورهای دیگر را بگیرد، کافی است. تنها چیزی که هیچ‌وقت کافی نیست، قدرت فرهنگ غنی کشور است. قدرتی که در فرهنگ است، هم می‌تواند ما را خوشحال می‌کند و هم خوشحالی را برای کشورهای دیگر به ارمغان ببرد».

کره‌ای‌ها با تفکر اخیر از سال ۱۹۵۰ برای اشاعه فرهنگ‌شان به دیگر کشورها برنامه‌ریزی کردند و دولت سعی کرد که سرمایه‌داران را به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فرهنگی تشویق کند. اما در سال ۱۹۹۴، اتفاقی افتاد که کره‌ای‌ها را در راستای تصمیم اخیر مصمم‌تر کرد. در این سال، گزارشی به رئیس‌جمهور ارایه شد که نشان می‌داد، سود حاصل از فروش فیلم «پارک ژوراسیک»، بیش‌تر از تمام سودی است که کره از فروش خودروهای هیوندای خود به دست آورده است. در اینجا بود که دولت کره متوجه شد که صنایع دیگری هم هستند که می‌توانند به اندازه صنعت خودروسازی و یا فناوری‌های مشابه سودآوری داشته باشند.

از سال ۱۹۹۴ به بعد حمایت جدی‌تر دولت از صنعت موسیقی، سینما و صنایع وابسته به آن شکل گرفت و علاوه بر این که سرمایه‌های جدید برای این صنایع جذب شدند، دولت به شرکت‌های فعال در این جهت یارانه اختصاص داده و حتی روی شرکت‌های کوچک و نوپا سرمایه‌گذاری کرد و این توجه و

سرمایه‌گذاری باعث شکل‌گیری پدیده‌ای به نام «موج کره‌ای یا هالیو» در صنعت سینما و موسیقی کره جنوبی شد.

هالیو در اواخر دهه ۱۹۹۰ از آسیای شرقی شروع و به مرور به سراسر جهان از جمله اکثر کشورهای آسیا، اروپا و آمریکا گسترش یافت. از آن پس کره جنوبی تبدیل به مرکز جدیدی برای تولید فرهنگ پاپ بین‌المللی (چندملیتی) و توزیع تولیدات فرهنگی به همسایگان آسیایی‌اش شد. موج اول هالیو بر صادرات کالاها و فرهنگ محلی به شرق آسیا بین اواخر دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۷ تأکید می‌کرد. از اواخر سال ۲۰۰۷، بازی‌های آنلاین و موسیقی کره‌ای به دو ژانر مهم صنایع فرهنگی کره تبدیل و آغاز موج دوم هالیو نیز از همان سال و با افزایش طرفداران موسیقی کره‌ای و کاربران بازی‌های آنلاین همراه شد.

با سرمایه‌گذاری و توجه دولت، موج هالیو روز به روز گسترده‌تر شد و از ابتدای قرن ۲۱، کره به عنوان یکی از موفق‌ترین کشورهای صادرکننده فرهنگ و توریسم در دنیا معرفی شد. آمریکا برای بیش از صد سال، تنها کشور مدعی صادرات فرهنگی بود، اما کره و انگلیس این انحصار را از آمریکا گرفتند.^۱

۱ - هالیو، نوازه‌ای است که به گسترش جهانی فرهنگ کره جنوبی از دهه ۱۹۹۰ به این سو اشاره دارد. این موج در مراحل آغازین با گسترش سریال‌های درام و موسیقی پاپ کره‌ای در آسیای شرقی، جنوبی و جنوب شرقی وسعت گرفت و بعدها با رشد اینترنت و رسانه‌های اجتماعی به ویژه قرار گرفتن نمادها و پاپ کره‌ای روی یوتیوب به مفهومی جهانی تبدیل گشت. اصطلاح هالیو نخستین بار در سال ۱۹۹۹ توسط وزارت فرهنگ و گردشگری کره جنوبی استفاده شد. این وزارتخانه در آن زمان یک لوح فشرده موسیقی به زبان چینی تحت عنوان «هالیو - ترانه‌ای از کره» تولید کرده بود که رسانه‌های چینی از نام آن برای توصیف موفقیت فرهنگ مردمی کره در چین استفاده کردند (دانشنامه ویکی‌پدیا).

۲ - زهرای ۱۸ ساله در قسمتی از مصاحبه‌اش اشاره‌ای به کاربری از برخی از گروه‌های کی‌پاپ کره دارد که این اشاره بیانگر حجم گسترده سرمایه‌گذاری کره روی مسایل فرهنگی آن (با جهت‌گیری اصالت نظام سرمایه‌داری) است:
«- الان فن چه گروه‌هایی هستی؟»

خب من الان تقریباً مولتی فنم و آهنگ‌های خیلی از گروه‌ها رو گوش می‌دم، البته همه اعضای همه گروه‌ها، مخصوصاً گروه‌های جدید رو نمی‌شناسم. ولی از گروه‌های پسر، اکسو که اولین گروه و بی‌تی‌اس گروه پسری بعدی بود که فن شون شدم.



GOT7

BTS

گات سون رو بیش‌تر دنبال می‌کنم اما گروه استری کیدز، شاینی، تی اکس تی و گروه‌های دیگه مثل سونتین، مانستا ایکس، د بویز، وان‌اوان و بعضی از سولویست‌ها هم هستن که کم و بیش آهنگشون رو گوش می‌دم، اما کامل نمی‌شناسمشون.

Stray kids



TXT

Wanna one



Seventeen



The Boys

Monsta X



Shinee

از گروه‌های دختر هم ایتزی، گرلزجنریشن، مامامو، بلک پینک، اسپا، جی آیدول و ردولوت رو بیش‌تر دنبال می‌کنم. اما باز هم گروه‌هایی مثل توایس هم هستن.



دولت که شاهد پیشرفت کشور بود، در برنامه‌ریزی سالانه، بودجه‌ای را به این کار اختصاص داد. در سال ۲۰۱۴، این مبلغ، یک درصد درآمد خالص کشور بود که حدود یک میلیارد دلار می‌شد. البته در این میان نباید نقش شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های اشتراک ویدیو، مانند یوتیوب را نادیده گرفت. کره، بخش بزرگی از ترویج و گسترش فرهنگش را مدیون این شبکه‌ها است!



سولویست‌هایی مثل آیو عضو سابق میس ای هم هستند که فنشونم، بعضی از گروه‌ها هم مثل میس ای و ای‌اوای هم هستند که خوب قبلاً فعالیت داشتن که یا دیس‌بند شدن یا دیگه فعالیت زیادی ندارند.



- چی شد که الان این همه گروه به لیستت اضافه شدن؟

خب من چون کی‌درامر هم بودم و می‌دیدم بعضی از آیدول‌ها تو سریال‌ها بازی می‌کنن به واسطه اون‌ها با گروه‌شون هم آشنا می‌شدم. اما می‌گم که خیلی تعصب نداشتم و اگه آهنگی می‌شنیدم که خوشم می‌اومد گوش می‌کردم. بعد پلی‌لیستم از آیدول‌ها و گروه‌های مختلف بود، اما خیلی فن گروهی نشدم. اما دوردور می‌شناختم کم و بیش و آهنگ‌های گروه‌های مختلف رو گوش می‌دادم».

۱ - در مورد میزان هواداران موج کره‌ای یا هالیو باید بیان داشت، براساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۱ توسط وزارت فرهنگ، ورزش و جهانگردی کره جنوبی، براساس آمار منتشر شده توسط باشگاه‌های هواداران رسمی در مناطقی که مراکز فرهنگی کره‌ای وجود دارد، تعداد کل اعضای فعال باشگاه‌های هواداران هالیو در سراسر جهان ۳۰۳ میلیون نفر برآورد شد. در همان سال، سازمان گردشگری کره از ۱۲۰۸۵ طرفدار هالیو نظرسنجی کرد و نتیجه گرفت، بیش‌تر هواداران جوان بوده و بیش از ۹۰ درصد آن‌ها زن و هوادار کی‌پاپ هستند. طبق آمارهای بنیاد کره، در سال ۲۰۱۸ حدود ۸۹ میلیون طرفدار هالیو در سراسر جهان و ۱۸۴۳ باشگاه هوادار وجود داشت. در آن سال شمار هواداران نسبت به سال قبل ۲۲ درصد رشد کرد که بیش‌تر به محبوبیت روزافزون گروه‌هایی مانند اکسو، بی‌تی‌اس و بلک‌پینک مربوط می‌شود. از دسامبر سال ۲۰۱۹،

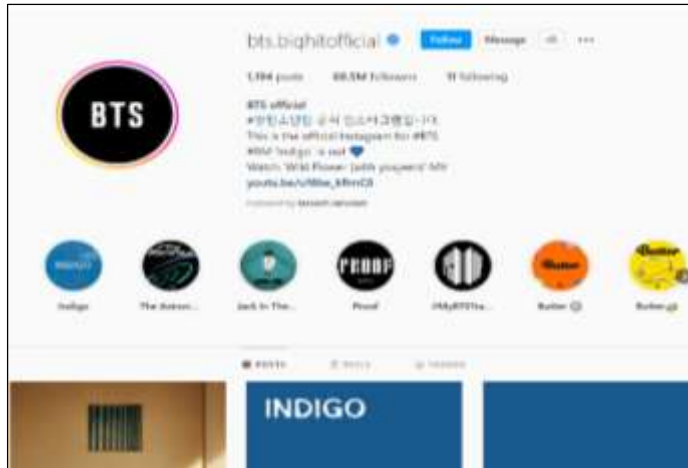
در دهه نخست قرن ۲۱ که صنعت کی‌پاپ نام خود را در آسیای شرقی و آسیای جنوبی بر سر زبان‌ها انداخته بود، گروه‌های کی‌پاپ کره جنوبی در صدر لیست‌های موسیقی کشورهای مثل چین، ژاپن و تایوان قرار می‌گرفتند. این محبوبیت در کشورهای اطراف همین طور ادامه داشت تا این که در سال ۲۰۱۲، آهنگ گانگام استایل، دنیا را تسخیر کرد.

در ادامه، اگر چه در ابتدا ستارگان هالیو موفقیت چندانی در اروپا و آمریکا نداشتند، اما رفته رفته در این بازارها هم نفوذ کردند. امروز، گروه بی‌تی‌اس مشهورترین گروه کره‌ای در بازار موسیقی جهانی است. این گروه، هفت عضو دارد و از سال ۲۰۱۳ فعالیت خود را آغاز کرده است. آن‌ها در سال ۲۰۱۷ موفق شدند وارد بازار موسیقی آمریکا شوند و تاکنون چندین رکورد فروش را شکسته‌اند.

گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، موفق شده است به لیست ۱۰۰ آهنگ برتر و ۲۰۰ آهنگ برتر بیلبوردر راه پیدا کند. علاوه بر آن، بی‌تی‌اس تنها گروهی است که توانسته از سازمانی آمریکایی جایزه موسیقی دریافت کند. بی‌تی‌اس بیش‌تر از ۲۰ میلیون نسخه از آلبومش را به فروش رسانده، تصویرشان روی جلد مطرح‌ترین نشریه‌های دنیا مانند تایمز چاپ شده و سه سال مداوم در لیست تأثیرگذارترین افراد سال قرار گرفته‌اند. بی‌تی‌اس از سرتاسر جهان طرفدارانی دارد که خود را ارتش بی‌تی‌اس می‌نامند.

کی‌دراما نیز صنعت سریال‌سازی کره است که مانند صنعت موسیقی‌اش طرفداران بسیاری پیدا کرده است. صنعت سریال‌سازی نیز مانند موسیقی، ابتدا میان کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی طرفدار پیدا کرد و کم‌کم کشورهای دیگر نیز جذب سریال‌های جذاب کره‌ای شدند.

تصویر زیر تصویر صفحه اینستاگرامی کمپانی بیگ‌هیت است که بیانگر داشتن قریب به ۷۰ میلیون تعقیب کننده است:



ایرانیان با سریال «جواهری در قصر» با صنعت کی‌دراما آشنا شدند. شخصیت اصلی این سریال که یانگوم نام داشت، شخصیتی حقیقی و اولین پزشک زن در کره بوده است. نام یانگوم بارها در تاریخ چوسان تکرار شده و سریال محصول سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ است. بعد از یانگوم، سریال‌های تاریخی دیگری نیز از تلویزیون ایران پخش شد. در میان کشورهای خاورمیانه، ایران جزو کشورهایی است که بیش‌ترین توجه را به سریال‌های کره‌ای نشان داده است.^۱

۱ - فهرست سریال‌های کره‌ای (تا تاریخ ۱۳۹۹) که در سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شده است، به قرار زیر است:
جواهری در قصر، ۵۴ قسمت، ۲۰۰۶-۲۰۰۷؛ امپراتور دریا، ۵۱ قسمت، ۲۰۰۷-۲۰۰۸؛ بخش قلب، ۲۹ قسمت، ۲۰۰۷؛ متشکر، ۱۶ قسمت، ۲۰۰۸؛ جومونگ، ۸۱ قسمت، ۲۰۰۸-۲۰۰۹؛ پشت برج سفید، ۷۷ قسمت، ۲۰۱۰؛ سرزمین بادها، ۳۶ قسمت، ۲۰۱۰-۲۰۱۱؛ رودخانه ماه، ۲۴ قسمت، ۲۰۱۱؛ دو دوست، ۳۲ قسمت، ۲۰۱۳؛ دونگ بی، ۶۰ قسمت، ۲۰۱۲؛ خانواده جدید، ۶۸ قسمت، ۲۰۱۲؛ قهرمان، ۲۴ قسمت، ۲۰۱۴؛ سرزمین آهن، ۳۲ قسمت، ۲۰۱۴؛ بیمارستان چونا، ۲۰ قسمت، ۲۰۱۵؛ سرنوشت، ۲۴ قسمت، ۲۰۱۵؛ افسانه خورشید و ماه، ۲۲ قسمت، ۲۰۱۵؛ خانواده کیمچی، ۲۴ قسمت، ۲۰۱۵؛ سرنوشت یک مبارز، ۳۶ قسمت، ۲۰۱۵؛ دکتر خوب، ۲۰ قسمت، ۲۰۱۶؛ پاستا، ۲۰ قسمت، ۲۰۱۶؛ دختر امپراتور، ۲۰ قسمت، ۲۰۱۶؛ فراری از چوسان، ۲۰ قسمت، ۲۰۱۶؛ رؤیای فرمانروای بزرگ، ۷۵ قسمت، ۲۰۱۶؛ ایسان، ۷۷ قسمت، ۲۰۱۶؛ نقش باد، ۲۰ قسمت، ۲۰۱۶؛ پزشکان جوان، ۲۳ قسمت، ۲۰۱۷؛ وضعیت اضطراری، ۲۰ قسمت، ۲۰۱۸؛ افسانه سامبونگ، ۵۰ قسمت، ۲۰۱۸؛ خانواده جدید، ۶۶ قسمت، ۲۰۱۹؛ افسانه اوک نیو، ۷۳ قسمت، ۲۰۱۹؛ بخش قلب، ۲۵ قسمت، ۲۰۱۹؛ کیمیاگر، ۲۱ قسمت، ۲۰۱۹؛ جونگ میونگ، ۵۰ قسمت، ۲۰۲۰؛ سایمدانگ، ۴۴ قسمت، ۲۰۲۰؛ ایلجیما، ۳۰ قسمت، ۲۰۲۰.

۲ - از نظر سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، برخی از ارزش‌های کنفوسیوس‌گرایی، همچون احترام به دیگران «کاملاً با فرهنگ اسلامی منطبق است»، در حالی که در مقابل، تولیدهای غربی اغلب نمی‌توانند معیارهای تعیین‌شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را برآورده کنند. تهران تایمز در اکتبر ۲۰۱۲ گزارش کرد که نمایندگان صدا و سیما برای تلاش برای تقویت «قرابت فرهنگی» بین دو کشور و جست‌وجوی راه‌هایی برای همکاری بیش‌تر بین سامانه سخن‌پراکنی کره و صدا و سیما، از کره جنوبی و برخی از مکان‌های فیلم‌برداری آن بازدید کردند.

برنامه‌هایی که از صدا و سیما پخش می‌شود، اغلب در ایران نسبت به کره جنوبی دارای رتبه بیننده بالاتری هستند. به عنوان مثال، در حالی که سریال جومونگ در کره جنوبی بیش‌تر از ۴۰ درصد بازدید کننده نداشت، محبوب‌ترین قسمت‌های جومونگ بیش از ۹۰ درصد مخاطبان ایرانی را جذب کرد و بازیگر اصلی آن سونگ ایل گوک، به صورت سوپرستار در ایران درآمد. پژوهشگران هر دو کشور اخیراً مبادلات فرهنگی بین شیلا (یکی از سه پادشاهی کره) و امپراتوری ایران را بررسی کرده‌اند. روزنامه کره تایمز گزارش داد که این دو فرهنگ ممکن است ۱۲۰۰ سال پیش با هم مشابه بوده باشند.

با افزایش توجه به سریال‌های کره‌ای در بسیاری از کشورهای جهان، کمپانی‌های معروف شروع به سرمایه‌گذاری در صنعت کی‌درامای کره کردند. کمپانی نتفلیکس از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در این کشور سرمایه‌گذاری کرد و ۲ استودیوی بزرگ در این کشور ساخته است. در پنج سال پیش‌گفته، شرکت نتفلیکس ۸۰ برنامه کره‌ای ساخته است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در قسمتی از مصاحبه خویش تأکید می‌کند که دولت کره جنوبی در حال حاضر هم در جهت کمک به صنعت کی‌پاپ فعال است و به شکل‌های گوناگون به کمک این صنعت می‌شتابد. وی در همین راستا بیان می‌دارد:

«- ممکنه درباره روند انتخاب کارآموزها توضیح بدی.»

انتخاب کارآموزها دو مدله. تا زیر هجده سالگی مثلاً می‌تونن از طریق سایت خود کمپانی ام-اس اقدام کنن. ویدیوهای رقص و استایل و هنری که بلدن، مخصوصاً خوانندگی رو بفرستن و اگه مورد قبول قرار گرفتن، اونا همه کاراش رو می‌کنن و هزینه همه چیز هم با خودشونه. ولی برای بالای هجده سال یه دانشگاه هست توی تهران به اسم دانشکده سئول که از طرف خود دولت کره هست. یعنی دانشگاه دولتی شون هست. می‌شه رفت اونجا. ولی باید یا زبان کره‌ای بلد باشی یه موسیقی بلد باشی یا رقص. اولش یه تست ورودی ازت می‌گیرن. بعدش اگه قبول بشی این جوری که من شنیدم هیچ هزینه‌ای ازت نمی‌گیرن، ولی فقط کتاباشون به دلار. بعد که می‌ری اونجا، اول بهت زبان کره‌ای یاد می‌دن، چون که کورس‌های دانشگاه به زبان کره‌ای هستش. بعد از دو سال آموزش ازت امتحان می‌گیرن و بعد معرفیت می‌کنن به کمپانی‌های کره‌ای. حالا فیلم می‌گیرن ازت و گزارش تحصیلت و اینا رو می‌فرستن که کمپانی‌ها اگر پسندیدن، انتخابت کنن و سرمایه‌گذاری روت کنن.»

با بررسی اظهارات جمعیت مورد بررسی، در درجه نخست اهمیت عمق اثرگذاری فیلم‌ها و سریال‌های کره‌ای در مخاطبان مشخص شده و در درجه بعدی اهمیت، بسترسازی صنعت سینمای کره (کی‌دراما) برای عمق بخشیدن به صنعت موسیقی این کشور (کی‌پاپ)، مشخص می‌شود.

نگین ۱۹ ساله در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، او در ابتدا جذب قیافه بازیگر کره‌ای فیلم «پسران برتر از گل» شده و در ادامه، طرفدار کی‌دراما و کی‌پاپ گردیده است:

«- خوب نگین جان تو به من می‌گی که چه جوری با صنعت کی‌دراما و کی‌پاپ آشنا شدی و بعد بی‌تی‌اس رو به سعيده معرفي کردی؟»

نگین: خب من ناخواه با سریال‌هایی که تلویزیون پخش می‌کرد با این صنعت آشنا شده بودم. وقتی سال هفتم بودم می‌دیدم که یک گروهی از هم‌کلاسیام با هیجان خیلی عجیبی درباره فیلم‌ها و آهنگ‌های کره‌ای صحبت می‌کنند. اصلاً این گروه جو خیلی باحال و عجیبی داشتند. یه بار کنارشون نشسته بودم دیدم دارند درباره لی مین هو صحبت می‌کنند. اون قدر با هیجان درباره‌اش حرف می‌زدن

که یادمه تا رسیدم خونه، لپ‌تاپ رو آوردم سر میز ناهارخوری و در حالی که ناهار می‌خوردم، اسمش رو سرچ زدم و دیدم واوو خدای من. این بشر معرکه هس. دیگه هر چی فیلم که لی مین هو توش بازی می‌کرد رو دانلود کردم و دیدم. بعد همین طوری هر سریالی می‌دیدم و از یکی از بازیگراش خوشم می‌اومد، می‌رفتم فیلماش رو دانلود می‌کردم و می‌دیدم و این طوری شد که من یه عالمه سریال کره‌ای دیدم.

- چه چیز لی مین هو تو رو به خودش جذب کرده بود؟

نگین: خب در درجه اول صددرصد قیافش. ولی بعدش که فیلماش رو دیدم، بازی کردنش من رو به خودش جذب کرد. یعنی اون قدر خوب بازی می‌کرد که من دهنم وا می‌شد. یعنی طبیعی طبیعی. من تا حالا ندیده بودم یه بازیگر این قدر طبیعی بازی کنه. واقعاً وقتی لی مین هو یا بقیه بازیگرای خوب یه فیلمی رو بازی می‌کردند، من واقعاً جذب سریال می‌شدم. یعنی اون قدر محو می‌شدم که نمی‌دوستم تو زندگی واقعی هستم یا تو فیلم».

مهدیه ۲۰ ساله در مصاحبه خودش یادآور شده است که وی نخست مجذوب لباس‌های قشنگ و مجلل بازیگران سریال «جواهری در قصر» شده است و در ادامه، از مسایل عینی کی‌دراما، به سمت مسایل انتزاعی سوق یافته و متوجه ارزش‌های مطرح شده در آن‌ها شده است:

«- اولین سریال کره‌ای که دیدی چی بود؟

خیلی بچه بودم و زمانی بود که یانگوم یا همون جواهری در قصر رو نشون می‌داد. اون اولین سریال کره‌ای بود که من دیدم در زندگیم. و اصلاً اولین سریالی بود که من کامل پیگیرش بودم.

- مگه چی داشت اون سریال که تو پیگیرش بودی؟ یعنی چه چیزی از این سریال تو رو به خودش جذب کرده بود؟

من اون زمان خیلی بچه بودم. چیزی که باعث شد من بهش جذب بشم، لباس‌های خیلی قشنگ و مجلل شون بود. پس اولین چیز رنگ و مدل لباس‌هاشون بود. بعد از چند سال که بزرگ‌تر شدم و دوباره این مجموعه پخش شد، بیش‌تر تلاش و پشتکار اون دختر برای زندگی کردن به عنوان یک بانوی جوان مستقل و هدفمند من رو به خودش جذب کرد».

شینم ۲۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، گزارش می‌دهد که وی بیش از صدبار سریال کره‌ای «سامسون» را دیده است که این مسأله حکایت از سرمایه‌گذاری گسترده و عمیق کره روی صنعت سینمای این کشور دارد:

«یه سریال کره‌ای بود به اسم «سامسون» که فارسی وان نشون می‌داد. سر اون بود که استارت علاقه من به کره خوردش. از اون فیلم شروع شدش».



– می‌شه لطفاً درباره علاقه و خیال‌پردازی‌هایت درباره اون بازیگر کره‌ای بیش‌تر بگی؟
خیلی دنبالش می‌کردم توی اینستاگرام. البته خیلی دیگه توی چشم نیست و کلاً دوتا سریال بازی کرده، ولی من سر همون دوتا سریال خیلی بهش علاقه دارم.

– شروع این علاقه از چه سنی بود؟

اون موقع که این فیلم رو فارسی وان می‌داد من راهنمایی بودم و همیشه آرزو داشتم بینم این سریال رو. ولی مامانم نمی‌ذاشت و می‌گفت برو بخواب و این به درد سن تو نمی‌خوره و این رفته بود توی مخم و علاقه‌ام رو بیش‌تر می‌کرد که این مگه چیه که مادرم نمی‌ذاره من ببینم. بعد که بزرگ‌تر شدم رفتم سریالش رو خریدم و شاید بالای صد بار باشه که من این سریال رو نگاه کردم. طوری که آبجیم کلافه می‌شد و می‌گفت تو چه طور می‌تونی هنوز این رو ببینی؟!»

سعیده ۲۰ ساله در مصاحبه خودش یادآور شده است که وی از حدود ۶ سالگی با سریال‌های کره‌ای آشنا و به آن‌ها علاقه‌مند شده است و این علاقه تا حال حاضر که ۲۰ ساله هست، نه تنها کم‌تر نشده است، بلکه بیش‌تر هم شده است:

«– اولین برخوردت با کی‌پاپ چه جوری بوده؟»

شروع دقیقش رو نمی‌دونم. ولی یه زمانی اون قدر درگیر کره بودم که خانواده اجازه دیدن فیلم کره‌ای به من نمی‌دادند. یعنی خانواده من رو یه مدتی از این صنعت‌ها دور کرده بودند ولی با این حال اصلاً از عشقم کم نشد.

– دلیل مخالفت خانواده چی بود؟

خب باید این رو اول درباره جومونگ بگم. این‌هایی که می‌گم واقعاً یادمه. (می‌خندد و می‌گوید) شاید تنها چیزیه که از اون سال‌ها یادمه. یادمه من وقتی شش سالم بود، تلویزیون سریال جومونگ رو نشون

می‌داد. فکر کنم ۸۱ قسمت بود. بعد هر قسمت هم ۴۵ دقیقه بود. البته بدون سانسورش ۸۱ قسمت ۱ ساعته بود. یادمه هر سه شنبه پخش می‌کرد. بعد من علاوه بر این که خودش رو می‌دیدم، تکرارش رو هم حتماً حتماً می‌دیدم. وای اینم بگم (می‌خندد و ادامه می‌دهد) یادمه تو همون سال‌ها داشتیم خونه‌مون رو جابه‌جا می‌کردیم. بعد من زار می‌زدم که تلویزیون رو آخر از همه جابه‌جا کنی تا من بتونم جومونگ و تکرارش رو ببینم. بعد از اون هم دونگ یی و اینا اومد و من خیلی اصرار داشتم این سریال رو با تکرارشون ببینم. خب این حرکت من رو اعصاب خانواده بود. چون من نمی‌داشتم سریال و اینا نگاه کنند. برای همین سعی می‌کردند من رو از این وابستگی جدا کنند. ولی خب وقتی گوشی خریدم و کاری به کارشون نداشتم، مشکلی باهام نداشتند دیگه. بعد اینم یادمه که اون زمان یه عالمه محصولات با طرح جومونگ اومده بود. آدامس، لواشک و کارت این طور چیزا. بعد من کچل‌شون می‌کردم که همیشه این‌ها رو برام بخرن. منم بعضی وقتا طرح اون لواشک‌ها رو درمی‌آوردم و نگه می‌داشتم. هنوز هم دارم. کارت‌ها هم همه‌شون رو دارم. (می‌خندد و می‌گوید) یکی از دلایل دیگه‌شون هم این بود که داشتم ورشکست‌شون می‌کردم دیگه.

- هنوز هم این رفتارها و این حد از طرفداری توی وجودت هست؟

من الان بیست سالمه. ولی ذره‌ای از این عشق کم نشده که بیش‌تر هم شده. البته هنوز خانواده هم می‌گن که اینا چیه و چرا این قدر وقت رو صرف اینا می‌کنی، ولی خب کو گوش شنوا! مامان من سه سال همه تلاشش رو کرد تا من رو از اینا دور کنه و خودش دید که نه تنها کم نشد، بلکه بیش‌تر هم شد. یعنی مثلاً تو سال هفتم که مامانم همه چیزای کره‌ای رو ازم دوره کرده بود، یکی از دوستانم به اسم متینه سریال‌ها رو می‌دید می‌اومد مدرسه و جزء به جزء برام تعریفش می‌کرد. وقتی گوشی اومد تو دستم، همه اون فیلم‌هایی که متینه تعریف کرده بود رو دانلود کردم و دیدم. (می‌خندد و می‌گوید) لامصب اون قدر خوب تعریف کرده بود که من هر دقیقه از فیلم رو می‌دیدم، می‌دونستم بعدش چی پیش میاد».

سعیده ۲۰ ساله و نگین ۱۹ ساله نیز در مصاحبه مشترکی که دارند، با اشاره به تنوع موضوعی فیلم‌ها و سریال‌های کره‌ای و پوشش دادن همه سنین توسط این فیلم‌ها و سریال‌ها، در عمل دست به ستایش صنعت کی‌دراما زده اند:

«نگین: واقعاً سریال‌اشون خیلی متنوعه. محتوای تکراری پیدا نمی‌شه تو سریال‌اشون.

- منظورتون از این که می‌گوید موضوع‌هاشون متنوع بود، چیه؟

سعیده: بین سریال‌های ایرانی خیلی تکراری‌ان. همه‌اش درباره رنج و سختی و فلاکت. بمب ناامیدی‌ان. ولی سریال کره‌ای درسته که توش رنج و فقر هست، اما اون قدر امید به آدم می‌ده. یعنی من هر وقت، هر مشکلی دارم، می‌نشینم سریال کره‌ای می‌بینم. واقعاً من رو از همه چی دور می‌کنه و فقط من رو به فضای سریال می‌بره. به خودم میام می‌بینم نشستم پای سریال و دارم لبخند می‌زنم، ذوق می‌کنم.

خیلی کم پیش میاد من بشینم گریه کنم و اون صحنه‌های گریه آورش هم واسم جذابه. یعنی کل سریال امید بخشه. مثلاً یه سریال بود که احساس می‌کنم خیلی تأثیرگذار بود روی همه کی‌درامرها از جمله من و نگین. اسمش پسران برتر از گل بود. به احتمال زیاد اسمش رو شنیدی! توش لی مین هو بازی می‌کرد. موضوع مدرسه‌ای داشت. داستانش هم این بود که یه دختره به صورت اتفاقی تو یه مدرسه‌ی اشرافی پذیرفته می‌شه. تو اون مدرسه، لی مین هو و رفیقاش هم هستند که یه جورایی تخس اون مدرسه محسوب می‌شن. بعد لی مین هو و رفیقاش خیلی دختره رو اذیت می‌کنند، ولی تو این حین لی مین هو عاشق دختره می‌شه و ادامه داستان دیگه. من اون قدر شیفته این سریال شدم که اگه بگم بالای ۱۲ بار دیدمش، دروغ نگفتم. خیلی حس خوبی داشت دیگه.

بعد توی سریال‌های کره‌ای پیش اومده که دغدغه‌های آدم‌های پولدار رو هم نشون دادند. حتی دغدغه‌های افراد مسن رو هم نشون دادن. همین سریال اون قدر من رو به فکر برد که من هم روزی پیر می‌شم یا این که رفتارم رو نسبت به اون‌ها عوض کنم. به خاطر همین تأثیر مثبت که تو سریال‌های ایرانی نیست، من نزدیک ۶-۵ سالی هست که اصلاً سریال ایرانی ندیدم.

- می‌شه درباره اون سریالی که گفتین درباره افراد مسن درست شده صحبت کنی؟

سعیده: یکیش چشمان درخشان بود. یکیش هم روزگار جوانی. مفهوم اصلی این سریال‌ها این بود که همه آدم‌ها پیر می‌شن و باید به پیرها احترام بذاریم و بدونیم که اون‌ها هم حق زندگی کردن دارند. تمام مشکلات افراد مسن رو نشون می‌داد. فراموشی، از دست و پا افتادن و خیلی چیزهای دیگه. من واقعاً بعد دیدن این دوتا سریال خیلی متحول شدم و خیلی بیش‌تر به افراد مسن احترام می‌ذارم. مثلاً توی سریال چشمان درخشان، داستان این‌طوره که یه زن پیر رو نشون می‌ده که در جوانیش دوران خیلی عاشقانه‌ای با شوهرش داشتند، اما شوهرش بعد از تولد فرزندشون از دنیا می‌ره. در واقع داستان بر پایه تعریف اون زن از خاطرات دوران جوانیش می‌گذره. این نشون می‌داد که اون‌ها هم دوران شاد و عاشقی داشتند و مثل ما بودند، اما وقتی سن‌شون رفته بالا، مردم بهشون بی‌احترامی می‌کنند و خیلی چیزها. در واقع سریال عاشقانه نبود و بخش عاشقانه‌اش فقط همون دوران جوانی اون خانم بود. ولی واقعاً سریال خوبی بود. یه کم مفهومی بود و درک سریال سخت بود، ولی آموزنده بود.

نگین: خیلی دغدغه‌ها رو نشون می‌دن. مثلاً اگه یه فردی در دوران پیری می‌خواد بره ماهیگیری، عاشق بشه، بخواد بره پارک و همه این‌ها رو نشون می‌دند. مثلاً اگه یکی تو کهنسالی عاشق بشه رو این جور نشون می‌دند که این عشق هم قشنگه. خیلی قشنگه که این قدر این مسأله رو باز نشون می‌دند. این‌طوری آدم می‌تونه خیلی خوب این‌ها رو بشناسه. بعضی وقت‌ها که سریال ایرانی رو می‌بینم، یه جور نشون می‌دند که انگار این آدم‌های مسن هیچ احساسی ندارند. اون‌ها نشون می‌دند که حتی بدترین آدم‌ها هم احساس دارند».

پسران فراتر از گل!

- فراتر از گل؟

آره. یه سریال عاشقانه خیلی، چی می‌گن، تیپیکاله^۲ (معمول و رایج). اینه که مثلاً یه پسر خیلی پولدار عاشق یه دختر خیلی چیز می‌شه و اینا. بعد خیلی معروف بود. برای اون سال این داستان خیلی جذاب بود.

- یه دختر فقیر، یه پسر پولدار؟

آره. مثل شاهزاده و چیز. بعد داستانش درباره یه پسر بود که رئیس، چی می‌گن، جانشین یه شرکت خیلی خفن گنده‌ی فلان کره‌ای بود و دختره هم مثلاً میاد خیلی اتفاقی بورسیه می‌شه توی مدرسه‌ای که مال بابای این پسر بوده. بعد دیگه اینجا یه سری اتفاقات دارن و داستان عاشقانه. بعد تو این سریاله یه گروه کره‌ای بود که نقش دوم مرد سریالش، عضو همین گروه بود. بعد خود اون گروه هم تو اون سریاله آهنگای اون سریال رو خونده بودن و اینا. بعد دیگه به خاطر این که از اون بازیگره خوشم اومد، رفتم درآوردم که خواننده ان. بعد آهنگای اونا رو گوش دادم و بعد فهمیدم که کی‌پاپ هستند. بعد دیگه با کی‌پاپ به صورت کلی آشنا شدم. ولی الان اکثر کسانی که کی‌پاپ می‌شن فک کنم با بی‌تی‌اس آشنا می‌شن که کی‌پاپ می‌شن. یعنی نسل ما، می‌شه نسل قدیم.

- یعنی مستقیم می‌رن دنبال موسیقی... .

آره.

- نه این که اول برن سریال... .

آره و حتی اکثراً از کی‌پاپ می‌رن سمت کی‌دراما^۳ یا صنعت فیلم و سریال کره جنوبی.

از کی‌پاپ می‌رن سمت سریالای کره‌ای. برا ما برعکس بود. ولی اکثراً برا اونا الان اول با کی‌پاپ و بی‌تی‌اس آشنا می‌شن و بعد می‌بینن از کره‌ایا خوششون میاد، بعد می‌رن سریال نگاه می‌کنن. بیش‌تر مواردی که من دیدم این طوری بود. البته تجربه شخصی خودم بوده، شاید کلیت نداشته باشه».

هلیای ۱۷ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان ساخته است که وی از طریق سرگرمی‌هایی که توسط کمپانی و هواداران گروه بی‌تی‌اس ارایه شده بودند، با گروه پسران آشنایی یافته است:

«- سلام، می‌شه لطفاً در مورد آشنایی با بی‌تی‌اس توضیح بدی؟

سلام، خبیب تقریباً دو سال پیش تو گپ بچه‌های مدرسه داشتیم با حرف می‌زدیم و من گفتم که حوصله‌ام سر رفته، یاسی یکی از بچه‌های کلاس گفت که یه گپ داره که توش همه می‌تونن نقش

۱ - سریال کره‌ای Boys Over Flowers در سال ۲۰۰۹ تولید شده است.

هر آدمی رو که دوست دارن، بردارن و جای اون شخص بازی بکنن. اصطلاحاً بهش می‌گن رول بازی کردن. گفتیم خب ما رو هم آد کن. ما رو آد کرد اونجا و تقریباً ۱۵۰۰ نفر عضو گروه بودن. که رول پلیر^۲ می‌گفتن به خودشون. اسم گروه هم کی‌رول^۳ بود. خب اونجا دیدم که خیلی‌ها رول اعضای بی‌تی‌اس رو بازی می‌کنن و جوری حرف می‌زنن که انگار واقعاً آرام یا شوگا ان. منم خوشم اومد از شخصیت‌هاشون و رفتم سرچ کردم ببینم بی‌تی‌اس چیه اصلاً. سرچ کردم دیدم یه گروه موسیقیه و ۷ تا پسر توش عضو ان و چندتا از آهنگ‌هاشون رو گوش دادم و خلاصه خیلی خوشم اومد ازشون».

۲- پردازش گروه بی‌تی‌اس

پس از بسترسازی دولت کره جنوبی برای دستیابی به دستی برتر در مسایل فرهنگی، این کشور با موجی که با عنوان هالیو در فرهنگ کره ایجاد کرد، بستر مساعدی برای رشد صنعت سینمای کره جنوبی (کی‌درامر) و موسیقی آن (کی‌پاپ) را فراهم آورد و فعالیت‌های نمایشی و موسیقایی اخیر، در موارد قابل توجهی باهم تعامل داشته، معین عمل یکدیگر واقع شده‌اند.

کمپانی بیگ‌هیت نیز در راستای تهیه یک گروه موسیقایی در بستر کی‌پاپ، از سال ۲۰۱۳ تلاش‌های خویش در این جهت را شروع کرد.

مسوولان کمپانی در درجه نخست اهمیت با توجه به تحول‌های مغزی، فیزیکی، روانی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی، زیباشناختی، اقتصادی، سیاسی و عقیدتی که نوجوانان در اوان بلوغ با آن مواجه‌اند و در درجه دوم اهمیت، سردرگمی که نوجوانان و جوانان در پی تحول‌های پیش‌گفته به تجربه آن‌ها می‌پردازند و در درجه بعدی اهمیت با توجه به نیازی که نوجوانان و جوانان نسبت به الگو در خود احساس می‌کنند، در صدد برآمدند تا دست به پردازش گروهی بزنند که در عمل با پاسخ دادن به موارد پیش‌گفته، مورد توجه خاص نوجوانان و جوانان قرار گرفته، به این ترتیب اسباب پیشرفت و اعتلای کمپانی آنان فراهم آید.

جمعیت مورد بررسی در پژوهش حاضر، در توصیف ویژگی‌هایی که مسوولان کمپانی برای راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس در دستور کار خویش قرار دادند، به طرح موارد زیر پرداخته‌اند:

نوجوانی و جوانی و تحول‌های فراروی آن (تحول‌های مغزی، فیزیکی، روانی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی، زیباشناختی، اقتصادی، سیاسی، عقیدتی)، پردازش اندیشمندانه کمپانی بیگ‌هیت (کمک به خارج کردن جوان از سردرگمی‌های خاص اوان بلوغ و بعد از آن)، نیاز نوجوان و جوان به الگو، استعدادیابی از سنین پایین، برگزاری آزمون جهت جذب کارآموز (آودیشن)، اعمال استانداردهای سخت‌گیرانه زیبایی، الزام ستاره‌ها (آیدول‌ها) به جراحی زیبایی در صورت نیاز، استفاده از برنامه سفیدکردن پوست بدن (وایت واشینگ) برای ستاره‌ها، در نظر گرفتن تمرین‌های سنگین برای کارآموزان، منوط شدن رابطه کارآموزان و ستاره‌ها با خانواده به اجازه کمپانی، الزام به و قرار نگذاشتن و ازدواج نکردن توسط ستاره‌ها، الزام ستاره‌ها به تبعیت از رنگ کردن موها، آرایش، پوشش و زیورآلات پیشنهادی کمپانی، الزام ستاره‌ها به کاربری از برندهایی که تبلیغ می‌کنند، الزام ستاره‌ها به تبعیت از بازی‌های رسانه‌ای (مدیا پلی)، نداشتن حق اعتراض ستاره‌ها به شایعات مرتبط با خودشان، ممنوعیت همکاری ستاره‌ها با هنرمندان دیگر بدون اجازه کمپانی، الزام به تبعیت از تماس بدنی (اسکین شیپ)

در جریان اجراها توسط ستاره‌ها، الزام ستاره‌ها به همکاری در تهیه لحظات جذاب (مومن‌ها)، الزام ستاره‌ها به عدم طرح گرایش جنسی خویش، الزام ستاره‌ها به تبعیت از رژیم‌های غذایی خاص، الزام ستاره‌ها به بیش‌تر نشدن وزنشان از حد مقرر، الزام ستاره‌ها به جهت‌گیری‌های سیاسی طبق نظر کمپانی، پذیرش نظارت ناظران کمپانی بر فعالیت ستاره‌ها (در فضای مجازی، برنامه‌های زنده - لایوها- و مانند آن)، در نظر گرفتن تمهیدات جانبی برای موفقیت گروه (سوءاستفاده از عشق تخیلی نوجوانان و جوانان)، الزام به بی‌نقص و ایده‌آل جلوه کردن ستاره‌ها، تعیین نیروهای حفاظتی برای مراقبت از ستاره‌ها، پذیرش تنبیه در صورت تخلف ستاره‌ها از قوانین و مقررات کمپانی، پذیرش کنار نهاده شدن پس از چند سال دیدن دوره کارآموزی، پذیرش عدم تمدید قرارداد (و به تعبیری انحلال گروه) در صورت صلاح‌دید کمپانی، کم توجهی به سلامت جسمانی و بهداشت روانی ستاره‌ها، داشتن نگاه ابزاری به ستاره‌ها، انتظار نادیده گرفتن تناقض‌ها از سوی ستاره‌ها، القای هویت ریاتیک به ستاره‌ها.

در ادامه، به بررسی عناوین مورد اشاره، پرداخته خواهد شد.

۲-۱- نوجوانی و جوانی و تحول‌های فراروی آن

مطالعات جدید نشان داده‌اند که تحول‌های مغز تنها محدود به سنین اولیه کودک نبوده، در اوان بلوغ نیز مغز نوجوان تحول‌های عمده و قابل توجهی را به خود می‌بیند. نتایج اخیر که عمدتاً مبتنی بر مطالعات مبتنی بر تصویربرداری مغزی است، با تبیین‌های متفاوتی مواجه شده‌اند، اما در هر صورت این تبیین‌ها، افق‌های جدیدی را در والدگری و حتی نظام آموزشی پدید آورده و تربیت و آموزش مبتنی بر مطالعات مغز بنیان را مطرح ساخته‌اند.

میرس^۱ (۲۰۱۲) در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازد، مطالعات مبتنی بر تصویربرداری مغزی دلالت بر آن دارند که در مغز نوجوانان تغییرات متعددی در حال رخ دادن هست و مغز نوجوان به نوعی یک سازماندهی مجدد عصبی گسترده را تجربه می‌کند.

چودوری^۲، چارمن^۳ و بلیک‌مور^۴ (۲۰۰۸) در مقاله «ذهن، مغز و آموزش» از تغییرات گسترده‌ای که در اوان بلوغ در مغز نوجوان رخ می‌دهد، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«نوجوانی توام با تحول‌های هورمونی، فیزیکی و ذهنی برای فرد است، در دوران نوجوانی مغز، به ویژه قشر پیشانی، پس از دوران کودکی به رشد خود ادامه می‌دهد.

1 Mears, D.

2 Choudhury, S.

3 Charman, T.

4 Blakemore, S.

اساسی‌ترین تغییراتی که در مغز نوجوان به وقوع می‌پیوندد، نخست میلینی^۱ شدن اکسون‌های مغز است که سرعت انتقال پیام عصبی را افزایش می‌دهد و در تحولی دیگر، با قوع هرس سیناپسی، میزان سیناپس‌های مغز نوجوان کاهش می‌یابند.

در جریان هرس سیناپسی، حجم ماده خاکستری مغز که در اواخر دوره کودکی به اوج خود رسیده است، شروع به کاهش می‌کند و سیناپس‌هایی که کم‌تر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در این فرایند از بین می‌روند.

نکته مهمی که در روند هرس سیناپسی باید بدان توجه داشت، این مسأله است که تغییرات ماده خاکستری مغز به صورت یک‌سان رخ نمی‌دهد و قشر حسی - حرکتی اولیه زودتر از مناطق ارتباطی سطح بالا، مانند قشر پیشانی و گیجگاهی فرایند هرس سیناپسی را تجربه می‌کنند (فرایند نازک شدن ماده خاکستری در مناطق اخیر تا حدود بیست سالگی به درازا می‌کشد).

با وجود وفاق پژوهشگران در مورد بروز تحول‌های شدید مغزی در نوجوانان، نحوه تبیین پژوهشگران در مورد قسمت‌های ذی‌نقش در تحول‌آفرینی مغز نوجوانان تا حدودی متفاوت از یکدیگر است. به عنوان مثال، در حالی که فرانسویس جنسن میلینی شدن تارهای عصبی را در تحول‌های مغز نوجوان مؤثر می‌داند، لارنس اشتاینبرگ، هسته آکومبنس را عامل تحول‌های رفتاری شدید نوجوانان معرفی می‌کند. پرکینز - گوف^۲ (۲۰۱۵) در گزارشی که از گفت‌وگوی خویش با فرانسویس جنسن^۳ آرایه می‌کند، خاطرنشان می‌سازد، جنسن معتقد است، مغز نوجوان نسبت به هر زمان دیگری در زندگی هم قدرتمندتر و هم آسیب‌پذیرتر است، زیرا از آنجا که سیناپس‌های مغزی نوجوان بسیار بیش‌تر از سیناپس‌های مغزی بزرگسالان است، نوجوانان می‌توانند یادگیری بیش‌تری داشته باشند، اما در عین حال، از آنجا که مغز نوجوانان هنوز ارتباط‌های قوی بین لوب‌های پیشانی (که محل عملکرد اجرایی، قضاوت، همدلی و کنترل تکانه است)، با جایی که احساسات غالب است، ایجاد نکرده است، رفتارهایی که از نوجوان سر می‌زند، ممکن است اولیاء و اولیای آموزشی نوجوان را شگفت زده کند. به تعبیر دیگر در حالی که پیوندهای قسمت پشتی مغز شکل گرفته است، پیوندهای لوب پیشانی شکل نگرفته‌اند و پیوندهای این قسمت‌ها یکی از آخرین مناطقی هستند که به هم متصل می‌گردند و به تعبیر جنسن، در حالت اخیر اولیاء باید نقش لوب پیشانی فرزند را ایفا کنند تا مغز وی به تکامل لازم خود برسد.^۴

۱ - میلین غشایی از چربی است که دور تار عصبی ظاهر می‌شود. در حالت اخیر پیام عصبی با سرعت بیش‌تری انتقال می‌یابد.

2Perkins-Gough, D.

3Frances, E. J.

۴ - فرانسویس جنسن با همکاری امی الیس کتابی با عنوان راهنمای والدگری همراه با آخرین مطالعات ام‌آر‌آی تهیه کرده‌اند.

اشتاینبرگ^۱ در نظریه خویش بیان می‌دارد، هسته آکومبنس که بعضاً مرکز لذت نیز نامیده شده است، در مغز نوجوان به بزرگ‌ترین اندازه‌اش می‌رسد و در ادامه کوچک و کوچک‌تر می‌گردد.

بزرگ بودن هسته آکومبنس در اوان نوجوانی، سبب می‌شود نوجوان به دلیل ترشح بیش‌تر هورمون دوپامین (یا هورمون لذت) توسط هسته آکومبنس، لذت بیش‌تری را در قیاس با یک بزرگ‌سال (و یا دوره بزرگ‌سالی خودش) در برخورد با یک پدیده واحد، تجربه کند.

از سوی دیگر از آنجا که اشتاینبرگ از دیدی تکاملی برخوردار است، خاطرنشان می‌سازد، در دوران حاضر، برخلاف گذشته‌های دور که ستیز بر سر یافتن جفت، مخاطرات زیادی برای آدمی پدید می‌آورد، نوجوانان و جوانان برای پیش‌برد اهدافی که اجدادشان نیز همان اهداف را پی می‌گرفتند، به جای ستیزهای مخاطره‌آمیز، با مبادرت ورزیدن به ریسک کردن‌های خطرناک، ضمن آن که لذت بسیاری می‌برند، به نوعی برتری خویش بر دیگران را رقم می‌زنند، به تعبیر دیگر این که میزان تصادف نوجوان در جوار دوستانش چهار برابر زمان رانندگی وی در تنهایی است و یا میزان مرگ ناشی از حوادث در سنین ۱۵-۱۹ سالگی، دو برابر نرخ مرگ و میر در امریکا است، از نظر اشتاینبرگ به هسته آکومبنس و لذت ناشی از ترشحات دوپامین آن و در موضع تخلیه قرار گرفتن نوجوان باز می‌گردد^۲ (الیزابت کولپرت، ۲۰۱۵).

فارغ از تفاوت تبیین نظری تحول‌های مغزی نوجوانان که از آن یاد شد، تحول‌های پیش‌گفته، در عمل موجب برخی از پیامدها هستند که این پیامد می‌توانند در محیط خانه، مدرسه و جامعه، مشکل‌آفرین جلوه کنند و اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای اجتماعی به دلیل عدم فهم تحول‌های مغزی نوجوانان، به گونه‌ای نامناسب با وی برخورد کنند، به عنوان مثال، از آنجا که پیوندهای لوب پیشانی با تأخیر نسبت به پیوندهای پشت مغز نوجوان کامل می‌شوند، برخوردهای هیجانی و ریسک‌آمیز نوجوان بر تحلیل‌های عقلانی و رفتارهای عاقلانه وی پیشی می‌گیرند و همین مسأله اسباب ناراحتی و برخورد اولیاء با جوانانشان را پدید می‌آورد و یا به سبب هماهنگ نبودن چرخه خواب نوجوان با چرخه خواب اولیاء، باز ممکن نوجوان در این جهت مورد بازخواست اولیای خویش قرار گیرد و مجموعه ندانم کاری‌های اخیر به تیره شدن روابط فرزند و اولیاء بینجامد.

مطالعاتی که به شکل نمونه از برخی از آن‌ها یاد شد، دلالت بر آن دارند که فرزندپروری اولیاء از سویی و نظام آموزشی آنان نیز از سوی دیگر، باید با توجه به زیست نوجوانان، تغییراتی را به خودشان ببینند.

1 Steinberg, L.

۲ - لارنس اشتاینبرگ دست به تألیف کتابی با عنوان دوره فرصت به درس‌هایی از دانش نوین در باب نوجوانی زده است.

3 Kolbert, E.

تان^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله خودشان یادآور شده‌اند که اولیاء باید با توجه به بسترهای عصبی و واکنش‌پذیری و تنظیم هیجانی جوان، برخی از قواعد پیشین فرزندپروری خویش را اصلاح کنند. مدینا^۲ (۲۰۱۸) نیز در مقاله خویش، با بازنگری که به تحول‌های مغز نوجوانان دارد، پیشنهاد طراحی مجدد نظام آموزشی را خواستار شده است. جانسن^۳ و کیفر^۴ (۲۰۲۰) هم در مقاله خودشان پیشنهاد انجام سرمایه‌گذاری‌های آموزشی متناسب با رشد مغزی نوجوانان را مورد تأکید خویش قرار داده‌اند. برخی از پژوهشگران در تدوین خط‌مشی والدگری مبتنی بر مطالعات مغز بنیان، از این ضرورت یاد کرده‌اند، از آنجا که مغز پایینی (پایین‌تر از پل بینی) آدمی از آغاز تولد کامل است، اما مغز بالایی وی (بالا‌تر از پل بینی) در گذر زمان تکمیل می‌شود، اولیا باید در جریان ساخته شدن مغز بالایی فرزند، نقش فعالی داشته باشند تا مغز بالایی در روند رشد خودش، مغز غریزی و هیجانی پایینی را در کنترل خود داشته باشد، در غیر این صورت با وقوع پدیده هرس سلولی در مغز نوجوان، ظرفیت‌های دست‌نخورده نوجوان از بین رفته، وی به موجودی تبدیل می‌شود که مغز غریزی و هیجانی پایینی وی، مغز بالایی او را هدایت خواهد کرد.^۵

مضاف بر آنچه از آن سخن رفت، تحول چرخه خواب در دوران نوجوانی عامل زیستی دیگری است که اسباب تکدر خاطر نسبی فرزند و اولیا را فراهم می‌آورد. به این معنا که در هنگامی که اولیاء به سبب

1 Tan, P.

2 Medina, J.

3 Jansen, K.

4 Kiefer, S. M.

۵. با تولد کودک، وی در عمل واجد دو مغز پایینی (پایین پل بینی) و بالایی (بالای پل بینی) است و اگر چه مغز پایینی کودک (که دارای مراکز نظیر مرکز ضربان قلب، تنفس و مانند آن‌ها است) در هنگام تولد، ساخته شده و تام و تمام است، اما مغز بالایی کودک باید با هدایت اولیاء (و همین‌طور اولیای آموزشی و فرهنگی - اجتماعی کودکان در نظام آموزشی و کلان‌جامعه) ساخته شود. به این معنا که در کنار برخی از ظرفیت‌های بالقوه مغز (نظیر مدارهایی که کار بینایی را برعهده می‌گیرند)، مغز دارای ظرفیت‌های بالقوه دیگری است که کودک در برخورد عملی با مثلاً نمایش شفقت ورزیدن اولیا یا احترام آنان به زیست‌محیط و نظایر آن‌ها، مدارهای شفقت ورزیدن، احترام به زیست‌محیط و مانند آن‌ها در مغز کودک شکل می‌گیرد و بالطبع با بزرگ شدن کودک، همین ذخایر کودک را قادر می‌سازند که وی علاوه بر دست داشتن کنترل مغز پایینی خویش (که یک مغز غریزی به شمار می‌رود)، در مسیری انسانی و متعالی گام بردارد. اما اگر اولیای پیش‌گفته، از تربیت بهینه کودک غفلت ورزند، مدارهایی مشابه آنچه از آن یاد شد، در مغز کودک شکل نگرفته، در فرایند هرس شدن سلول‌های مغزی بدون استفاده که در اوان بلوغ رخ می‌دهد، مدارهای بالقوه‌ای که می‌توانستند به عنوان مدارهای شفقت، احترام به زیست‌محیط و مانند آن‌ها انجام وظیفه کنند، هرس شده و از بین می‌روند و جای آن‌ها به سلول‌های دیگری داده می‌شود که به فرض در غیاب برخورد فعال اولیاء در تربیت کودک، توسط رسانه و فضای مجازی با مواردی همچون پرخاشگری و فرارپرخاشگری، شهوت‌گرایی، مصرف‌گرایی، مدگرایی و مانند آن‌ها تکمیل شده و به کار گرفته می‌شوند. در حالت اخیر انتظار می‌رود به جای آن که مغز بالا، کنترل مغز غریزی پایین را برعهده داشته باشد، مغز غریزی پایین، زمام امور مغز بالا را در دست بگیرد که در حالت اخیر، به لحاظ فکری و فرهنگی، دورنمای تیره و تاری فراروی کودک قرار خواهد گرفت (سیگل و برایسون، ۲۰۱۸، ترجمه شهرآرای، ۱۳۹۸؛ هیوز و بیلین، ۲۰۱۲، ترجمه شهرآرای، ۱۳۹۶).

افزایش ملاتونین (هورمون خواب) مغزشان نیاز به خواب یافته و به بستر می‌روند، کمی ملاتونین در مغز نوجوان، وی را بیدار نگه می‌دارد و در زمانی که زیادی ملاتونین در مغز نوجوان، وی را متمایل به ادامه خواب می‌کند، در آن زمان ملاتونینی در مغز اولیاء وجود ندارند و بنابراین آنان بیدار هستند، در نتیجه باز هم عدم فهم تحولات زیستی خاصی که در مغز نوجوان بروز می‌یابند، موجبات برخی از نقدهای دیگر در اولیاء نسبت به نوجوان را فراهم می‌آورند.

بانکسر^۱ (۲۰۰۱) در گزارش پژوهشی خویش با عنوان «آنچه تحقیقات در مورد خواب نوجوانان

می‌گویند»، خاطرنشان می‌سازد:

نوجوانان به میزان کودکان کوچک‌تر، به خواب نیاز دارند، اما چرخه خواب آنان ظاهراً دیرتر از کودکان کوچک‌تر در شب شروع می‌شود، به تعبیر دیگر، هنگامی که ملاتونین یا هورمون خواب، در مغز شب‌ها افزایش پیدا می‌کند، آدمی خواب‌آلود شده و احساس خواب می‌کند و وقتی که میزان ملاتونین در سطح مغز به زیرآستانه معینی رسید، فرد از خواب برمی‌خیزد. در سطح نوجوانان ملاتونین دیرتر از بزرگسالان افزایش یافته و کاهش می‌یابد، به بیان دیگر، زمانی که اولیاء مایل هستند نوجوانشان مانند خود آن‌ها به خواب برود، نوجوان آنان احساس هشیاری و فعال بودن می‌کند و زمانی که اولیا مایل هستند، فرزند آن‌ها از خواب برخیزد، وی تمایل به خواب دارد و در حالی که در ساعت ۹ صبح، هیچ بزرگسالی ملاتونین را در سطح مغز خود ندارد، حدود نیمی از نوجوانان ملاتونین را در مغزشان دارند.

والستروم^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در گزارش پژوهشی خویش یادآور شده‌اند، در صورتی که ساعت شروع مدرسه از ۷:۳۵ دقیقه به ۸:۵۵ دقیقه افزایش یابد، نه تنها بهبود قابل توجهی در عملکرد درسی، کاهش تأخیر و غیبت دانش‌آموزان نوجوان پدید می‌آید، بلکه به میزان ۷۰٪ از تعداد تصادف‌های افراد ۱۶-۱۸ ساله کاسته می‌شود.

کلی^۳ و همکاران (۲۰۱۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «همگام‌سازی آموزش با زیست نوجوانان: اجازه دهید نوجوانان بخوابند و بعد مدرسه را شروع کنند»، از ضرورت تغییر زمان آموزش نوجوانان که برای یادگیری و کاهش خطرهای زیستی که متوجه آنان است، مفید است، یاد کرده‌اند.

گذشته از تحول‌های مغزی و تحول در چرخه خواب نوجوان، تحول‌های عاطفی و روانی وی نیز ممکن است به درستی از سوی اولیاء فهم نشده، موجبات نقد و یا در سطحی فراتر اختلاف و درگیری اولیاء و نوجوان‌شان را فراهم آورد. به عنوان مثال، بسیاری از روان‌شناسان سن نوجوانی را سن نفی و انکار قلمداد می‌کنند، مثلاً هانری والن با یاد کردن از سن نفی و انکار در دوره نوجوانی، بیان می‌دارد، نوجوان برای اثبات وجود خویش در برابر اولیاء، به نه گفتن می‌پردازد تا به این ترتیب در عمل به اولیای

1 Banks, K.

2 Wahlstrom, K. L.

3 Kelley, P.

خویش نشان بدهد که اگر اولیاء تا اوان بلوغ، دست به امر و نهی به فرزندشان می‌زدند و وی از آنان تبعیت می‌کرد، اکنون فرزند دیگر از مرحله تبعیت و دیگرپیروی خود گذشته و به مرحله استقلال طلبی و خودپیروی خویش رسیده است و ضرورت دارد که برای تجربه ایستادن روی پای خودش، با نفی سیطره اولیاء بر خودش، به نوعی هویت مستقل خویش را تجربه کرده و رقم بزند.

منزوی شدن نسبی نوجوانان در اوان بلوغ، باز ممکن است موجبات درگیری اولیاء با نوجوان‌شان را فراهم آورد و اولیاء تصور کنند، علت انزوای فرزندشان، مثلاً عاشق شدن وی است! در حالی که در خود فرورفتگی و انزوای نوجوان در واقع فرصتی برای تأمل درونی برای او فراهم می‌آورد که ببیند به عنوان یک شهروند زن و یا مرد، در آینده‌ای نزدیک در جامعه‌اش، باید از چه ارزش‌هایی برخوردار باشد.

استقلال طلبی نوجوان در عین هیجان‌جویی‌های وی، علاقه نوجوان و جوان به مراد به جنس مخالف، اهمیت یافتن گروه همسالان برای نوجوان و تحقق از شیر گرفتگی روانی (به معنای گسستن نسبی از خانواده و ارزش‌های آن و ورود به جمع همسالان)، هر یک به سهم خود ممکن است قضاوت بدبینانه اولیاء نسبت به نوجوان‌شان را دامن بزنند و مجموعه این عدم فهم‌ها و قضاوت‌های زود هنگام روابط اولیاء با فرزندشان را مخدوش و دچار بحران سازد.

مضاف بر موارد یاد شده، مواجهه نوجوان با فضای مجازی و برخورد وی با ویتترین زندگی بسیاری از افراد در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، نوجوان را با واقعیات اغراق شده‌ای مواجه می‌سازد که نوجوان به دلیل کم تجربگی خود، ممکن است آن‌ها را منطبق با واقع تصور کند و از سوی دیگر، چون نوجوان مشابه آن موارد را در زندگی خویش نمی‌یابد (نظیر صبحانه خوردن در یک رستوران لاکچری، صرف ناهار در یک رستوران لاکچری دیگری، شرکت در یک میهمانی پرشکوه در شب همان روز، رفتن به سفرهای خارجی، تهیه البسه و پوشاک برند و نظایر آن‌ها)، تکدر خاطری را در خویش احساس می‌کند که قسمت‌هایی از این تکدر خاطر ممکن است در خانواده نیز مطرح شده و اسباب سردی و یا در سطحی بالاتر، محکوم کردن اولیاء را به دلیل عدم تهیه امکانات پیش‌گفته برای نوجوان فراهم آورد. از سوی دیگر، نوجوان در بدو ورود به جامعه به سبب آن که از منظر نظریه پیازه در سن آرمان‌گرایی خویش است و به تعبیری مسیحایی شدن را تجربه می‌کند، با ملاحظه شکاف طبقاتی، رانت‌خواری بسیاری از مسوولان و نزدیکان آنان، فساد اقتصادی و نظایر آن، ممکن است سرخورده شده و به خشم درآید.

علاوه بر این، نوجوان در بدو ورود به جامعه، با ارزش‌های اجتماعی (نظیر ضرورت جذابیت بدنی افراد، خاصه زنان) مواجه می‌شود و به سبب آن که همه دختران جذابیت و زیبایی مورد نظر جامعه را در دوران بلوغ خویش به دست نمی‌آورند، این مسأله اسباب نگرانی و کاهش اعتماد به نفس قشر جوان، به ویژه دختران را فراهم می‌آورد.

مجموعه آنچه که به اجمال از آن یاد شد، نوجوان را بدانجا سوق می‌دهد که به سبب اختلاف‌هایی که بین خود و اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای اجتماعی خودش (و حتی دیگر کشورهای جهان) می‌بیند، احساس سردرگمی و حتی یأس کند.

بروز تحول‌های مغزی و تحول در چرخه خواب نوجوان از سویی و تحقق تحول‌های فیزیکی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی که نوجوان در دوران بلوغ زیستی خود به تجربه آن‌ها می‌پردازد، از سوی دیگر، در مجموع شرایط بفرنجی را برای غالب نوجوانان پدید می‌آورند.

علاوه بر آن چه جوان را به سمت شرایط بی‌ثبات و نامتعادل سوق می‌دهد، غالب اولیاء نیز به دلیل نشناختن تحول‌های پیش‌گفته (خاصه تحول‌های مغزی نوجوان خودشان)، غالباً وارد نوعی از چالش و درگیری با جوان‌شان می‌گردند که بحران نوجوانی را تشدید و مضاعف می‌کند.

در این میان اگر فرد یا گروهی به دفاع و حمایت از نوجوانان برخیزد و منادی احترام، عزت و شخصیت دادن به آن‌ها باشد و آنان را انسان‌های موفق فردا معرفی کند، بالطبع به شدت مورد توجه نوجوانی قرار می‌گیرد که به دلیل عدم فهم درست تحول‌های مختلف نوجوانی از سوی اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای جامعه، غالباً با دیده تردید و نفی و انکار نگریسته می‌شود.

فاطمه ۱۷ ساله، در مصاحبه خود با اشاره به محتوای برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، از راز جذابیت این گروه نزد نوجوانان و جوانان پرده برمی‌دارد:

«- محتوای آهنگ‌های بی‌تی‌اس چیه؟»

همه آهنگ‌های جهان مشخصاً مضمون‌های تقریباً یک‌سانی دارن، و بیش‌تر آهنگ درباره عشق هستن، حالا یا در طلب عشق و وصل یا در رابطه با روابط عاشقانه و یا عشقی بوده که از دست رفته و یا درباره شکست عشقی. ولی اون چیزی که توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس همه رو جذب کرد، این بود که به خودتون علاقه داشته باشین، خودتون رو دوست داشته باشید و برید دنبال علاقه و استعدادهاتون. مثلاً حتی توی یکی از آهنگاش که اسمش «نو»^۱ بود، می‌گفتند: «ما رو توی مدرسه‌ها حبس کردن و

۱. ترجمه آهنگ نو به قرار زیر است:

درست همین جا، بی‌تی‌اس، ما توپ دوم رو رها کردیم، انقلاب دوباره شروع شد، خونه‌ی خوب، ماشین خوب، آیا این‌ها معنی شادی رو می‌ده؟ توی سئول زیر سقف آسمون، آیا والدین واقعاً خوشحال خواهند شد؟

رؤیا... ناپدید می‌شه، تنفس... وقتی براش نیست، خونه، مدرسه یا اتاق کامپیوتر همه دارایمونه، همه مثل هم زندگی می‌کنیم و سعی می‌کنیم ممتاز باشیم، برای ما دانش‌آموزا این مثل یک حرکت دو طرفه بین رؤیا و واقعیت،

چه کسی از ما ماشین مطالعه ساخته؟

اگه متعلق به طبقه اول (برنده) نیستی پس به طبقه دوم (بازنده) تعلق داری، بزرگ‌ترا این چارچوب رو ساختن و ما توش گیر افتادیم، ما مجبوریم این فشار رو تحمل کنیم اما... ما همیشه روی به روی بهترین دوستامون ایستادیم، فکر می‌کنی این تقصیر کیه؟ بزرگ‌ترا به من می‌گن که این سختی موقته، تحملش کن، بعدا کار دل‌خواه خودت رو انجام بده، همگی بگید نه! این عملی نیست هرگز! دیگه اسیر رؤیاهای دیگران نباش! می‌غلتیم (می‌غلتیم) می‌غلتیم (می‌غلتیم) می‌غلتیم، همگی بگید نه! یا همین حالا یا هیچ‌وقت!

توی جاهایی که هیچ تعلق بهشون نداریم، شما برید دنبال چیزهایی که خودتون فکر می‌کنید خوبه، زیاد به مدرسه‌ها وابسته نباشید، برید دنبال موضوعی که خودتون دوست داشته باشید و به دنبال علاقه-هاتون» و این موضوعات جدید خیلی فن‌ها رو جذب کرد و توجه بچه‌ها به اونا خیلی جلب شد».

۲-۲- پردازش اندیشمندان کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت

کمپانی بیگ‌هیت با توجه به سردرگمی‌هایی که نوجوانان و جوانان غالب نقاط جهان با آن روبرو هستند، وظیفه انگیزه دادن، امیدبخشی و حمایت از نوجوانان و جوانان را به گروه موسیقی بی‌تی‌اس خود داد تا ضمن حمایت از این قشر گسترده اجتماعی، در عمل خودشان را نیز به عنوان سردمداران رهبری جوانان قرار داده و معرفی کنند تا در ادامه به عرضه ایدئولوژی خودش به نوجوانان و جوانان اقدام ورزد.

بررسی اظهارنظرهای جمعیت مورد بررسی، دلالت بر آن دارد که غالب هواداران گروه بی‌تی‌اس، دقیقاً از سنین بحرانی نوجوانی خویش، با گروه پسران بی‌تی‌اس آشنا شده و از آن به عنوان پاسخی برای رؤیاهای خود و یا ملجاء و پناه دوران بی‌پناهی خود یاد کرده اند.

فرشته ۱۸ ساله در فرازی از مصاحبه‌اش از پاسخ گروه بی‌تی‌اس به نوسان‌های عاطفی نوجوانان و جوانان و رؤیای‌پردازی و تخیلات آنان، در برخورد با مخاطبانش یاد کرده است:

«... حتی قدرت خوانندگی، سرعت رپ و استقامت دنس‌شون، همه چیزهایی بود که می‌شد به نفر رو فن‌شون کنه.

- واقعاً توی کارشون خوب بودن یا فقط شما همچنین مسأله‌ای رو احساس کردی؟

هنوز کارهایی رو که می‌خواستیم انجام ندادیم! پس، می‌غلتیم (می‌غلتیم) می‌غلتیم (می‌غلتیم) می‌غلتیم، همگی بگید نه! خونه‌ی خوب، ماشین خوب، آیا این‌ها معنی شادی رو می‌ده؟ توی سئول زیر سقف آسمون، آیا والدین واقعاً خوشحال خواهند شد؟ می‌خوام تفریح کنم و غذا بخورم، می‌خوام لباس فرم مدرسه‌ام رو پاره کنم، پول دربیارم، پول خوب، فعلاً پول چیزیه که چشمم دنبالشه! دفترچه بانکی خالی من، تنها ابهام ناراحتی بیش از حد منه، «برنامه درس خوندن یک نفس» جلوی ادامه این روند رو گرفته، بزرگ‌ترا می‌گن، این جور زندگی کردن آسونه، اونا بهم می‌گن من برای شادی زاده شده‌ام، پس چرا من احساس می‌کنم خیلی مایه اندوه هستم، برای صحبت کردن هیچ موضوعی به غیر از درس خواندن وجود نداره... اون بیرون بچه‌های دیگه هم مثل من وجود دارن!

چه کسی مسوولیت این «زندگی خیمه شب بازی» رو به عهده می‌گیره؟ بزرگ‌ترا به من می‌گن که این سختی موقته، تحملش کن، بعداً کار دل‌خواه خودت رو انجام بده، همگی بگید نه! این عملی نیست هرگز!

دیگه اسیر رؤیاهای دیگران نباش! می‌غلتیم (می‌غلتیم) می‌غلتیم (می‌غلتیم) می‌غلتیم، همگی بگید نه! یا همین حالا یا هیچ‌وقت! هنوز کارهایی رو که می‌خواستیم انجام ندادیم! پس، می‌غلتیم (می‌غلتیم) می‌غلتیم (می‌غلتیم) می‌غلتیم، همگی بگید نه! همگی بگید نه! همگی بگید نه! همگی بگید نه! همگی بگید نه! (برگرفته از مجله اینترنتی مارگرتا).

آره خوب بودن، ولی می‌شه گفت دوتاش، نه برای من بلکه همه، همین طور که الان شنیده می‌شه کی‌پاپ سر زبون‌ها افتاده، به خاطر سبک و استایل خاص شون، پس تاحدودی عامه‌پسند هست و خودمم در کنار این‌ها خیلی دوس شون داشتم و دارم.

- خوب به نظرت شیفتگی تو به کی‌پاپ از چه زمانی جدی‌تر شد؟

از همون سن ۱۳ سالگی، تابستون بود و قطعاً تفریح خاصی نداشتیم و چی بهتر از یک دنیای جدید و کامل و قشنگ و تینیجری».

ترانه ۱۸ ساله، در توصیف قسمتی از عملکرد کمپانی بیگ‌هیت، از پاسخ گروه بی‌تی‌اس کمپانی به برخی از خلاءهای نوجوانان و جوانان و خارج کردن آنان از سردرگمی‌هایی که در تحول‌های بلوغ و ورود به جامعه متوجه‌شان شده است، یاد کرده است. وی در تشریح اقدام اخیر کمپانی، بیان می‌دارد:

«- بی‌تی‌اس چه طوری توی کشور کره جا باز کرد؟

در بین مردم کشور کره، آمار خودکشی خیلی بالا بود، خصوصاً بین نوجوانان، به خاطر این که شیوه سخت رقابتی برای درس خوندن وجود داره، درس خوندن توی کره خیلی سخته و فشار عصبی زیادی از طریق والدین به بچه‌ها وارد می‌شه، در حوزه کاری هم فشارهای زیادی دارن، در واقع هر کسی نمی‌تونه در کشور کره زندگی کنه، یک زندگی خاص با نظم و شیوه و سیستم خاص، من با یک دانشجوی اوکراینی صحبت می‌کردم، با وجودی که بورسیه شده بود و در کره درس می‌خواند، نتونست اونجا دوام بپاره، مجبور شد خسارت بده و برگرده. کی‌پاپ سبک نوجوان داره و بیش‌ترین کسی که به این شاخه پر و بال داد، بی‌تی‌اس بود و در زمینه کاهش افسردگی و خودکشی نوجوانان خیلی مؤثر بود. توی فن‌میتینگ‌ها خیلی از جوان‌ها می‌اومدن و می‌گفتن: «ما می‌خواستیم خودکشی کنیم و به خاطر بی‌تی‌اس برگشتیم یا به خاطر حرفایی که می‌زنن، الان ما زنده‌ایم».

پری‌ناز ۱۸ ساله در مصاحبه‌اش از مانع شدن گروه بی‌تی‌اس از خودکشی برخی از جوانان به قرار زیر یاد کرده است:

«من از دوستانم شنیدم که یکی شون می‌گفت، سه بار تجربه خودکشی ناموفق داشته، ولی خب بی‌تی‌اس براش دلیلی برای زندگی کردن شده و این برای من خیلی جالبه و این که می‌گفت خیلی خودش رو دوست داره و می‌گفت، یاد گرفته حال بد و مشکل، توی زندگی همه هست و خودکشی راه درستی نیست و امیدش به زندگی بالا رفته و من بعد از بی‌تی‌اس، واقعاً می‌تونم بگم خیلی عاقل شدم و توی شرایط سخت خیلی راحت‌تر با مشکلاتم کنار میام و خودم رو نمی‌بازم و هیچ وقت جا نمی‌زنم و خیلی قوی شدم».

دیبا ۱۵ ساله در مصاحبه خود یادآور شده است، زمانی که جوان درگیر مشکلاتی نظیر این که چرا چهره من این‌گونه هست یا قد و پوست من آن‌گونه نیست، گروه بی‌تی‌اس ظاهر شده و با دلالت‌های خویش آنان را به آرامش و امید یافتن دعوت می‌کند.

سمانه ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور می‌شود، جوانان سردرگم در مواجهه با شعار «خودت را دوست داشته باش» گروه بی‌تی‌اس، ناگهان به ارزش وجودی خویش پی برده، مقاومت فزون تری در برابر ناملاپمات در خود احساس می‌کنند.

شبنم ۲۵ ساله نیز با تکرار مباحث مشابه، از اثر مثبت شعار اخیر روی خودش یاد کرده است. برخی از هواداران، از ویژگی‌های دیگری در گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند که این ویژگی‌ها برای آنان راهگشا واقع شده اند.

ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، جوانانی که در خانه و جامعه به دلایل مختلف سرکوب می‌شدند، در گروه بی‌تی‌اس که بدون هیچ قضاوت و توهینی با آنان برخورد می‌کرد، می‌توانستند خودشان باشند. احسان ۱۷ ساله نیز با اشاره به تفاوت دو جنس در بسیاری از خانواده‌ها، شعار تساوی دو جنس بی‌تی‌اس را که مانع از احساس خودکم بینی و خسران جنس مؤنث می‌شد، ارزشمند ارزیابی می‌کند، به همین ترتیب ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به این که بی‌تی‌اس به وی و دوستانش جرأت و جسارت مقابله با مشکلات را داده است و احساس مستقل بودن را برای آن‌ها امری در دسترس ترسیم می‌کند، از این مسأله با دیده رضایت یاد می‌کند.

۲-۳- نیاز نوجوانان و جوانان به الگو

«من اون جووری نیستم که خیلی استریم بزنم، ولی با این کار می‌تونم از شون تشکر کنم، این عقیده‌ای هست که من دارم. اگه من از اون هفت تا پسر کره‌ای حمایتی کردم، فقط به خاطر اینکه که ارزشمندترین چیزی رو که می‌شناسم، تو دنیا بهم هدیه دادن و به زبان خودم و خیلی ساده باهام حرف زدن» (مهسا، ۱۴ ساله).

کودکان، نوجوانان، جوانان و همه اقشار اجتماعی در روند شکل‌گیری شخصیتی خویش، نیازمند الگو هستند و الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راهنمای کشتی‌ها هستند، راهنمای کشتی وجودی انسان‌ها هستند. بنابراین اولیا، اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی جامعه باید توجه ویژه‌ای به مسأله الگوپردازی داشته، الگوهای مختلف علمی، ورزشی، اخلاقی، اجتماعی، عقیدتی و مانند آن‌ها را فراروی اقشار مختلف (خاصه کودکان، نوجوانان و جوانان) مطرح کنند، زیرا انتخاب یک الگو توسط یک کودک، نوجوان یا جوان، سبب می‌شود، وی چگونه شدن خویش را بر مبنای معیارهای ارزشی که در الگوی خویش می‌بیند، رقم بزند.

اما با وجود اهمیت زیاد الگو، باید بیان داشت که الگوهای خوب، انسان‌ها را به راه‌های متعالی و ارزشمند سوق داده و هدایت می‌کنند، در حالی که الگوهای نامناسب و بد، در عمل آدمی را به وادی

سقوط و اضمحلال نزدیک می‌سازند و علت آن که قرآن در جریان طرح اسوه‌ها، صفت حسنه را در کنار اسوه می‌آورد، همین معنا است.

نکته ظریفی که در این میان مطرح است، الگوهای هستند که به ظاهر دارای ویژگی‌های قابل توجه و حتی شگفت‌انگیزی هستند، اما در عمل این الگوها پیروان خویش را به عرصه‌ای تهدیدآمیز و پرخطر وارد می‌سازند.

قرآن در تحلیل بت‌پرستی (که توسط مستکبران جامعه ابداع و دامن زده شد) و جامعه توحیدی اولیه را به سمت کفر و شرک برد، بر استفاده آنان از اسوه‌ها تأکید خاصی دارد. در آیه ۲۳ از سوره نوح، آمده است:

«البتة پرستش ودا، سواع، یغوث، یعوق و نسرا را ترک نکنید».

تفسیر مجمع البیان (؟، ترجمه محمد رازی، ۱۳۶۵)، ذیل این آیه می‌نویسد:

«ابن عباس و قتاده گویند: این نام‌ها، نام بت‌هایی بود که قوم نوح، علیه‌السلام، آن‌ها را می‌پرستیدند. سپس بعد از آنان، عرب آن‌ها را عبادت کردند».

مؤلف در ادامه بحث مزبور، در تحلیل ریشه بت‌پرستی در عالم، می‌نویسد:

«محمدبن کعب گوید: این‌ها نام‌های مردم صالح و شایسته‌ای بود که بین آدم و نوح، علیهما‌السلام، بودند. پس بعد از ایشان قومی زندگی کردند که روش آن‌ها را در عبادت اتخاذ کرده بودند. پس شیطان به ایشان گفت: اگر تصویر آن‌ها را بکشید و در مقابل خود قرار دهید، شما را تشویق و نشاط بیش‌تر در عبادت دهند».

پس آن‌ها تمثال و تصویر آنان را کشیده و خرسند بودند تا بعد از ایشان که مردم دیگر آمدند: شیطان به آن‌ها گفت: مردمی که قبل از شما بودند، این‌ها را می‌پرستیدند، پس آن‌ها فریب خوردند و عبادت کردن آن‌ها را و این بود ریشه و اساس بت‌پرستی».

با ملاحظه آرای دکتر علی شریعتی، مشخص می‌شود که تفسیر وی از به انحراف رفتن جامعه از توحید به سمت شرک، دقیقاً مشابه تفسیری است که طبرسی در تفسیر «مجمع البیان» به طرح آن پرداخته است.

در نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسأله الگوبرداری کودکان، ذیل نظریات مختلفی نظیر دیگرپیروی اخلاقی پیازه، یادگیری مشاهده‌ای بندورا و یا الگویابی کودکان در نظریات مختلف جامعه‌شناسی مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است (اگر چه روان‌شناسان مقوله الگوبرداری را محدودتر از جامعه‌شناسان دیده‌اند و جامعه‌شناسان مسأله الگوگیری را فراتر از الگوبرداری اخلاقی دیده و آن را در همه ابعاد اخلاقی تا فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی گسترده دیده‌اند).

مسأله الگو و تقلید یا همانندسازی با وی، از مقوله‌های مهم روان‌شناسی معاصر دیده شده، مکاتب

روان‌شناسی زیادی درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴).

لئوناردو (۲۰۱۷) در مقاله‌ای که در نشریه ساینس منتشر کرده است، از اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فرارویشان یاد می‌کند.

تحول قابل توجهی که چند دهه قبل در مسأله پردازش الگوها در غرب پدید آمد، پردازش الگوها در جریان ادغام چند مؤلفه قدرتمند در یکدیگر بود. به این معنا که اگر تا پیش‌تر الگوهای مطرح شده در سطح جهان، عمدتاً از یک ویژگی بارز (مانند قدرت جسمانی، زیبایی ظاهر، صدای جذاب و نظایر آن) برخوردار بودند، الگوهای جدید شامل چند ویژگی بارز و جذاب بودند، به این معنا که این الگوها در عین آن که مثلاً از قدرت جسمانی و یا پیکر عضلانی برخوردار بودند (مانند آرنولد، استالونه، بروس لی)، در ابعاد هنری نیز مطرح می‌شدند و به این ترتیب از جذابیتی دو چندان برخوردار گردیده، تأثیری دو چندان نیز بر مخاطبان خویش داشتند.

با بررسی برخی از گروه‌های ایجاد شده در دهه اخیر (نظیر گروه بی‌تی‌اس یا بلک پینک) به نظر می‌رسد، پردازش الگوها وارد مرحله جدیدی شده است و طی آن با برخی از تمهیدات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، الگوهایی برای نوجوانان و جوانان مطرح گردیده‌اند که ارتباط بسیار عمیقی با مخاطب برقرار کرده، متقابلاً مخاطبان نیز با شدت بیش‌تری تحت تأثیر آنان واقع می‌گردند.

صبای ۱۶ ساله، در مصاحبه خود از نیاز خویش به الگو یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، وی با الگوبرداری از آیدول‌های بی‌تی‌اس، در خود تغییرات زیادی ایجاد کرده است:

«توی ظاهرشون چه چیزهایی جذب کرد؟»

بین مثلاً گفتم موهای رنگ کرده‌شون یا اممم میکاپ، آره میکاپم می‌کنم، ولی خیلی ملایم و نامحسوس، مثلاً یه رژ رنگ نود یا خط چشم کوتاه و نازک و یا رژ گونه خیلی کم. البته پوست‌شون هم که عالیه، البته اکثراً کره‌ای‌ها این جوری‌ان، ولی اینا عمل جراحی هم می‌کنن فکر کنم، حالا با این که جوون هستن، ولی انجام می‌دن بینی‌هاشون خیلی کوچیکه مثلاً که خب ژنتیکیه به کم. اندام‌شون جذابه و کلاً همه چی‌شون استاندارد، دیگه از صورت بگیر تا نوک پا. یه سری معیارهای سخت‌گیرانه‌ای هم برای جذب خواننده دارن. منم سر همین مسأله الان می‌بینی، بینیم عملیه یا رفتم گونه کاشتم و زاویه‌سازی فک کردم و رو پوستم هم فن پوست کره‌ای رفتم انجام دادم (خنده)».

البته لازم به یادآوری است که الگوها در سه سطح عمل می‌کنند، در ساده‌ترین سطح ممکن الگوها با ارایه مدل موها و پوشش‌های مختلف، الگوبرداری از ظواهر خویش را رقم می‌زنند. در سطح بعدی الگوها با به نمایش نهادن برخی از رفتارها، در عمل به هواداران خویش الگوی رفتاری داده و در نهایت در عمیق‌ترین سطح ممکن، الگوها با تبلیغ ارزش‌های خویش، مخاطبان را جذب ارزش‌های خویش می‌کنند.

۲-۴- استعدادیابی از سنین پایین

گروه‌های کی‌پاپ کره جنوبی برای پیشی گرفتن از رقیبان مطرحشان در اروپا و امریکا، در صدد برآمده اند تا با پردازش الگوهایی به مراتب قوی‌تر و همه‌جانبه‌تر، از رقیبان خود پیش بیفتند. یکی از این تمهیدها، جذب کارآموزان از سنین بسیار پایین است. انتخاب افراد در سطح سنی پایین، اولاً این امکان را برای کمپانی‌های کی‌پاپ کره فراهم می‌آورد که در دوران دیگرپیروی کودکان و نوجوانان، آنچه را که مدنظرشان است، به آنان القاء کنند و در عمل به پردازش الگوهایی نایل آیند که به طور تام و تمام معیارهای کمپانی را در خود نهادینه سازند.

ثانیاً، آموزش کارآموزان از سطوح سنی پایین سبب می‌شود، کارآموزانی که پس از مثلاً یک دوره ۱۰ ساله آموزشی وارد صحنه اجرا می‌شوند، از رقیب‌های خود که ممکن است تازه در اوان جوانی متوجه استعداد هنری خود شده و در صدد ورود به عرصه کی‌پاپ هستند، بسیار جلوتر باشند.

ثالثاً در صورت پا به عرصه نهادن ستاره‌های جوان، دوره اثرگذاری آنان در مخاطبانشان، کم‌تر از پا به عرصه نهادن کودکان و نوجوانان در عرصه‌های هنری است، زیرا با پا به سن نهادن ستاره‌ها، آنان به سادگی مورد علاقه قشر نوجوان و جوان قرار نخواهند گرفت.

غزل ۱۶ ساله و سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از گزینش کارآموزان از سنین بسیار پایین، به قرار زیر یاد کرده اند:

«کی‌پاپ یه سری استاندارای غیرطبیعی داره، مثلاً از سن خیلی خیلی کم، از افراد استفاده می‌کنن.»
«گروه‌های کره‌ای تحت نظر کمپانی رشد می‌کنند. یعنی چه جوری؟ یعنی این طوری که قبل از این که صدایی داشته باشند یا چیزی داشته باشند می‌رن. یه آزمون ورودی می‌دن برای کمپانی‌های مختلف و بعد که این آزمون‌ها رو دادند یک‌سری کمپانی‌ها قبول شون می‌کنند و یک‌سری قبول شون نمی‌کنند. اونایی که قبول شون می‌کنند، اینا رو می‌گیرند و از سن کم آموزش شون می‌دن. مثلاً الان ما کارآموزهایی رو داریم که مثلاً ۸ سالشونه! آزمون دادند یا توی یه مسابقه موسیقی برنده شدند و کمپانی‌ها این‌ها رو از همین جاها پیدا می‌کنه و جذب می‌کنه. بعد بستگی به کمپانی داره که اینا چه سالی دبیو (آغاز به کار) کنند.»

- دبیو یعنی چی؟

دبیو یعنی این که وارد عرصه بشن. مثلاً اولین باری که آلبوم می‌دن و شروع به کار می‌کنند رو می‌گن دبیو کردن.

- با توجه به این سن کم‌شون که اشاره کردید، آیا مثلاً خانواده‌ها این‌ها رو می‌فرستند سمت کمپانی‌های بزرگ؟ چون بچه ۸ ساله که به نظر نمی‌رسه بتونه انتخاب مستقل داشته باشه.

بستگی داره دیگه. البته الان سن‌ها اومده پایین‌تر و شما در واقع با نسل چهار کی‌پاپ رو به رو هستید که داره وارد نسل پنج می‌شه. نسل یکش مثلاً برمی‌گرده به زمانی که جومونگ تولید شده. نسل دومش می‌شه حدوداً از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بعد نسل سومش می‌شه از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ و نسل چهارمش از ۲۰۱۸ شروع شده تا الان. هنوزم هر چی گروه وارد بازار می‌شه رو می‌گن گروه‌های نسل چهار. گروه‌های نسل یک تا سه چون اون قدری کی‌پاپ معروف نبود و چون اون قدری به عنوان یه صنعت پولساز حساب نمی‌شد، خودشون بر اساس علاقه وارد کی‌پاپ می‌شدند. مثلاً می‌دیدید طرف تو ۲۰ سالگی می‌اومد تازه وارد کی‌پاپ می‌شد و کمپانی‌های مختلف می‌رفت یا خودش این ور می‌رفت اون ور می‌رفت تا بتونه آموزش ببینه و شروع کنه. ولی الان که بچه‌های نسل ۴ و ۵ دارند میان، دیگه اوضاع این شکلی نیست و از سن‌های خیلی پایین آموزش‌شون شروع می‌شه. چون کی‌پاپ از فاز این که صرفاً یه موسیقی باشه گذشته، بلکه یه صنعته الان دیگه. یه صنعت بزرگه که توش گردش مالی خیلی زیادی هم وجود داره. البته هنوزم هستند کسانی که از سنین بالاتر برن سراغش، ولی به سختی پذیرش می‌شن، چون وقتی شما یکی رو داری که مثلاً ۲۰ سالشه و ۱۲ ساله داره آموزش می‌بینه دیگه طبعاً با اون‌کی که ۲۰ سالشه یا ۱۸ سالشه و تازه اومده شروع کنه، در یک سطح قرار نمی‌گیره».

ترانه ۱۸ ساله نیز در فرازی از بیاناتش، از استعدادیابی کمپانی از سنین پایین افراد، یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، ستاره‌ها (آیدول‌ها) در طی دوره کارآموزی خویش آموزش‌های سنگین و گسترده‌ای را تجربه می‌کنند:

«- آیا نخبه‌هایی که کره جنوبی انتخاب می‌کنه، ویژگی و یا دامنه سنی خاصی دارن؟

من یه مقاله خوندم، نوشته بود که مردم اگه بدونن که کره چه برنامه‌ای ریخته و اگر بدونن داخل کمپانی‌های کره جنوبی چه اعجوبه‌هایی و چه نسل جوانی از بچگی روشن کار می‌شه و از بچگی بزرگ‌شون می‌کنن که بعدها از اون‌ها استفاده کنن، اون وقت همه کشورها می‌تونستن مثل کره پیشرفت کنن، دقیقاً کاری که چین کرد. چین به عنوان یک ابرقدرت رقیب سرسخت امریکا در همه زمینه‌ها هست و چین یک الگوی خاص بیش‌تر نداشت و اون هم استفاده از نیروی جوان به جای افراد فرسوده بود. افرادی با هدف استعدادیابی از سطح شهر شروع به پیدا کردن استعدادها می‌کنند، حتی از سه سالگی و اونا رو داخل کمپانی‌ها می‌برن، ساپورت (حمایت) می‌کنن، آموزش می‌دن و واس‌شون خیلی کارها می‌کنند، بعد در هر دهه افرادی رو از بین همون‌ها به عنوان سوپرستار بیرون می‌دن».

۲-۵- برگزاری آزمون جهت جذب کارآموزان

کمپانی‌های مختلف کی‌پاپ در کره، از جمله کمپانی بیگ‌هیت، جهت راه‌اندازی گروه‌های موسیقی خودشان، از طریق آزمون دست به جذب کارآموز زده، با تمرین‌های فشرده خویش، روی کارآموزان برای تبدیل شدن به یک ستاره، سرمایه‌گذاری‌های لازم را می‌کنند. رهای ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از برخی از شرایط جذب کارآموز توسط کمپانی‌های کی‌پاپ، به قرار زیر یاد کرده است:

«بعد من یه دوستی داشتم که فن هیدن بود. خیلی دوستش داشتم. چون دوست من بود، ما با هم دعوا که نداشتیم. اون برای من چندتا از آهنگاش رو فرستاد، گفت تو بیا چندتا از این آهنگ‌ها رو گوش کن. منم اون موقع گوش نکردم، ولی بعدا گوش کردم، دیدم نه. حالا درسته که یارو توهین کرده، ولی خودشم برای خودش کسیه. منتها شرایط مملکت و این جور چیزاست که آدم معروفی نیست. منتها کارش رو بلده.

- خوب اون زمانی که کی‌پاپر شدی سنت خیلی کم‌تر بوده، تا جایی هم که من دیدم، این شکلیه، کمپانی‌هایی که آودیشن^۱ می‌گیرن شرطشون اینه که سنت کم باشه. توی اون سن هیچ وقت دوست نداشتی بری آودیشن بدی و آیدول بشی؟

(بلند می‌خندد). یه دوستی داشتم... من تو فکرش نبودم. اون این رو انداخته بود تو سر من که آره بیا بریم آودیشن بدیم قبول شیم. بعد هی بزرگ‌تر شدم، گفتم بابا مگه کره شهر هرته که هر کی دلش می‌خواد بره اون جا آودیشن بده، قبول شه، چون ماشالله نصف کی‌پاپرهای ایرانی آودیشن توی کمپانی جی‌وای پی و قبول هم شدن. اون وقت خود کمپانی جی‌وای پی عرضه نداره یکی از گروه‌هاش رو درست پروموشن^۲ (بازاریابی، تبلیغ و معرفی) کنه (باخنده، اما در ادای جمله آخر عصبی به نظر می‌رسد). این جور بود دیگه و من هوایی شده بودم. اون از من بزرگ‌تر بود. من خر شده بودم. ولی الآن نه. دیگه عقلم می‌رسه (می‌خندد).

- بعد اون زمان که می‌خواست آودیشن بده فقط می‌خواست یا تمرین هم می‌کرد؟
چرا تمرین می‌کرد (می‌خندد و ادامه می‌دهد): بعد صدا هم که نداشت بنده خدا. هی برا منم می‌فرستاد. هی منم می‌گفتم، وای چقدر صدات قشنگه (با خنده). البته اونم دیگه عاقل شد خدا رو شکر.
- آودیشن نداد آخرش؟
نه.

۱. آودیشن (Audition) به تست صدا برای آواز و رپ و گویندگی و مدلینگ و رقص یا به طور کلی هر هنر نمایشی دیگر

می‌گویند.

- چرا می‌گی عاقل شدیم، این که آیدول بشین چیز بدیه؟

نه خب ببین. واقع بین نبودیم. ما از ایران چه طور اون زمان می‌رفتیم، آودیشن می‌دادیم. البته می‌شه این کار رو کرد. خلیا این کار رو می‌کنن. مخصوصاً تو کرونا که آودیشن اولیه. اون مصاحبه اولش اینترنتیه. هر کی هر جا که باشه می‌تونه. ولی خب خلیا هم می‌رن کره از شورای دیگه که آودیشن بدن. منتها قبول کردن شون از ایران خیلی بعیده. از تایلند، از تایوان، چین و ژاپن و اینا یا اروپا قبول می‌کنن. حالا اروپا کم. ولی بازم هست. اما ایران نه خب. واسه همین می‌گم باید واقع بین باشه آدم.

- یعنی چی، چرا از ایران قبول نمی‌کنن؟

ببین اینا مثلاً اگه یه آیدول شون رو از کارآموزای تایلندی انتخاب می‌کنن، با این کار میان، کلی طرفدار واسه یه گروه کی‌پاپی از تایلند واسه خودشون می‌گیرن یا اگه آیدول ژاپنی میان تو گروه شون، کلی تو ژاپن براشون تبلیغ می‌شه. یه پروموشن خیلی خوبیه. مثلاً اونا میان کنسرت شون. اینا می‌تونن اون جاها کنسرت بذارن. آلبوم شون رو می‌خرن. کلی درآمد داره براشون. بالاخره خود کره که کوچیکه جمعیت شون هم اون قدر نیست. بعد این کار خیلی به نفع شونه دیگه. اما اگه بیان کارآموز ایرانی بگیرن، چندسال تعلیمش بدن بعد آیدولش کنن، چه سودی براشون داره؟ الان ما واسه آیدول‌های کره‌ای خودمون هم سود خاصی نداریم. چون معمولاً آلبوم نمی‌خریم. اون طوری مستقیم تو ایران به فروش نمی‌ره. کنسرت برگزار نمی‌تونن بکنن یا چه می‌دونم مثلاً برن روی کاور روزنامه کیهان مثلاً؟ (با صدای بلند می‌خندد). ما نداریم هم چین چیزایی. پس مشخصه که نمیان کارآموز ایرانی بگیرن و پول حروم کنن دیگه».

۲-۶- اعمال استانداردهای سخت‌گیرانه زیبایی

«- زهرا چی شد که به بی‌تی‌اس علاقه‌مند شدی؟

(می‌خندد) راستش رو بگم؟

- بله.

خیلی جذاب بودن.

- از چه نظر جذاب بودن؟

ظاهری. نمی‌تونم راحت‌تر از این بگم. به حدی جذاب ان که همین الانم حاضرم کلیه‌ام رو بفروشم،

یه شب کنار کیم تهیونگ باشم» (زهرا، ۱۶ ساله).

دوران نوجوانی دوران غلبه هیجان‌ها بر فرد بوده، به سبب آن که نوجوان هنوز از دید عینی خویش

فاصله زیادی نگرفته است و به تفکر انتزاعی منسجمی دست نیافته است، ابعاد و معیارهای عینی برای

نوجوان پرننگ هستند. از این رو کمپانی در جریان جذب کارآموزان مورد نظرش، به دقت به مسأله جذابیت فیزیکی آنان توجه می‌کند.

ثنای ۱۶ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، به صراحت خاطر نشان می‌سازد، چهره خواننده برای وی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و با زیبا نبودن آن خواننده، وی از او استقبال نخواهد داشت:

«- بیش‌تر به موسیقی گروه بی‌تی‌اس اهمیت می‌دهی یا زیبایی ظاهر و طرز لباس پوشیدن آن‌ها؟ به جفتش اهمیت می‌دم، هر چند که اهمیت داره لباس و ظاهر. می‌گن که عقل مردم تو چشمشونه. عقل من هم تو چشمه (باخنده).

- یعنی بیش‌تر به ظاهر اهمیت می‌دهی تا موسیقی؟

اگه بی‌ریخت باشن زده می‌شم و احتمالاً گوش نمی‌دم دیگه آهنگ‌ها رو هم.

- چرا؟

چون عادت دارم تصور کنم خواننده‌ی آهنگ رو وقتی که آهنگ پلی می‌شه. اگه زشت باشه دلم نمی‌خواد گوش کنم.

- یعنی نمی‌توانی یک تصویر تخیلی خوب از خواننده در ذهنت تجسم کنی؟

امتحان کردم نشده. سلن دیون وقتی جوون بود یه کم خوشگل بود. حالا که هم مریض شده و هم پیر قیافه‌ش بد شده، دیگه آهنگ تایتانیک رو نمی‌تونم گوش بدم، چون تصویری که تصور می‌کنم، قیافه‌الآنشه».



پونه ۱۸ ساله و تینای ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌های جداگانه خودشان به تأیید اظهار نظر ثناء پرداخته، خاطر نشان می‌سازند، آن‌ها در عمل نخست جذب ظواهر ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس شده و سپس به سراغ آهنگ‌های آنان رفته‌اند:

«- بیش‌تر جذب ظاهرشون شدی تا آهنگ اون‌ها؟

آره. البته آهنگاشون رو هم دوست داشتم، وقتی که دیگه تصمیم گرفتم فن‌شون بشم و دنبال شون کنم. ولی خب آره بیش‌تر چهره و تیپ‌شون جذیب کرد، بعد رفتم سراغ آهنگ اون‌ها.

- بیش‌تر چه ویژگی از ظاهرشون رو دوست داشتی؟

اول خب قیافه‌شون. نامجون و تهیونگ و کوک از نظرم خیلی خوشگل بودن. البته همه‌شون قشنگ بودن، ولی اینا بیش‌تر از نظرم خوشگل بودن. بعد این که یه سر رفتم اینستاگرام بی‌تی‌اس و یه سری عکس فوتوشوت از شون دیدم و این جوری بودم که گrrrrrr آریو کیدینگ می؟ من چرا شما رو تا حالا

نشناخته بودم. البته اسم شون رو شنیده بودما. حتی چند بار هم تو این پیجای خبری عکساشون رو دیده بودم، اما توجهی نکرده بودم. آره داشتیم می‌گفتم که تو اینستا عکس و ویدیوهایشون رو دیدم و جدی نتونستم در برابر این همه زیبایی مقاومت کنم. خیلی زیبا بودن از نظرم و کلاً از همه چیزشون خوشم اومد. بعدم که صدا و آهنگاشون رو شنیدم خوشم اومد. بعد خیلی برام جالب بود نوع لباس و ظاهرشون».

«- اون موقع که تو مراسم گرمی بی‌تی‌اس رو دیدی، اولین بار چی جذبت کرد؟»

اول که قیافه‌ی یکی از اعضا شون بود. البته نه، قبل از قیافه، استایل شون بود. یعنی لباس پوشیدن شون و اینا خیلی واسم جذاب بود. چون نه کاملاً هر کدوم از اعضا شون چیزای مختلف می‌پوشیدن، نه این جور بود که کاملاً مثل بقیه بندها عین هم بپوشن. در عین حالی یه انسجامی رو حفظ کرده بودن، هر کسی استایل شخصی خودش رو داشت. بعد من یه سری از استایل‌های اعضا شون خیلی به سلیقه‌ام نزدیک بود. بعد اول این جور بودم که اوومم، چه قدر لباساشون خوبه و اینا، بعد رسیدم به صورتشون بعد این جور بودم که اوومم صورتاشون هم خیلی خوبه. بعد اول به خاطر یکی دوتا از اعضا ش که خوشگل بودن فقط پیگیری می‌کردم شون، بعد بیهو دیدم کلاً غرق شدم تو قضیه.

- یعنی اول جذب ظاهرشون شدی نه موسیقی، درسته؟

اولش آره».



باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش یادآور می‌گردد که اهمیت وافر زیبا رو بودن کارآموزان، کارکنان کمپانی را به جست‌وجو در جامعه برای یافتن افراد زیبارو واداشته است و حدیث ۱۴ ساله در بیاناتش تأکید می‌ورزد که در گروه بی‌تی‌اس افراد زیبارو، نسبت به دیگر اعضای گروه برتری دارند:

«منیجرها هم هستند که استعدادها رو کشف می‌کنن، برای مثال همین جین بی‌تی‌اس رو یه منیجر توی اتوبوس دیدش و به خاطر چهره‌ی خوشش که برای اجرا مناسب بود، اون رو دعوت کرده به کار توی کمپانی».

«... می‌دونی کره‌ایا کلاً روی قیافه خیلی حساس ان و هر کی جذاب‌تر و خوشگل‌تر باشه به اون بیش‌تر اهمیت می‌دن با این که نامجون این قدر زحمت می‌کشید و فشار روش بود باز کمپانیا بیش‌تر به ویژوال اهمیت می‌دادن و همه تمرکزشون رو می‌دادن به اونا.
- ویژوال چیه عزیزم؟

کره یه استانداردهای زیبایی داره مثلاً چشمای درشت و صورت لاغر و بدن به شدت اسکینی و قد دخترا باید تا ۱۶۷ و پسرا باید تا ۱۸۰ باشن. بعد مثلاً توی هر گروه یه نفر یا چند نفر رو انتخاب می‌کنن که اونا قیافه‌شون به معیار زیبایی کره‌ای نزدیک‌تره بعد بیش‌تر به اونا اهمیت می‌دن. اون عضو می‌شه ویژوال... .

بعد مثلاً اگه یه کوچولو اضافه وزن داشته باشن، خیلی رژیمای سخت و تمرینای سخت می‌دن بهشون، مثلاً می‌گن روزی بیست ساعت (!) باید ورزش کنی و برقصی یا رژیماشون یکی هست عضو گروه تو آیس، یک هفته تو دوران کارآموزیش فقط و فقط یخ می‌خورد. بعد توی مصاحبه‌اش می‌گفت، توی اون یک هفته هر شب فکر می‌کردم، دیگه امشب می‌میرم.»
ترانه ۱۸ ساله و باران ۲۰ ساله در گزارش خود از معیارهای کمپانی در انتخاب کارآموزان به قرار زیر یاد کرده اند:

«- کمپانی چه استانداردهایی برای گرفتن اعضاء داره؟

معمولاً برای عضویت، داوطلبان چند بار باید آودیشن (آزمون ورودی) بدن. برای آودیشن هفت مرحله وجود داره، در مرحله اول بیش‌تر به توانایی‌ها نگاه می‌کنند، به انعطاف‌پذیری افراد توی رپ، ووکال، دنس‌های مختلف در زمینه‌های مختلف موسیقی، در ظاهر هم به اندازه قد و لاغری توجه می‌کنند. در ابعاد بدنی معمولاً برای خانم‌ها سینه صاف و کم حجم باسن صاف، چشم ریز، صورت کوچک و رنگ پوست سفید و چهره کیوت اولویت داره و در مردها هم دست‌های کشیده، بدن فرم دار، سیکس پک و اینا مهمه.»

«- بیش‌تر درباره چارچوب‌ها و ملاک‌های زیبایی‌شون می‌گی؟

بین حتی برای خود کره‌ای‌ها هم این استاندارد یک چهارچوب مشخص نداره و همواره در حال تغییره و این تغییرات بسیار سریع اتفاق می‌افته! و البته این مسأله هم می‌تواند نشأت گرفته از فرهنگ پر سرعت اون‌ها باشه که حتی خودشون هم گاهی از این ترندها (مدها) جا می‌مونن، برای مثال، تا همین چند سال قبل تک پلک بودن یک مشخصه زیبایی به نظر نمی‌رسید و حتماً بایستی دو پلک می‌بودید تا از نظر کارشناسان خوش چهره به نظر برسی. اما در یک مقطع زمانی، این ایده به کلی از ذهن‌ها حذف شد و به این نتیجه رسیدند که بله، تک پلک بودن معیاری برای زیبایی است یا داشتن لب‌های حجیم در گذشته اصلاً زیبا به نظر نمی‌اومد و هر چه لب باریک‌تر بود، خوشگل‌تر بود، اما الان این داستان عوض شده و لب‌های پُر از دید عموم قشنگ‌تره.

به طور کلی استانداردهای زیبایی بر اساس معیارهای زیبایی غربی این طور هست:

- ۱- صورت کوچک،
- ۲- صورت سفید و رنگ پریده که از قبل داشتن،
- ۳- اندام لاغر،
- ۴- داشتن یک اندام لاغر و شانه‌های ۹۰ درجه. این ترند جدید یعنی داشتن ترقوه برجسته و شانه‌های استخوانی ۹۰ درجه، به خاطر جنی از گروه بلک پینک خیلی محبوب شده.



- پس گروه‌های کی‌پاپ هم می‌تونن رو استانداردهای زیبایی کره تأثیر بگذارن؟
آره. الآن جزییاتش یادم نیست، ولی تو یه سری برنامه‌های زیبایی هم اومده بودن صورت بی تی اس رو بررسی کرده بودن این که به لحاظ علمی و اون نسبت‌هایی که بین اعضای صورت وجود داره، چه قدر بین صورت اعضا رعایت شده، تناسب اندامم یکی دیگه از نشانه‌های مطلوب بودن به حساب میاد، و منظور تناسب بین اندازه‌های دست، پا، بالاتنه و... هست. حتی یک صفت مخصوص برای این شرایط فیزیکی بدن دارند، در این معیار وقتی وای می‌ایستی، اندازه بدن باید ۸ برابر اندازه صورتت باشه و فک ۷ شکل باشه.

۵- بینی‌های قلمی بزرگ برای مردا،

۶- نداشتن موی زاید،

۷- شونه پهن برای مردا،

عمل دو پلکی، لیفت نوک بینی، تیز کردن انتهای لبخند، این‌ها رو هم دارن». نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، برخی از متقاضیان خوانندگی در کی‌پاپ، به دلیل فاصله داشتن از استانداردهای زیبایی گروه، رد شده و کارشان بعضاً به دشواری رسیده است:

«- تو گفتی اون زمان تحت تأثیر همین علاقه به رقص و کی‌پاپ رفتی عمل جراحی کردی، با توجه

به استانداردهایی که کمپانی برای لاغری داره، رژیم هم گرفتی؟

نه، هیکلم رو فرم بود همیشه. در کل هم اسکینی و لاغر بودم، ولی همیشه هم سعی می‌کردم که لاغر بمونم و یهو چاق نشم. چون خیلی شرط مهمی بود و هست که لاغر باشی و اگر نباشی، رسماً با یه تیکه زباله در کی‌پاپ فرقی نداری، این مسأله براشون خیلی مهمه. خیلی از کارآموزا رو سر همین

لاغری و میزان نبودن هیکل رد کردن و خیلیا هم سر همین که رد شدن به خاطر هیکل و قیافه خودکشی کردن».

سمانه ۱۷ ساله نیز در بیاناتش تأکید می‌کند که برای هر چه کامل‌تر شدن جذابیت کارآموزان، آنان در عمل به کمپانی تعهد می‌دهند تا دستورهای کمپانی را در این جهت عیناً پذیرفته و محقق سازند، حتی اگر این دستورها خواستار تن دادن فرد به جراحی زیبایی باشد:

«... اعضای گروه آرایش هم دارن؟

آره میکاپ هم می‌کنن همه‌شون، البته در واقع کمپانی می‌کنه، ولی مثلاً مثل زنا نیست، یعنی غلیظ و تابلو نیستش ولی رژ و حالا خط چشم و اینا دارن خیلی ملو (کم) و سبکه آرایش‌شون.

- اگر اون آیدول مخالف رنگش باشه چی؟

(فکر می‌کند) خب دیگه هر چی کمپانی بگه همونه دیگه. یعنی اینا خب از خودشون تصمیم نمی‌گیرن که، اون جووری هر کی، هر کی می‌شه و کار پیش نمی‌ره، باید یه ترکیب رنگ خاصی رو داشته باشن.

- یعنی باید باهم جور و هماهنگ باشند؟

آره دیگه.

- این مسأله جزو قوانین شون هست؟

آره خب، هر چی کمپانی بگه همونه. تعهد می‌دن سر این که هر چی کمپانی بگه، انجام بدن.

- عمل هم روی صورت‌شون دارن؟

آره، آره، دارن اکثرشون، مثلاً بدن‌شون رو جراحی کردن خیلیاشون و لباسون رو تزریق کردن اکثراً، یعنی اصن کمپانی بهشون می‌گه این کارها رو بکنن.

- یعنی یه سری استاندارد برای زیبایی دارن؟

آره و خیلی سفت و سخت ان روشون که طرف باید انجام بده حتماً، مثلاً زاویه‌سازی فک و تزریق لب و... و اصن کمپانی تعهد ازشون می‌گیره که باید انجام بدن لازم شد، در نتیجه اینا هم دیگه مجبوری شاید می‌کنن، دست خودشون نیست».

۲-۷- الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی پیشنهادی

کمپانی برای کارآموزان پذیرفته شده، دوره‌های آموزشی خاصی را در نظر می‌گیرد که این دوره‌ها ممکن است تا ۱۰ و یا حتی ۱۲ سال نیز به درازا بینجامند. در این دوره‌ها علاوه بر آموزش مواردی مانند موسیقی، خوانندگی و رقص، موارد دیگری که یک ستاره موفق بدان‌ها نیاز دارد، مانند یادگیری زبان خارجی، رسانه و حتی بازیگری نیز بدان‌ها آموزش داده می‌شود.

زهرای ۲۴ ساله، در قسمتی از مصاحبه خودش از آموزش‌های معمول کارآموزان در کمپانی به قرار زیر یاد کرده است:

«- در مورد مربی‌های آموزشی می‌شه بیشتر صحبت کنید، این افراد چه مواردی رو آموزش می‌دن؟
خب این افراد که بعدها آموزش می‌بینن و تبدیل به آیدول می‌شن باید تاحدودی مستعد هم باشن.
بعد از این که انتخاب شدن، تو بخش‌های مختلف تمرین می‌بینن.
یکی از تمریناتی که دارن در مورد اجرا هست. تمرین‌های ویژه رقصیدن که واقعاً سخت هست و
یک فرد معمولی که هیچ تمرینی ندیده و از شرایط بدنی خوبی برخوردار نیست به هیچ وجه نمی‌تونه
اون‌ها رو انجام بده.»



تمرین‌های حرفه‌ای موسیقی که هم به صورت تئوری هست و هم نواختن آلات موسیقی رو آموزش
می‌بینن. شعر گفتن بیش‌تر ذاتی هست، ولی تمرین می‌شه باعث پیشرفت و بهتر شدن اون بشه که
روی این مورد هم کار می‌کنن.

(با کمی مکث) از همون ابتدا انگلیسی رو هم بهشون آموزش می‌دن. برای لباس پوشیدن‌ها و مدل
مو هم افراد خاصی رو دارن که براشون لباس‌ها رو انتخاب کنن و به ظاهرشون برسن تا بهترین شرایط
رو داشته باشن از لحاظ ظاهر و پوشش.»

تنی چند از مصاحبه‌شوندگان دیگر با تأکید بر این که کمپانی در کنار خوانندگی و رقص اعضای
گروه، خواهان به کارگیری ستاره‌های خودش در مواردی مانند تبلیغات نشان‌های (برندهای) مختلف و
یا القای اندیشه‌های خاص به مخاطبانش هست، آنان را موظف به دیدن دوره‌هایی در زمینه رسانه و
بازیگری نیز می‌کنند. شکوفه ۱۸ ساله در همین ارتباط می‌گوید:

«- دوره کارآموزی چه دوره‌ایه؟»

توی این دوره آموزش‌های خوانندگی، رقص، هماهنگی رقص، رفتارهای مقبول اجتماعی، زبان، نحوه
برخورد با فن‌ها و هیترها، پایبندی به قوانین و خیلی چیزهای دیگه بهشون داده می‌شه. ورزش و
رژیم‌های غذایی خاص، هم دارن، بعضی‌هاشون هم باید از اعمال جراحی زیبایی استفاده کنن. امکان
ارتباط با جنس مخالف ندارن، امکان داشتن یه زندگی عادی مثل سایر مردم ندارن و همه فعالیت‌هاشون
حتی فعالیت‌های کوچیک‌شون باید زیر نظر کمپانی باشه.»

۲-۸- تغییر نام ستاره‌ها

برخی از مصاحبه‌شوندگان در توصیف قیدهایی که کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت بر ستاره‌های (آیدول-ها) خود نهاده است، از تغییر نام اصلی آنان به نام مستعارشان یاد کرده‌اند. مسأله‌ی اخیر ضمن نامشخص کردن خانواده افراد، واجد این اثر مهم هست که کارآموزان مستعد پذیرش هویت جدیدی می‌شوند که مطلوب طبع کمپانی است و کمپانی می‌خواهد ستاره‌هایش را بدان سمت و سو هدایت کند.

پونه ۱۸ ساله و شقایق ۱۹ ساله در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، از تغییر نام ستاره‌های بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«چند بار توی جمله‌های خودت گفتم که کمپانی‌ها آرتیستای کی‌پاپ رو مجبور می‌کنن، در موردش توضیح می‌دی.»

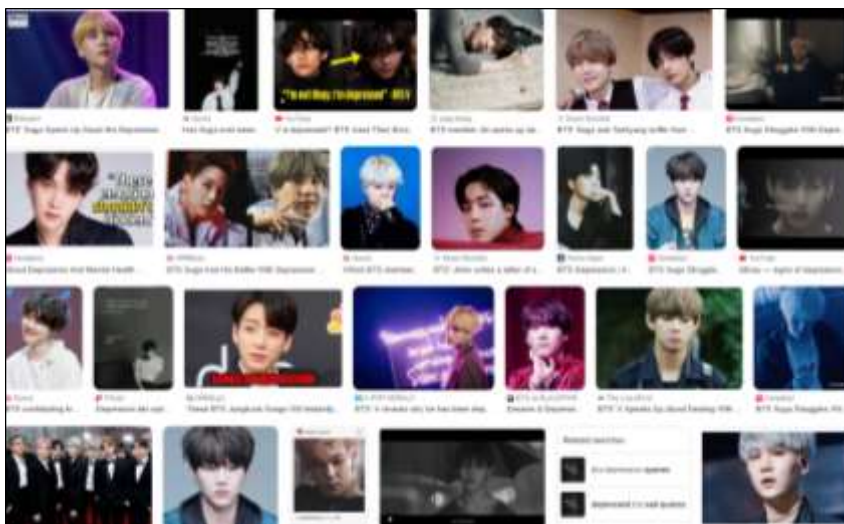
عام بین کلاً شهرت یه سری محدودیتا میاره، حالا این محدودیتا تو کشورای مختلف دنیا متفاوته. مثلاً تو ایران آدمای معروف و خواننده‌ها، وقتی معروف می‌شن، خیلی آزادی ازشون گرفته می‌شه. خیلی کارا رو نمی‌تونن بکنن. اما خب این جور نیست که مثلاً فلان خواننده ایرانی نتونه فلان لباس رو بپوشه یا فلان غذا رو بخوره یا مثلاً مجبور نمی‌کنن که فلان حرف رو تو حرفه‌ی کاری خودشون بزنن. ولی این تو کشورای دیگه این جور نیست. مثلاً تو هالیوود و خواننده‌های غربی خیلی این چیزا هست که مثلاً برای این که آهنگا و کاراشون شنیده بشه، می‌گن برن مثلاً با فلان دختر یا پسر معروف قرار بذارن تا اون حاشیه‌ها باعث بشه آهنگشون بیش‌تر شنیده بشه یا مثلاً مجبورشون می‌کنن تو مصاحبه‌ها از فلان آرتیست بد بگن، همه‌ی اینا واسه چیه؟ واسه این که دیده بشن و در کنار اون دیده شدن، آهنگ و حرفه‌شون بیش‌تر دیده بشه. حالا اینا مال امریکا و اروپا بود. توی کره به مراتب این محدودیتا و قوانین بیش‌تره. سخت‌گیری‌ها خیلی خیلی بیش‌تره. تقریباً می‌شه گفت آرتیستا اصلاً رو زندگی‌شون هیچ کنترلی ندارن. خیلی اجبار و محدودیت هست. مثلاً روی لباس پوشیدن و غذا خوردن و خوابیدن و رابطه و همه چیزشون کنترل دارن. بعد خب همه‌ی اینا آرتیستا رو نابود می‌کنه دیگه. تصور کن هیچ اراده و کنترلی رو زندگی و کارات نداشته باشی.

- می‌تونی برام مثال بزنی؟

آره، اون قدر زیاده که می‌تونم تا یک هفته برات مثال بزنم. مثلاً بین اون اوایل که بی‌تی‌اس دبیبو (شروع فعالیت یک آرتیست) کرده بود، خیلی خیلی محدودیت داشتن. مثلاً اجازه نداشتن حتی تو خلوت خودشون مشروب بخورن، تنهایی اجازه نداشتن بیرون برن، اجازه‌ی دیدن خانواده‌هاشون رو هم حتی نداشتن. اجازه‌ی انتخاب لباس و رنگ مو بدون اجازه‌ی هیر استایلیستشون نداشتن. بعد بهشون یه سری رژیم غذایی می‌دادن که اینا حق نداشتن خارج از اون رژیم غذایی که بهشون دادن، چیزی بخورن.

تو فکر کن حتی اینا اسم و نام‌شون تغییر کرد و شد مثلاً وی و شوگا و آر.ام. حالا الان به اسم واقعی‌شون صداشون می‌زنن، ولی خب قبلاً این جور نبود. باید اسمی که کمپانی گفته بود رو می‌داشتن رو خودشون، اجازه‌ی دیت و قرار گذاشتن با کسی رو نداشتن.

البته همه‌ی اینا برای اون اوایل بود. الان خیلی آزادتر شدن و کارایی که دوست دارن رو انجام می‌دن. ولی خب اینا بی‌تی‌اس هستن. خیلی از آرتیستای کی‌پاپ هنوز دارن با این چیزا دست و پنجه نرم می‌کنن. هر چند که بی‌تی‌اس هنوزم کم و بیش بعضی از اعضای اون مثل تهیونگ درگیرن. همین چند وقت پیش طبق اون خبرایی که اومده بود بیرون، مشخص شد که بابای تهیونگ رفته کمپانی و اعتراض کرده که چرا این قدر برای پسرش دراما درست می‌کنن. و خب چند وقت تهیونگ از نظر روحی به هم ریخته بود و حالش خوب نبود. مدام هم می‌گفت به کمپانی که حال خوبی نداره تا بلکه یه مدت دراماهاش تموم بشه و آرامش بگیره، ولی گوش نکردن. بعد طبیعتاً تو وقتی این قدر محدودیت داری و آزادی رو ازت می‌گیرن، دچار افسردگی و خودکشی و هزارتا چیز دیگه می‌شی. واقعاً شرایط سختیه.



سولی، جونگ هیون، سئو مین و... و از آیدول‌های مشهوری هستن که کارشون به خودکشی رسیده».





«- آیدول‌های گروه، ارتباط با جنس مخالف خودشون دارند؟

نه، نه، اصلاً. یعنی حتی خانواده‌اشون هم معلوم نیست کیه و اصلاً راجع بهشون حرفی نمی‌زنن و هویتشون نامعلومه. حتی اسمای بعضیاشون مستعاره و اسم خودشون نیست و اسم اصلی‌شون معلوم نیستش اصلاً. رل و اینا هم که ابداً نداشتن نه. اگه داشتن که فناشون کم می‌شدن کلاً. اون کمپانیه در واقع اجازه نمی‌ده، بعد حتی مصاحبه‌هاشونم از قبل مشخص شده هست که چه حرفایی رو باید بزنن و چی رو بگن و چی رو نگن».

۲-۹- الزام ستاره‌ها به جراحی زیبایی در صورت لزوم

تعداد زیادی از مصاحبه شونده‌گان در اظهارات خویش از الزام کارآموزان و ستاره‌ها به جراحی زیبایی یاد کرده، خاطرنشان ساخته‌اند، در صورت تشخیص کمپانی‌های کی‌پاپ، کارآموزان و ستاره‌ها ملزم به تبعیت از دستورهای کمپانی هستند و در غیر این صورت باید کمپانی را (با دادن خسارت) ترک کنند. ترانه ۱۸ ساله، در بیانات خویش لیستی از عمل‌های پیشنهادی کمپانی به کارآموزان و ستاره‌ها را به قرار زیر ارائه کرده است:

«- آیدول‌ها برای داشتن زیبایی مورد نظر کمپانی تحت عمل جراحی زیبایی هم قرار گرفتند؟

کره قطب عظیم جراحی پلاستیکه و اصلاً واژه زیبایی از کره بیرون میاد. از همه دنیا برای جراحی پلاستیک صورت به کره می‌رن. یه خیابون توی کره هست به نام «کینگ نام»، توی این خیابون مراکز جراحی‌های پلاستیک وجود داره، خیلی از بازیگرها جراحی کردن، گونه‌هاشون رو کشیدن، چشم‌هاشون رو جراحی کردن و عمل بینی انجام دادن، حتی عمل لب و فک انجام دادن، کلاً کره‌ای‌ها همه چیز رو توی چهره ریز دوست دارند، غیر از چشم‌ها که دوست دارن درشت باشه».

الناز ۱۲ ساله، زهرای ۲۴ ساله و کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از الزام کارآموزان و ستاره‌ها به جراحی زیبایی در صورت تشخیص مسوولان کمپانی به شرح زیر یاد کرده‌اند:

- در مورد شرایط کارآموزی چیزی می‌دونی؟

«صدمات مهمه، هیكلت مهمه و وزن و اینا و قیافهات مهمه، حتی برای این که قیافهات بهتر شه، ممکنه بپرنت عمل جراحی صورت و اینا و آره مثلاً حتی موهات هم مهمه انگاری که باید همه چی‌ات رو تغییر بدی».

«- جراحی‌های زیبایی چه طور، انجام می‌دن؟»

بعضی وقتا آره اگر کسی لازم داشته باشه، انجام می‌دن.

- لازم داشتن یا نداشتن رو چه کسی تشخیص می‌ده؟

کمپانی مشخص می‌کنه، طوری که من اطلاع پیدا کردم مربی‌های مختلفی وجود داره برای آموزش. یکی از بررسی‌ها مربوط به این هست که آیدول چه طوری در بهترین شرایط بدنی و زیبایی قرار می‌گیره. شبیه‌سازی انجام می‌شه که مثلاً اگر بینی این فرد کوچک‌تر بشه، آیا زیباتر می‌شه یا نه. اگر این تشخیص داده بشه، جراحی رو براش انجام می‌دن.

- از خود فرد هم نظرخواهی می‌کنن؟

جزو مواردی که داخل قرار داد هست میارن که اگر لازم به جراحی زیبایی باشه، اون فرد باید پذیره. چون در همون ابتدا پذیرفته، دیگه موقع انجام این طور کارها مدام نظرشون رو نمی‌پرسن.

«- ... این‌ها به صورت اجباری جراحی پلاستیک هم می‌کنن؟»

این بازم بر می‌گرده به همون فشارهایی که کمپانی ممکنه بیاره. اگه کمپانی، آره اگه کمپانی بهشون الزام بکنه، خصوصاً می‌گم اوایل کارشون، اول کارشون که هنوز شناخته شده نیستن، اگه کمپانی تصمیم بگیره که آره این طرف الان باید این کار رو انجام بده، خب طرف هم مجبور می‌شه به خاطر این که قرارداد بسته، انجام می‌ده. ولی بازم به خودش بستگی داره. یعنی این طور نیست که زندانش کنن اون جا. می‌تونه انتخاب کنه که نکنه و خب از اون کمپانی بره. ولی خب آره بعضی از کمپانیا هستن که آره واقعاً همین قدر فشار میارن. ولی این چیزا چیزایی نیست که... بین تمام اینا، تمام این چیزایی که من تا الان گفتم، هیچ‌کدوم درباره تمام گروه‌های کی‌پاپ صدق نمی‌کنه. یعنی همون طور که مثلاً آدم با آدم فرق می‌کنه، کمپانی هم با کمپانی فرق می‌کنه آرتیست با آرتیست فرق می‌کنه، گروه هم با گروه فرق می‌کنه. یعنی این جور نیست که بشه یه نسخه برای تمام خواننده‌های کی‌پاپ یا تمام کمپانی‌های کی‌پاپ بیچی».

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خود از این مسأله یاد کرده است که در صورت تمایل ستاره‌ها به انجام

جراحی زیبایی، باز هم باید کمپانی نظر نهایی را در این جهت ارایه کند:

«- مسأله جراحی بین خود آیدول‌ها به چه صورت هست؟»

کمپانی‌ها معمولاً باید اجازه بدن آیدول‌هاشون جراحی کنن.

- من برعکس این را فکر می‌کردم؟

در یک‌سری شرایط خاص اگر خود آیدول موافق نباشه با صورتش می‌ره پیشنهاد را به کمپانی می‌دهد و می‌گه کمپانی من می‌خوام دماغ خودم را عمل کنم نظرتون چیه؟ اگر مشکلی نباشه کمپانی اجازه بده، می‌ده، اون هم انجام می‌ده، اگر اجازه نده که هیچی. یک‌سری عمل‌ها هستن که به خاطر خود آیدول انجام می‌شه به خاطر این که زنده بمونن. از اول که می‌رن تو کمپانی دیگه همه چیزشون زیر نظر کمپانی می‌ره، مجبورن به حرفای کمپانی عمل کنن و با توافق اونه کاراشون.

- چه عمل‌هایی؟

مثلاً خود نام‌جین یک مشکل تنفسی داشت برای همین مجبور شد دماغش را عمل کنه، اگر به خاطر مشکل تنفسی‌اش نبود، کمپانی اجازه عمل را بهش نمی‌داد اصلاً.

- یعنی اگر تصمیم بگیرند با بدن‌شون کاری انجام بدهند باید از کمپانی اجازه بگیرن؟
بله».

فرشته ۱۸ ساله، در اظهارات خویش خاطر نشان ساخته است که ستاره‌ها حتی در صورت نقد طرفداران، ممکن است تن به جراحی زیبایی خویش بدهند:

«- چیزی که در مورد آیدول‌های کره‌ای می‌بینیم زیاد اتفاق می‌افته، اولیش رژیم‌های سخته و دیگری عمل‌های زیبایی که دارن، درسته؟

کاملاً درسته، اونم به این خاطر که آیدولی که مطابق استانداردهای‌ها نیست با عمل زیبایی یا رژیم به این استاندارد نزدیک بشه...»

- در این عمل‌ها یا رژیم‌ها نظر خود آیدول‌ها هم مهم یا حایز اهمیت بود یا فقط به خواست و اجبار کمپانی بوده؟

قطعاً تمام این کارها که شامل پلاستیک سورجری یا همون عمل زیبایی بشه یا حتی همین رژیم به خواست آیدول‌ها نبوده، در واقع این به خواست کمپانی بوده چون اون آیدول مطابق استانداردهای کمپانی نبوده.

- این استانداردها به چه صورت هستن؟

خب استانداردهای کره‌ایی‌ها خیلی استاندارد غیرمتعارفی هست که در واقع وقتی یک نفر شروع کنه خودش رو مطابق با اون استاندارد بسازه و عمل کنه، منجر به مریضی‌های متنوع و زیادی می‌شه و در واقع می‌شه گفت آسیب‌های فیزیکی که این آیدول‌ها بهش مبتلا می‌شن، خیلی زیاد ان، ولی استانداردهاشون معمولاً صورت کوچیک، اندام لاغر و باری، چشم‌های بزرگ یا به اصطلاح درشت، قد بلند و... هست.

- تمامی کمپانی‌ها بر روی عمل و رژیم‌ها هم عقیده هستنند و آیدول‌ها رو مجبور می‌کنند یا در این

بین استثناهایی وجود داره؟

۲-۱۰- استفاده از برنامه سفید کردن رنگ پوست بدن برای ستاره‌ها

سفید کردن پوست بدن (وایت واشینگ) آیدول‌ها در فیلم‌ها و تصاویر تهیه شده از آنان، تمهید دیگری است که کمپانی بیگ‌هیت تردیدی در اعمال آن در تولیدهایش، به خود راه نمی‌دهد. به عبارت دیگر با وجود آن که نسل ساکنان کره جنوبی زردپوست است، کمپانی با سفیدتر کردن پوست بدن آیدول‌ها در فیلم‌ها و تصاویرشان، غیرمستقیم سفیدپوست بودن را یک برتری شمرده، به این ترتیب در عمل تمایلات نژادپرستی خویش را به معرض دید می‌نهد. پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش به مقوله «ارزش قایل شدن برای پوست سفید» (و پردازش تصاویر و فیلم‌های اعضای بی‌تی‌اس با برنامه وایت واشینگ که رنگ زرد پوست آیدول‌ها را به سفید تبدیل می‌کند) اشاره کرده، می‌گوید:

«- خوب چهره رو با عمل درست می‌کنن. رنگ پوست رو چه کار می‌کنن؟»

اونم با جراحی درست می‌کنن و سفید می‌کنن. یا اگر خیلی زرد یا سبزه نباشه با فتوشاپ اوکی می‌کنن تو عکسا. مثلاً تو عکسای بی‌تی‌اس رو نگاه کنی، خیلی از عکساشون رنگ پوستشون سفیدتر از واقعیته.»



ریحانه ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌اش ضمن تأیید ضرورت سفید کردن پوست ستاره‌ها، تأکید می‌کند، ستاره‌هایی که در کره جنوبی از رنگی تیره برخوردارند، مورد آزار افراد نژادپرست نیز قرار می‌گیرند:

«- این نژادپرستی برای آیدول‌ها هم پیش میاد؟ آیدول‌هایی از نژاد و رنگ‌های مختلف فعالیتت توی کی‌پاپ دارن؟

بله قطعاً. یکی از همین معیارهای زیبایی، سفید بودن رنگ پوسته. و در کره، حتی آیدول‌هایی از خود کره، با پوست تیره هم مورد آزار و نژادپرستی قرار می‌گیرن...»



۲-۱۱- در نظر گرفتن شرایط دشوار برای کارآموزان و ستاره‌ها

کمپانی‌های کی‌پاپ برای کارآموزان و ستاره‌های خود شرایط دشواری را به لحاظ کاری و اجتماعی پدید آورده‌اند و انتظار دارند که آنان در این شرایط، بدون هیچ ایراد، اشکال و اعتراضی کارشان را ادامه دهند.

فرشته ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد که گاه مشاهده شده است، ستاره‌ای روی سن اجرا، از شدت فشارهای وارده و تغذیه و استراحت ناکافی، غش می‌کند. نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خودش از اکسیژن‌درمانی ستاره‌ها در پشت صحنه یاد کرده است و رخساره ۱۶ ساله هم از سرم‌درمانی یا اعزام ستاره‌ها به بیمارستان، بعد از اجرائشان سخن گفته است:

«بی‌تی‌اس که خیلی درباره عشق به خود صحبت می‌کنه. اونا بهت کمک نمی‌کرد؟»

بین تو وقتی می‌بینی یه نفر یه چیزی می‌گه و خودش بهش عمل نمی‌کنه، طبیعتاً خیلی حرفش رو جدی نمی‌گیری. واسه منم همین بود دقیقاً. راحتیه که بگی آره‌هههه خودتون رو دوست داشته باشید، شما کافی هستید، شما زیبا هستید، ولی وقتی خودت رو استیج غش می‌کنی از فشار کاری و رژیم غذایی نامناسب، خب من که مخاطبت باشم، چه طوری می‌تونم جدی بگیرم حرفت رو؟

شاید واسه خیلیا این طوری نباشه، ولی من حس می‌کنم عمل از حرف مهم‌تره. حتی هالیوود با همه مشکلاتش تو این زمینه بهتر عمل کرده، چون آدم واقعاً تنوع رو می‌بینه بین آرتیستا. از همه نژادا با هر رنگ پوستی با هر مذهبی، همه هیکل‌اشون بی‌نقص نیست، همه استریت و سیس‌جندر نیستن. ولی تو کی‌پاپ این طوری نیست. تو حتی اگر حرفش بزنی، آخرش خودت نمی‌تونی بهش عمل کنی، چون

عکسای که از اعضاء درمیاد کلی ادیت شده. رنگ پوست‌شون رو روشن می‌کنن، روتوش می‌کنن که پوست‌شون بی‌نقص باشه».

«- این تفاوتی که در پشت صحنه مشاهده می‌کنید چه افکار و احساساتی برای شما ایجاد می‌کند؟ ببینید می‌تونید بک استیج را توی یوتیوب یا پینترست سرچ کنید، کاملاً این طوری که بیش‌تر آیدول‌ها یک سری مریضی دارند که این مریضی‌ها اصلاً براشون خوب نیست، مثلاً یکی از اعضای بی‌تی‌اس دمای بالای بدن براش اصلاً خوب نیست، این طوری که می‌تونه کاملاً بکشدش و علی‌رغم این‌ها، باز هم می‌رقصه، طوری که رقص و ورزش دمای بدن را بالا می‌بره، می‌دونید شما اگر بک استیج را ببینید با ماسک اکسیژن دارن بهشون تنفس می‌رسونن و اصلاً حال‌شون خوب نیست این بیش‌تر قلب ماها را اذیت می‌کنه و فشار میاره بهمون».



«- این که ممکنه در حین رقص آسیب ببینن، برات چه حسی درست می‌کنه؟ اوم ناراحت می‌شم بعضی وقت‌ها، مثلاً داخل کنسرت حال‌شون بد می‌شه، می‌افتن می‌رن بیمارستان یا از سرم و این جور چیزا استفاده می‌کنن پشت صحنه کنسرت.

- خوب چی می‌شه که این اتفاق براشون می‌افته؟
به خاطر تمرین زیاده. چون کمپانی مجبورشون می‌کنه بعضی وقت‌ها خیلی سخت تمرین کنن و بهشون استراحت هم نمی‌ده.

- چرا کمپانی استراحت بهشون نمی‌ده؟
چون بعضی وقت‌ها سرشون شلوغ می‌شه، از همه کشورها براشون نامه میاد که بیان اونجا مشغول به کار بشن یا اونجا بازیگری کنن و کنسرت بذارن، برا همین وقت سر خاروندن هم ندارن و مجبور هستن انجام بدن».



سونیای ۱۷ ساله نیز در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، شرایط دشوار کارآموزان و ستاره‌ها به گونه‌ای هست که حتی وی در ازای دریافت یک وجه زیاد نیز حاضر به پذیرش آن نیست:

«- برای رفع این محدودیت‌ها، خود آیدول‌ها یا طرفدارها کار خاصی انجام دادن؟ مردم که نه بابا (باخنده) خیلیا فقط دنبال گوش دادن آهنگا یا مثلاً دیدن عکسا و ویدیوها بودن و هستن برای همین من خودم تاحالا چیزی نه دیدم، نه شنیدم، در مورد این که طرفدارا کار خاصی کرده باشن.

من خودم از خیلیا شنیدم که می‌گن اینا کلی پول دارن، دیگه چی می‌خوان؟ ولی این محدودیت‌ها رو در نظر نمی‌گیرن. اگر به یه نفر اصن یه نفر نه، خود من، اگر به خود من بگن که بهت شصت میلیون می‌دیم یک ماه فقط برو تو این اتاق و کارایی که ما بهت می‌گیم رو انجام بده، عمراً من این کار رو کنم، یعنی برای روزی دو تومنم حاضر نیستم این فضا و آزادی که دارم رو حتی برای یک ماه از دست بدم.



- یعنی آیدولا تو همچین فضایی قرار دارن؟

حالا تو یه اتاق که نیستن (باخنده)، ولی خب زمانی که تحت آموزش هستن واقعاً سختیایی که دارن زیاده. یادم نیست کدوم گروه بود که این حرف رو زد، ولی یکی از گروه‌های دخترونه کی پاپ بود، می‌گفتن به ما یه وعده غذا می‌دادن، بعد می‌گفتن که باید این رو چهارتایی بخورید یا مثلاً یه رژیم معروف هست که خیلیم سخته. فک کنم بهش می‌گن رژیم لیوان. غذایی که بهشون می‌دن اندازه یه لیوانه، تازه لیوان بزرگ نه، دقیقاً اندازه لیوان یه بار مصرف. تازه باید کلی کار انجام بدن و کلی تمرین بدنی دارن، ولی فقط اون قدر غذا اجازه دارن بخورن».

الناز ۱۲ ساله و سارینای ۱۳ ساله، از رژیم یخ‌درمانی برای کاهش وزن ستاره‌ها در گروه‌های دخترانه کی‌پاپ یاد کرده، سارینا متذکر شده است که در کنار فشارهای جسمی شدید به ستاره‌ها، در این گروه‌ها آزارهای جنسی و تجاوز نیز شایع است و مجموعه موارد پیش‌گفته، وضعیت بغرنجی را برای ستاره‌های این گروه‌های کی‌پاپ رقم زده است:

«... مثلاً مومو کمپانی بهش رژیم داد که روزی فقط یه تیکه یخ می‌خورد و خودش در این رابطه گفته که می‌ترسیدم شب بخوابم و صبح بیدار نشم یا مثلاً سومی می‌گفت، تو یه روز فقط یه دونه سیب خورده بود، اون فقط به خاطر این که اجرا داشت و اجازه نداشت چیز دیگه‌ای بخوره».



«- منظورت از روی تاریک کی‌پاپ رو می‌تونی بیش‌تر توضیح بدی؟»

از اون لحاظ که بگیم مثلاً شیطانی ان و این چیزها منظورم نیست، ولی از لحاظ خیلی چیزهای دیگه آره. برای نمونه می‌شه به مرگ آیدول‌های کی‌پاپ بر اثر خودکشی اشاره کرد که معلوم نیست سر بدبخت‌ها چی آورده بودن، مثلاً جونگ‌هیون از نظرم خیلی مرگش مشکوک بود، چون واقعاً هیچ مشکل خاصی نداشت که البته امیدوارم این جوریه بوده باشه، ولی یهویی خودکشی کرد، ولی یکی مثل سولی که در اثر هیت‌های مردم خودکشی کرد رو می‌شه توجیه کرد، ولی یکی مثل جونگ‌هیون که نسبتاً کم هیت می‌گرفته و هنوز دلیل مرگش مشخص نیست آدم رو مشکوک به کمپانی می‌کنه. خود من خیلی شده فکر کنم که آیا کمپانی می‌تونه مسوول مرگش باشه یا نه، ولی چون پلیس نیستیم، نمی‌تونم بیش‌تر از این درباره مرگش اطلاعات دقیق بدم (می‌خندد). البته من منظورم از ورژن دارک کی‌پاپ فقط خودکشی نیست، تجاوزها، آزارهای جنسی، سخت‌گیری‌های پی‌درپی مثلاً جوری که آیدول مجبوره رژیم سخت بگیره و روزی ۱۲ ساعت هم برقصه و این که الان سن آیدول شدن تو کی‌پاپ خیلی اومده پایین، یکی از اعضای آیو^۱ فکر می‌کنم الان ۱۴ سالشه بعد اگه بخواد همه این‌ها رو تحمل کنه واقعاً کم میاره.

لباس‌هایی که مجبور به پوشیدن شون می‌شن، کارها یا رفتارهای فیزیکی که مجبورن انجام بدن، اموی‌هایی که مجبورن به خاطرش جون شون رو وسط بگذارن. یا مثلاً یادم نیست که از کدام گروه بود که داشتم کلیپش رو می‌دیدم، ولی موبایل‌هاشون رو از شون می‌گرفتن تا مطمئن بشن که روی کارشون تمرکز می‌کنن و یا یه وقت خدایاایییی نکرده قرار نگذارن. یه چیز دیگه هم اینه که اون قدر تمرین‌های سخت یه آیدول‌ها می‌دن که آیدول‌ها موقع اجرا از هوش می‌رن یا از خستگی نمی‌تونن رو

۱. آیو (IVE) یک گروه دخترانه موفق و مشهور کره جنوبی است که توسط کمپانی Starship Entertainment شکل گرفته و در ۲۰۲۱ دبیو خود را انجام دادند. کوچک‌ترین عضو این گروه ۱۵ سال دارد.

پاهشون وایستن. این رو خیلییی زیاد دیدم مثل جی‌فرند؛ همین بی‌تی‌اس یا استری کیدز و خیلی گروه‌های دیگه. کلاً همه این‌ها دیوونه‌کننده است.»



۲-۱۲- منوط شدن رابطه کارآموزان و ستاره‌ها با خانواده‌شان به اجازه کمپانی

کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت در اندیشه اثرگذاری حداکثری در مخاطبانش، می‌کوشد تا با تربیت الگوهای بی‌اثرگذاری بالا، به اثرگذاری مطلوب طبع خویش در هوادارانش نایل آید. از این رو ضمن گزینش کارآموزانی در سنین پایین (که در سن دیگرپیروی اخلاقی^۲ خویش قرار داشته یا هنوز به خودپیروی اخلاقی دقیق نرسیده‌اند)، آموزش‌هایی فشرده و متراکم، تغییر نام کارآموزان و مانند آن‌ها،

۱. جی‌فرند (GFRIEND) یک گروه موسیقی اهل کره جنوبی می‌باشد که در سال ۲۰۱۵ زیر نظر سورس میوزیک ایجاد شد.

در ۲۰۲۱، بیانیه‌ای راجع به تمام شدن قرارداد جی‌فرند با سورس میوزیک منتشر شد و هر شش عضو، کمپانی را ترک کردند.

۲. ژان پیازه، با طرح نظریه تحول ذهنی خویش، با آزمایش‌های متعددی نشان داد که تفکر کودک پس از گذر از دوره حسی-حرکتی، از ۲ سالگی تا حدود ۱۱، ۱۲ سالگی عینی بوده و از این سن تا حدود ۱۵-۱۶ سالگی به سمت تفکر صوری یا انتزاعی سوق می‌یابد.

در تفکر عینی، منطق کودک در برخورد عینی و عملی با مسایل فرارویش، قادر به قضاوت صحیح و حل مسأله می‌گردد، بنابراین در این دوره نباید انتظار فهم مسایل انتزاعی و ذهنی را از کودک داشت، اما پس از سن ۱۱، ۱۲ سالگی تا حدود ۱۵، ۱۶ سالگی، تفکر عینی کودک تدریجاً تحول پیدا کرده، به تفکر انتزاعی تبدیل می‌شود، در این دوره، برخلاف دوره قبل که منطق ابتدایی کودک در برخورد عینی و عملی با مسایل فرارو جواب می‌داد، فارغ از ابعاد عینی پیش‌گفته، پاسخ می‌دهد و فرضیه پایه عمل ذهنی نوجوان قرار می‌گیرد.

پیازه منطبق با سه دوره تحول ذهنی کودک، نوجوان و جوان، به طرح سه دوره تحول اخلاقی با عنوان‌های ناپیروی اخلاقی، دیگرپیروی اخلاقی و خودپیروی اخلاقی نیز مبادرت ورزیده است. کودک در مقطع سنی تولد تا ۲ سالگی، دارای ناپیروی اخلاقی است، از ۲ سالگی تا حدود ۱۱، ۱۲ سالگی، دارای اخلاق دیگرپیرو است و سرانجام از سن ۱۱، ۱۲ سالگی تا حدود ۱۵، ۱۶ سالگی، به خودپیروی اخلاقی دست می‌یابد (منصور، ۱۳۷۲، منصور و دادستان، ۱۳۷۴).

خصوصیت دیگرپیروی که از ویژگی‌های مهم کودکان در دوره پیش‌دبستان تا حدود ۱۲-۱۱ سالگی آنان است، سبب می‌شود کودکان در این دوره، متوجه افراد مطلوب طبعی که در اطراف و اکنافشان می‌بینند، بشوند و تقلید و کپی‌برداری از رفتارهای آنان را در دستور کار خود قرار بدهند. تقلیدهای اخیر ممکن است از طیف مثبت گرفته تا منفی، گسترده باشند، اما کودک فارغ از ارزشی که در رفتار مورد نظر نهفته است، به صرف آن که فرد مطلوب طبع وی دست به انجام عمل خاصی می‌زند، مبادرت به انجام همان کار می‌کند.

هدف خویش را پی می‌گیرد تا افرادی ربات مانند را تربیت کند که در برابر تمامی خواسته‌های به‌جا و نابه‌جای کمپانی (مانند به نمایش نهادن رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه) خاضع بوده و به تحقق آن‌ها بپردازد. بالطبع در این میان ممکن است خانواده، تحول‌های رفتاری فرزند را برنتابد، بنابراین محدود شدن رابطه فرد کارآموز یا دوستان و یا خانواده‌اش در این میان موضوعیت یافته، کنترل رابطه کارآموز و یا ستاره با خانواده‌اش، در دستور کار کمپانی قرار می‌گیرد.

عرفان ۲۱ ساله و شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، از مقوله ممنوعیت مراد کارآموزان و ستاره‌ها با خانواده‌هایشان به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- آیا کمپانی کار نامتعارفی از آیدول‌ها درخواست می‌کند؟»

کمپانی به آیدول‌ها می‌گه که روی صحنه و یا در مکان‌های شلوغ، تماس بدنی باهم داشته باشن و یا دست هم دیگه رو بگیرن و این کار آیدول‌ها در ذهن هواداران و مردم اون‌ها رو به عنوان همجنس‌گرا معرفی می‌کنه که این کار کمپانی از لحاظ روحی و روانی به آیدول‌ها لطمه می‌زنه.

- چرا کمپانی بهشون می‌گه این کارها رو بکنن؟

هم برای جذب هوادار بیش‌تر هم برای رواج همجنس‌گرایی.

- این کار آیدول‌ها چه تبعاتی براشون داره؟

مورد نفرت مردم کشور خودشون قرار می‌گیرن و ممکنه خانواده‌هاشون طردشون کنن و روح و روان خودشون به هم می‌ریزه و به خوردن داروهای اعصاب پناه می‌برن.

- هواداران بی‌تی‌اس در مقابل این کارهای غیراخلاقی آیدول‌ها چه عکس‌العملی نشون می‌دن؟

هواداران به سادگی هیت دادن رو حق خود می‌دانن و به آیدول‌های الفاظ رکیک و زشتی می‌گن، مثلاً خوک کثیف و غیره. ولی همه باور نمی‌کنن مگر اندکی از هواداران یا مردم عادی. فکر می‌کنن آیدول‌ها همجنس‌گرا هستن».

«- تهمت همجنس‌گرایی به آیدول‌ها چه پیامدهایی برای آیدول‌ها دارد؟»

در کشور کره، همجنس‌گرایی یک ناهنجاری اجتماعی است و مورد نفرت مردم این کشور است، اگر شایعه همجنس‌گرایی آیدول‌ها ادامه داشته باشد، ابتدا از خانواده طرد می‌شن و سپس از جامعه رانده می‌شن و مورد نفرت و بدبینی مردم قرار می‌گیرند و اگر یه زمانی قراردادشون با کمپانی تمام بشه به خاطر این تهمت‌ها ترس از ادامه زندگی در کره رو دارن».

نیکوی ۱۵ ساله، رهای ۱۹ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود از محدودیت ستاره‌ها برای دیدار با خانواده‌هایشان به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- خواننده‌های هالیوود هم با بعضی از مشکلاتی که ذکر کردی درگیرند، این مسأله روی تصمیمت

تأثیری نداره؟»

آره خب، کلاً معروف شدن یه دردسرهایی داره و ریتم عادی زندگی آدم رو تغییر می‌ده، ولی محدودیت‌های گروه‌های کی‌پاپ، خیلی بیش‌تر از محدودیت سلبریتی‌های کشورهای دیگه هست. توی هالیوود ما می‌بینیم که سلبریتی‌ها همیشه به تفریحاتشون می‌رسن و می‌تونن با هر کی دوست داشتن، وارد رابطه بشن و زیاد تحت کنترل کسی نیستن، ولی کی‌پاپ این طوری نیست، تو حتی واسه دیدن خانواده‌ات هم باید اجازه بگیری، چه برسه به کارهای دیگه».



«من تا قبل از آشنایی با کی‌پاپ، فکر می‌کردم تو جهان برده‌داری از بین رفته و وجود نداره و دیگه مثل قدیم نیست ولی... بعداً فهمیدم هنوز هم هست و وجود داره، ولی به این نام نیست. فهمیدم که کمپانی اجازه ملاقات نمی‌ده که این‌ها با خانواده‌هاشون، جایی که توش بزرگ شدن، با پدر و مادر و خواهر و برادر به راحتی رابطه داشته باشن و اون‌ها رو ببینن. این کم چیزی نیست تو زندگی آدم و این که تو بخوای برای ملاقات با اون‌ها از کمپانی اجازه بگیری و یه تایم محدود و مشخصی رو برای این ملاقات داشته باشی، این خیلی آزاردهنده هست یا این که مثلاً حق ندارن و نمی‌تونن با هر کسی رابطه داشته باشند و دیت بذارن که خیلی سخته. حتی جزئی‌ترین نیاز ما انسان‌ها که خوردنه و واقعاً چی مهم‌تر و لذت بخش‌تر از خوردن وجود داره و یه جور ی پیش پا افتاده‌ترین نیاز ما حساب می‌شه، کمپانی حتی به خوردنشون هم گیر می‌ده. تا قبل از این با خودم می‌گفتم خوش به حالشون چه هیکل‌های خوبی دارن، ولی بعداً که فهمیدم سر خوردنشون چه قدر... واقعاً چه قدر (با شدت) بهشون گیر می‌دن، واقعاً دلم براشون می‌سوخت و می‌گفتم برده‌داری نوین یعنی این».

«بعد اگر قبول شدی کمپانی کارای مهاجرتت به کره رو انجام می‌دن و دیگه کامل زیر نظر کمپانی خواهی بود. مثلاً این جوهریه که اصلاً گوشه‌نخواهی داشت. تایم بیداری، غذا خوردن، حموم رفتن و همه چیزت رو کمپانی مشخص می‌کنه. شوخی نداره دیگه. بایدیه. دوست جنس مخالف نباید داشته باشی، با کسی نباید قرار بذاری و دوست بشی و حرف بزنی و از جزئیات زندگیت بگی. حتی با خانواده‌ها هم فقط با هماهنگی کمپانی می‌تونی تماس بگیری و هر روز هم نمی‌تونی.»



۲-۱۳- اعمال محدودیت برای ستاره‌ها در دیدار با دوستان و آشنایان

در راستای تحدید رابطه کارآموزان و ستاره‌ها با خانواده‌هایشان، محدودیت دیدار آنان با دوستان و آشنایان نیز مورد توجه و در دستور کار کمپانی قرار گرفته، مسوولان کمپانی بدان‌ها الزام می‌کنند که در این فقره نیز کارآموزان و ستاره‌ها باید منطبق با خواست کمپانی عمل کنند. شیرین ۲۲ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش در این ارتباط چنین اظهار نظر داشته اند:

«- می‌شه چند نمونه از فشارهایی که بر روی آیدول‌ها هست رو مثال بزنین؟»

یکی تحمل دوری از خانواده‌هاشون، هر کدامشون شاید ماه‌ها باشه که خواهر یا برادر و پدر و مادر خود رو ندیدن و دیگری فشارهای روحی و روانی و تهمت همجنس‌گرایی که به آن‌ها زده می‌شه و ترس از پیامدهای بعدی این تهمت آن‌ها رو مایوس و افسرده کرده و دیگری فشارها و دخالت‌های مستبدانه کمپانی است که به آن‌ها اجازه هیچ‌گونه رفت و آمد با دوستان و مردم عادی رو نمی‌ده و در شخصی‌ترین مسایل زندگی آیدول‌ها دخالت می‌کنه و حق ازدواج و رابطه با جنس مخالف رو نمی‌ده. این همه فشارها روی هم تلنبار شده و آیدل‌ها رو افسرده و مایوس کرده و از ادامه دادن واهمه دارن.»

«... ولی کارآموزا امکان برقراری ارتباط تا یک مدت طولانی با خانواده و دوستانشون رو ندارن. تو کمپانی با آیدول‌ها یک ساله یا بیش‌تر قرار داد می‌بندن و اگه قرار داد تموم بشه، مجدداً تمدید می‌کنن، اگه اون خواننده یا بازیگر شدیداً با ارزش باشه.»

یه کمپانی وجود داره که از همه وحشتناک‌تره برای دخترا مخصوصاً کمپانی اس‌ام که اول رفتارشون باهات عالی‌ه و همه چی در اختیارت می‌ذارن مثل خونه، ماشین و مسافرت‌های خیلی خوب، ولی بعدش

تو کاملاً در اختیار گروه اس‌ام هستی و هیچ‌گونه نباید ساز مخالف بزنی، چون تهدید می‌شی یا لغو قراردادت می‌کنن. ولی در کل رابطه‌ی اعضای کمپانی با آیدول‌ها خیلی خوبه و خیلی چیزها در اختیارشون قرار می‌دن. گروه‌هایی مثل بی‌تی‌اس یا بلک‌پینک که خیلی زیاد جهانی شدن و درآمدهای خیلی خیلی زیاد دارن، ولی بدون اجازه‌ی کمپانی حق قرار گذاشتن با کسی رو ندارن و خیلی سخت می‌تونن به زندگی شخصی‌شون برسن، چون همیشه زیر نظر کمپانی هستن».



۲-۱۴- الزام به قرار نگذاشتن و ازدواج نکردن ستاره‌ها

کمپانی بیگ‌هیت اینترنت‌تینمنت طبق قرارداد مدون خویش با کارآموزان و ستاره‌ها از آنان خواسته است که قرار ملاقات با جنس مخالف خویش نداشته باشند و در اندیشه ازدواج نیز نباشند، و در صورت تخطی کارآموزان و ستاره از دستورالعمل اخیر، احتمال اخراج آن‌ها از کمپانی و پرداخت خسارت سنگین دوره‌های آموزشی آنان در دستور کار کمپانی قرار خواهد گرفت. نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خودش از ممنوعیت اخیر کمپانی در مورد کارآموزان و ستاره‌ها به شرح زیر یاد کرده است:

«یکی از قوانین که در همه کمپانی‌ها هست اینه که شما حق قرار گذاشتن و دیت کردن ندارین و یک‌سری رژیم‌های غذایی کمپانی به شما می‌ده که اگر این‌ها را رعایت نکنید، کمپانی شما را خود به خود بیرون می‌کند و مثلاً برنامه‌های ورزشی خیلی سنگین و خیلی از آیدول‌ها از سن من و کم‌تر شروع کردن، سنی که میان تحت آموزش قرار بگیرن خیلی کمه».



ترانه و شکوفه ۱۸ ساله، در تبیین علت ممنوعیت قرار ملاقات کارآموزان و ستاره‌ها با جنس مخالف-شان و فراتر از آن ازدواج با آنان، به ذکر موارد زیر پرداخته اند:

«- علت محدودیت‌هایی که کمپانی در ارتباط آیدول‌ها با جنس مخالف‌شون می‌گذاره، چی هست؟ علتش اینه که آیدول باید فن جذب کنه، اگه فن ببینه که آیدول با کسی رابطه دارد، جذبش نمی‌شه، در واقع کمپانی می‌خواد فن جووری به آیدول جذب بشه که کشته مرده آیدول بشه و عاشقش باشه، در چنین وضعیتی اگر آیدول با کسی رابطه داشته باشه و فن بدون خب ممکنه فن رو از دست بده، به همین دلیل وارد رابطه شدن ممنوعه. ولی بعد از ۱۰ سال آینده می‌تونه وارد رابطه باشه و قرار بذاره، ولی فن نباید بفهمه و کمپانی در صورت رعایت اصول مخفی ماندن رابطه به آیدول اجازه می‌ده که وارد رابطه بشه».

«- چرا فن‌ها به ارتباط آیدول‌هاشون با جنس مخالف حساس هستند؟

خودم چون فنم، واقعاً درک می‌کنم آیدول مور علاقه من جونگ‌کوک که یکی از اعضای بی‌تی‌اسه، من اون رو خیلی دوست دارم، وقتی بفهمم اون دوست دختر داره ناراحت می‌شم، حتی ممکنه ازش زده هم بشم. همین جونگ‌کوک عاشق یه دختری بود به نام «آیو»، که اونم خواننده هست، ولی خوب آیو به خاطر شرایطی که داشت جونگ‌کوک نمی‌تونست شرایطش رو با این دختر هماهنگ کنه و این که الان آیو با یکی دیگه ارتباط گرفته خوب الان فن‌ها خیلی خیال‌شون راحت شده که آیو با یکی دیگه هست، چون جونگ‌کوک صدها بار گفته بود که عاشق آیو هست یا مثلاً اون اوایل که یکی‌شون عاشق یه دختر شده حدوداً تو سن ۱۸، ۱۹ سالگی و چون کمپانی نمی‌داشت با اون باشه مجبور شد از دختر مورد علاقه‌اش دور بشه و دیگه کلاً از هم جدا شدن».

۲-۱۵- الزام به تبعیت ستاره‌ها از رنگ کردن موها، آرایش، پوشش و زیورآلات پیشنهادی کمپانی

کمپانی‌های کی‌پاپ در رقابت با رقیبان خارجی و داخلی خویش، می‌کوشند تا ستاره‌های خود را به گونه‌ای روی صحنه بفرستند که منافع آنان را به احسن وجه تأمین کنند. از این رو کمپانی‌ها از کم‌ترین امکان عمل‌ها، نادیده نگذاشته، در مواردی مانند رنگ و آرایش موی ستاره‌ها، البسه مختلف و استفاده از زیورآلات گوناگون توسط آنان، نظارت داشته، خطمشی‌های خود را به آنان دیکته کرده و اعمال می‌کنند. زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه خودش از برنامه‌های مدون کمپانی‌ها در این ارتباط به قرار زیر یاد کرده است:

«- آیدول‌ها برای این که ظاهر خوب و جذابی داشته باشن چه کارهایی انجام می‌دن؟

خیلی کارها انجام می‌دن (باخنده). ببینید اون قدر به خودشون می‌رسن و باید برسن، چون کمپانی نظارت خیلی زیادی روی افرادش داره. اون قدر به خودشون می‌رسن باید کارهایی رو که انجام می‌دن رو طبقه‌بندی کرد.

- این طبقه‌بندی دقیقاً چه طور هست؟

یعنی کارهایی که انجام می‌دن برای وزن مناسب جدا هست. کارهایی که انجام می‌دن برای داشتن پوست خیلی خوب و کارهایی که انجام می‌دن برای داشتن موهای خیلی خوب هم جدا هست و هر کدام از این‌ها شامل چندین مراقبت هست. اگر بخواید براتون می‌گم ولی زیاده‌ها (باخنده).

- اگر همه رو بگید خیلی هم خوب هست.

خب گفتیم که وزن آیدول‌ها خیلی مهمه و هر هفته چک می‌شن و نیم کیلو بالا و پایین بودن هم اهمیت داره برای کمپانی‌ها.

رژیم‌های غذایی ثابت و طولانی مدت برای این‌ها وجود داره و پایینند هم باید بهش باشن و گرنه قوانین رو اجرا نکردن و برخلاف قوانین هست. البته به نظرم نمی‌شه رژیم رو اجرا نکرد، چون براشون غذا رو آماده می‌کنن و مقدار و کم و کیفش همه مشخص هست.

مورد بعدی هم ورزش هست، چون رژیم غذایی وزن فرد رو خوب و با ثبات می‌کنه، ولی بدن زیبا و خوش فرم علاوه بر رژیم غذایی ورزش رو هم نیاز داره.



- بسیار خوب. برای داشتن پوست خوب هم گفتید که کارهای مختلفی انجام می‌دن.

مراقبت‌های پوستی که دارن خیلی ویژه هست. آیدول‌ها گریم و میکاپ دارن، هم پسرها هم دخترها تفاوتی نداره موقع اجراهای صحنه‌ای معمولاً میکاپ دارن و این‌ها مواد شیمیایی هستن دیگه. طولانی مدت هم باعث آسیب رسیدن به پوست می‌شه، اون هم میکاپ‌های سنگین و خیلی زیاد، برای همین مراقبت پوستی آیدول‌ها خیلی مهمه و جزئیات زیادی داره. از ماسک‌های صورت استفاده می‌کنن و ماسک‌هایی که جزو بهترین برندهای دنیا هستن و واقعاً باعث مراقبت از پوست می‌شن. بین اعضای

بی‌تی‌اس به جین می‌گن عشق ماسک (باخنده) چون توی چندتا لایو که برقرار کردن، جین روی صورتش ماسک بوده.



- اعلام می‌کنن که از این ماسک‌ها استفاده می‌کنن؟

آره چون توی لایوهایشون اصلاً تعداد خیلی زیادی پرسیدن که چه طوره این قدر پوست خوبی دارید، با وجود این که میکاپ هم می‌کنید. چون میکاپ باعث آکنه می‌شه و باید حتماً بهش رسیدگی بشه. یه مورد دیگه یادم اومد که خیلی ویژه هست. (باخنده) بی‌تی‌اس کنسرت‌های زیادی رو تو کشورهای مختلف اجرا کرده و تورهای مختلفی رو هم داشتن و ساعت زیادی رو باید پرواز کنن تا برسن به کشورهای مختلف. کشورهای مختلف هم آب و هوای متفاوتی دارن و تأثیر زیادی روی پوست می‌دارن، برای همین همیشه باید وسایل مراقبت‌های پوستی خودشون رو داشته باشن. فک می‌کنم تهیونگ و جیمین هم توی یکی از لایوها در مورد این صحبت کرده بودن.

- و برای موهایشون چه طور؟

برای موهایشون زیاد پیچیده نیست، حداقل به پیچیدگی مراقبت پوستی که دارن نیست، چون موهای خیلی خوب و قشنگی دارن، فقط هم بی‌تی‌اس نیست کلاً چشم بادومی‌ها موهایشون خیلی لخت و قشنگ هست، مثلاً افغانستانی‌ها، کره‌ای‌ها، چینیا و ژاپنیا موهای صاف و قشنگی دارن. بی‌تی‌اسون رو موهایشون کار خاصی انجام نمی‌دن، ولی خب رنگ می‌کنن و این رنگا هم جزو برندهای خیلی معروف هستن که باعث ریزش یا ضعیف کردن موهایشون نشه و آسیب نرسونه به موهایشون».

ترانه و فرشته ۱۸ ساله و سمانه ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌هایی که دارن، از الزام کمپانی دال بر ضرورت تبعیت ستاره‌ها از تصمیم‌های کمپانی برای نوع رنگ مو، آرایش، پوشش و استفاده از زیورآلات خودشان یاد کرده‌اند:

«- افراد بعد از این که به عضویت کمپانی در اومدن با چه قوانین و محدودیت‌هایی مواجه می‌شن؟ کمپانی‌ها باهم فرق دارن، ولی یه چیز کلی که هست اینه که تغذیه طبق دستور کمپانی و حتماً باید طبق رژیم غذایی رفتار کنن و حتماً طبق دستور ورزشی کمپانی باید تمرینات مرتب ورزشی انجام بدن.

حداقل روزی ۶ - ۷ ساعت باید تمرین کنن، کل دورهایی که متعلق به کمپانی هستند، باید توی خوابگاه باشند و فقط تعطیلات می‌توانند به خانواده‌هاشون سر بزنند، چون باید آیدول رو هم به لحاظ بدنی و هم به لحاظ رقص و آواز و صدا روشن کار کنن و آماده کنن، وقتی وارد کمپانی می‌شن، باید بتونن فن جذب کنند و برای این کار اجباراً کارهایی مثل رنگ کردن مو یا جراحی‌های زیبایی وجود داره و اگه بخوان یه آهنگ جدید بیرون بدن، باید حتماً یه تغییر جدید در استایل‌شون اتفاق بیفته و لباس پوشیدن و استایل جدیدشون باید دیده بشه. بعد حتی بعضی وقت‌ها هنرمندهایی که به خاطر همین قوانین مو یا پوست‌شون آسیب می‌بینن، از کمپانی شکایت می‌کنند، ولی خب راه به جایی نمی‌برن چون این موارد در قراردادشون ذکر شده بوده و اون‌ها پذیرفته بودن... .

- نظرخودت درباره پوشش و آرایش اعضای بی‌تی‌اس چیه؟

در کره زیبایی ملاک مهمیه. یه جمله از یک کره‌ای شنیدم که می‌گفت: تو زیبا باش و هر کاری که خواستی انجام بده. آرایش و رسیدگی به پوست در کره مختص دخترها نیست و اصلاً هیچ محدوده و مرز خاصی نداره. پسرها هم باید مثل دخترها از پوست‌شون مراقبت کنن. کمپانی بهشون می‌گه، باید موهاشون رو رنگ کنن و جوری به نظر برسن که فن جذب کنن. در همین رابطه یک بار شوگا که یکی از اعضای بی‌تی‌اس هست، به کمپانی اعتراض کرده بود که ممکنه رنگ کردن‌های متعدد باعث ریزش موهاش بشه.

از نظر پوشش دخترا سر صحنه لباس‌شون باید باز و هات باشه، اگر دوست نداشته باشن لباس باز بپوشن، نمی‌تونن عضو گروه بشن. یا برای پسرها هم لباس‌شون باید جذب باشه، یا فشن مد باشه. بسته به آهنگ‌شون، لباس گروه باید متناسب باشه یا متناسب با جو آهنگ باشه، لباس‌هاشون رو باهم ست می‌کنن. آرایش و میکاپ‌شون خیلی زیاده، ولی غلیظ نیست، یعنی خیلی تابلو نیستن. باید میکاپ‌شون یه جوری باشه که کیوت به نظر برسند. آرایش‌هاشون یه جوریه که مثلاً چشم‌ها درشت‌تر به نظر بیاد، بینی کوچک بشه، یا گونه‌های سرخی داشته باشند. تتو توی کره ممنوعه، وقتی سلبریتی تتو داشته باشه، باید حتماً موقع اجرا روش رو بپوشونه. پوشش بالاتنه خانم‌ها در کل باید خیلی کامل باشه، یقه نباید باز باشه، سینه نباید معلوم باشه، ولی شلوارک هر چه قدر کوتاه باشه، اشکالی نداره».

«... خیلی موقع‌ها بوده که کمپانی آیدول‌ها رو مجبور کرده که کاری رو انجام بدن که دوست ندارند، حتی ممکنه پوشیدن همین لباس‌ها هم باشه، البته نه فقط لباس‌هایی برای پسر مثل کراپ‌تاپ، بلکه لباس‌های بدن نما برای دخترها که توی موزیک شوهای خیلی معروف مثل ماماها یا مثل موزیک شوهای دیگه یا هر جا دخترا رو مجبور می‌کردند که لباس‌های تنگ و کوتاه بپوشند به خاطر این که خب این جوری توجه‌ها بیشتر بهشون جلب می‌شد و اون‌ها از این موقعیت استفاده می‌کردند و به خاطر منافع مادی خودشون انجام می‌دادند».

«- کمپانی در زندگی شخصی آیدول‌ها هم دخالت داره؟»

صددرد، اصن می‌گم که تعهد می‌دن دیگه هر کار بکن، باید بکنن، وگرنه برچسب می‌خورن و پرت می‌شن بیرون و بدنام می‌شن یا این که چه حرفایی بزنین، حتی بهشون گفته می‌شه، رنگ موشون انتخاب خودشون نیست و این رو حالا فن‌های نزدیک‌شون هم گفتن و اکسسوری رو هم به انتخاب خودشون نمی‌اندازن، کلاً به علایق‌شون توجهی نمی‌شه که مثل عروسک لباس تن‌شون می‌کنن، اونا رو می‌فرستن جلو دوربین، ولی خب جذابیت‌هایی که گفتیم رو هم دارن دیگه، برای همین جذب می‌کنن.

- از کجا می‌دونی زیورآلات مورد استفاده‌شون رو خودشون انتخاب نمی‌کنن؟

خبراش از فنای نزدیک‌شون میاد دیگه، اونا خبرای موثق رو می‌گن، همیشه اینا رو هم بارها گفتن، درز کرده ازشون».

صوفیای ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در این ارتباط به ذکر چند نکته مهم پرداخته است. نخست آن که صوفیا خوانندگان هالیوودی را آزادتر از خوانندگان صنعت کی‌پاپ معرفی می‌کند، زیرا آنان به میزان زیادی مختارند که پوشش خود را خودشان انتخاب کنند، در حالی که در صنعت کی‌پاپ چنین نیست. به همین ترتیب صوفیا در مقایسه بین وضعیت پسران کی‌پاپ و دختران آن، اوضاع پسران را بهتر ارزیابی کرده، خاطر نشان می‌سازد کمپانی‌های کی‌پاپ دختران، در راستای کسب سود بیش‌تر، در کنار موسیقی خویش، در صدد به نمایش نهادن بدن دختران کی‌پاپ نیز برآمده اند:

«- اهوم. خب صوفیا گفتی که کی‌پاپ فضای سکسیستی (جنسیت‌زده) داره. دقیقاً چه اتفاقی و چه

رفتارایی باعث شده این طوری فکر کنی؟»

دلیل این که متوجه این جنسیت‌زدگی شدم، این بود که من خیلی از این قضیه آیدول شدن شون خوشم اومده بود. وقتی که شروع کردم راجع به کره جنوبی فهمیدم. راجع به فرهنگ‌شون فهمیدم، دیدم نه فقط زن‌ها، بلکه مردها هم تحت فشار یه سری چیزای خیلی سنگین هستن. حتی خود کره‌ایا توی یوتوب‌شون راجع بهش صحبت می‌کنن، واقعاً آدم ناراحت می‌شه که همچین چیزایی می‌بینه. بعد خب ما تو کشور خودمون هم با اینا دست و پنجه نرم می‌کنیم. بعد قضیه از این قرار بود که من فکر می‌کردم که همه این جور بودن که مثلاً بی‌تی‌اس خیلییی تو زندگی شون سختی کشیدن تا اصلاً به این جا رسیدن و اینا. بعد هیچ وقت نمی‌دیدم که مردم بیان راجع به دخترها این صحبت‌ها رو بکنن. همیشه مردها بودن. پسرها بودن. بوی بندهای (گروه پسران) کی‌پاپ بودن. بعد یهو به یه سری چیزای عجیب بر می‌خوردم. مثلاً توی شوها دامن‌های خیلی کوتاه دارن دخترها. چیزی که توی هالیوود آزادی بیش‌تری هست. یعنی مثلاً طرف عشقش می‌کشه اصلاً کلش رو می‌اندازه بیرون. خیلی هم سکسی‌تر می‌پوشن. ولی یه وقتایی هم دوست دارن بلند و گشاد می‌پوشن. اما دقت کنی توی همه‌ی شوها، همه‌ی نمایشا، حتی ریالیتی شوهای که می‌برن شون، مثلاً لباس مدرسه می‌پوشن و می‌خوان بازی کنن، کوتاه‌ترین لباسایی که هست رو تن‌شون می‌پوشونن. مثلاً یه چیزی که خیلی بین شون هم جنجالی شد، واسه

می‌س‌ای بود. یه گروه دخترونه‌ای بود قبلاً. بعد اون قدر کوتاه بودن کلاً لباسشون بعد دنس‌هاشون یه طوری بود که هی باید خم می‌شدن و حرکتای زیادی داشتن. بعد کلاً دست‌شون رو دامن‌شون بود. مشخص بود اذیت دارن می‌شن یا مثلاً تو سرما!!!!. همه بخار داره از دهن‌شون خارج می‌شه و دماغا قرمزه، بعد دخترا دامن کوتاه پوشیدن. برخلاف دخترای کره جنوبی توی واقعیت که این طوری نیست. خب این واقعاً ناراحت کننده هست. بعد واسه پسرا مثلاً این طوری نیست. حالا اس‌ام نه... یه کمپانیه اس‌ام. ولی حالا مثلاً یه کمپانی مثل بیگ هیت، که گروه پسرونه داره. آدم می‌ره می‌بینه، اصلاً آیدول رو سانسور می‌کنن دست و پاش رو، نمی‌دونم، لباسش رو، سینه‌اش رو. سیکس پکس رو (می‌خندد). بعد واسه دخترا اصلاً این شکلی نیست. انگار دخترا مثل یه کالا، یه چیزی ان که باید بدن‌شون رو ارایه بدن تو مدیا (رسانه)، تا کارای دیگه‌شونم دیده بشه. بعد اوایل دبلیو (شروع رسمی فعالیت) اجازه آهنگ نوشتن ندارن. خیلی محدودیت دارن. به صورت مریض گونه‌ای واقعاً باید لاغر شن. یعنی حالتی که واقعاً آسیب می‌زنن به طرف. دیگه استانداردی که دنبال این اتفاق هست، غیرواقعی می‌شه. یا مثلاً رنگ پوست‌شون، یکی از عضوهای گروه‌های قدیمی دختر بود، داشت این طوری صحبت می‌کرد که اینا حتی می‌خواستن رنگ پوست منو تغییر بدن. به خاطر همین من رو تحت فشار می‌داشتن. بعد خب کره‌ایا بین‌شون پوست تیره هم هست دیگه. نه که تیره‌ی تیره. ولی خب گندمی یا حالا، برنزه اینا. ولی کره این چیزا رو توی مدیا نشون نمی‌ده یا واسه دخترا خیلی سخت‌تره. چون باید خوشگل باشن. کیوت باشن. بعد از نظر اینا اولین چیز اینه که اینا سفید باشن. اصلاً انگار براشون مهم نیست که بابا ما نژادمون اینه و زردپوستیم. بعد کلاً همه آیدولا رو چه پسر، چه دختر، توی خیلی از برنامه‌ها با ایت واشینگ (برنامه سفید کردن پوست بدن) رنگ پوست‌شون رو تغییر می‌دن و سفیدش می‌کنن. در حالی که مثلاً عکسای واقعی‌شون بیش‌تر فرق داره. مثلاً چیزایی که خود آیدولا می‌ذارن یا تو کنسرتا می‌رن. پوست خودشونه. خود آیدولا هم ازش شاکی ان».

۲-۱۶- الزام ستاره‌ها به کاربری از نشان‌هایی که تبلیغ آن‌ها را کرده اند

کمپانی در کنار استفاده از ستاره‌های خود در عرصه خوانندگی و برگزاری تورهای جهانی، ستاره‌های خویش را وامی‌دارد تا دست به تبلیغ نشان(برند)های مختلف (از ماشین و فست فودها گرفته تا انواع مشروب‌های الکلی و مانند آن)، دست بزنند و در همین راستا، تقاضای این که به فرض اعضای گروه در صورت تبلیغ گوشی سامسونگ، موظف به کاربری از همان گوشی هستند، امری قابل پیش‌بینی است. مهشید ۲۱ ساله در همین ارتباط در مصاحبه خویش بیان می‌دارد:

«- آیدول‌ها چه قدر توی کارهای خودشون آزادی عمل دارن؟»

بستگی داره آزادی توی چه موضوع یا حوزه‌ای مد نظرت باشه.

- توی چه موضوع‌هایی آزادی دارن و توی چه موضوع‌هایی آزادی ندارن؟

از این نظر می‌تونم بگم که در کل هر گروهی با توجه به کمپانی که زیر نظرش هستن، یک سری آزادی‌ها و یک سری محدودیت‌ها دارن. به طور مثال، کمپانی بی‌تی‌اس از اول مشکلی با گوشی داشتن نداشت، ولی مثلاً یک سری کمپانی‌ها اجازه‌ی استفاده از گوشی رو در دوران کارآموزی ندارن. اعضای بی‌تی‌اس برای خوندن آهنگ با هنرمندهای کره‌ای یا خارجی آزاد هستن و اگر بخوان مثلاً با یک خواننده آمریکایی آهنگ بخونن، از طرف کمپانی اسکورت می‌شن می‌رن و بعد از همکاری به کشور برمی‌گردن، بعد یه آزادی دیگه‌ای که کلاً کره‌ای‌ها دارن، برخلاف حالا ایران، اینه که می‌تونن انتقاد کنن و اگر نارضایتی داشته باشن از کمپانی‌ها، توی تلویزیون شون یا توی برنامه یا ویدیو بیان می‌کنن یا کلاً با حتی رئیس کمپانی هم شوخی می‌کنن و انتقاد می‌کنن یا سر به سرش می‌ذارن، ولی این باعث نمی‌شه که انتقادها مثلاً سانسور بشه در تلویزیون یا رئیس کمپانی بخواد علیه‌شون کاری کنه و در آخر به طور طبیعی یک سری محدودیت‌ها دارن که الان اونا رو هم بهت می‌گم.

کمپانی بی‌تی‌اس یکی از قوانین‌اش اینه که موقعی که آیدول‌ها الکل مصرف کردن، به هیچ وجه لایو نگذارن یا چیزی در فضای مجازی منتشر نکنن که البته چندتا از اعضا این قانون رو نقض کردن، بنده خدا کمپانی دیگه خنثی شده.



دوم این که بدون مشورت با کمپانی نمی‌تونن یه‌هو مدل موهاشون رو تغییر بدن، یعنی یه‌هو تصمیم بگیرن کوتاه کنن یا رنگش رو عوض کنن، اول باید با هیراستایلیست و کمپانی هماهنگ کنن که البته باز این مورد هم دو بار نقض کردن.

مورد بعدی این که نمی‌تونن راجع به هر چی که می‌خوان در فضای مجازی منتشر کنن، مثل مسایل سیاسی کشور خودشون یا کشورهای دیگه، یعنی نباید دخالت کنن.

مورد بعدی این که اگر مثلاً اسپانسر سامسونگ هستن، نمی‌تونن از گوشی اپل استفاده کنن و این که موقع لایو گرفتن باید از گوشی و تجهیزات کمپانی استفاده بشه و ترجیحاً لایو در کمپانی انجام بشه. کم پیش میاد که در منزل خودشون و با گوشی خودشون بدون استفاده (مسوولان نظارت بر رفتار آیدول‌ها)، لایو بگیرن.»

۲-۱۷- الزام ستاره‌ها به تبعیت از بازی‌های رسانه‌ای

در عرصه‌های هنری، یکی از شیوه‌های مرسوم کمپانی‌های فیلم‌سازی یا موسیقیایی، توسل به بازی‌های رسانه‌ای (مدیا پلی)^۱ برای افزایش بازدید و فروش محصول جدیدی است که آن‌ها دست به تهیه و تولید آن زده‌اند. به عنوان مثال، یک‌بار وقتی آلبوم تیلور سوئیفت در حال عرضه به بازار بود، توسط خبرنگاران پاپ‌راتزی روابط نزدیک وی با هری استایلز مطرح شد (یا قبل از ارایه یکی از آلبوم‌های تتلو، رابطه وی با سحر قریشی مطرح شد) تا پس از متوجه شدن چشم‌های افراد به آنان، بلافاصله آلبوم یا فیلم مورد نظر عرضه شده، به فروش و سود مورد انتظار دست یابد.

برخی از سلبریتی‌های غربی اعتراف کرده‌اند که کمپانی طرف قرارداد آن‌ها، از آنان خواسته است تا پوشش خاصی را در اجرایشان داشته باشند یا با فردی که تمایلی به وی ندارند، رابطه صمیمی برقرار کرده و حتی نقش جنسیتی‌ای مخالف آن چه را که هستند، به خودشان بگیرند.

به تعبیر دیگر، بازی‌های رسانه‌ای در غرب و شرق به شکل گسترده‌ای جریان دارد، اما بازی‌های رسانه‌ای اخیر در گروه‌های کی‌پاپ آسیایی، از شدت و حدت بیش‌تری برخوردار است.

نسترن ۱۹ ساله، در مصاحبه خویش در این باره، اشاراتی داشته است:

«... اتفاق این شکلی افتاده که یادت باشه؟»

۱۹۰ / بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (بیگ هیت) از منظر هواداران ایرانی

آره بابا زیاد ان. همین الانش هم هست. مثلاً تیلور سویفت! خب صدش خوبه. ولی واقعاً نجسبه. حالا اگه راجع به هری آشور و ور نمی‌گفت، کسی بهش کارش نداشت. زنیکه برای پروموت^۳ (بازاریابی و تبلیغ) آهنگاش با کی که نبوده. یکی یه دور با همه بوده (می‌خندد). بعد جالب اینه بعد کات^۴ (جدا شدن) برای همه هم یه آهنگ می‌خونه. بعد خودش رو مظلوم جلوه می‌ده. عوووووق. همه‌اش اداست.



۱- تیلور سویفت، خواننده و ترانه‌سرای آمریکایی است. سبک ترانه‌سرایی روایی او که بیش‌تر از تجربیات شخصی‌اش الهام می‌گیرد، با پوشش گسترده‌ای از سوی رسانه‌ها همراه بوده و مورد تحسین منتقدان قرار گرفته‌است. او با سلبریتی‌ها مختلفی از جمله هری استایلز، تام هیدلستون و... رابطه داشته است که جنجال‌های زیادی داشته. او به نوشتن آهنگ درباره رابطه‌های قبلش مشهور است.

۲- هری استایلز خواننده، ترانه‌سرا و بازیگر بریتانیایی است. وی متولد ۱۹۹۴ میلادی است. او در ابتدا با گروه وان دایرکشن به موفقیت‌های بسیاری دست یافت و پس از آن فعالیت‌های انفرادی خود را آغاز کرد و به محبوبیت زیادی رسید. طبق اظهارات استایلز، یکی از بارزترین ویژگی‌های او مبارزه با جنسیت‌زدگی، حمایت از جامعه‌ی کویرها و مبارزه برای آزادی در پوشش است.



- مثل این که خیلی ازش متنفری.

ببین واقعا متنفرم (با شدت بیان می‌کند).

- خوب تیلور در مورد وان دایرکشن چی کار کرده که تو رو این قدر عصبانی کرده؟

آها. خب اون موقع‌ها هری هنوز توی گروه بودن دیگه. بعد گروه هم مال کمپانیه. و اون سایمن^۱

(سازنده گروه وان دایرکشن) عوضی اینا رو مجبور می‌کرد که با بقیه سلبا (مخفف سلبریتی) برن دیت^۲

(قرار عاشقانه). یکی شون همین تیلور بود. که برای هری انتخاب کرد. بعد هری هم با کمپانی قرار

داشت دیگه. مجبور بود قبول کنه. بعد اینا با هم بودن. مثللا (با لحن تمسخرآمیز). از هم که جدا شدن،

تیلور اومد آهنگ خونند. بعد این طوری نشون داد که هری عوضی بازی درآورده. و اینا. بعد دیگه بین

فندوما دعوا شد. و اینا. دیگه هم خوب نشدیم با هم.

- حالا شما چرا فکر می‌کردید که اینا فقط به خاطر تبلیغه؟ منظورم اینا رابطه عاشقانه بین تیلور و

هریه.

بابا تابلو فیک^۳ (تقلبی) بود. ببین تا اابلو.

- یعنی چی و بر چه اساسی؟

مثلاً اینا همیشه وسط جاهای شلوغ، نگاهای عاشقونه. آه. ما خیلی عاشقیم. (با تمسخر). بیش تر م

این ا از طرف تیلور بود. اولین بارش هم که نبود. البته آخرین بارش هم نخواهد بود (می‌خندد). بعد اصلاً

این طوری بود که چرا هر بار که تیلور و هری با هم بیرونن پاپاراتزیا^۴ باید باشن؟ تابلو بود هماهنگ ان

که عکس و مومنت^۵ (لحظات و وقایعی از زندگی هنرمند) بدن بیرون. خودش رو پاره کرد بگه ما

ریلیم (دوست جنس موافق و مخالف).

... البته توی وان دایرکشن هم یه چیزایی دیده می‌شد، ولی هیچ وقت تأیید نشد خب. ولی مثلاً یه

سری بازیگرای خیلی معروف اومدن گفتن که کمپانی ما، منی که مثلاً گی بودم رو مجبور می‌کرد با یه

آدمی مثلاً با یه دختر. حالا یه دختر بازیگری، برم سر قرار، مثلاً برم تو پابلیک دیده بشم. گفتم مثل

قضیه هری و تیلور. البته این رو هری نگفته. آره. بعد می‌گفت برای این که خبر قرار ما پخش بشه،

حالا اون بازیگر مثلاً آگه نمی‌دونم یه بازی انتخاب می‌کرده که مثلاً برای فروش فیلم یا فروش

1 Simon Cowell

2 Date

3 Fake

۴ . Papparazzi پاپارازی به عکاسانی گفته می‌شود که کارشان تهیه عکس‌های جنجالی از چهره‌های سرشناس و نیز خانواده و نزدیکان آنان و فروش آن‌ها به مجلات مختلف است. این خبرنگاران و عکاسان برای چهره‌های مشهور مزاحمت ایجاد کرده، زیرا حریم خصوصی‌شان را هدف می‌گیرند.

5 Moment

6 Reel

سریال شون اثر مثبت داشته باشه دیگه، از معروفیت هم دیگه انگار استفاده می‌کردن. می‌اومد می‌گفت کمپانی من رو مجبور می‌کرد با فلانی باید بری سر قرار با این که من گی بودم و مثلاً هیچ گرایشی به دخترا نداشتم، ولی مثلاً مجبور کردن دیگه. توی هالیوود هم هست، ولی مقدارش خیلی کم‌تر از کی‌پاپه».

رهای ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش درباره گستردگی بازی‌های رسانه‌ای، می‌گوید:
«- خوب رها گفتمی که تو وقتی مثلاً دیت آیدول محبوبت لو می‌ره، صرفاً سورپرایز می‌شی... .
آره. ولی به نظر من اینا بیش‌ترشون مدیا پلیه (بازی رسانه‌ها). یعنی طرف قرار می‌ذاره با یه آدم معروف دیگه که این وسط مثلاً تبدلی هم انجام بشه، خب فندوم‌ها هم مجبور می‌شن که با هم راه بیان. البته بعضیا هیت هم می‌دن. مثلاً می‌گن آیدول شما باعث شد از آیدول ما سوءاستفاده بشه و از این چرت و پرتا. منتها به نظر من این موارد دقیقاً مدیا پلیه. همین».

۲-۱۸- نداشتن حق اعتراض ستاره‌ها نسبت به شایعات مرتبط با خودشان

«نداشتن حق اعتراض به شایعات» مقوله دیگری از ممنوعیت‌هایی است که کمپانی بر ستاره‌ها اعمال کرده و خواهان انجام آن است. سحر ۱۵ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خودشان به ارایه مصادیقی از موارد پیش‌گفته پرداخته اند:

«- با توجه به چیزهایی که گفتمی به نظرت گروه بی‌تی‌اس به خاطر این ظلم‌ها و کنترل‌های کمپانی و از طرف دیگه فن‌فیکشن‌هایی که بعضی فن‌ها می‌نویسند و اعضاء رو شیپ می‌کنند، می‌تونه شکایت بکنه و از حق خودش دفاع بکنه یا این که مجبوره به خاطر کمپانی سکوت کنه؟
از اون جایی که اکثر کارهاشون تحت کنترل کمپانیه، اجازه بیان ندارند. فقط تهیونگ توی یکی از لایوهاش اشاره کرد، از این که با اعضاء شیپ بشه، ناراحت می‌شه و کمپانی سریع اون لایوش رو پاک کرد و همه نتونستند ببینند. کمپانی فقط لایوهایی که راضی باشه رو پخش می‌کنه. و خب از اون جایی که الان توی کل جهان دارن تبلیغ همجنس‌گرایی می‌کنند، کمپانی بی‌تی‌اس هم اجازه نمی‌ده که اعضاء به فن‌فیکشن‌ها و شیپ شدن اعتراض بکنند و حتی می‌خوان یه جوری نشون بدن که انگار اعضاء بی‌تی‌اس هیچ مشکلی با این موضوع ندارند، در صورتی که خب هیچ کس خوشش نیامد درباره‌اش همچین چیزهایی نوشته بشه و اعضاء بی‌تی‌اس قطعاً اون قدر آزادی بیان ندارند که ناراضی‌تی‌شون رو اعلام بکنند. این باعث سود کمپانی می‌شه که آرمی‌ها فن‌فیکشن بنویسند یا بخوندند و درگیر بی‌تی‌اس باشند. هیچ راه شکایتی برای بی‌تی‌اس نیست، مگر این که کلاً از اون کمپانی برن و برای این کار باید صبر کنند تا مهلت قراردادشون تموم بشه و اگر به حرف‌های کمپانی گوش نکنن، ممکنه سرنوشت اکس‌تنتاسیون و خیلی‌های دیگه براشون پیش بیاد... .

- به نظرت چرا خواننده‌هایی که توی اتاق انداخته می‌شن و انقدر بهشون ظلم می‌شه انصراف نمی‌دن و از کی‌پاپ بیرون نمیان؟

نمی‌تونند چون قرارداد امضاء کردند.

- حتی شکایت هم نمی‌تونن بکنند؟

نه، چون تا زمان تموم شدن زمان قرارداد، برده کمپانی هستند و کاری از دست‌شون برنمیاد. حتی اگر از کمپانی انصراف بدن و بیان بیرون باز هم نمی‌تونن چیزی از کمپانی بگن چون قطعاً کشته می‌شن».



«- خوب این شیپ شدن‌ها چرا انجام می‌شه و اصولاً چه هدفی دارن؟

بین، اینم مثل همون فن‌فیکشنا هست. خود فنا انجام می‌دن شون، برای سرگرمی هم هست، دیگه هدف خاصی نداره ولی یه چیز دیگه هم هست که برای کمپانیا به نظرم خیلی خوب و سودآور می‌شه. مثلاً جیمین و رزی که بهم دیگه شیپ می‌شن، هوادارای جیمین حالا بهتر بگیم هوادارای بی‌تی‌اس، چون جیمین هم خیلی فن داره تو بین این هفت نفر، هوادارای جیمین می‌رن در مورد رزی می‌خونن و آهنگاش رو گوش می‌دن، بعد هوادارای رزی هم می‌رن در مورد جیمین و بی‌تی‌اس می‌خونن و آهنگای اونا رو گوش می‌دن، بعد هواداراشون منتقل می‌شن بهم، می‌دونی مثل یه ویروس بهم دیگه منتقل می‌شن و هواداراشون خیلی خیلی بیش‌تر می‌شن که برای کمپانی عالیه واقعاً».

۲-۱۹- ممنوعیت همکاری ستاره‌ها با هنرمندان دیگر بدون اجازه کمپانی

یکی از دیگر الزام‌هایی که ستاره‌ها باید نسبت به آن پذیرا و خاضع باشند، گرفته شدن حق انتخاب آنان در همکاری با خوانندگان دیگر است. به این معنا که کمپانی در راستای تأمین منافع بیشینه‌ی خویش در درجه نخست، شخصاً همکاری کردن با برخی از چهره‌های خارجی در عرصه خوانندگی را به ستاره‌های خویش الزام می‌کند و در درجه بعدی اهمیت، هر گونه اخذ تصمیم کمپانی در همکاری ستاره‌هایش با دیگران، منوط به تأمین سود حداکثری آن است. حدیث ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش با اشاره به مسأله اخیر بیان می‌دارد:

«- حدیث، بی‌تی‌اس یا بقیه گروه‌های کی‌پاپ یا سولویست‌ها با وجود این همه سخت‌گیری کمپانی بعد از معروف شدن شون نمی‌خوان جدا و مستقل کار بکنن؟

مطمئنأً با اون همه فشاری که روشونه خب می‌خوان. اما کمپانی نمی‌ذاره. چون همون اول دببو کمپانی با آیدول‌های خودش قرارداد می‌بندن که مثلاً گروه شما باید تا سال هشت سال برای ما کار کنی و اگه اون هشت سال تموم بشه، می‌تونن تمدیدش کنن، ولی تا وقتی که قرارداد دارن، نمی‌تونن جدا بشن.

- وضعیت مالی آیدولا چه طوره؟

بستگی به کمپانیش داره، مثلاً اگه کمپانی‌ای باشه که معروف نباشه، هم پول خیلی کمی به آیدولا می‌ده، هم خیلی سخت‌گیریش بیش‌تره. مثلاً اگر یه اشتباه خیلی کوچیک بکنن، هم خیلی تمرینای سخت‌تری بهشون می‌دن، هم رژیمای سخت‌تر. کمپانیای معروفم هشتاد درصد درآمد رو خودشون برمی‌دارن، بیست درصدشم می‌دن به آیدولا. وضع گروه‌های خیلی معروف مثل اکسو و بی‌تی‌اس خوبه، البته چون تنها درآمدشون از کمپانی نیست و از همکاری با گروه و بندای دیگه (!) هم درآمد دارن، مخصوصاً همکاری با هالیوود.

- موضوع همکاری زیر نظر کمپانی هست؟

آره، اصلاً خود کمپانی تصمیم می‌گیره با کی و با چه شرایطی همکاری انجام بشه.»

۲-۲۰- الزام به تبعیت از تماس بدنی ستاره‌ها در جریان اجراها توسط آنان

«الزام به تبعیت از تماس بدنی (اسکین شیپ) در جریان اجراها توسط ستاره‌ها»، تعهد دیگری است که ستاره‌ها به کمپانی بیگ‌هیت داده و ملزم به اجرای آن هستند، حتی اگر درخواست کمپانی، منطبق بر خواست و علایق ستاره‌ها نباشد.

شقایق ۱۹ ساله، سمانه ۱۷ ساله و عرفان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش، با اشاره به مقوله برقراری تماس بدنی در جریان اجرای ستاره‌ها»، به اظهارنظر در این باره پرداخته اند:

«به طور کلی کمپانی هر چی بگه همونه، حتی بگه باهم سکس داشته باشید، اینا باید داشته باشن یا بگه جلو دوربین هم رو ماچ کنی، همین طور. ولی خب واقعی نیستش که اینا واقعاً همجنس‌گرا نیستن، یعنی ولی نقش باید بازی کنن دیگه که خیلی باهم خوب ان و هم رو دوست دارن و رفیق ان. کل زندگی شون نقش بازی کرده می‌شه گفت (خنده). صمیمیتای الکی و ماچ و بغل و کاپل شدن و بگو بخند جلو دوربین و... همه بازی کرده، در واقعیت از هم زیاد اطلاعات ندارن، حتی یعنی کمپانی اجازه نمی‌ده اینا از هم اطلاعات بگیرن و بفهمه جرمه می‌شن. نمی‌خواد زیاد همدیگه رو بشناسن چون به ضررشه لاید و بیهو کل قوانین رو ممکنه زیر پا بذارن.

- چرا خانواده‌شون مشخص نیست؟

چون خب اولاً قانونشونه که از هم اطلاعات نداشته باشن و دوماً مردم یا فناشون نرن پیدا کنن خانوادهشون رو و راجع به اونا از خانوادهشون اطلاعات بگیرن یا یهو خانواده‌ها درباره کمپانی مثلاً بگن کار اونا برده‌داریه و اینا.

- این که گفتی اگر کمپانی بگه باید باهم رابطه جنسی هم داشته باشن، واقعاً همین طوره؟
آره، یه بار یکی از فناشون گفته بود. و اون فن به خودشون خیلی نزدیک بود، تو یک مصاحبه‌ای انگار گفته بود و همه تعجب کرده بودن و می‌گفتن دروغه، ولی اون می‌گفت من خبر دارم و بهشون نزدیکم و از تو خودشون این خبر دراومده. اون فن چیز چرت نمی‌ذاره و خبراش قطعی هستن، خبر اون آبشون رو هم اون گفته بود.

- یعنی ستاره‌ها اختیار عملی از خودشون ندارن؟
آره، خودشون نمی‌تونن حرکتی بززن یا برن با کسی یا حتی جدا بشن. اگه بخوان جدا بشن هم باید دلایل منطقی بیان و شاید توسط بقیه هو بشن و تحقیر بشن. کلاً آزادی عمل ندارن، حتی راجع به بدن خودشون و رفتارای جنسی و علایقشون».

«- سمانه، هویت جنسی اعضای گروه مشخصه؟»

خب ببین نه زیاد، چون اینا گفتم می‌خوان به همه احترام بذارن، در نتیجه نمیان بگن و حتی برای جذب کردن مخاطب بیش‌تر، میان رفتارای دگرجنسی هم بعضاً نشون می‌دن که بگن، مثلاً ما طرفدار اونا هم هستیم، یعنی خیلی هویتشون معلوم نیس از این لحاظ.

- یعنی چه مدل رفتارهایی دارن؟

مثلاً هم‌دیگه رو از لب می‌بوسن اکثراً تو کلیپاشون، یعنی خب این فرهنگ تو غرب جا افتاده الان، اینا هم میان بیش‌تر عادی‌سازی کنن این قضیه رو، من خودم واقعاً مشکل دارم با این قضیه، یعنی خب یه جنس مخالفی گفتن یه موافقی، این دو باید حد فاصلشون رعایت شه دیگه. نمی‌شه که تو با یه دخترم این باشی با یه پسر همین باشی باز. یعنی به نظرم چیز جالبی نیست کلاً، ولی خب می‌گم که کارفرمای غربی هر چی بگه همونه، واسشون تبلیغ می‌کنن».

«... کمپانی سازنده بی‌تی‌اس برای منحرف کردن اذهان مردم و هواداران به ستاره‌ها می‌گه زمانی که روی صحنه اجرا دارن دست‌های هم‌دیگه رو لمس کنن یا نگاه‌های نافذ و معنی‌داری به کنار دستی خودشون بکنن.

- این کار کمپانی چه معنی می‌تونه داشته باشه؟

مردم فریب می‌خورن و فکر می‌کنن آیدول‌ها همجنس‌گرا هستن و برای اینکه از دواج نمی‌کنن.

- این کار کمپانی لطمه‌ای به ستاره‌ها می‌زنه؟

آیدول‌ها دچار صدمات روحی و روانی شدیدی می‌شن. با آبرو و حیثیت اون‌ها بازی می‌شه. بعضی‌هاشون افسرده می‌شن و به خوردن قرص‌های اعصاب روی میارن، ولی چون با کمپانی قرار داد بستن، به کارشون ادامه می‌دن.

- این کار کمپانی چه لطمه‌ای به هواداران می‌زنه؟

بعضی‌ها مثل من که می‌دانم آیدول‌ها پاک و بی‌گناه هستن، خیلی ناراحت می‌شن و سعی می‌کنن چهره واقعی آیدول‌ها رو برای همه آشکار کنن، ولی یه عده هم این حقه کمپانی رو نمی‌فهمن و فکر می‌کنن آیدول‌ها منحرف و همجنس‌گرا هستن. باز این عده هم ناراحت می‌شن که چند مدتی چه کسانی الگوشون بوده و از هواداری دست می‌کشن. یه عده دیگه هم هستن که کلاً از مرحله پرت هستن و خیلی هم خوش‌شون میاد و به بیراهه کشیده می‌شن.»

۲-۲۱- الزام ستاره‌ها به همکاری در تهیه لحظات جذاب

گاهی کمپانی برای حاشیه‌سازی بیش‌تر که بالطبع به سود فزون‌تر وی خواهد انجامید، از ستاره‌های خویش می‌خواهد تا در جریان اجرای خودشان، رفتارهایی را از خود به نمایش بگذارند که رابطه خاصی را بین آن دو ستاره، القاء کند. به عنوان مثال، دو ستاره، با خیره نگریستن به یکدیگر یا نمایش رفتارهایی که مختص افراد هم‌جنس‌گرا هست، لحظات به اصطلاح جذابی (مومنت) را رقم بزنند که این مسایل خود موجد طرح انبوهی از شایعات و تحلیل‌ها در مورد ستاره‌ها و همان‌گونه که اشاره شد، سود بیش‌تر کمپانی با معطوف شدن افراد به ستاره‌های وی خواهد شد. تینای ۱۹ ساله و مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، با اشاره به ایجاد لحظات به اصطلاح جذاب، می‌گویند:

«- گفتمی که قبلاً وان دایرکشن گوش می‌دادی، درسته؟

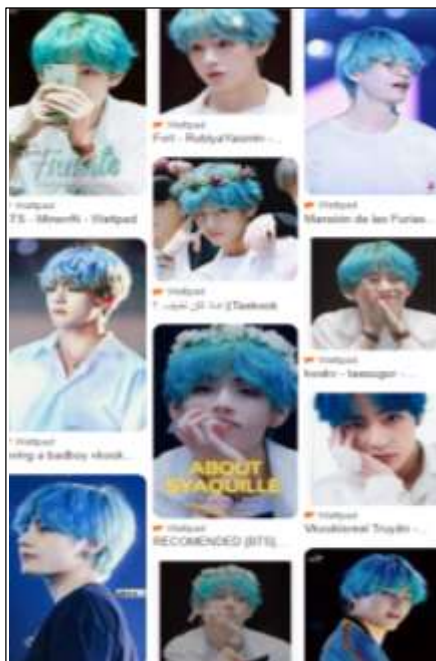
آره.

- مثلاً وان دایرکشن تو یکی از اجراهاشون، دوتا از اعضاء روی استیج یه مومنتی داشتن، که حواشی زیادی رو به دنبال داشت و تا مدت‌ها فن‌هاشون راجع به این که آیا این دو نفر باهم هستن یا نه، صحبت می‌کردن.

آره دوتا از اعضاهاشون به اسم هری و لویی بود. شاید باورت نشه، ولی هنوزم که هنوزه... مثلاً یکی‌شون دوست دختره داره، اون یکی بچه‌دار شده از یکی دیگه. بعد هنوز هم یه سری‌ها سخت دارن می‌گن که اینا باهم ان.

- خوب در نهایت معلوم نشد که این دو نفر باهم بودن، ولی اجازه نداشتن این رو ابراز کنن یا نه، باهم نبودن و بهشون گفته شده بود که بیان مثلاً یه همچین چیزی رو ابراز نکنن که یه حاشیه‌ای پیش

بیاد و از اون حاشیه مشهورتر و محبوب‌تر بشن و مثلاً به اضافه شدن مخاطب‌هاشون کمک بکنه و خب از طرفی هم می‌تونن با این کاراشون گرایش‌های جنسیتی مختلفی رو به خودشون جذب کنن.



آره، آره خوب اینم هست. بین چندتا مسأله هست، یکی این که قطعاً یه بخشیش آره، پشتش فکر هست. مثلاً چه می‌دونم همین بی‌تی‌اس پا می‌شه یکی از اعضای اون از یه روزش، از روتین یه روزش که حالا چی کار می‌کنه، تو طول روز فیلم برداری می‌کنه. مشخصاً شاید ۵۰ درصدش براساس رضایت یا ایده‌ی مثلاً خود اون شخص باشه، این جور طرفداراش بیشتر احساس صمیمیت می‌کنن، چه می‌دونم ویو می‌خوره قضیه و حالا موفقیت‌های مختلف. بعد مشخصاً یه بخشی از این محدودیت‌ها توی همه کمپانی‌ها و کلاً به نظرم توی صنعت انترتینمنت هست خب؟ و یه سری سوالاتی که تو خودت هم مطرح کردی، این که مثلاً ما هیچ وقت نمی‌دونیم که طرف رابطه‌اش واقعی بوده یا مثلاً صرفاً واسه جلب توجه و مثلاً از قبل برنامه‌ریزی شده بوده و این حرفا».

«- مریم به نظرت مومنت‌های بین اعضاء واقعی هست یا ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست؟

توی کی‌پاپ یه چیزی وجود داره به اسم فن‌سرویس که به معنای فراهم کردن خواسته‌های فن‌ها توسط آیدول‌ها هست، یعنی برای راضی نگه داشتن فن‌ها، آیدول‌ها خیلی وقت‌ها مجبورند کارهایی انجام بدن که دل‌شون نمی‌خواد و تمایلی ندارند. این کارها رو می‌کنند تا دل فن‌ها رو به دست بیارند و

بهشون نشون بدن که براشون احترام خاصی قایل هستند. من فکر می‌کنم یه سری از اتفاقات مثل همین مومنت‌ها بخشی از فن‌سرویس هستند و آیدول‌ها صرفاً به خاطر این که فندوم سرپا بمونه و طرفدارها خوش‌شون بیاد، مجبورند این کارها رو بکنند».

۲-۲۲- الزام ستاره‌ها به عدم طرح گرایش عقیدتی خودشان

«... خیلی از آیدول‌ها اعلام می‌کنند به دین اعتقاد ندارن، چون حتی عقاید مذهبی‌شون هم می‌تونه مورد انتقاد قرار بگیره.

- پس یعنی به خاطر جذب فن و به خاطر شهرت، حتی روی مسایل دینی و اعتقادی‌شون مجبور هستن سرپوش بگذارن؟

بله، حتی به خاطر انتقادهایی که بهشون صورت می‌گیره و عکس‌العمل و بازخوردهای فن‌هاشون درباره این مسایل ترجیح می‌دن، هیچ حرفی نزنن» (فاطمه، ۱۷ ساله).

ستاره‌ها از سوی کمپانی محدود شده‌اند تا از گرایش عقیدتی خویش نیز سخنی بر زبان نیاورند، زیرا طرح گرایش عقیدتی ستاره‌ها، به شکل بالقوه می‌تواند هوادارانی را که گرایش عقیدتی متفاوت و حتی متضادی با ستاره‌ها دارند، از آن ستاره، گروه و کمپانی وی، دور کند.

شادی ۱۵ ساله و صبا ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های خود در زمینه ممانعت کمپانی از طرح گرایش دینی و یا عقیدتی ستاره‌ها بیاناتی به شرح زیر ارائه کرده‌اند:

«- واقعاً خبر این مسایل جنسی اومده بود؟»

آره، هی از این جور چیزا می‌گن و بعضاً هم درسته یعنی فیلمش میاد، بعضاً هم نه شایعه هست که جذب مخاطب کنن و حاشیه درست کنن و همه توجه‌ها بره سمت‌شون، یعنی کلاً کمپانی خودش شایعه‌سازی هم زیاد می‌کنه که مثلاً فلانی با فلانی رل زدن دوتا از اعضای گروه، بعد یه کم داستان درست می‌کنه تو مجازی حاشیه می‌شه بعد تکذیب می‌کنن، بارها پیش اومده، حالا دقیقش رو یادم نیست الان.

- یعنی هر طور دوست داشتن ازشون استفاده می‌کنن؟

آره دیگه یه جورایی تحت اختیار کمپانی هستن چه از لحاظ جنسی چه از لحاظ عقاید، چه پوشش.

- یعنی چی، می‌تونن بیش‌تر بگی؟

یعنی مثلاً پوشش دست خودشون نیست، چه لباسی دوست دارن، پس همون رو بپوشن، نه این جور نیست دست کمپانی و مثلاً ممکنه عقایدی داشته باشن، کمپانی نذاره بگن یا حتی برعکسش رو بخوان بگن، مثلاً شاید خودشون دوست نداشته باشن همجنس‌گرایی رو، ولی مجبورن اجراش کنن یا شاید خودشون طرف کشورهای مظلوم باشن، ولی نمی‌ذارن بگن. اولش تعهد می‌دن دیگه که هر چی کمپانی بگه همون هس و همون رو باید انجام بدن».

«- یعنی این‌ها در واقع هر چی کمپانی بگه رو باید اجرا کنن؟»

آره دیگه، ظاهرشون، رفتارشون، حرفشون، چه می‌دونم پوششون یا حتی علایقشون باید اونی که کمپانی می‌گه باشه، اصلاً وقتی وارد این صنعت می‌شن، ازشون تعهد می‌گیرن دیگه که هر چی کمپانی بگه، اونا باید انجام بدن، حتی اگر برخلاف میل و علایقشون باشه، مثلاً رنگ موشون دست خودشون نیست و هی تغییر می‌کنه یا لباسشون یا استایلشون یا چی بخورن، چی نخورن یا عقایدشون... .

- پس اعضای گروه رژیم‌های غذایی خاص دارن که اندامشون این قدر خوبه؟

آره دیگه، کمپانی براشون تنظیم می‌کنه و اینا حتی یه تیکه نون هم اضافه‌تر نمی‌تونن بخورن، یادمه یکی از طرفداراشون براشون شکلات فرستاده بود، بعد تشکر کردن، ولی گفتن ما نمی‌تونیم بخوریم شرمنده، کالریش زیاده. کلاً کمپانی خیلی حساسه روشون که وزنشون کم و زیاد نشه و قیافهشون تغییر نکنه».

۲-۲۳- الزام ستاره‌ها به عدم طرح گرایش جنسی خودشان

«تهیونگ یه لایو یه بار گذاشت و توش گفت من و جونگ کوک فقط دوستیم و از این که ما رو باهم شیب می‌کنید، اصلاً خوشحال نیستیم. این لایوش چند روز بعد پاک شد و کاملاً مشخص می‌کنه که کمپانی به اعضا حتی آزادی بیان هم نمی‌ده، چه برسه به حق شکایت» (آرمیتا، ۱۵ ساله).

هر فردی دارای ویژگی‌های خاص زیستی، روانی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی است و در این میان، ممکن است فرد مورد نظر راضی به طرح برخی از خصایص خویش نبوده و یا در جهتی متفاوت، انکار ویژگی‌های خویش را قبول نداشته باشد، اما کمپانی بیگ‌هیت از ستاره‌های خودش انتظار دارد که آنان صرفاً طبق خواست کمپانی عمل کنند و با کتمان گرایش جنسی خویش از سویی و مسکوت نهادن گرایش جنسی ناروایی که به آنان منتسب می‌شود، از سوی دیگر، ستاره‌ها همه مخاطبان را با همه علایق و سلیق جنسی متفاوتشان جذب کنند.

سونیای ۱۷ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود یادآور شده اند که هواداران زیادی، مایل هستند سلبریتی مورد نظرشان را به صورتی فراتر از یک خواننده یا هنرپیشه دیده، وی را به دیده معشوق خویش بنگرند و این مسأله کمپانی را وامی‌دارد، از ستاره‌ها (آیدول‌های) خویش بخواهد تا ضمن پرهیز از قرار ملاقات گذاشتن یا ازدواج کردن، خودشان را به صورت معشوق بالقوه دختران هوادار نگاه دارند:

«- به نظرتون همجنس‌گرا بودن یا نبودن اعضای گروه برای بقیه مهمه؟»

برای بعضیا آره، من یه دوستی داشتم فیلم خیلی زیاد می‌دید، بعد مثلاً از بازیگرای مرد خوشش می‌اومد، می‌رفت سرچ می‌کرد، در موردشون می‌خوند. اگر بازیگره ازدواج کرده بود یا هر رابطه‌ی دیگه‌ای

که داشت، دیگه از اون بازیگره خوشش نمی‌اومد. البته نه این که خوشش نیاد، می‌گفت اون حسم از بین رفت. اون موقع بود که من متوجه شدم، چرا آیدولا نباید قرار بذارن یا گرایش جنسی‌شون رو بگن، چون تعداد طرفداراشون کم می‌شه.

بین دخترا یه چیزی وجود داره نمی‌دونم پسرا هم این طوری باشن یا نه. وقتی دخترا از یکی خوششون میاد، معمولاً پیش قدم نمی‌شن برن بگن به یه پسر. ولی سعی می‌کنن علاقه خودشون رو غیرمستقیم نشون بدن.

حالا اگر متوجه بشن که اون پسر به یکی دیگه رابطه داره یا داره به یکی دیگه فک می‌کنه، علاقه‌شون از بین می‌ره. بعدشم یه حسی ایجاد می‌شه که انگار دیگه دوست نداره، نه اون پسر رو ببینه، نه در موردش فک کنه. حس تنفر نیستا، همینیه که گفتمه، انگار یه بی‌احساسیه مطلقه.

- بر اساس این، اگر آیدولی وارد رابطه بشه، نه تنها خیال‌پردازی نمی‌کنن، بلکه دست از دنبال کردنش هم برمی‌دارن؟

بله، بله، اگر قرار باشه این اتفاق بیفته، تعداد فنا خیلی کم می‌شه».

»- پس با این اوصاف آیدول‌ها محدودیت دارن، درسته؟

خب آره خیلی محدودیت دارن، مثلاً همین که الان گفتم تو لایو نمی‌تونن آرایش کنن، در مورد جراحی زیبایی هم اختیار ندارن خب یا مثلاً تو رابطه‌ای نمی‌تونن باشن دیگه، خب محدودیت‌هاشون در این موارد. و البته این رابطه داشتن با کسی که دوستش دارن و اینا خب خیلی مهمه، ولی اینا واقعاً ارزش محروم ان، بعضیا هستن که فکر می‌کنن این بی‌تی‌اس گی باشن به خاطر همین دوستشون دارن، یه سری دیگه فک می‌کنن استریت^۱ ان، برا همین دوستشون دارن یا مثلاً بعضیا که من اون اوایل گفتم با خودشون خیال‌پردازی می‌کنن که اینا دوست پسرشون هستن و اینا به خاطر همین چیزا اصن دوستشون دارن، اگر بفهمن طرف وارد یه رابطه‌ای شده یا مثلاً اونایی که همجنس‌گرا هستن، متوجه بشن این آیدول‌ها استریت ان یا مثلاً برعکسش، این استریتا متوجه بشن آیدول‌ها همجنس‌گرا هستن، خب خیلی از طرفداراشون از بین می‌ره دیگه. پس اصن نباید حرفی از گرایش جنسی‌شون بزنی».

شکوفه ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش از الزام کمپانی درباره حرف نزدن ستاره‌ها از گرایش جنسی خودشان به قرار زیر یاد کرده است:

«- ممکنه کمپانی‌ها برای جذب فن بیش‌تر، آیدول‌ها رو مجبور به پوشش یا نمایش گرایش جنسی متفاوت یا مخفی کردن عقایدشون بکنن؟»

حتماً این کار رو می‌کنن، برای کمپانی جذب فن بیش‌تر یعنی شهرت بیش‌تر و کسب سود بیش‌تر، برای این سود بیش‌تر باید نوآوری کنن و یکی از راه‌های نوآوری، جذب فن از تمام اقشار و گروه‌ها هست. برای همین آیدول‌ها درباره گرایش‌های جنسی و گرایش‌های دینی‌شون حرفی نمی‌زنن و حتی ممکنه رفتارهایی بکنن که خودشون دوست ندارن، اما مجبور به انجامش هستن».

زهرای ۲۴ ساله نیز در تبیین ممانعت کمپانی از اظهار مواردی مانند گرایش جنسی ستاره‌ها، خاطرنشان می‌سازد که سود کمپانی در این میان تعیین‌کننده نهایی است و کمپانی نمی‌خواهد، به فرض با طرح مسأله هم‌جنس‌گرا نبودن ستاره‌هایش، اقشار هم‌جنس‌گرا را که مخاطب بالقوه خویش می‌بیند، از دست بدهد:

«- این که یک نفر از گرایش جنسی خودش حرفی نمی‌زنه، خب معقول و منطقی هست، چون جزو شخصی‌ترین مسایل فرد هست. اما وقتی یک فرد در معرض این قرار می‌گیره که بهش بگن همجنس‌گرا، اون هم با دیدگاه‌های غالباً منفی که شما هم عرض کردید، به نظر شما چرا سکوت می‌کنه و تأیید یا تکذیب نمی‌کنه؟»

این جزو یکی از مواردی هست که تصمیمش با گروه نیست و کمپانی تصمیمش رو گرفته. ببینید کمپانی‌ها دنبال منفعت خودشون هستن. اگر هر گروه و یا فردی همجنس‌گرا بودن یا نبودن خودش رو تأیید کنه، احتمال بسیار بالا، تعدادی از دنبال‌کننده‌های خودش رو از دست می‌ده و کمپانی حاضر نیست ضرر کنه، پس به خواننده‌های خودش اجازه بیان حقیقت رو نمی‌ده.

- چون ممکن هست که دنبال‌کننده‌هاشون رو از دست بدن؟

اگر بگن آره، ما همجنس‌گرا هستیم با وجود اون دیدگاه‌های منفی که گفتیم قطعاً طرفدارهاشون کم می‌شه. اگر هم بگن نه ما همجنس‌گرا نیستیم، باز هم بازخوردهای منفی دیگه‌ای براشون به همراه داره از طرف افرادی که همجنس‌گرا هستن».

۲-۲۴- الزام ستاره‌ها به تبعیت از رژیم‌های غذایی خاص

درخواست کمپانی از ستاره‌ها دال بر تبعیت از رژیم‌های غذایی خاص، از دیگر الزام‌هایی است که مصاحبه‌شوندگان از آن در ارتباط با کمپانی بیگ هیت یاد کرده‌اند.

پونه ۱۸ ساله، شادی ۱۵ ساله و سونیی ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خود از الزام اخیر کمپانی در ارتباط با ستاره‌ها، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- می‌شه یه کم هم در مورد رژیم‌هایی که حین صحبت‌هاش اشاره کردی، توضیح بدی؟»

بین توی کره این باور هست که هر چه قدر که اسکینی و استخوانی‌تر باشی، جذاب‌تری. یعنی واس‌شون یه چیز بولدیه. برای همین بدون استثناء همه‌ی آرتیستا باید این رژیم غذایی‌ها رو داشته باشن. یعنی نمی‌تونن بیینی که این آرتیستا رژیم ندارن. ولی خب کمپانی‌ها هیچ وقت نمیان بگن که آرتیستا رژیم دارن. خود آرتیستا هم که لو می‌دن، بعداً کمپانی تنبیه‌شون می‌کنه. یعنی اجازه ندارن در موردش صحبت کنن. برای همین خیلی اطلاعات دقیقی نمی‌تونن از این رژیم‌های آرتیستا داشته باشی. ولی خب یه سری از همین سانسگا اومدن رژیم‌ها رو لو دادن و یا بعضی از آرتیستا که از کمپانی اومدن بیرون، در موردش صحبت کردن. مثلاً بخوام از رژیم‌های بی‌تی‌اس بگم یه بار یه سانسگ گفته بود که جیمین یه مدت فقط دوتا سینه‌ی کوچیک مرغ و آب پرتغال می‌خورده برای یه مدت خیلی طولانیا. مثلاً شیش، هفت ماه یا مثلاً پارسال یه سانسگ لو داد که نامجون یه رژیم سخت گرفته که فقط توش آجیل می‌خوره. دیگه هیچی حق نداره بخوره که بعداً مشخص شد جدی نزدیک بیست کیلو وزن کم کرده. این حالا مال بی‌تی‌اسه. کلاً خیلی منبع رسمی نداره که کی چه رژیمی می‌گیره و این نکته که هیچ کدومشون حق خوردن شیرینی جات ندارن. کیکای توآد و اینا رو هم که تو لایواشون نشون می‌دن، همه از قصد یه کاری می‌کنن که اون کیکه مثلاً بیفته زمین که نخورنش. برای بقیه آرتیستا رو هم من خیلی اطلاعات ندارم، ولی می‌دونم همین طوره.

فقط یه آرتیست رو می‌شناسم اسمش آیو عه. در مورد رژیمش اطلاع دارم، چون خودم اتفاقاً یه بار گرفتم این رژیم رو. سانسگا گفته بودن که آیو توی یه روز فقط سه تا تیکه سیب و یه لیوان نوشیدنی پروتئین‌دار با دوتا دونه سیب زمینی شیرین می‌خوره. تو کلاً عکسای آرتیستا رو ببینی، می‌بینی که چه قدر لاغر و استخوانی هستن و انگار فوت‌شون کنی، می‌شکنن!»!



۱ . حکایت اخیر در دیگر گروه‌های کی‌پاپ وجود دارد. نسترن ۱۹ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط بیان می‌دارد: «من یه مصاحبه‌ای دیدم، یه دختر آیدول بود و می‌گفت، اون زمانی که کره بودم، اصلاً پرپود نمی‌شدم، به خاطر رژیم سنگینی که داشتم و وقتی برگشتم خونه، تازه به حالت عادی برگشتم. این از جنبه‌های تاریک کی‌پاپ که از طرف کمپانی خیلی سلامت آیدول‌ها تهدید می‌شه».

«- آیدول‌ها به زیبایی ظاهری‌شون خیلی اهمیت می‌دن؟»

آره، یعنی کمپانی براش مهمه و بر اساس یه سری معیارها انتخاب‌شون می‌کنه که زیبایی قیافه و هیکل جزوش هستن و برای هیکل‌شون هم رژیم‌های غذایی دارن که سفت و سخت باید اجراش کنن، کمپانی براش مهمه حتی یه شکلات نمی‌تونن جدای اون رژیم بخورن (باخنده)، دیگه سخته به هر حال کارشون، اون قضیه شکلات رو هم خودشون گفته بودن یه بار که رژیم دارن و نمی‌تونن شکلاتای هوادارها رو بخورن».

«- یعنی شرکت‌ها و مجموعه‌های کی پاپ کوچک‌ترین موارد مثل غذا خوردن آیدول رو هم خودشون تعیین می‌کنن، درسته؟»

آره. البته غذا خوردن شاید به نظر ما کوچیک باشه یا زیاد مهم نباشه، ولی از نظر کمپانیا خیلی مهمه. چون یه بدن خوب و آماده می‌تونه کلی طرفدار جذب کنه».

از آنجا که تغذیه محدود و لیوانی ستاره‌ها ممکن است توان آن‌ها را تقلیل دهد و آنان را به سمت ناتوانی و بیماری سوق دهد، کمپانی در موارد اخیر به ستاره‌های خود استراحت می‌دهد تا پس از رفع کسالت آن‌ها، دوباره در خدمت تحقق منویات کمپانی درآیند:

«در مورد رژیم‌ها هم دو دسته هست یا خود کمپانی مجبور می‌کنه یا خودت دوست داری که اون جور باشی. خب توی گزینه اول که خود کمپانی مجبور می‌کنه، خیلی از آیدول‌ها بودند که به خاطر رژیم‌های سخت بعضی جاها مجبور می‌شدند که برای مدت کوتاهی از فعالیت‌های گروه کناره‌گیری کنند، به خاطر این که اون قدر ضعیف شده بودند که نمی‌تونستند توی تمام فعالیت‌های روزانه، هفتگی یا ماهانه شرکت کنند، برای همین توی بازه زمانی کوتاهی استراحت می‌کردند تا بتونند دوباره اون انرژی لازم برای انجام فعالیت‌ها رو داشته باشند».



۲-۲۵- الزام ستاره‌ها به بیش‌تر نشدن وزنشان از حد مقرر

کمپانی در پی الزام‌هایی مانند ضرورت تبعیت ستاره‌ها از رژیم غذایی خاص و تغذیه محدود، نسبت به زیاد نشدن وزن ستاره‌ها نیز بدان‌ها هشدار داده، در صورت بیش‌تر شدن وزنشان، آن‌ها را مجبور به گرفتن رژیم‌های مختلف می‌کند تا به وزن موردنظر (یعنی وزن یک بدن استخوانی) برساند. ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش در همین رابطه بیان می‌دارد:

«به نظرت کمپانی چون در به شهرت رسیدن این افراد و گروه نقش بسیار مهمی داشته، حق دارد قوانینی برای کنترل این افراد وضع کند؟

بله حق داره، ولی هر قانونی هم نه.

- مثلاً چه قانونی را گذاشته که موافق نیستی؟

مثلاً وزن‌شون از یک اندازه‌های بیش‌تر نشه.

- موافقی؟

به نظرم لازمه. اما این وزنی که الان دارن مثل همونی که درباره جیمین گفتم که قد و وزنش باهم تناسب ندارن، خب درست نیست. دیگه خیلی دارن سخت می‌گیرن».

۲-۲۶- الزام ستاره‌ها به تبعیت از خط‌مشی‌های فرهنگی - اجتماعی کمپانی

همان‌گونه که در مقدمه از آن یاد شد، کمپانی در کنار علایق اقتصادی خویش و دنبال کردن روش‌هایی که به کسب سود بیش‌تر آن بینجامد، اهداف اجتماعی - فرهنگی و حتی سیاسی و عقیدتی خاصی دارد که با استفاده از گروه زیر پوشش خود، سعی در تحقق و پیش‌برد اهدافش در زمینه‌های پیش‌گفته کند، زیرا کمپانی در بستر یک جامعه سرمایه‌داری قرار دارد و باید نسبت به اندیشه سرمایه‌داری که در عین برخورداری از ابعاد اقتصادی، واجد ابعاد اجتماعی، فرهنگی و مانند آن است، ملزم و متعهد باشد.

مهم‌ترین فراز فرهنگی کمپانی که از سوی گروه بی‌تی‌اس به عیان تبلیغ می‌شود، جنسیت‌زدایی از عشق، پوشش و آرایش است که این مسأله در درجه نخست، به افراد و جامعه‌ای مصرفی می‌انجامد (که ایده‌آل سرمایه‌داری است) و در درجه دوم اهمیت، به افراد و جامعه‌ای می‌انجامد که در جریان تخریب شدن با هوا و هوس و شهوات، اندیشه انقلابی بودن، انقلابی‌گری و اصولاً انقلاب کردن علیه نظام سرمایه‌داری را از سر افراد می‌اندازد.

شادی ۱۵ ساله و شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان در توصیف اعتقاد فرهنگی کمپانی دال بر جنسیت‌زدایی از عشق و مصرف‌زدگی بیان می‌دارند:

«پسرها طرفدار همجنس‌گرایی هم هستن؟»

پردازش گروه بی تی اس / ۱۰۵

آره خب، همون جور که غرب هست، اینا هم هستن و احترامم می‌ذارن و حتی می‌گم، رفتارهاش رو هم دارن و حتی یادمه یه بار یکی از اعضا شون لباسش رنگ پرچم ال جی بی تی ها بود و خودشم گفت به خاطر علاقه‌ام بهشون و حمایت ازشون پوشیدم.



یه جورایی برده‌داری هستش دیگه، ولی برده‌های شیک و پیکن (باخنده)، وگرنه فرقی نداره هر چی کمپانی بگه، می‌کنن و می‌کنن و می‌پوشن».



«- کمپانی‌ها بعد از این مشکلات کاری نکردند؟»

نه بابا، کمپانی‌ها فقط به فکر خودشون هستن، به اون‌ها چه، اینا چه شونه. هر کمپانی فقط می‌گه من معروف باشم و منفعتم از طریق اینا تأمین بشه، دیگه خودشون قبول نمی‌کردن بیان خواننده مومن بشن. کمپانی مثل یه فرمانروا هست و اینا هم انگار برده اون ان. اون دنبال پوله، اینا هم ابزارش هستن. دیگه به اون چه که چی سر اینا میاد!



- یعنی کمپانی فقط دنبال پول هست؟

بیش‌تر، خب دنیای سرمایه‌داریه دیگه، ولی فرهنگ‌سازی و تحمیل عقاید و اینا هم تو هدفاش هست، مثل ترویج همجنس‌بازی و یا مصرف‌گرایی و...».

۲-۲۷- الزام ستاره‌ها به جهت‌گیری سیاسی طبق نظر کمپانی

«- به نظرت چه تفاوت‌ها و تشابهاتی توی کی‌پاپ و هالیوود وجود داره؟

مثلاً نه این که تو هالیوود نباشه‌ها، ولی خب کی‌پاپ نسبت به هالیوود محدودیت‌های بیش‌تری داره. مثلاً هیشکی روشون تأثیر نمی‌ذاره، قرار گذاشتن یا این چیزا. ولی خب آیدول‌های کی‌پاپ محدودیت دارن، مثل استفاده از تلفن، قرار گذاشتن و دیت رفتن. بعد کلاً کمپانی کنترل زیادی دارن روی آیدول‌ها و این که مثلاً تو گفتن مستقیم جنبش‌های خاص دست‌شون باز نیست. مثلاً خواننده‌های هالیوود به راحتی نماینده جنبش‌هایی مثل فمینیست هستن، اما خب تو کی‌پاپ نه. البته به صورت غیرمستقیم می‌گن و فن‌ها متوجه می‌شن، اما خب مستقیم کمپانی نمی‌ذاره. تو بحث‌های سیاسی دخالتی ندارن. اما خب این باعث نمی‌شه که من فن، نفهمم که دیدگاه آیدولم چیه، چون بیان غیر مستقیم‌شون هم تقریباً واضحه، اما خب کمپانی خرخره آیدول‌ها رو گرفته دیگه» (دیبا، ۱۹ ساله)

جهت‌گیری‌های سیاسی منطبق برخواست مسوولان، الزام دیگری است که فراروی آیدول‌ها قرار گرفته و آنان مجبور به تبعیت از آن هستند. به عنوان مثال، ستاره‌ها باید منطبق بر خواست مسوولان کمپانی (و در سطحی بالاتر، سردمداران سیاسی جامعه‌شان)، کره شمالی را متهم به وحشی‌گری کرده و با اجرای برنامه در اسرائیل، به شکل غیرمستقیمی حمایت از آنان را به معرض دید دیگران بگذارند. سمانه ۱۷ ساله در مصاحبه خود، وجود کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن را تبلیغ فرهنگ کره جنوبی می‌داند که با اندیشه موج هالیو در کره منطبق است. وی در همین زمینه بیان می‌دارد:

«- تبلیغات اعضای گروه بی‌تی‌اس فقط در راستای لباس هست؟

خب بیش‌ترش آره، ولی مثلاً غیرمستقیم طور تبلیغات‌های سیاسی هم می‌کنن دیگه، اینا با غرب یکی هستن با ایدئولوژی‌هاش و سیاست‌هاش.

- یعنی چه جوری تبلیغات سیاسی می‌کنند؟

ببین مثلاً تو خیابوناشون می‌رن فیلم می‌گیرن از خودشون و یه چند نفر دیگه و مثلاً لبخند می‌زنن و با افراد عادی جامعه سلام و احوال‌پرسی می‌کنن و باهاشون عکس می‌گیرن تا بگن مردم ما چه قدر حال‌شون خوبه و تو این کشور همه چی عالی‌ه و این یه جورایی تبلیغ کشورشونه».

حدیث ۱۴ ساله نیز در مصاحبه‌اش از الزام آیدول‌ها به اتخاذ جهت‌گیری‌های سیاسی منطبق بر خواست کمپانی به قرار زیر یاد کرده است:

«- اعضای گروه توی جهت‌گیری‌های سیاسی یا تبلیغ برندای مختلف چه طور هستند؟

همه‌اش با تصمیم کمپانیه. اصلاً همین که چه فکر سیاسی یا جهت‌گیری‌ای داشته باشن رو خود کمپانی تعیین می‌کنه...».

پیام دایم اعضای بی‌تی‌اس دال بر این که افراد تنها به فکر خودشان باشند، در عمل مروج فردگرایی افراطی نظام سرمایه‌داری است. دیبای ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط می‌گوید:

«- چه قدر اندیشه‌های بی‌تی‌اس با زندگی شخصی خودت تداخل داشته؟»

خب من همون طوری که از پسرها هم یاد گرفتم، می‌گم، همیشه خودت رو باید در اولویت قرار بدی و بیش‌ترین کسی که باید عاشقش باشی و دوستش داشته باشی، خودتی و هیچ کس تو این دنیا به اندازه تو، به فکر خودت نیست.»

۲-۲۸- پذیرش نظارت ناظران کمپانی بر فعالیت ستاره‌ها

پذیرش نظارت ناظران کمپانی بر فعالیت ستاره‌ها در برنامه‌های زنده (لایوهای فردی و جمعی)، فضای مجازی و مانند آن، الزام دیگری است که کمپانی فراروی ستاره‌هایش نهاده و آنان را ملزم به تبعیت از آن کرده است.

ترنم ۱۸ ساله و مرضیه ۱۹ ساله در مصاحبه‌هایی که دارند، از ناظرانی که در دوره کارآموزی و حتی روی سن رفتن ستاره‌ها، دست روی آن‌ها بلند کرده و آنان را زده یا قصد زدنشان را داشته اند، به قرار زیر یاد کرده اند:

«تازه تو خود کمپانی‌ها یه سری‌ها هستن که یه کم قدرت دستشونه و از قدرت‌شون برای آزار و اذیت اعضاء استفاده می‌کنن، مثلاً یه بار که اعضاء نمی‌دونم دقیقاً برای چه برنامه‌ای اومده بودن رو استیج هوا هم خیلی سرد بود، بعد جین خواست پتو بندازه رو جونگ‌کوک تا سرما نخوره، یکی از استف‌ها نداشت و پتو رو از کوکی گرفت. اون قدر بچه بود که اصلاً نفهمید چی شد با لبخند به چشمای استف^۱ نگاه کرد و می‌دونست اگه چیزی بگه و یا کاری بکنه براش خوب نیست و ممکنه مجازاتش کنن بعداً چیزی نگفت و با دست‌های لرزون برا آرمی‌ها دست می‌زد و برا این که فکر نکنن چیز بدی شده یه لبخنده فیک گذاشته بود رو لبش. یه بار هم پسرا یک منیجر^۲ داشتن که اونا رو کتک می‌زد، حتی یه بار که جونگ‌کوک برای اولین بار به تنهایی سفر می‌کرد، اون ۱۵ سالش بود و تنهایی می‌خواست سفر کنه و ترسیده و نگران بود، اما منیجر بهش توجه نمی‌کرد و او را زد تا سریع‌تر بره داخل هواپیما و این شدت منیجر تا ۳ سال باهاشون همیشه همراه بود و بعد سه سال رئیس کمپانی یعنی بنگشی پی دی

۱. به کارمندان کمپانی که در مسایل مختلف به اعضای گروه یا سولوییت کمک می‌کنند و برخی برنامه‌ریزی‌ها بر عهده‌شان است استف می‌گویند.

۲. منیجر به معنی مدیر است و در کی‌پاپ به کسی گفته می‌شود که بر فعالیت ستاره‌ها نظارت دارد.

نیم فهمید که این منیجر داره اعضاء رو از لحاظ روحی و جسمی آزار می‌ده، ازش شکایت می‌کنه و از کار می‌اندازتش».



«- دیدن سخت‌گیری کمپانی باعث نمی‌شه که فکر کنی باید در این زمینه کاری انجام بشه؟
خب منم بعضی وقتا از کمپانی خیلی عصبی می‌شم، هم به خاطر تمام سخت‌گیری‌هایی که داره و هم به خاطر خونسرد بودنش، چون نسبت به هنرمنداش یه کم بی‌تفاوته، مثلاً سر بعضی از قضایا کمپانی بعد از چند روز اومد و از آیدول‌هاش دفاع کرد، در صورتی که اون موضوع تموم شده بود کلاً، و یک مشکل دیگه که هست، اینه که کمپانی با فیک آرمی‌هایی که از آیدول‌ها برده‌های جنسی می‌سازن، هیچ برخوردی نمی‌کنه متأسفانه این بی‌خیال بودن هاب خیلی زیاد اعصاب خورد کنه، البته ما در این زمینه هم منفعل نبودیم، سعی کردیم بیانیه بدیم، اما بعضیاش فقط در حد بیانیه باقی مونده، ولی بعضیاش نتیجه بخش بوده، مثلاً وقتی آرمیا متوجه شدن منیجر پسر رو کوک دستت بلند کرده و می‌خواسته بزنتش، کلی اعتراض کردن و بیگ هیت هم اعلامیه داد و عذر خواهی کرد و گفت اون فرد رو اخراج کردن».

ریحانه ۲۱ ساله، در گزارش خویش از نظارت ناظران کمپانی بر تمامی کارهای ستاره‌ها و انجام برنامه‌ریزی برای امور مختلف آنان یاد کرده است:

«- کمپانی‌ها در چه حد می‌تونن آیدول رو کنترل کنن، اصلاً آیدول‌ها اختیاری برای کارهاشون دارن؟

... به طور کل، یک خواننده در فضای کمپانی و کی‌پاپ، اختیار زیادی از خودش نداره و برنامه‌ی کاریش و برنامه‌ریزی برای حرفه و شغلش، تماماً توسط کمپانی انجام می‌شه».

دیپای ۱۵ ساله، از حضور ناظران کمپانی در برنامه‌های زنده اعضای گروه بی‌تی‌اس و شادی ۱۵ ساله و نیایش ۱۹ ساله، از کنترل اطلاعات داخل گوشی ستاره‌ها توسط ناظران کمپانی، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- کمپانی دیگه چه چیزهایی شون رو چک می‌کنه؟

یه کلام بخوام بگم، کل زندگی‌شون رو، یعنی از گرایش جنسی و پوشش گرفته تا عقاید و سلايق و اندام و قیافه و گوش‌ی‌شون و خانواده‌شون، حتی اطلاعات گوش‌ی‌شون رو هم چک می‌کنه یه بار چندتا از فن‌اش می‌گفتن که داخل گوش‌ی‌اشون شنود هم کار گذاشته می‌شه که صدای حرف‌اشون باهم دیگه رو بشنون یه وقت حرفای خارج قوانین نزنن».



«- چیزی تا به حال درباره این که ستاره‌ای به سخت‌گیری کمپانی‌ها بازخوردی نشون بده، شنیدی؟ ببین، به نظر من یک اشاره غیرمستقیمی شده، مثلاً توی همه لایوهای بی‌تی‌اس باید یه استف یا منیجر از کمپانی باشه و نه تنها بی‌تی‌اس، بلکه همه آیدول‌ها به این موضوع اشاره کردن و خب می‌تونیم این رو به نوعی یه اعتراض به سخت‌گیری و نظارت کمپانی‌ها در نظر بگیریم».

«- درباره نظارت به زندگی شخصی ستاره‌ها هم می‌تونن توضیح بدی، مثلاً خط قرمزها در این مورد چه جوریه؟»

آیدول‌ها اجازه ندارن با کسی رابطه برقرار کنن، حتی اجازه یه قرار گذاشتن ساده رو هم ندارن. یه جا شنیدم وقتی دارن آموزش می‌بینن، گوش‌ی‌هاشون مدام توسط مدیر برنامه‌هاشون چک می‌شده که یه وقت با کسی قرار ندارن. جاهایی که می‌رن، عکسایی که پست می‌کنن، اینا همه باید زیر نظر کمپانی باشه که یه وقت آیدول‌ها اشتباه نکنن.

- نظرت درباره این قوانین چیه، به نظرت این‌ها زیاده روی نیست؟
حقیقتاً چرا. حتی می‌شه گفت یه جور برده‌داری مدرنه. مجبوران به هرچیزی تن بدن و اجازه مخالفت هم ندارن، فقط فرقتش با برده‌داری قدیم اینه که در یک ظاهر قشنگ‌تر و پرزرق و برق‌تری ارایه می‌شه».

الناز ۱۲ ساله و سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خودشان از نظارت ناظران کمپانی بر فعالیت پست گذاشتن ستاره‌ها در فضای مجازی یاد کرده، کوثر ۲۵ ساله نیز از نظارت و مداخله ناظران کمپانی بر استوری گذاشتن ستاره‌ها سخن گفته است:

«- خوب آیا ستاره‌ها در انتخاب رنگ مو و مدل لباس و این‌ها مختار هستند؟

خیر، هر کاری که می‌کنن، همه‌اش زیر نظر کمپانی هست.

- به تعبیر دیگه یعنی این حتی زندگی معمولی‌شون هم زیر نظر کمپانی هست؟

بله، حتی کمپانی می‌گه که چی رو پست کنن و چی رو پست نکنن».

«- آیا ستاره‌ها محدودیت دارن؟

یه سری محدودیت دارن آره اینا فقط هفت نفر نیستن یه مجموعه خیلی بزرگ پشت این هفتا قرار

دارن 'محدودیت‌هایی وجود داره حتماً.

- می‌تونن برامون مثال بزنی؟

مثلاً نمی‌تونن هر جور می‌خوان لباس بپوشن، باید مناسب باشه، چون مدل لباس پوشیدنشون

توی لایو، کنسرت، فن میتینگ، کلاً تو چیزای مختلف فرق می‌کنه لباس پوشیدنشون.

یه مجموعه دارن که لباسشون رو براشون ست می‌کنن، چون اینا کار مدلینگ رو هم انجام می‌دن،

لباسای برند می‌پوشن. مدلینگ هم یه کار حرفه‌اییه، برای همین نیاز داره آدمای حرفه‌ای مدل رو آماده

کنن.

یکی دیگه از محدودیت‌هایی که دارن اینه که با هر کسی نمی‌تونن پست بذارن. فعالیت‌هایی که تو

فضای مجازی دارن کاملاً کنترل می‌شه، مثلاً موضوع پستایی که شیر می‌کنن یا همون که اول گفتم،

پستی که دارن می‌ذارن، مثلاً کی توی پست هست، باز داره کنترل می‌شه یا وقتی که می‌خوان آهنگ

بدن بیرون، زیاد دلخواه خودشون نیست، مثلاً شاید بخوان در مورد یه موضوعی لیریک بنویسن، ولی

مجموعه باهاشون مخالفت می‌کنه، اینا هم باید عوض کنن لیریک رو. با هر خواننده‌ای که دوست دارن

نمی‌تونن فیت بدن اینم جزو چیزاییه که حق انتخاب زیادی توش ندارن».

«- رابطه بین خواننده‌ها و کمپانی‌شون دقیقاً چه جوریه؟

خیلی ارتباط بدیه توی کی‌پاپ. یعنی کی‌پاپ یه صنعت فوق‌العاده سمی و تاکسیکه که از خواننده‌هاش

سوءاستفاده می‌کنه. سوءاستفاده‌ی ابزاری خیلی زیاد. رژیمای غذایی خیلی سخت بهشون می‌ده و

تک‌تک رفتاراشون، حتی یه استوری گذاشتن‌شون، به خاطر اون قراردادی که امضاء می‌کنن، تحت نظر

کمپانیه».

۲-۲۹- رصد گسترده رفتار ستاره‌ها

برخی از هواداران مصاحبه شده گروه بی‌تی‌اس، در بیان‌اتشان از رصد گسترده اعضای گروه توسط کمپانی سخن به میان آورده، بر این باور بودند که کمپانی حتی دقایق زندگی جمعی ستاره‌ها را با دوربین‌هایی که در محل زندگی آنان (در کمپ) تعبیه کرده بود، پایش می‌کرد. شقایق ۱۹ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه‌اش چنین بیان می‌داشت:

«- خوب ستاره‌ها نمی‌تونن از کمپانی شکایت کنن؟»

فکر نمی‌کنم. دقیق نمی‌دونم مسایل حقوقی‌شون رو، ولی اولش یه تعهدی چیزی می‌گیرن که خودشون اومدن عضو شدن و کسی زورشون نکرده و تماماً در اختیار کمپانی هستن و ظاهرشون و رفتارشون در اختیار خودشون نیست و در همه جا حتی اتاق خواب خودشون هم (تعجب) کنترل می‌شن و اینا هم امضاش کردن، دیگه فکر نکنم بتونن شکایتی کنن.

- یعنی فیلم‌هایی از اتاق خواب‌شون اومده؟

آره دیگه، همه چیز زندگی‌شون به اشتراک گذاشته می‌شه تا حتی خواب‌شون (با حالت تمسخر)، تو اتاق‌شون دوربین هست و اینا جلوش فیلم بازی می‌کنن الکی و می‌گن و می‌خندن و برای جلب توجه صمیمی هستن و خلاصه نقش بازی کردن و بعد هم کمپانی پخشش می‌کنه».

۲-۳۰- در نظر گرفتن تمهیدهای جانبی برای موفقیت بیش از پیش گروه

کمپانی بیگ‌هیت علاوه بر دستورالعمل‌های بی‌شمار خویش، در اقدامی روان‌شناختی، در صدد برآمده است تا از عشق تخیلی نوجوانان در جهت طرح هر چه بیش‌تر خود و کسب سود بیش‌تر و بیش‌تر سود جوید. به این معنا که به زعم فروید، رابطه مثلثی موجود بین کودک و پدر و مادر، در اوان بلوغ به رابطه نوجوان و زنان و مردان مطرح جامعه‌اش ارتقاء می‌یابد. به این معنا که دختران متوجه مردان مشهور جامعه خود (نظیر خوانندگان، بازیگران، ورزشکاران و مانند آن‌ها) شده و پسران نیز به زنان مشهور جامعه‌شان علاقه پیدا می‌کنند. اما این عواطف عاشقانه، پس از چندی با ورود هر چه بیش‌تر نوجوان به جامعه و تجربه فراز و فرودهای جامعه، رفته رفته از سر نوجوانان می‌افتد. اما کمپانی در اقدامی روان‌شناختی، پس از فهم گسترده‌ی مقوله عشق تخیلی در نوجوانان و جوانان، در صدد سوءاستفاده از این مسأله برآمده، به ستاره‌های مردی که در عین جذابیت فیزیکی، از برخی از ویژگی‌های قابل توجه دیگر نیز برخوردار هستند، دستور می‌دهد، به هیچ عنوان با هیچ جنس مخالفی دیده نشوند تا دختران طرفدار در

۱. با شروع فعالیت گروه بی‌تی‌اس به شکل غیررسمی در سال ۲۰۱۰ تا بیش از یک دهه، اعضای گروه به صورت کمپ و در یک جا اسکان داشتند.

جریان تجربه عشق تخیلی خویش، متوجه این ستاره‌ها شوند و با سوختن در حسرت عشق آنان، فضای گروه بی‌تی‌اس را هر چه گرم‌تر و پر هیجان‌تر سازند.

دیده نشدن ستاره‌ها در کنار یک دختر چنان از نظر کمپانی و روان‌شناسان آن مهم است که حتی در موزیک ویدیوی آهنگ «من به تو نیاز دارم دختر» گروه بی‌تی‌اس که با محوریت نیاز به یک دختر مطرح شده است، حتی یک دختر در فضای موزیک ویدیو ملاحظه نمی‌شود.

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌اش در ارتباط با مقوله عشق تخیلی دختران هوادار، چنین بیان داشته است: «... وقتی که طرف تینیجر باشه، ناخودآگاه باور ذهنیش رومنتیسایز کردن (عاشقانه) اون ارتباط ذهنیش با اون آرتیسته. یعنی دلش می‌خواد اون آرتیست فقط برای خودش باشه. حتی اگر می‌دونه که فقط برای خودش نیست. یعنی اصلاً وقتی که طرف از دوران تینیجریش رد می‌شه و هنوز طرفدار اون گروه‌های کی‌پاپه، دیگه اون چیز تو ذهنش نیست و مشکل نداره طرف بره ازدواج کنه. ازدواج کنه هم مشکلی نداره. ولی معمولاً تو تینیجرا سخت می‌تونن همچین چیزی رو قبول کنن، چون حس می‌کنن طرف به اینا به عنوان طرفدار اهمیت نمی‌ده. برای همین خیلی فشار روی آرتیستا هست که روابطشون رو علنی نکنن. به خاطر این که اگه بکنن اون بخش تینیجر فن‌هاشون رو از دست می‌دن. یه درصد خیلی زیادی رو. یعنی درسته که کامل داغون نمی‌شه و یه عده می‌مونن، یه عده‌ی خیلی زیادی می‌مونن، ولی بالاخره یه بخشی رو از دست می‌دن و درآمد کمپانی کم می‌شه. برای همین کمپانی‌ها معمولاً تحت فشار می‌دارن آرتیستا رو که روابطشون رو نگن. مگر این که طرف با آرتیست دیگه‌ای وارد رابطه بشه. یعنی مثلاً دو نفر از اعضای گروه‌های خوانندگی. باهم وارد رابطه می‌شن، مثلاً این گروه با اون گروه. معمولاً اون جور مواقع کمپانی‌ها باهم صحبت می‌کنن که رابطه رو علنی بکنن یا نه. البته اگه به نفع باشه علنی‌اش می‌کنن. چون همین هم یه خبره و خبره می‌تونه به نفعشون باشه».

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، ستاره‌ها با بیان مواردی مانند این که «آرمی‌ها هر کجای دنیا که باشید، شما را دوست داریم»، «من ماه هستم و آرمی‌ها ستاره‌های من»، «من نمی‌خواهم - با ازدواج - قلب این همه پروانه - دختران هوادار - را بشکنم»، در عمل بستر مساعدی برای دامن زدن به عشق تخیلی دختران هوادار پدید می‌آورند:

«معمولاً داخل کنسرت خیلی با احساس، یعنی یه جور یه واقعاً از ته قلبشون آرمیا رو صدا می‌کنن. و یه چند بار این کار رو کرد و گفتش، شما قول می‌دین همیشه اینجا باشین، ما واقعاً بهترین طرفدارهای جهان رو داریم. اه، درخشان‌ترین ستاره‌های جهان من هستین و همچین چیزایی رو می‌گه و یه جور یه خیلی بلند داد می‌زنه، آرمی دوستتون داریم هر کجای جهان که باشید (این کلیپ‌ها برای من فرستاد).

- و حرف‌هاشون را مثل این که حس می‌کنی، باور می‌کنی؟

- آره واقعاً.

حس می‌کنم که یکی واقعاً بهم اهمیت می‌ده.

- اهممم. بعد اون موقع که قرار بود اینا برن سربازی و قبل از این که قراردادشون رو تمدید کنن، چه حال و هوایی داشتی؟

اوم. ناراحت بودم. همه‌اش، همه‌اش به فکر این بودم که اگه دیس‌بند شدن من چه کار کنم. بدون اون‌ها نمی‌تونم، گریه‌ام در می‌اومد.

- پس الان یه مدت کوتاهی که از افسردگی درباره اون‌ها در اومدی؟

آره. الان گفتن که ما، چون به خاطر سربازی، دو سال سربازی رفتیم، ۲۰۲۷ هم نمی‌ریم. فعلاً پیش شما هستیم. فعلاً معلوم نشد چه زمانی می‌رن، ولی گفتن فعلاً هستیم.

- آها فعلاً ضمنی، دو سال تمدید کردن.

یه جورایی. ولی هنوز مشخص نشد چه زمانی دقیقاً چه روزی می‌رن. ولی خب بالاخره می‌رن، ازدواج می‌کنن دیگه.

- یعنی ازدواج اینا خیلی اعصاب خورد کن می‌شه، چون انگار ازدواج کنن، اون وقت قطعاً تمام می‌شه گروه؟

آره. حتی یکی از آرمیای دختر به جانگ‌کوک گفته، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جانگ‌کوک هم در جوابش گفته: می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم.

- ولی ببین چرا وقتی ازدواج کنه این قدر این حس وجود داره که دیگه طرفدارهاش را تنها گذاشته؟

چون، یکی رو الان داره که بیش‌تر از طرفدارهاش دوستش داره، عاشقشه، بغلش می‌کند، بوسش می‌کنه. با همدیگه بچه‌دار می‌شن. برای همین یه کمی احساس تنهایی بیش‌تری می‌کنن طرفدارا، چون انگار جان‌کوک یکی رو پیدا کرده که بیش‌تر از ما دوست داره.

- دارم فکر می‌کنم یک جور یه هم دلبرانه حرف می‌زند وقتی می‌گن که قلب این همه پروانه را بشکنم، آدم خب احساس می‌کنه که چه قدر آدم خاصیه، باید کنارش باشم؟

ام، این کلاً این جور یه میاد با آرمی‌ها حرف می‌زنه که حالا آرمی عاشقتیم یا مثلاً یکی اعضاء می‌گه: من ماه هستم و آرمیا ستاره‌های من هستن. کلاً میان این جور یه با آرمی‌ها حرف می‌زن. خیلی با عشق و محبت میان باهاشون صحبت می‌کنن.



و این مثلاً آگه یه زن بگیره بره، صد برابر بهتر از این‌ها را به زنش بگه، خب آرمیا قطعاً ناراحت می‌شن. یه حس خالی بودن می‌گیرن».

نیکوی ۱۵ ساله و مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از هواداران گسترده‌ای یاد کرده اند که عاشق ستاره‌ها بوده، در تخیلات خویش تصور می‌کنند، روزی با آن‌ها ازدواج خواهند کرد و یادآور شده اند که این هواداران در صورت بر باد رفتن آرزوهایشان، نه تنها ممکن است گروه را ترک کنند، بلکه ممکن است به جمع مخالفان آن نیز بپیوندند:

«توی دوستانت کسی هست که اگر خبر رابطه اعضاء رو بشنوه، خیلی ناراحت بشه و واکنش تندی نشون بده؟»

یکی از دوستانم هست که خیلی احساسیه و رو این چیزها حساسه، مثلاً یه دختره بود که ویدیو گذاشته و گفته بود که من و تهیونگ به زودی ازدواج می‌کنیم و اون ویدیو رو فرستاده بود تو گروه‌مون. بعد همین دوست احساسی من همین طور یک‌ریز داشت حرص می‌خورد و تا یه مدت خیلی اعصابش بهم ریخته بود. خیلی هم تهیونگ رو دوست داره، یعنی با تمام وجودش دوست داره و همیشه هم طرفدارش بوده و یه دید عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، یعنی فراتر از بعد آیدول بودنش، ازش خوشش میاد و حس عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، واسه همین خیلی واکنش نشون داد نسبت به این قضیه و هر چه قدر هم که ما باهاش حرف می‌زدیم که این اتفاق قرار نیست بیفته و دختره چرت و پرت گفته، قبول نمی‌کرد و همچنان عصبانی بود، می‌گفت آگه تهیونگ یه روزی بخواد واقعاً با کسی قرار بذاره، من چه کار کنم؟ همیشه توی تصوراتش هست که یه روزی می‌ره کره و با تهیونگ ازدواج می‌کنه، در صورتی که واقعاً معلوم نیست در آخر کی توجه اعضای بی‌تی‌اس رو به عنوان معشوق جلب می‌کنه. توی سال ۲۰۱۳ که تازه دبیبو کرده بودند، موزیک ویدیوی پسر عاشق رو دادن بیرون، اون آهنگ در مورد دختره‌ست که دخترا چه موجودات شگفت‌انگیزی هستن و یه دختری توی اون موزیک ویدیو هست که باید انتخاب کنه بین اعضاء و در آخر می‌ره، می‌پره بغل تهیونگ که یعنی اون رو انتخاب کرده و تهیونگ هم متقابلاً بغلش می‌کنه و دوست من سر این قضیه با این که این موزیک ویدیو قدیمی بود و هیچ حس واقعی‌ای در اون وجود نداشت، خیلی عصبانی شده بود و خیلی ناراحت بود و فکر می‌کرد تهیونگ روی این دختره کراش داره و یه ویدیوی دیگه هم بود که وقتی دیدمش با خودم گفتم، آگه یکی دیگه از دوستانم که طرفداره جونگ‌کو که این ویدیو رو ببینه، خیلی ناراحت می‌شه چون در مورد جونگ‌کو بود و جونگ‌کو اون اوایل کارش با میکاپرش که هنوزم هست و یه دختره هست، باهم یه مدت رابطه داشتن و دوست دختر جونگ‌کو بود و خیلی هم واضح بود این قضیه و کمپانی هم هیچ کاری نکرده بود در این مورد، یعنی نه لاپوشونی کرده بود، نه چیزی گفته بود که این درسته یا نه، ولی خوب مشخص بود و همه می‌دونستن حتی خود جونگ‌کو هم خیلی نشون می‌داد این قضیه رو و یه سری ویدیو هم ازش اومده بود بیرون که نشون می‌داد این دوتا توی رابطه هستن. من با خودم

می‌گفتم آگه این ویدیو رو اون دوستم ببینه، چه قدر بهش برمی‌خوره در صورتی که ویدیو قدیمی بود و مال چند سال پیش بود».

«- آگه خبر ازدواج یا قرار ملاقات بایست یا حتی بقیه پسرا رو بشنوی، واکنشت در این زمینه چه خواهد بود؟»

خیلی خوشحال می‌شم، البته ممکنه حسودی هم بکنم (می‌خندد).
- همچنین تو که با فندوم‌ها آشنا هستی، می‌تونی بگی احتمالاً تو بین فندوم چه واکنش‌هایی ایجاد می‌شه؟

امممم خیلی هامون دوست داریم شاهد تشکیل خانواده دادن پسرا و دیدن بچه‌های کیوت‌شون باشیم، ولی خب خیلیا هم که فقط پسرا رو به عنوان شوهرشون می‌دونن (باخنده) دیگه همه چی رو کنسل می‌کنن و عصبی شاید بشنن و فحش هم بدن و شاید هیتر شدن بعداً (باخنده)».

فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، وقتی بحث افزوده شدن یک خواننده دختر به گروه بی‌تی‌اس بین او و دخترش مطرح شده بود، دخترش به صراحت بیان کرده بود، این‌گونه احساس می‌کند، رقیب پیدا کرده است و حتی ممکن است دست به ترک گروه نیز بزند. نرگس ۲۱ ساله هم در بیان‌تاش گزارش می‌دهد، او برای به نمایش نهادن عشقش به شوگا، وب‌نوشتی را راه‌اندازی کرد، اما با دیدن افرادی که با خواندن وب‌نوشت وی، به شوگا ابراز علاقه می‌کردند، «احساس می‌کرد می‌خواهد خرخره آنان را بچود»:

«- شما خودتان دوست دارید در گروه دختر اضافه بشود؟»

من بدم نیامد، چون خیلی به این چیزا توجه نمی‌کنم و بعد عاطفیش برام اهمیتی نداره، ولی برای دخترم قضیه کاملاً فرق می‌کنه و حتی یک‌بار در مورد این موضوع حرف زدیم کاملاً مخالف بود و می‌گفت، گند زده می‌شه به گروه و من دیگه حمایت نمی‌کنم از گروه.

- گفت که چرا مختلط شدن گروه باعث خواهد شد، از حمایت گروه دست بردارد؟

همیشه می‌گه باعث می‌شه کم‌تر دوست‌شون داشته باشم، چون بچه رک و راستی هست، می‌گه که حسادت می‌کنم و این حسادت به اون دخترا باعث می‌شه دیگه دنبال نکنم».

«- احساسات به شوگا چه طور بود و اون چه قدر روی تو تأثیر گذار بود؟»

عام. همه می‌دونستن که شوگا دوست پسر منه. حق نداشتن بهش بد بگن. حق نداشتن از شوگا خوش‌شون بیاد. توی مدرسه اگر می‌دیدم کسی داره آرمی می‌شه، می‌رفتم مخش رو می‌زدم تا شوگا رو به عنوان بایس انتخاب نکنه. اگر انتخاب می‌کردن، با من طرف بودن. من حتی رفتم اسم شوگا رو تتو کردم روی سینه‌ام اون موقع. البته دو ماه پیش رفتم کاور کردم اون تتو رو. بعد خیلی تلاش کردم شماره‌اش رو پیدا کنم. چون خیلی از این چنلا شماره‌های این آر‌تی‌ست کره‌ای‌ها رو می‌ذارن که البته

بعضیاش فیکه. یه بارم تونستم آیدی اسنپ چتش رو پیدا کنم. هر روز می‌رفتم بهش پیام می‌دادم. اون موقع اینستاگرام شخصی نداشتن و فقط اکانت بی‌تی‌اس بود. برای همین خیلی بود که دایرکت اسنپ چتش رو داشتیم، همون چند ماه اول که طرفدارشون شده بودم یه وبلاگ ساختم برای شوگا و خودم اسمش رو هم گذاشته بودم معشوقه‌ی پنهان یونگی (می‌خندد).

توش از احساساتم می‌نوشتیم و بعضیا می‌اومدن می‌خوندن. اون سال‌ها چون تلگرام و اینستا مثل الان نبود، سایت و وبلاگ بیش‌تر طرفدار داشت. بعد از یک مدت شروع کردم به داستان نوشتن از خودم و شوگا. مثلاً ما دوست پسر و دوست دختریم و باهم رابطه داریم، بعد طرفدارای وبلاگم زیاد شد. خیلیا خودشون رو جای شخص دختر داستان که در واقع خودم بودن تصور می‌کردن و کلی خوش‌شون می‌اومد و کامنت می‌ذاشتن و تشکر می‌کردن، ولی خب بعضیا عصبیم می‌کردن، چون در مورد شوگا می‌گفتن. برعکس حرف زدنم توی جمع قلمم خوب بود.

– چه احساسی به کامنت‌هایی که می‌گذاشتن داشتی؟

چیزی نمی‌گفتم بهشون، ولی خیلی زیاد حرص می‌خوردم. بدم می‌اومد که کسی جز خودم در مورد یونگی همچین حرفایی بزنه. اگر نزدیکم بودن خرخره‌هاشون رو می‌جویدم، تصورم این بود که یونگی برای منه و کسی حق نداره مثل من دوستش داشته باشه، می‌گفتم یا من یا هیچ کس».



برخی از هواداران، در جریان عشق تخیلی خویش به این نتیجه می‌رسند که اگر آنان به معشوق خودشان نمی‌رسند، ای کاش معشوقشان برای همیشه مجرد باقی بماند و یا آن که هم‌جنس‌گرا شود و با یک فرد هم‌جنس خودش رابطه برقرار کند، نه با یک دختر تا درد پیروزی رقیب، آنان را کم‌تر اذیت کند:

«– چه دلیلی وجود داره که کمپانی‌ها، طرفدارها و یا هیترها بیش‌تر نسبت به قرار گذاشتن آیدول‌ها حساسیت دارن؟

خیلی از طرفدارها وجود دارن که آیدول‌شون رو به صورت افراطی دوست دارن و اون رو برای خودشون می‌دونن و با این که خودشون به اون آیدول نمی‌رسن، می‌گن که نه آیدول ما باید سینگل فواراور (مجرد ابدی) باشه و نباید به هیچ دختری دست بزنه یا هیچ دختری رو ببینه و کلاً سر این

چیزها خیلی بهم می‌ریزن و هیت می‌دن و خب کلاً نمی‌تونن اون آیدول رو در کنار دختر مورد علاقه‌اش هضم کنن» (دیبا، ۱۵ ساله).

«- تا کی ناراحتی تو ادامه پیدا کرد؟»

ادامه‌دار بود. می‌گم این جوروی نبود، بعد از این که متوجه شدم شوگا دوست دختر داره، حسم کم شه یا علاقه‌ی افراطیم از بین بره. البته چند وقت بعد، طبق اطلاعاتی که به دست آوردم، فهمیدم که دختره، دوست دختر واقعی یونگی نیست و یه جورایی یه رابطه‌ی فیکه که توی خبرا پخش شده تا مخاطب جذب کنه، اما همیشه نسبت به اون رابطه حس بدی داشتم. اون روزی که فهمیدم شوگا دیگه با اون دختره رابطه نداره، دوستانم رو بردم بیرون و ناهار مهمون‌شون کردم. اون قدر خوشحال بودم و یه چیزی که همیشه به خودم می‌گفتم، از یه سالی به بعد، این بود که من حاضرم شوگا با یه پسر قرار بذاره، اما هیچ وقت با یه دختر قرار نذاره. می‌گفتم اگر اون دختر من نیستم، پس امیدوارم هیچ وقت با هیچ دختری رابطه نداشته باشه. برام عذاب بود بینم که شوگا با دختر دیگه‌ای قرار می‌ذاره» (مرضیه، ۱۹ ساله).

سرانجام افراد دیگری هستند که با فهم امکان‌پذیر نبودن دسترسی به ستاره‌های مورد علاقه، عشق خویش به آنان را به صورت عشق مادرانه پردازش کرده، آنان را به صورت فرزند خویش دیده و به این صورت به عواطف عاشقانه خویش سمت و سو جهت دیگری می‌بخشند:

«- من ویدیوهایی دیده بودم از این که وقتی از یه آرمی پرسیدن دوست پسرت کیه، گفته بود جئون جونگ کوک و می‌خوام این موضوع رو بپرسم در بین فن‌دوم این طوریه که بعضی آرمی‌ها اعضاء رو مثل دوست پسرشون می‌بینن؟»

آره، هستن این دسته افراد که به نظرم نمی‌تونن احساسات‌شون رو کنترل کنن و افراط می‌کنن معمولاً هم آرمی‌های کم سن و سالن به نظرم که این قدر خیال پردازی می‌کنن.
- حالا سوالم اینه که خود تو آیا پسرا رو به صورت معشوقه یا دوست پسر بالقوه‌ی خودت می‌بینی و رؤیای پردازی‌هایی در این زمینه داری یا نه؟

می‌گم من خودم اون اوایل که آرمی شده بودم و هیجانان بر من غالب‌تر بود و سنم کم‌تر بود بله، خیال‌پردازی‌هایی در این باره داشتم و تو نوت گوشیم نوشتم، دیگه معشوق نمی‌بینم، رفیق‌هام ان و حتی یه جاهایی حس می‌کنم، من مادرشونم، ولی من به دنیاشون نیاوردم، خیلی عجیبه، احساس کنی مادر کسایی هستی که از خودت بزرگ‌ترن (می‌خندد). من دوس‌شون دارم و عاشق‌شون هستم، ولی به عنوان معشوقه کذایی یا دوست پسر نگاه‌شون نمی‌کنم» (مرضیه، ۱۹ ساله).

«- تو امسال برای تولد تهیونگ قراره چه کار کنی؟»

البته فقط برای تهیونگ نیستا. تولد جین هم چند روز پیش بود. تولد همه‌شون. تاریخ دیو بی‌تی‌اس. اینا هم هست. تهیونگ یه کم فنای اینترنشنالش بیش‌تره، یه کم هم کارایی که می‌کنه، بیش‌تره نسبت

به بقیه‌شون. تولد جین هم همون تایمی بود که تو کنسرت لس آنجلس بود. فن‌ها، مخصوصاً فنای آمریکایی، از روزای قبلش بیرون استادیومی که جای کنسرت بود، خیلی وسیله واسه تولدش درست کردن که اون روز سوپرایزش کنن. بیست چهارساعته کار کرده بودن. بعد نمی‌دونییییی. بچه‌ام وقتی نشونش دادن، چه قدر تو کنسرت خوشحال شد» (غزل، ۱۶ ساله).

به تعبیر دیگر، عشق تخیلی که در جوانان معمولی، رخ داده و در گذر زمان از سر آنان می‌افتد، به دلیل انبوهی از ویژگی‌های قابل ملاحظه که کمپانی در ستاره‌های خویش پدید آورده است (نظیر جذابیت چهره، صدا، رقص، پوشش، آرایش، بیانات عاطفی و مانند آن‌ها)، در دختران هوادار به شکلی قدرتمندتر و پرتوان‌تر رخ داده، در جریان مضمحل شدن این عشق، تبعات سنگین‌تر و جدی‌تری متوجه هواداران اخیر می‌سازد.



۲-۳۱- زیر بار بدهی بردن ستاره‌ها

برخی از افراد مصاحبه شده در جریان مصاحبه‌های خودشان از این یاد کرده اند که کمپانی در ارتباط با تعارض‌هایی که بین آن و ستاره‌ها پدید می‌آید، غالباً از شیوه تطمیع و تهدید سود برده، به این وسیله می‌کوشد تا ستاره‌ها را ساکت نگه داشته و اعتراض آنان را نفی کند. سونیای ۱۷ ساله، در همین رابطه بیان می‌دارد:

«- خود آیدول‌ها کاری به نشانه اعتراض به کمپانی انجام دادن؟»

آیدولا هم کاری از دست‌شون برنمیاد، آخه چون وقتی کی‌پاپ رو انتخاب کردن و وارد مجموعه شدن، یعنی اینا رو قبول کردن دیگه، اگر بخوان برخلافش عمل کنن، می‌ذارن شون کنار بعضی از آیدولا هم بودن که خودکشی کردن. واقعاً آدم دلش می‌سوزه که آدمای با استعداد این طوری می‌شن. - چرا به خودکشی رسیدن؟

خب اگر آیدولا بخوان با مجموعه دیگه همکاری نکنن، به همین راحتی نیست که بگن ما نمی‌خوایم با شما کار کنیم بعد بگن باشه می‌تونید از کمپانی خارج بشید، چون گفتم اینا یه مجموعه بزرگ هستن که کلی وقت و سرمایه گذاشتن. برای همین تمام تلاش‌شون رو انجام می‌دن تا بتونن آیدول رو

نگه‌دارن، حالا ممکنه از راه‌های خوب باشه مثلاً بگن حقوق و مزایا رو بیش‌تر می‌کنیم نمی‌دونم مثلاً امکانات بهتری براتون درست می‌کنیم یا ممکنه از راه‌های دیگه که تهدید و اینا باشه استفاده کنن. - تا حالا این اتفاقات افتاده و مدرکی ازش وجود داره؟

اینجا حتماً محرمانه حساب می‌شن، چون نمی‌شه این چیزا رو همین طوری پخش کرد، ممکنه اصن یه واکنشایی انجام بشه که کل کی‌پاپ رو ببره رو هوا. ولی وقتی یکی به خودکشی می‌رسه، حتماً خیلی بهش سخت گذشته. البته، البته (با هیجان) این رو داشت یادم می‌رفت بعضی از آیدولایی که قراردادشون تموم شده، دیگه راحت‌تر صحبت می‌کنن که اومدن از سختیایی که کشیدن گفتن که می‌شه همونایی که گفتم مثلاً اون رژیم لیوان و اونا».

شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از تمهید دیگه کمپانی در راستای مجاب نگه داشتن ستاره‌ها، به این قرار یاد کرده است که کمپانی با برگزاری پرشکوه جشن تولد اعضای گروه بی‌تی‌اس، در عمل با یک تیر دو نشان را هدف قرار داده، ضمن تبلیغ غیرمستقیم خودش، ستاره‌ها را زیر بار بدهی ناشی از جشن تولدی که برای وی در سطح جهان گرفته شده است، می‌برند:

«- این جشن تولدها چه تأثیر منفی روی هواداران می‌تونه داشته باشه؟»

این جشن تولدهای میلیاردی آیدول‌ها حس حسادت جوان‌ها رو شعله‌ور می‌کند. این جشن‌ها تفاوت‌ها رو بیش‌تر نشان می‌ده و تناقض داره با شعار برابری انسان‌ها که توسط خود بی‌تی‌اس داده می‌شه. اگر انسان‌ها برابرند، چرا جشن تولد آیدول‌ها میلیاردی هست و بعضی‌ها حتی نمی‌تونند جشن خانوادگی رو تدارک ببینند.

- این همه تناقض شعارها و پیام‌های آیدول‌ها با رفتار و عمل واقعی آن‌ها زنگ هشدار برای آگاه شدن هواداران نیست؟

(خیلی مکث می‌کند و متفکرانه جواب می‌دهد) حقیقت من بارها هست پی به تفاوت شعارهاشون با عملکرد و رفتارهای آیدول‌ها برده‌ام و اگر همه رو از چشم کمپانی ببینیم، نابخردانه است. مثلاً این که شعار برابری انسان‌ها رو می‌زنند ولی جشن تولدهای میلیاردی می‌گیرند. بعید می‌دانم که خود آیدول‌ها هم از این جشن تولدها خوش‌شون نیاد و ته دل‌شون راضی نباشن.

- اعضای بی‌تی‌اس هفت نفرند یعنی هفت بار جشن تولد مجلل در یک سال برای کمپانی کمرشکن نیست؟

اوه، خیلی هزینه بر هست. کمپانی برای هر کدام از آیدول‌ها هزینه تولد حساب کنه، به مقدار بدهکاری اون آیدول اضافه می‌شود و همین طور خرج و هزینه‌های اضافی رو به مقدار بدهی آیدول‌ها اضافه می‌کند تا سال‌ها بتواند اون‌ها رو نگه دارد و به بهانه تصفیه حساب از آن‌ها سوءاستفاده بکند. آیدول‌ها معروفیت رو به بهای سال‌ها بدهکار بودن به کمپانی خریده‌اند».

۲-۳۲- الزام به بی‌نقص و ایده‌آل جلوه کردن ستاره‌ها

کمپانی برای پردازش هر چه پرطنین‌تر ستاره‌هایش، می‌کوشد تا آنان را به صورت افرادی بدون هیچ عیب و نقص، در معرض دید هواداران خویش قرار دهد. از این رو کمپانی در درجه اول اهمیت، از ستاره‌های خود می‌خواهد تا به صورت افرادی بدون نقص در برابر هوادارانشان ظاهر شوند و اگر احیاناً حرکت و رفتار نامطلوبی از ستاره‌هایش سر زد، در تبلیغات خود آن‌ها را بپوشاند. اما بالطبع در صورت استتکاف ستاره‌ها از دستوره‌های کمپانی، تهدید ستاره‌ها در دستور کار قرار خواهد گرفت.

الناز ۱۲ ساله و مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان در مورد دستور کمپانی برای بی‌نقص ظاهر شدن ستاره‌ها و تلاش کمپانی برای رفع مواردی که ممکن است ایده‌آل بودن ستاره‌هایش را زیر سوال ببرد، اظهارات زیر را داشته‌اند:

«- یعنی هیچ برنامه دیگه‌ای ندارن که از زندگی شون فیلم برداری کنه؟»

نه به اون شکل، ولی خب یه برنامه‌ی دیگه دارن به اسم بی‌تی‌اس در جنگل^۱ که از سفر و استراحت‌شونه که هر ۷ نفر باهم رفتن به جنگل رفتن و داخل کلبه و ویلا دوربینی حالت دوربین مداربسته و اینا داره و اینجا لحظه به لحظه فیلم‌برداری می‌شه و ما می‌دیدیم که چی می‌خورن، چی می‌پوشن، کجا می‌خوابن و ...



- خوب الان همه‌ی جهان به جورایی این ۷ نفر رو می‌شناسن و به جورهایی زیر ذره بین مردم قرار دارن، این مسأله چه تأثیرهایی روی خود اعضاء گذاشته؟

خب کمپانی گفته که باید حواس شون بیش‌تر به رفتار شون باشه و کاری نکنن.

- منظورت از این که کاری نکنن چیه؟

یعنی این که کاری کنید که بی‌نقص باشید و بقیه فکر کنند که شما خیلی بی‌نقصید و ممکنه که بیش‌تر معروف شدن شون، قوانین کمپانی رو سنگین‌تر کنه.

- خوب به نظرت این زیر نظر بودن از نظر روانی روشون تأثیر بد و منفی نگذاشته و باعث نشده که

اعضای بی‌تی‌اس نگرانی و استرس داشته باشن؟

چرا شده.

- یعنی آیدول بودن اذیت‌شون می‌کنه؟

آره به جورایی.»

«- چه طور متوجه شدی که اعضای گروه بی‌تی‌اس نقش بازی نمی‌کنند و کاملاً خودشون هستن؟ فکر می‌کنم، اگر قراره خودشون نباشن و صحنه‌سازی باشه، قطعاً میان فقط صحنه‌های پرفکت و بی‌نقص و جنتلمانه از شون می‌سازن که به وفور در مورد آرتیست‌های گوناگون می‌بینی، ولی در مورد بی‌تی‌اس عیب و نقص‌هاشون رو نمی‌پوشونن، مثل وقتی می‌خوابن و دهن شون تا ناکجا آباد بازه یا خمیازه کشیدن جلوی دوربین یا صورتای پف کرده و موهای ژولیده وقتی از خواب پا می‌شن و نه میکاپی یا نامجونی که خرابکاری می‌کنه، اگر قراره ستاره‌های بی‌نقص رو نشون بدن، این صحنه‌ها رو سانسور می‌کنن.»

من ران بی‌تی‌اس رو دیدم، تک تک شون رو شناختم و تو همه‌ی این قسمت‌ها اعضاء شخصیت واحدی داشتن و این کاملاً واضحه که اگر دارن نقشی بازی می‌کنن، به تضادهای رفتاری رو باید توشون ببینی نه؟ نباید به شخصیت و رفتارهای منسجم داشته باشن، نه؟ ولی رفتارها و حرفاشون منسجمه پس نقش بازی نمی‌کنن و چشم‌هاشون این رو به خوبی نشون می‌ده:»

مریم ۱۸ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، در صورت مؤثر واقع نیامدن تطمیع ستاره‌ها برای ایده‌آل ظاهر شدن، کمپانی با تهدید، ستاره‌ها را مجبور به تبعیت از خواست خودش می‌کند: «- نظرت درباره کنترل زیادی که کمپانی روی تمام امور بی‌تی‌اس داره چیه و با وجود این کنترل و

دخالت، اعضاء چه قدر در کارهاشون مختارند؟

یه چیزی که تو تمام سال‌هایی که کی‌پاپر بودم درک نکردم، اینه که چرا کمپانی‌ها تا این حد رفتارهای افراطی و غیرقابل قبول در مقابل آیدول‌ها دارن. توقع دارن آیدول‌هاشون نه چپ برن، نه راست، هیچ خطایی نداشته باشن، هیچ ارتباطی نداشته باشن، در مورد هیچی شخصی تصمیم نگیرن و

با وجود تمام این‌ها از لحاظ روحی و جسمی سرپا و پرانرژی باشن. اگر هم توقعاتی که از آیدول‌ها دارن برآورده نشه، شروع می‌کنند به سرکوب و سرزنش‌شون. در طول این سال‌ها هیچ وقت ندیدم کمپانی‌ها به اندازه کافی از حق و حقوق آیدول‌هاشون دفاع بکنن یا پشت‌شون باشن. فکر نمی‌کنم اعضاء اراده زیادی تو کارهاشون داشته باشن... .

- به نظرت پیام خودت را دوست داشته باش، با عمل‌های زیبایی و رژیم‌های سخت غذایی که بی‌تی‌اس داره، در تناقض نیست؟

درسته که کارهای بی‌تی‌اس صددرصد عین حرف‌هاش نیست و کلی رفتارهای افراطی توی کی‌پاپ هست که به خاطر تصمیمات کمپانی‌ها هست، ولی اگر این پیام‌شون باعث ایجاد تفاوت حتی توی یکی از فن‌هاشون بشه، باز هم خوبه. مهم خود پیامه که می‌تونه تأثیر خوبی توی زندگی بعضی از آرمی‌ها ایجاد کنه و تا وقتی تأثیر مثبتی داره، دیگه زیاد اهمیتی نداره که خودشون چه قدر می‌تونند بهش عمل بکنند، از قدیم هم گفتن بین چی می‌گه، نه این که کی می‌گه».

۲-۳۳- تعیین نیروهای حفاظتی برای مراقبت از ستاره‌ها

کمپانی با توجه به شهرت ستاره‌ها و استقبال عام از آنان در جامعه، خود را موظف می‌داند که محافظان لازم را برای آن‌ها در نظر بگیرد تا آن که در مجامع عمومی، هجوم هواداران علاقه‌مند به ستاره‌ها، آسیبی بدان‌ها وارد نیارد!

۱. در تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲ در جشن هالووین در کره جنوبی، هجوم جمعیت برای دیدن یک آیدول به کشته شدن ۱۵۹ نفر و زخمی شدن حداقل ۱۹۶ نفر شد. تصاویر زیر بیانگر عمق فاجعه ایته وون هستند:



از سوی دیگر، با توجه به نظریه اریکسون دال بر این که افراد بی‌هویت برای هویت‌یابی متمایل به طرفداری از گروه‌های رادیکال و مانند آن می‌شوند، همواره می‌توان انتظار داشت که ستاره‌ها با افرادی که بعضاً از تعادل روانی لازم برخوردار نیستند، مواجه شده، در این میان آسیبی از سوی آنان متوجه ستاره‌ها شود که بالطبع وجود نیروهای محافظ در موارد اخیر نیز احساس می‌شود. مهتاب ۱۸ ساله و رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های خودشان با اشاره به طرفداران افراطی و گاه سمی (سازگرفن‌ها)، از این هواداران به قرار زیر یاد کرده اند:

«- کمپانی هم دست روی دست می‌گذاره که سازگرفن‌ها این کارها رو بکنند؟ نه کمپانی هم کارایی می‌کنه که جلوی این سازگرفن‌ها رو بگیره. مثلاً یه کاری که می‌کنه، اینه که سازگرفن‌ها رو شناسایی می‌کنه و دیگه بهشون اجازه نمی‌ده بیان کنسرت. می‌ذارتشون توی لیست کنسلی‌ها. همین خانوم ایرانیه هم بعد از این کارش رفت توی همین لیست کنسلی‌ها و آبروی نداشته ایران رو برد یا مثلاً یه سازگرفن دیگه هم بود به نام لین یائو اگر اشتباه نکنم که این یک‌بار بدون شلوار توی فرودگاه دنبال این‌ها راه افتاده بود و باهاشون سعی می‌کرد حرف بزنه و کلاً طرف هم معروف شد، چون چندین بار همین طوری با انواع آرایش و این‌ها اومده بود اون جا که مثلاً تلاش کنه دل یکی از این‌ها رو ببره. واقعاً نمی‌دونم چه طور می‌تونند این کارها رو بکنند. وقتی بعدش بادیگارد‌ها قراره بیان و هل‌شون بدن و خود آیدول‌ها هم از این قضیه ناراحت می‌شن. یکی هم بود یک‌بار که از روی این حفاظ‌های اونجا پرید و می‌خواست یکی‌شون رو به زور ببوسه. چه طور یه کسی می‌تونه این قدر احمق و خوار باشه؟ حال آرمی‌ها رو بد می‌کنه کارهای این سازگرفن‌ها واقعاً. من که دلم می‌خواد بزمن‌شون.»



«- بعد مثلاً چه درخواستی ازشون دارن و برای چی می‌خوان ببینن‌شون؟ اِ بالاخره فن‌هایی هستن که به طور اشتباه اونا رو دوست دارن و می‌خوان از نزدیک ببینن‌شون. - یعنی فقط می‌خوان ببینن‌شون، هیچ کار دیگه‌ای باهاشون ندارن؟ می‌خوان ببینن‌شون، باهاشون دوست شن، باهاشون حرف بزنین، باهاشون ارتباط داشته باشن. - اونی که مثلاً تو کنسرت تهدید کرده بود اگه کاری که می‌گم رو نکنی بهت آسیب می‌رسونم، چه کاری از آیدول خواسته بود؟»

دقیق یادم نیست، این موضوع برا خیلی وقت پیشه. آها نه اونى که این کار رو کرد، هیترو بود. هیتروها هم کسایى ان که از آیدول‌ها متنفرن. بالاخره هر آیدول یا هر بازیگرى یه هیترو داره، اون چون بدش می‌اومده از بی‌تی‌اس اومدن عکس چندتا حیوون را که کشته، پست گذاشته و گفته که امروز داخل کنسرت می‌بینمتون، زیرش نوشته داخل کنسرت می‌بینمتون. واسه همین خیلی چیزهای امنیتی خیلی بیش‌تر شده از بی‌تی‌اس محافظت کنن بعد آخر اون طرف رو هم دستگیر کردن.

- آهان یعنی واقعاً هم اومده بوده تو کنسرت؟
آره.

- بعد چه توییخی کردن؟

انداختنش زندان کمپانی ازش شکایت کرده. یه سرى بادیگارد کمپانی براشون گذاشته».

۲-۳۴- اعمال تنبیه در صورت تخطی ستاره‌ها از دستورالعمل‌های کمپانی

کمپانی‌های کی‌پاپ، از جمله کمپانی بیگ‌هیت، با جذب کارآموزان از سنین پایین، در عمل عهده‌دار هزینه‌های اسکان، تغذیه و آموزش آنان می‌گردند و ستاره‌ها باید پس از شروع اجرا، بدهی خویش را به کمپانی تسویه کنند.

اضافه شدن مبالغی مانند جشن تولدهای میلیاردری ستاره‌ها نیز بر میزان بدهی آنان به کمپانی می‌افزاید و هزینه‌های سنگین فرارو، امکان هر نوع عصیان و اعتراض آنان در برابر کمپانی را سلب می‌کند. صوفیای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین رابطه بیان می‌دارد:

«- یعنی کمپانی از آیدول به عنوان یه وسیله استفاده می‌کنه؟

از آیدولا مثل وسیله استفاده می‌کنن و یه چیزی که راجع به آیدولای کره‌ای هست، اینه که همه می‌گن خب خودش انتخاب کرد. اگه می‌خواست پا پس می‌کشید. آیدولا وقتی که می‌رن کارآموز می‌شن کمپانی هزینه‌هاشون رو می‌ده. هزینه زندگی، هزینه خورد و خوراک، هزینه کارآموز بودن. بعد اینا وقتی دیبو می‌کنن. وقتی که کار می‌کنن. اون پولی که از کار کردن شون به دست میاد، می‌شه واسه‌ی اون بدهی که به کمپانی دارن. حتی اگر بخوان نمی‌تونن پا پس بکشن تا یه مدت. چون بالاخره وارد اون جو شده. آسیباش رو دیده و راه برگشتی واقعاً واس شون نیست.

- مگه با علم به این قضیه که همچین شرایطی هست واردش نمی‌شن؟

خب. خیلیا رو الان دیدی که می‌گن، من می‌خوام کی‌پاپ آیدول شم. من می‌خوام اودیشن بدم. به نظرت اینا علم این رو دارن که چه بلایی قراره سرشون بیاد؟ خیلیاشون نمی‌دونن و اکثر کسایى که مثلاً اون موقع تازه دیبو کردن، کی‌پاپ خیلی خیلی تازه بوده. مثل الان خیلیا اطلاعاتشون بالا نبود. همه این جورى بودن که قراره فان باشه. قراره خوش بگذره، ولی هر چی که جلوتر می‌ره، محدودیتا سنگین‌تر می‌شن. استانداردا بیش‌تر می‌شن و خب نمی‌دونم من مثلاً طرف پیش خودش می‌گه همه

دارن این کارو انجام می‌دن. منم از پس سختیش مثلاً می‌تونم بر پیام. ولی تا وقتی که داخل اون نری و نبینی که چیه، نمی‌تونی یه برداشت درستی ازش داشته باشی مثل تک تک کارای دنیا». بالطبع در صورت بروز اعتراض از سوی ستاره‌ها، کمپانی برای سر جا نشاندن فرد معترض، تنبیه وی را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

شقایق ۱۹ ساله و فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خودشان از نمونه‌هایی از تنبیه ستاره‌ها به قرار زیر یاد کرده اند:

«... کلاً آزادی عمل ندارن، حتی راجع به بدن خودشون و رفتاری جنسی و علایق‌شون.

- علایق‌شون مثل چی؟

مثلاً یادمه یه بار یکی‌شون می‌گفت خیلی وقت پیش، از موهام راضی نیستم این چه رنگیه اصن، رنگ ببخشید حالا مدفوعه انگار (تعجب).

یعنی می‌خوام بگم به علایق‌شون احترامی گذاشته نمی‌شه که چی می‌خوان که البته از طرف کمپانی جریمه شد اون طرف و محروم شد از چندتا آهنگ گویا.

«- این دخالت‌ها بسته به همون قرارداد و تعهداتی هست که کمپانی‌ها از آیدول‌ها در زمان کارآموزی

می‌گیرند؟

خب آره، زمانی که یک آیدول یک قرداد با کمپانی می‌بنده، قطعاً چندتا قانون هست که باید رعایت بشه، اگر در صورتی اون قانون‌ها رعایت نشه یا از قانون‌ها سرپیچی بشه، بازم تنبیه‌هایی رو برایشون در نظر می‌گیرند.

- پس یعنی از کمپانی به کمپانی متفاوته و بعضی‌ها سخت می‌گیرن و توی تمامی ابعاد زندگی آیدول‌ها دخالت می‌کنن و برعکس بعضی کمپانی‌ها در حد سطحی و کارهای نمادینی دخالت دارن، درسته؟

دقیقاً همینه... .

- مابین اون فشارهایی که کمپانی به آیدول‌ها وارد می‌کنه، افرادی هم بودند که از دستورهای

کمپانی سرپیچی کنند و تنبیه شده باشند؟

آره، آیدول‌هایی هم بودند که شجاعت خودشون رو به خرج دادند و در مقابل این بی‌عدالتی ایستادگی کردند یا مثلاً نداشتند که شایعه‌های بی‌اساسی درباره خودشون یا آیدول‌های دیگه بین عموم پخش بشه که بعدها در موردشون صحبت شد یا گفته شد که این آیدول با کمپانی در مورد این شایعه‌ی بی‌اساس مخالفت کرده و مسلماً تنبیه شده که البته اگر که مخالفت‌ها جدی بشه و مخالفتی در رابطه با کاری که کمپانی می‌کنه صورت بگیره، اون‌ها قطعاً تنبیهی رو برای اون آیدول در نظر می‌گیرند، اما خیلی جاها هم شده که آیدول‌ها حق یا توانایی این رو نداشتند یا شجاعت و قدرت این رو نداشتن که

بخوان با کمپانی مقابله کنند و کارهایی که اون‌ها می‌گند رو انجام ندن و برای همین مجبور شدند که اون کار رو انجام بدن که مثالش پوشیدن همون لباس‌های که بدن نما هست.

- این تنبیه‌ها می‌دونی به چه صورته، ممکنه برام چند نمونه از تنبیه‌هاشون بگی؟

مثلاً این کمپانی‌هایی که اجازه نمی‌دادند آیدول شون هرکاری بخواد بکنه. لاینی که برای یک آیدول در یک آهنگ در نظر می‌گرفتند، حتی ممکنه به صدم ثانیه هم نرسه، یعنی اون شخص توی آهنگ حتی یک ثانیه هم فرصت نداشته و نخونده که این رو بعضی از فن‌ها و افراد متوجه شدند که یک نوع تنبیه در نظر گرفته شده، در رابطه با کاری که اون آیدول انجام نداده یا مثلاً تنبیه‌ها نظیر کم کردن حقوق می‌تونه باشه یا فشار بیش از حد کاری به اون آیدول می‌تونه باشه یا انجام کارهای خیلی خیلی زیاد به صورت هم‌زمان توسط آیدول می‌تونه باشه یا لباس‌های عجیب غریبی که جالب نمی‌اومد و آیدول‌ها رو مجبور می‌کردند که اون‌ها رو بپوشند و بین عموم برند که جزوی از تنبیه‌شون حساب می‌شد و اگر اونا بخوان در رابطه با چیزی که کمپانی می‌گه، مخالفت کنند، راه‌های زیاد دیگه‌ای برای تنبیه‌شون هست».

۲-۳۵- پذیرش کنار نهاده شدن پس از چند سال کارآموزی

یکی از دیگر الزام‌هایی که افراد در دوره کارورزی با آن مواجه هستند، پذیرش احتمال عدم به کارگیری نهایی آنان روی صحنه توسط کمپانی است. به این معنا که اگر چه ممکن است، دوره کارورزی برخی از افراد به قریب یک دهه و یا بیش‌تر نیز برسد، اما این افراد در نهایت ممکن است باز هم از سوی کمپانی واجد شرایط تشخیص داده نشوند و جهت اجرا روی سن فرستاده نشوند و در نهایت به صورت رقاصان پس صحنه و یا کارکنان اجرایی کمپانی و ناظر آیدول‌ها، در کمپانی به ایفای نقش پردازند.



فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به مسأله اخیر، در ادامه از جذب مرحله به مرحله آیدول‌ها توسط کمپانی یاد کرده، در مورد دشواری‌های بسیار زیادی که بر سر راه آیدول شدن وجود دارد، صحه نهاده است:

«- جذب افراد توسط کمپانی‌ها چگونه است؟»

جذب افراد برای کارآموزی کلاً به دو روش انجام می‌شود. اعلان کمپانی برای انتخاب کارآموز و اخذ آزمون از افراد داوطلب و جذب افراد برگزیده شده در مسابقات تلویزیونی.

در حالت اول که گفتیم، کمپانی با اعلام عمومی بین مردم با یک تیتیر خبری یا اعلامیه، اعلام می‌کند که الان در حال آماده سازی یک گروه پسر یا دختر هست و نیاز به کارآموز دختر یا پسر دارن و بقیه افراد و کسانی که فکر می‌کنند استاندارد و توانایی کافی برای شرکت در اون چالش یا مسابقه یا رقابت رو دارند، توی اون شرکت می‌کنند و اول از همه فکر می‌کنم دو یا سه دوره‌ی تست رو باید رد کنند تا تأیید بشن و به عنوان کارآموز توی یک کمپانی شروع به کار کنند، توی این دوره‌های مختلف، اون‌ها توانایی لازم برای یک آیدول شدن استفاده می‌کنند و توانایی‌هاشون رو جلوی داورها انجام می‌دند و بعد از تأیید شدنش با اون‌ها تماس گرفته می‌شه و اون‌ها دوباره برای تست دوم و تأیید شدن مجدد کارهای دیگه‌ای انجام می‌دند که البته منظورم کارهای جدید نیست، بلکه به عنوان مثال رقصی که انجام داده بودند رو دوباره با تلاش بیش‌تر و پیشرفته‌تر انجام می‌دن تا مورد قبول دوباره‌ی داورها قرار بگیرند، بعد از این که این دوره هم تموم شد اون‌ها تأیید می‌شن که به عنوان کارآموز توی اون کمپانی شروع به کار کنند. کلاً کارآموزی روند طولانی‌ای هست.

- معیارهای کمپانی‌های کره‌ایی برای پیدا کردن و یا ساختن یک آیدول چی هست؟

مثلاً خواندن، نواختن موزیک، ساختن موزیک، نواختن آلات موسیقی در مدت زمان مشخص جلوی داورها، رقصیدن، آواز خواندن که کلاً ۵ مورد هستند.

- دوران کارآموزی چند سال هست و این که اگر کمپانی به ۲۰ نفر احتیاج داشته باشه، برای یک

گروه فقط ۲۰ نفر رو به عنوان کارآموزی قبول می‌کنند یا تعداد نفرات بیش‌تری رو جذب می‌کنند؟ این جور نیست که بعد از این که رقابت انجام شد و کمپانی‌های دختر یا پسر انتخاب شدند، مثلاً توی اون ۲۰ تا کارآموز اون‌ها به صورت هم‌زمان و یک دفعه داخل یک گروه دببو نمی‌کنن، بلکه ممکنه برای افراد متفاوت باشه، مثلاً وقتی که این رقابت داره برگزار می‌شه در این بین ممکنه افرادی باشند که از دو یا سه سال قبل به صورت تکی وارد کمپانی شدند پس اونا باهم کارآموزی شون رو ادامه می‌دن تا زمانی که خود کمپانی صلاح بدونه که الان موقعیت مناسبی برای ساخت یک گروه دختر یا یک گروه پسر هست و بعد از اون، اون‌ها افراد کارآموز رو گلچین می‌کنند، گروه خودشون رو می‌سازن و بعد از پروسه‌های طولانی اون رو دببو می‌دن که در این بین، بعضی از کارآموزا از شدت سختی کارهای

داخل کمپانی مجبور به ترکش می‌شن، بعضیا دیگه توانایی پرداخت هزینه‌هاش رو ندارن که اون‌ها هم ترک کمپانی می‌کنن، بعضیا هم به خاطر کمبود اعتماد به نفس و نداشتن توانایی‌های لازم کمپانی رو ترک می‌کنن یا خود کمپانی اون‌ها رو اخراج می‌کنه، بعضیا هم از شدت فشاری که کمپانی بهشون وارد می‌کنه، اون‌ها رو ترک می‌کنه.

- پس به این صورت فکر می‌کنم افرادی که در یک دوره باهم انتخاب و تأیید می‌شن، افرادی نیستند که بعدها باهم در یک گروه باشند، درسته؟

آره برای دیبو گروه اونا این جورین که بعد از این که اون افراد رو توی رقابت گلچین کردن و داخل کمپانی شروع به کار کردند، ممکنه یک شخصی که مثلاً ۱۰ سال یا ۶ سال دوران کارآموزی گذرونده رو بیارن داخل یک گروهی که یک فرد ۶ یا ۷ ماه یا حتی ۱ سال دوران کارآموزی رو گذرونده، پس این متفاوت و وقتی یک گروه دیبو می‌کنه، افراد اون گروه اصلاً شبیه هم نیستن، حتی دوران کارآموزی و انتخابشون.

- موقعیت‌های داخل گروه، مثل لیدر گروه و افراد دیگه، چه طوری تعیین می‌شه؟

این لیدر گروه بر اساس توانایی‌هایی که اون فرد توی کنترل اعضاء بر اساس سن و تجربه و کلی استانداردهای دیگه کمپانی اون رو در نظر می‌گیره و یکی از معیارهاشون هم برای انتخاب لیدر گروه اینه که اون فرد چه قدر دوران کارآموزی رو گذرونده پس هر چقدر این دوران طولانی‌تر باشه، شانس بیش‌تری طرف برای لیدر شدن داره.

نوع دوم جذب کارآموز این طور هست که در مسابقاتی شبیه مسابقات استعدادیابی که در بین افراد برگزار می‌شه، کمپانی افراد برگزیده این مسابقات رو مد نظر قرار می‌ده و با اون‌ها برنامه مستقلی رو شروع می‌کنه.

در این حالت که رقابت بین چندین نفر از افراد هست، یک برنامه رو می‌سازند و چندتا مثلاً پسر کارآموز رو داخل اون برنامه می‌ذارن و اون‌ها باهم رقابت می‌کنند و در آخر یک گروه از اون برنامه، دیبو می‌شه.

- این برنامه‌ها تلویزیونی هستند؟ می‌تونن یک گروه که از این طریق دیبو کردن نام ببری؟

یک برنامه که از این نوع معروف هست برنامه‌ی ان‌های پن هست و یکی برنامه استری کیدز هست که این‌ها گروه‌هایی بودن که از طریق یک برنامه رقابتی تونستن دیبو کنند و یک گروه رو تشکیل بدن و بعضی از گروه‌ها هم که برنامه‌ی دیبوشون نیست، خب اونا کمپانی لازم ندونسته که در مورد اون‌ها برنامه‌ای بسازه، ولی بعضیا این جوری بودن که نه من می‌خوام برنامه بسازم، پس اون برنامه ساخته شده و در دسترس عموم قرار گرفته شده و خیلی هم معروف ان.

آی- لند هم یک برنامه واقع‌نمای رقابتی گروه پسرانه کره جنوبی که توسط بیلیفت لب که یک سرمایه‌گذاری مشترک بین شرکت‌های سرگرمی سی‌جی‌بی‌اند ام و هایب کورپوریشن است، سازماندهی شده است».

کنار گذاشته شدن کارآموزان پس از دوره کارورزی، الزام دیگری که آیدول‌ها از سوی مسوولان کمپانی با آن روبرو هستند، انحلال گروه توسط کمپانی است. به این معنا که با افزایش سن آیدول‌ها، از آنجا که اولاً در مخاطبان آنان حالت اشباع پیش آمده است و ثانیاً به دلیل آن که با نزدیک شدن آیدول‌ها به میان‌سالی، آنان به عنوان الگوی نوجوانان و جوانان کم‌سن دشوارتر انتخاب می‌شوند، کمپانی‌های مختلف کی‌پاپ با منحل کردن گروه‌های با سابقه خویش، به راه‌اندازی گروه‌های جدیدی روی می‌آورند که حداقل برای چند سالی در بردارنده مشکلات پیش‌گفته نباشند.

مسعود ۲۰ ساله و سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خودشان در همین زمینه چنین بیان داشته‌اند:

«- به نظرت کمپانی به فکر جایگزینی برای ستاره‌های جدید به جای ستاره‌های فعلی نیست؟
صد در صد هست و در حال آموزش نوجوان‌های زیادی برای جایگزینی آیدول‌ها هست. چون آیدول‌های فعلی در حال حاضر ستاره هستند و گذشت زمان و کهولت سن از جذابیت آن‌ها کم می‌کند و یه زمانی مثل بقیه آرتیست‌ها و سلبریتی‌ها تکراری می‌شن و این باعث می‌شه هواداران از ادامه هواداری منصرف بشن.

- به نظرت هواداران با این جایگزینی مشکلی ندارند؟

هواداران ناراحت می‌شن، چون همه‌شون آیدول‌ها رو دوست دارند. آیدول‌ها لباس کهنه نیستند که بعد از مدتی دور انداخته بشن، از نظر روحی و روانی افسرده می‌شن».

«- الان همه اعضا دیبو کرده‌اند؟

نه، الان لیدرشون دیبو داره و دارن دونه به دونه دیبو می‌کنن، الان قرار گذاشتند و تا ۲۰۲۵ به فعالیت‌های سولوشون اختصاص داره. تا اون سال رو گذاشتن برای سربازی و فعالیت‌های سولوشون. تا ۲۰۲۵ رو فعلاً قراره این کار رو بکنن تا بعدش مشخص بشه، چی می‌شه. سخت هم هست برای ما که طرفدارشون هستیم».

دیپای ۱۵ ساله و شکوفه ۱۸ ساله نیز در مصاحبه‌هایی که دارند، از احتمال‌های دیگر کنار نهاده شدن کارآموزان کمپانی‌های کی‌پاپ، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«کلاً قوانین و مقررات سختی براشون وجود داره، مثلاً گروه کپلر^۱ می‌گفتن که ما باید اولین بردمون رو به دست می‌آوردیم وگرنه موبایل‌هامون رو بهمون نمی‌دادن. بعد از این هم حالا اگه شالا آیدول بشن، یعنی ممکنه حتی یکی تمام دوران کودکی و نوجوونی‌شون رو بگذاره، ولی نتونه آیدول بشه و

۱. کپلر یک گروه دختر ۹ نفره اهل کره جنوبی است که در سال ۲۰۲۱ از طریق نمایش ام‌نت: سیاره دختران ۹۹۹ تشکیل شد.

تمام اون سال‌ها حروم بشه. مثلاً همین گروه‌هایی که الان دیو می‌کنن، سن اعضا شون خیلی کمه مثلاً شاید ۱۳-۱۴ سال شون باشه.

به جز این که به عده هم نمی‌تونن آیدول بشن، اگر هم آیدول بشی باید آسه بری آسه بیای، قرار نباید بگذاری یا ممکنه از گروه بیرون انداخته بشی یا گروه دیس‌بند بشه. همه این‌ها جزو سختی‌ها هست.»



«- حالا با همه این سخت‌گیری‌ها آیا ضمانتی برای داشتن آینده حرفه‌ای هم دارن؟ نه، هیچ تضمینی وجود نداره که به لحاظ حرفه‌ای موفق بشن. خیلی‌ها حتی ممکنه به شهرت هم برسن، ولی به خاطر اتفاقات کوچیک از حمایت فن‌ها خارج بشن یا سابقه‌ای از شون در بیاد که باعث بشه شهرت‌شون رو از دست بدن.

- مثلاً چه سابقه‌ای؟

توی گروه استری کیدز، یکی از آیدول‌ها به خاطر این که توی بچگی یه نفر رو زده بود، از گروه بیرون انداخته شد، یعنی طرف کل زندگیش رو می‌ذاره تا به شهرت برسه، اما یه موضوع به ظاهر بی‌اهمیت باعث می‌شه کنار بذارنش، این موضوع باعث ایجاد افسردگی و خودکشی بین آیدول‌ها هم می‌شه.»

۲-۳۶- پذیرش عدم تمدید قرارداد (و به تعبیری انحلال گروه) در صورت صلاحدید کمپانی

گروه‌های کی‌پاپ برخلاف گروه‌های پاپ غربی، تأکید وافری بر جوان بودن ستاره‌های خود دارند و از آنجا که در کره جنوبی تا ۳۰ سالگی مردان باید وارد دوره سربازی خودشان بشوند، در عمل دست کمپانی‌های دارای گروه‌های پسرانه باز می‌شود تا به بهانه سربازی رفتن اعضای گروه، گروه را منحل کرده، گروه جدیدی سرکار بیاورند که اولاً ستاره‌های آن به دلیل کمی سن، برای الگوپردازی طرفداران

نوجوان و جوان مناسب‌تر باشند و ثانیاً از دست ستاره‌هایی که سشن‌شان بالا رفته است و به دلیل تکرار مکرر، در هواداران حالت اشیاع را پدید آورده اند، راحت شود.
سونبای ۱۷ ساله، در همین رابطه در مصاحبه‌اش می‌گوید:
«- معمولاً چرا اعضاء رو جایگزین می‌کنن؟»

برای تنوع دادنه. اگر یه گروه یه سبک موسیقی خاص رو با افراد ثابت بخواد تا چند سال طولانی داشته باشه، احتمال این که طرفداراش رو از دست بده زیاده، چون ممکنه جذابیت جدیدی برای طرفدارا نداشته باشه، بعد حالا گروه‌های دیگه که جدید میان روی کار، بقیه رو جذب می‌کنن برای همین بعد از یه مدت، آیدولا رو جایگزین می‌کنن.»

مه‌لقای ۱۹ ساله در مصاحبه خود در مورد گروه کی‌پاپ اکسو و ریحانه ۲۱ ساله در بیانات خویش در مورد تمامی گروه‌های کی‌پاپ، از انحلال گروه‌های کی‌پاپ با اعضاء نسبتاً بالا و جایگزینی آن‌ها با گروه‌های کم سن و جوان‌تر به قرار زیر یاد کرده اند:
«- واقعاً کار اکسو خوب بود؟»

الآنم با این که دیگه زیاد پیگیر نیستیم، همچنان می‌گم واقعاً کارشون خوب و قویه. به خصوص ووکال لاینش بی‌نظیره و حق‌شون هم بیش‌تر از این‌ها هست منتهی، به خاطر کمپانی‌شون در حق‌شون اجحاف شده، باید بیش‌تر دیده می‌شدن.

- منظورت چیه که می‌گی به خاطر کمپانی‌شون؟

خیلی مفصله. کمپانیه حمایت‌گری ندارن. کمپانی فقط به فکر سود خودش و از اکسو بیگاری می‌کشه و خیلی اذیت‌شون می‌کنه که سه‌تا از اعضاء چینی طی یکی، دو سال از گروه خارج شدن. این سه، چهار سال اخیر هم چون اواخر قرارداد اکسو با کمپانی‌ش بود، کمپانی سعی می‌کرد از اکسو حمایت نکنه و خودش و سهامش رو زیاد وابسته‌ی اکسو نکنه که اگه اکسو رو از دست داد، ضربه‌ی بزرگی نخوره. سعی کرد گروه‌های دیگه‌اش رو بیاره بالا تا جایگزین اکسو بشن، ولی خب کارساز نبود. الآنم فعلاً تا پایان سربازی‌شون دو سالی مونده احتمالاً بعدش تصمیم می‌گیرن که با گروه چه کار بکنن.»

«... ممکنه حتی کمپانی‌ها یک گروه کاملاً موفق رو دیس‌بند کنه و به کل توجه و حمایت خودش رو از روی اون گروه برداره.»

تینای ۱۹ ساله در مصاحبه خودش، با اشاره به گروه بی‌تی‌اس از نگرانی خویش و دیگر هواداران این گروه مبنی بر انحلال گروه با سربازی رفتن اعضاء گروه، به قرار زیر یاد کرده است:

«... ولی همین اواخر داستان سربازی پسرا اومد وسط، که مثلاً اینا یا باید برن سربازی یا نه. بعد خوب آخر سر اینا رفتن. الآن یکی از اعضاء‌شون قراره بره، بعد من این جوری بودم که خوب بی‌تی‌اس خیلی برای کره و فرهنگ‌شون و کلاً همه چیزشون، خیلی ترکوند و تبلیغ کرد و قشنگ کره رو تو چشم

همه دنیا عوض کرد و خیلی واس شون تأثیر مثبت داشت. بعد من این جواری بودم خوب اوکی، حالا سربازی باید برن چون مثلاً خب در حق بقیه انگار مثلاً یه کم اجحاف می‌شه، خب اوکی. ولی حداقل به جای چه می‌دونم، این همه زحمتی که اینا برای فرهنگ کره کشیدن، خوب حداقل تایم سربازی رو یه کم کم‌تر می‌کردین، اگر نمی‌خواستین لغو کنین. چون مثلاً بی‌تی‌اس همین چند وقت پیش برای نمایشگاهی که توی یکی از شهرهای کره برگزار می‌شد، صرفاً به خاطر این که مردم رو به اون نمایشگاه جذب کنن و مثلاً فرهنگ کره رو یه کم بزرگ کنن و تو چشمش کنن، یه کنسرت رایگان با تعداد خیلی بالا برگزار کردن. خوب؟ و بعد اون کنسرت خیلی ترکوند سر و صدا کرد و بعد من تو ذهنم این جور بودم، خوب این همه اینا دارن واسه شما کار انجام می‌دن، وقتی واقعاً مجبور نیستن، خب شما هم می‌تونستین مثلاً تایم سربازی رو کم‌تر کنید. چون الان عملاً همه پسر تا ۲۰۲۵ درگیر این داستان سربازی ان».

برخی از مصاحبه‌شوندگان با طرح مسأله پیشرفت‌های بشر در زمینه کلون‌سازی (شبیه‌سازی)، از کلون‌سازی آیدول‌ها سخن به میان آورده، حتی به نوعی دست کمپانی را برای هدم و نابودی آیدول‌های مورد نظرش باز می‌بینند. به عنوان مثال، سحر ۱۵ ساله در فرازی از مصاحبه‌اش، از موضوع کلون‌سازی آیدول‌ها توسط کمپانی و در پی این امر، در امان نبودن جان آیدول‌ها، به قرار زیر یاد کرده است:

«... سحر می‌تونی بیش‌تر توضیح بدی که منظورت از این که ممکنه این شخصیت‌ها واقعی نباشند، چیه؟

بین ما یه چیزی داریم به اسم کلون‌سازی (شبیه‌سازی) که من فکر می‌کنم جونگ‌کوک رو با یه نسخه کلون‌سازی عوض کردند. یعنی میان ژنتیک و هرمون اون شخص رو برمی‌دارند و ازش یه نسخه دیگه عین خودش رو می‌سازند.

مثلاً یه نفر هست بنیان‌گذار کلیسای شیطان و یه دختری داشته که اسمش زینالابی بوده. این زینالابی خواننده بود و الان اگه عکس فیلم‌هاش، حالت صحبت کردنش و صدایش رو گوش بدیم عین تیلور سوییفته، خب مشخصه که تیلور سوییفته نسخه کلون‌سازی شده زینالابی، ولی یه سری‌ها می‌گن عکس‌های بچگی تیلور سوییفته موجوده، ولی خب وقتی می‌تونن عکس یه برش سوسیسی رو به عنوان عکس نزدیک از سیاره مریخ به ما غالب کنن، کاری که ناسا چندسال پیش انجام داد، نمی‌تونن عکس یه بچه بلوند رو پخش کنند و بگن این تیلوره؟ من درباره جونگ‌کوک بی‌تی‌اس هم همین نظر رو دارم. جونگ‌کوک تا یه زمانی واقعی بود، ولی بعد یه تصادف خیلی بد داشت توی تاکسی. خیلی‌ها می‌گن جونگ‌کوک توی اون تصادف مرده و اینی که الان تو گروهه، نسخه کلون‌سازی شده اونه. من اوایل این حرف رو جدی نمی‌گرفتم، ولی وقتی زینالابی و تیلور سوییفته رو دیدم به شک افتادم که ممکنه این اتفاق افتاده باشه. چون وضعیت جونگ‌کوک بعد اون تصادف خیلی بد بود ولی دو روز بعد اومد،

صاف و ایستاد کنار بقیه اعضا و اجرا کرد، یعنی حتی ننشسته بود فقط بخونه، حتی داشت می‌رقصید! کی می‌تونه دو روز بعد تصادف این شکلی برقصه؟

- از چه منبعی شنیدی که تیلور سویفت نسخه کلون‌سازی شده زینالابی هست؟
یکی از فن‌پیج‌های تیلور یه سری استوری درباره شباهت عجیبی که این دوتا دارند گذاشته بود و توش توضیح داده بود که احتمال همچنین چیزی هست.

- یعنی منبع معتبری این موضوع رو تأیید نکرده و این نظر شخصی ادمین پیج بوده؟
نمی‌دونم شاید توی نت بگردی در موردش باشه، من پیگیرش نشدم...

این که کمپانی‌ها بعضی خواننده‌ها رو احیاناً می‌کشند، براشون دردرس درست نمی‌شه؟
قبلاً شاید، ولی جدیداً راهش رو پیدا کردند و اگه یکی از آیدول‌ها رو بزنب بکشن، با روش کلون‌سازی یه دونه دیگه عینش رو می‌سازند و دیگه براشون دردرس نمی‌شه. جدیداً هم اگه آیدولی به حرف کمپانی گوش نده، تنبیهش می‌کنن، الان گروه مانستا اکس و گروه ان‌های پن وقتی به حرف کمپانی گوش نمی‌دادن، منیجر کتک‌شون می‌زده و تازگی‌ها یه فنی که برای گروه پیتزا برده بود، متوجه شده و رفته از کمپانی شکایت کرده بابت این موضوع...

خارجی‌ها تمرکز بیش‌تری روی ایلومیناتی دارن و سریع متوجه شدند که اکس‌تنتاسیون رو خود کمپانی کشته و واسه همین کمپانی اومد شایعه درست کرد که زنده هست. جالبیش اینه که کمپانی اکس‌تنتاسیون، کمپانی سونی بود که کشتنش و کمپانی مایکل جکسون که روزهای قبل از مرگش در مورد صنعت موسیقی یه هشدارهایی می‌داد و کشتنش هم کمپانی سونی بود. می‌گن کمپانی سونی خود شیطان!»

۲-۳۷- کم توجهی به سلامت جسمانی و بهداشت روانی ستاره‌ها

برخی از هواداران مصاحبه شده بر این باور بودند که کمپانی اساساً به سلامت جسمانی و فراتر از آن، سلامت روانی ستاره‌های خویش بی‌توجه است و آنچه که برای آن در صدر اولویت است، تنها سود و سود هر چه بیش‌تر است. به این معنا که به فرض با آسیب خوردن جسمی ستاره‌ها در جریان اجراهای سخت‌شان، آن‌ها موظف به ادامه برنامه خودشان هستند. به همین ترتیب، بسیاری از هواداران بر این باورند که الزام‌ها و اجبارهای متعددی که کمپانی بر سر راه ستاره‌هایش نهاده است، با وجود زرق و برقی که کمپانی برای آنان تهیه کرده است، اما این زرق و برق‌ها جواب‌گوی روح خسته و محدودیت‌های فوق‌تصور آن‌ها نیست. محدودیت‌های اخیر از موارد ساده‌ای همچون رنگ مو، پوشش و آرایش (زنانه) ستاره‌ها شروع شده، به موارد شدیدتری مانند: نمایش رفتاری خلاف گرایش جنسی فرد (نظیر به نمایش

نهادن رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه در برابر ۸۰-۹۰ هزار نفر جمع حاضر در کنسرت) و ممنوعیت قرار ملاقات با جنس مخالف و ازدواج می‌انجامد.

ماحصل مجموعه محدودیت‌هایی که آیدول‌ها با آن مواجه اند، آنان را به سمت افسردگی و در موارد شدیدتر خودکشی (که بارها و بارها در گروه‌های کی‌پاپ کره‌ای رخ داده اند) سوق می‌دهد. نکته دیگری که نباید در این زمینه ناگفته از آن عبور کرد، هواداران افراطی گروه و یا طرفداران افراطی گروه‌های مقابل هستند که به سادگی ممکن است آیدول‌ها را مورد نفرت‌پراکنی خویش قرار دهند و با دلیل و یا بدون دلیل، به ناگاه حجم انبوهی از نفرت پراکنی متوجه ستاره خاصی شود. صبای ۱۶ ساله، در قسمتی از مصاحبه‌اش با اشاره به الزام‌ها و اجبارهایی که کمپانی فراروی ستاره-هایش قرار داده است، از تحقق برده‌داری نوین در کمپانی بیگ‌هیت در عصر جدید، به قرار زیر یاد می‌کند:

«- عقاید سیاسی یا فرهنگی اعضای گروه چه طور هست؟»

خب درباره این که سرمایه‌داری داره تو کشورهای دیگه چه کار می‌کنه یا از کشورهای دیگه از فرهنگ‌شون چه استفاده‌ای می‌کنه و اینا اصلاً خب حرف نمی‌زنن یا مثلاً بیان از مردم افغانستان حمایت کنن یا مردم عراق سوریه، نه اصلاً.

- بعد در خصوص گرایش جنسی‌شون هم همین طوره؟

یعنی کمپانی بگه؟

- آره.

آره دیگه، اونم جزو بقیه هست و کمپانی تعیین می‌کنه، حتی اگر برخلاف گرایش طرف باشه، مثلاً کلاً باهم خیلی نزدیک ان و یه جورایی حتی رفتاری دگرجنس‌گرا هم دارن، مثلاً ماچ و اینا بین‌شون رایجه، اونم خب نه دوستانه، به صورت هم‌جنس‌گرایانه می‌گم. یکی از افرادی که اون نوع ماچ رو بین دوستان رایج کرد، اونا بودن اصن تو دنیا. الان جاهای دیگه هم تو غرب می‌بینی، حالا مثل دوتا زوج همو بوس و ماچ می‌کنن و براشون عادیه، یعنی صمیمیته به نظرشون که خب تو فرهنگ ما اصلاً عجیبه این و خیلی هم هیت خوردن سر این رفتار، ولی خب هدفشون اجرا شد که جهانی کردن این مسأله بود. من فکر می‌کنم کمپانی برای جذب افراد هم‌جنس‌گرا این کار رو می‌کنه.

- یعنی در واقع کمپانی گرایش‌هایی رو ازشون نشون می‌ده که واقعی نیستن؟

آره خب، اینا هم‌جنس‌گرا نیستن که در واقعیت یعنی مشخصه خب فیکه و صرفاً جلو دوربین حالا نزدیک ان و بعد خیلی هم صمیمی نیستن در واقعیت و حتی اطلاعات زیادی هم از هم ندارن، البته کمپانی نمی‌ذاره، قانونه بین‌شون که چیزای شخصی هم رو ندونن، حتی خانواده هم دیگه رو نمی‌شناسن. - باتوجه به این محدودیت‌ها که گفتی، اوضاع روانی‌شون چه طوره؟

خب خیلایشون افسردگی دارن و حتی خودکشی بین شون بوده، ولی خب کمپانی زیاد به اوضاع روانی‌شون توجه نمی‌کنه، چون این دست موارد سودآوری نداره براشون، در نتیجه مهم نیست.

- یعنی کمپانی هر لحظه این‌ها رو کنترل می‌کنه؟

آره، حتی تو سرویس بهداشتی هم چک می‌شن، اینا در این حد تماسا و حرفاشون ضبط می‌شه، اطلاعات شخصی عملاً وجود نداره دیگه. یه جورایی می‌شه گفت برده ان، حالا ببخشید، ولی در لباس‌های مدرن و شیک. چون خب این برده‌داریه دیگه، هر چی گفتن، بگی چشم، حق شکایت نداری، حق نه گفتن نداری، اگر بخوای جدا بشی، اون قدر هیت می‌خوری که خودکشی می‌کنی که خب این قضیه واقعیت یافته. یعنی چند نفرشون خودکشی کردن تا حالا فکرکنم، ولی کمپانی آمارشون رو نمی‌گه، اون قدر از طرف مردم هیت خوردن که افسردگی گرفتن و خودشون رو کشتن. چند سال پیش اتفاق افتاده گویا و خب چون خودشون امضاء کردن که حق شکایت ندارن، پس نمی‌تونن کاری کنن».

صبا در ادامه مصاحبه‌اش نتیجه می‌گیرد، کمپانی به سلامت روان آیدول‌ها اهمیت نداده، با آنان به عنوان یک کالا برخورد می‌کند:

«- کمپانی برای سلامت روان آیدول‌ها هم کاری می‌کنه؟»

کره‌ای‌ها کلاً ظاهر بین هستن، فقط جسم و ظاهر و تیپ و قیافه رو می‌بینن. به روان و اینا اهمیت نمی‌دن زیاد، این کمپانی هم کره‌ایه و مثل اونا هست. یعنی کلاً به هر چی فنا و مردم کره اهمیت بدن، اهمیت می‌ده. روی ظاهر کار می‌کنه و به روان و اینا که جلو چشم نیستن، اهمیت نمی‌ده اصلاً، فقط ظاهر و منفعت مهمه براشون و پول رو می‌بینن فقط دنیای سرمایه‌داریه خب، واسه همین گفتیم افسردگی دارن و خودکشی هم بین شون هست...»

- یعنی این‌ها در واقع هر چی کمپانی بگه رو باید اجرا کنن؟

آره دیگه، ظاهرشون، رفتارشون، حرفشون، چه می‌دونم پوشششون یا حتی علایقشون باید اونی که کمپانی می‌گه باشه، اصلاً وقتی وارد این صنعت می‌شن، ازشون تعهد می‌گیرن دیگه که هر چی کمپانی بگه، اونا باید انجام بدن، حتی اگر برخلاف میل و علایقشون باشه، مثلاً رنگ موشون دست خودشون نیست و هی تغییر می‌کنه یا لباسشون یا استایلشون یا چی بخورن، چی نخورن یا عقایدشون».

صوفیای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، فشار وارده از سوی کمپانی به ستاره‌ها جهت اجرای سطح بالا و ایده‌آل، بعضاً سبب می‌شود، ستاره‌ها پس از اجرا به اکسیژن درمانی نیاز پیدا کنند:

«- فکر می‌کنی اون چیزی که نشون می‌دن واقعیه و این طوری شناخت تو هم واقعیه؟»

خب یه سری آیدولا ممکنه این طوری باشن. ولی خلیا هم نیستن. خوب ان واقعاً. از ته دلشونه. وقتی می‌بینن یه فن با یه نوتیس‌اِینا چقد ددردر حالش عوض می‌شه. خوب می‌شه، این رو دریغ

نمی‌کنن. خودشون رو نمی‌گیرن. مثلاً جیهوپ^۱ بی‌تی‌اس، خیلی وقت می‌ذاره. تو وی‌ورس با فنا حرف می‌زنه. بهشون جواب می‌ده. هر چند ممکنه مثلاً خسته باشه. مثلاً بعد کنسرتی که خیلی سخت و خسته کننده بوده. چون اینا کنسرتاشون با کنسرتای عادی و کنسرت خواننده‌های غیر کی‌پاپ فرق داره اکثراً. چون اینا اجرای سنگینی هم دارن. خیلیاشون رو بعد کنسرت می‌رن زیر دستگاه. اکسیژن بهشون می‌رسونن. بعد، بعد همه‌ی اینا باز میاد با فنا حرف می‌زنه. خب همین رو که می‌بینی، می‌بینی چه قدر بهت اهمیت می‌دن و خب این شخصیتشه دیگه. مهربونه و اهمیت می‌ده».

سونیای ۱۷ ساله در گزارش خود یادآور می‌شود، ستاره‌ها بارها در برنامه‌های زنده‌ای که با هواداران خودشان داشته‌اند، از بدحالی خویش یاد کرده‌اند:

«- محدودیت‌هایی که برای آیدولا وجود داره ممکنه باعث بشه فشار روانی روی اون‌ها ایجاد بشه. خودشون تاحالا حرفی در این مورد زدن؟

خیلی اذیت می‌شن، اما به روی خودشون نمیارن. آدمای مشهوری شدن، ولی خب اگر زندگی‌شون رو با خودمون یا بقیه‌ی آدم‌ها که عادی زندگی می‌کنن، مقایسه کنیم، می‌بینم چه قدر محدودیت دارن. محدودیتایی که حق واقعیه یک فرد می‌تونه باشه، مثل انتخاب کردن یه آدمی که بخواد دوش داشته باشه. بارها توی لایوهاشون گفتن که حال مون زیاد اوکی نیس، اما با شما آرمیا بهتر می‌شیم».

زهرای ۲۲ ساله و الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های خود بیان داشته‌اند که ستاره‌ها با وجود آسیب دیدگی جسمانی در حین اجرا و یا بدحال بودن، باز هم موظف به ادامه برنامه یا حضور در برنامه‌های مورد نظر هستند:

«... نوع رفتار کمپانی واقعاً با آیدول‌ها (با تأکید) نامناسب هست و کسی نمی‌تونه منکر این بشه اجرایی که بی‌تی‌اس تو ژاپن داشت رو همه یادشون هست که پای جیمین وسط اجرا آسیب دید. این قدر اجراها سخت هستن که با وجود تمرین زیاد باز هم احتمال آسیب دیدگی تا حد بالایی وجود داره. با این که جیمین آسیب دید، ولی تمام اجرا رو با پای آسیب دیده ادامه داد و تحت هیچ شرایطی نباید اجرا متوقف می‌شد».

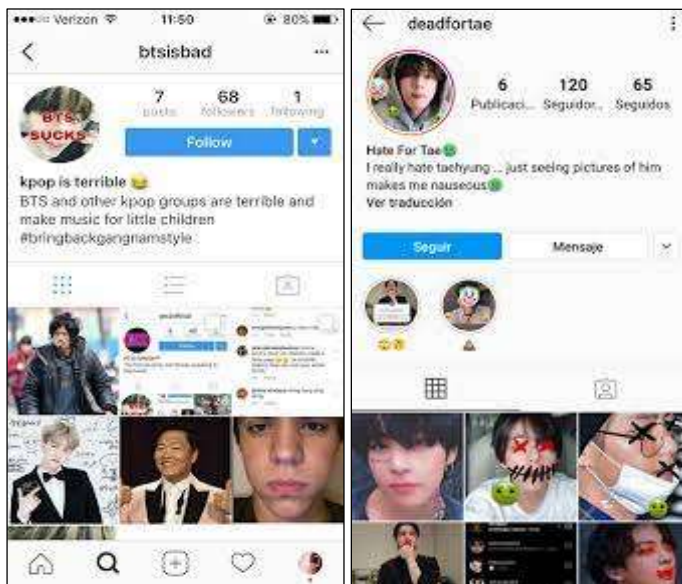


– این عدم توقف در اجرا می‌تونه آسیب شدیدتری رو برای آیدول ایجاد کنه؟
درسته، اما کارگردان‌ها به هیچ وجه این اجازه رو نمی‌دن برای این که اجرا از بین می‌ره و نمی‌شه ادامه داد. بعد مورد قابل توجه دیگه‌ای هم وجود داره، معمولاً کمپانی و مدیر برنامه‌ها سعی می‌کنن آسیب‌ها و اتفاقاتی که به این صورت رخ می‌ده رو به صورت خیلی ناچیز به مردم اطلاع بدن.
وقتی که سه نفر از اعضای اکسو از این گروه جدا شدن یک نفرشون داخل یکی از مصاحبه‌هایی که داشت این موارد رو گفت».

«– خوب حالا اعضاء از نظر سلامت جسمی و روحی و روانی زیر نظر پزشک و دکتر هستند؟
آره، ولی خب اون قدر اهمیتی نداره، مثلاً توی یکی از کنسرتا جونگ‌کوک پاش درد می‌کرد و مجبور شد بره سر کنسرت، فکر کنم پاش رو بخیه زد بود، ولی مجبور شد بره سر کنسرت این که باید بره سر کنسرت، ولی خب دنس نمی‌ره البته، به نظرم باعث می‌شه افسرده بشه، چون می‌بینه همه می‌رقصن و می‌خونن، ولی اون نمی‌تونه جاهای دیگه پیش اومده که تهیونگ مریض شده بود و نمی‌تونسته که بخونه، ولی مجبور بوده که بیاد کنسرت و اون جا کلی گریه کرده از این که چرا نمی‌تونه بخونه و ناراحت شده».

مریم ۱۸ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش بیان داشته‌اند، محدودیت‌های متعددی که کمپانی در برابر ستاره‌ها گذاشته است (نظیر ممنوعیت قرار با جنس مخالف، ازدواج کردن و مانند آن‌ها)، سبب می‌شود ستاره‌ها زیر فشار روانی قرار گرفته، در گذر زمان تعادل روانی آنان از دست برود:

«– به نظرت چرا بعضی از آرمی‌ها این حق رو برای خودشون قایل‌اند که در امور شخصی اعضاء دخالت کنند و حتی در مواردی هیت بدن؟



بین وقتی علاقه به کسی یا چیزی بیش از حد و ناسالم باشد، خود به خود به حس مالکیتی توی تو به وجود می‌آید که باعث می‌شود حس کنی، باید اون فرد رو کاملاً تحت کنترل داشته باشی و هر کاری بخواد بکنه، باید خوشایند تو باشه. در صورتی که دوست داشتن واقعی و سالم این شکلی نیست، تو باید به کسی که دوستش داری، آزادی بدی، باید بهش حق انتخاب بدی تا بتونه شاد باشه و همیشه خوب زندگی کنه. تو اون فرد رو توی روند عادی زندگیش دیدی و ازش خوشت اومده، حالا اگه بیای با کنترل کردن و محدود کردن‌های نا به جا اون فرد رو از روند عادی زندگیش و نیازهایش دور کنی، اون دیگه آدم قبلی نخواهد بود و شاید حتی علاقه خودت هم به این دلیل کم بشه. آدم باید فرد مورد علاقه‌اش رو همون طور که هست بپذیره و دوست داشته باشه. آرمی‌ها فکر می‌کنند با محدود کردن اعضا به این که با کسی قرار نذارن یا ازدواج نکنند، دارن شانسی خودشون برای بودن با اعضا رو بالا می‌برند، در صورتی که همه‌مون می‌دونیم همچین اتفاقی شدنی نیست و اگر بی‌تی‌اس بخوان به خاطر ما تا ابد رابطه نداشته باشند، صدجور بیماری روحی و جسمی می‌گیرن و قطعاً نمی‌تونن با کیفیت قبل کار کنند و دیگه بی‌تی‌اس همیشگی نخواهند بود. تا اینجاش دووم آوردن، چون هنوز جوان هستن، ولی دیگه آدم تا به جایی می‌کشه و از به جایی به بعد می‌بره و دلش محبت و رابطه رو می‌خواد، این یکی از نیازهای مهم انسان‌ها هست و نمی‌شه نادیده‌اش گرفت. من موندم چه طور کمپانی‌ها به این نکته توجه نمی‌کنند و فکر می‌کنند می‌تونند آیدول‌هاشون رو تا ابد سینگل و به دور از ارتباط نگه دارن و هم‌زمان انتظار داشته باشند، کار اون‌ها با کیفیت از آب دربیاد. تا به جایی می‌تونن فشار وارد کنی، از به جایی به بعد کار خودت به هم می‌ریزه. بالاخره سلامت روانی آیدول هم مهمه، واسه کار به این سختی. کمپانی همه جوره به ظاهر و هیکل و رقص و همه چیزه آیدول‌ها می‌رسند، ولی همیشه از وضعیت روحی‌شون غافل ان.»

«- مسعود این که آیدول‌ها نمی‌تونند ازدواج بکنند و از نظر شما همجنس‌گرا هم نیستند به نظرت با غریزه جنسی خودشون چه کار می‌کنند؟

راستش دو حالت داره یا غریزه جنسی خودشون رو سرکوب می‌کنند و یا به خودارضایی روی میارند.

- سرکوب کردن غریزه جنسی خودشون چه عواقبی داره؟

باعث به نوع رهبانیت اجباری در بین شون می‌شه و سرزنده بودن و شادابی آن‌ها رو از بین می‌بره،

افسرده و منزوی می‌شن. در درون شون به چیز دیگه می‌گذره و در ظاهر به چیز دیگه.

- در ظاهر و قیافه آیدول‌ها نه شبیه راهبه‌ها هستند و نه مرتب در حال عبادت و ذکر، به نظرت

رهبانیت برای آیدول‌ها کلمه‌ی درستی است؟

اعتراف می‌کنم نه، درست نیست، تا حالا هیچ کس عبادت آیدول‌ها رو ندیده، پس می‌مانه گزینه دوم

که خودارضایی می‌کنند و تبدیل شده به به نوع بیماری اعتیاد در بین شون.

- اگر به خودارضایی روی بیاورند، چه عوارضی داره؟

اگر به حالت دوم که خودارضایی هست روی بیارند، باز هم از نظر روحی و روانی و هم از نظر جسمی دچار مشکل می‌شن.

- از نظر روحی دچار چه مشکلاتی می‌شن؟

اعتماد به نفس شون رو از دست می‌دن و دایم احساس گناه‌آلود بهشون دست می‌ده و در نهایت دچار ضعف اعصاب و تمرکز می‌شن.

- از نظر جسمی دچار چه مشکلاتی می‌شن؟

خودارضایی باعث ضعف سیستم ایمنی و باعث مریض شدن‌های پی در پی می‌شه و همچنین باعث ریزش موی سر و ضعیف شدن حافظه هم می‌شه و خودارضایی زمینه برای همجنس‌گرایی رو بالا می‌بره».

تینای ۱۹ ساله و الهه ۲۰ ساله، با اشاره به برخی از هواداران نامتعادل که ستاره‌ها را به دلایل مختلف مورد نفی، انکار و نفرت خویش قرار می‌دهند، از این موارد نیز به عنوان عاملی اساسی در وارد آمدن فشار روانی به ستاره‌ها یاد کرده اند:

«- کمپانی شون هم اقدامی برای کنترل یا مقابله با هیتهایی که آیدول‌ها می‌گیرن، داشته؟

کمپانی بی‌تی‌اس رو می‌دونم که این کار رو می‌کنه. خیلی وقتاً، تو همین یه سال که آرمی بودم، حداقل فک کنم ۵-۶ بار رو دیدم که بیانیه داده، البته نه در برابر هیتایی که مثلاً طرف کامنت بذاره، اصلاً هر چند که بی‌تی‌اس که کامنتای پیجاشون بسته هس، فقط خود اعضا می‌تونن کامنت بذارن. ولی حالا از هر دیگه طریقی می‌تونه هیت بده، ولی خیلی وقتاً اعضا به مرگ تهدید شدن انگار حالا، ولی از چه طریقی نمی‌دونم، یا کلاً کسی خواسته بود از اسم بی‌تی‌اس سوءاستفاده کنه و از این حرفا، من دیدم که حداقل ۵-۶ بار تو همین یک سال که بی‌تی‌اس بیانیه داده، راجع به این که و کیلاشون دارن از طریق قانونی پیگیری می‌کنن و حتی یادمه یه بار یادمه نوشته بود که جریمه و اینا هم بوده. یه سرپاشون رو انگار واقعاً دادگاهی کرده بودن و مثلاً جریمه‌هایی که طرف رو دادگاه برده بود، گفته بودن. یعنی حداقل برای بی‌تی‌اس رو می‌دونم کمپانی‌شون پیگیری می‌کنه تا جایی که واقعاً راه داشته باشه از طریق قانونی، می‌دونم که پیگیری می‌کنه. ولی حالا بقیه‌ی کی‌پاپ رو پیگیری نمی‌کنم، نمی‌دونم.»

«- کمپانی آیدول‌ها رو عملاً به چشم برده می‌بینه و خب این موضوع هم آیدول‌ها رو اذیت می‌کنه

و هم فن‌ها رو، کاری در این رابطه نمی‌شه کرد؟

دقیقاً. یه موضوعی که راجع به سیاست کمپانی هست، اینه که اگه شایعه‌ای درباره پسران درست بشه و به نفعش باشه، سکوت می‌کنه، ولی اگه به ضررش باشه واکنش نشون می‌ده. می‌تونم به جرأت بگم حداقل نود درصد آرمی‌ها از کمپانی متنفر هستند، اما عملاً کاری از دستمون بر نمیاد.

همین چند وقت پیش یک سری هیت به پسر می‌خورد تو توئیتر و این فن‌ها بودند که جمع کردند قضیه رو و کمپانی هیچ واکنشی نشون نداد چون براش مهم نبود و اون هیت و شایعه به نفعش هم بود، مثلاً سر کنسرت لاس وگاس، تهیونگ رو تهدید به مرگ کرده بودن و کمپانی هیچ کاری نکرد. هیچ کاری».

شکوفه ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در جمع‌بندی عملکرد کمپانی هایب خاطر نشان می‌سازد، در کنار «سخت‌گیری افراطی کمپانی نسبت به آیدول‌ها»، «ممانعت از قرار گذاشتن آیدول‌ها با جنس مخالف-شان»، «آسیب‌های روحی آیدول‌ها و تظاهر به گرایش‌های جنسی غیرواقعی» و سرانجام «فشارهای منجر به خودکشی آیدول‌ها» از دیگر اقدام‌های کمپانی گروه‌های کی‌پاپ، از جمله بی‌تی‌اس به شمار می‌روند که بهداشت روانی آیدول‌ها را به شدت تهدید می‌کنند.

صبا ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش در مورد کمپانی بیگ‌هیت، خاطر نشان می‌سازد، هواداران آیدول‌ها نیز همسان با کمپانی بعضاً در آسیب‌دیدگی روانی آنان ذی‌نقش هستند و حدیث ۱۴ ساله، در گامی فراتر، در مصاحبه خودش یادآور شده است که آیدول‌ها نه تنها از سوی کمپانی و هواداران خویش زیر فشار قرار دارند، بلکه در صورت ایجاد یک حادثه، کمپانی نیز از شرایط ملتهد ایجاد شده به نفع خود استفاده می‌کند و با دامن زدن به آتش شایعات و حاشیه‌پردازی برای آیدول مورد نظر و خطای احتمالی وی، می‌کوشد تا با جلب توجه بیش‌تر شهروندان، در عمل بر سود خویش بیفزاید:

«→ بعد رفتار آیدول‌ها برای فناشون خیلی اهمیت داره؟»

آره دیگه، خیلی اهمیت می‌دن و زیر ذره‌بین می‌ذارن و این که فالانی چه جور می‌ایستاد و خندید یا راه رفت و رفتارش با فناش چه جور بود

– این جور چیزها اهمیت زیادی براشون داره؟

آره دیگه، آدم یکی رو دوست داشته باشه، دیگه همه چیز اون براش مهم می‌شه و بخواد نخواد اونا رو دنبال می‌کنه.

– حالا این‌ها که می‌گی گرایش‌شون برخلاف چیزی هست که نشون می‌دن، آسیب روحی هم از

این مسأله می‌بینن؟

آره قطعاً. خب خیلیاشون اصن افسردگی دارن و فناشون می‌گن قرص می‌خورن حتی. فیلمش دراومده بود گذاشته بودن بعضی فناشون، ولی دزدکی فیلم یکی گرفته بود ازشون. بعد زوم کرده بود رو قرص و کشف کرده بودن که این قرص ضد افسردگیه. دیگه این توجه زیاد بقیه بهشون و فشارهای کمپانی برای نشون دادن چیز دیگه همه‌اش آدم رو روانی می‌کنه، طبیعتاً اولش نه، ولی کم‌کم چرا. ولی بازم تو ظاهرشون معلوم نیست، چون تو ظاهرشون شادان و می‌رقصن».

«- من شنیدم همون جور که شدت علاقه فندوما زیاده و تاحدی اکثراً تعصبی، از اون ور هم هیتا خیلی شدید ان. یه کم درباره تأثیری که این هیت دادن‌ها روی روند فعالیت یا کارهای گروه داره برام بگو.

بیش‌تر هیتا رو، همین فنای تعصبی می‌دن که تعصب خیلی بی‌جا روی آیدول‌شون دارن، مثلاً همون اولاً که بی‌تی‌اس اینستاگرام نصب کرده بود، تهیونگ دستش می‌خوره اشتباهی جنی رو فالو می‌کنه، بعد از یه طرف فنای بی‌تی‌اس میان به جنی بی‌دلیل هیت می‌دن، از یه طرف هم فنای بلک‌پینک میان به تهیونگ هیت می‌دن. از اون طرفم میان باهم شپ‌شون می‌کنن، عکساشون رو فوتوشاپ می‌کنن، بعد آیدول بیچاره بی‌خبر از همه جا این وسط کلی هیت می‌گیره. بعد دقیقاً توی همچین شرایطی که آیدول این همه هیت می‌گیره و تحت فشاره، کمپانی هیچ حمایتی نمی‌کنه و حتی آتیش شایعات رو تندتر می‌کنه، چون به نفعشه و باعث معروف‌تر شدن آیدول می‌شه و بعد پول بیش‌تر برای کمپانی در میاد. یعنی دقیقاً این وسط تنها چیزی که برای کمپانی اهمیت نداره، شرایط روحی آیدولشه. چون حتی گاهی شدت هیتا اون قدر زیاد بودن که چندتا آیدول رو به خودکشی رسوندن.»

۲-۳۸- داشتن نگاه ابزاری به ستاره‌ها

برخی از هواداران مصاحبه شده، در اظهاراتشان بیان می‌داشتند که نگاه کمپانی‌های کی‌پاپ به ستاره‌ها- هایشان، نگاهی ابزاری است و کمپانی بدون آن که به تبعات اقدام‌هایش روی ستاره‌ها توجه داشته باشد، از ستاره‌ها به اشکال مختلف در راستای اهداف و مطامع خویش سود می‌جوید. به عنوان مثال، رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خویش گزارش می‌دهد، با رفتن ستاره‌ها به سربازی، هواداران به آن‌ها نامه داده یا برایشان هدیه ارسال می‌کنند که کمپانی در این میان وارد شده، اطلاعیه می‌دهد که هواداران دست به چنین کاری نزنند. اما در موارد حساسی نظیر این که هواداران با طرح داستان‌های هرزه‌نگار و یا تهیه آثار هنری هرزه‌نگار با محوریت ستاره‌ها اقدام می‌کنند و در عمل فشار روانی مضاعفی را بر ستاره‌ها وارد می‌کنند، کمپانی رویه سکوت را پیشه خود می‌سازد، زیرا حاشیه‌سازی برای ستاره‌ها، به توجه بیش‌تر جامعه به آن‌ها انجامیده، سود کمپانی بیش‌تر و بیش‌تر خواهد شد.

نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش نمونه‌ای از این دست موارد را به شرح زیر بیان کرده است:

«ساسنگ‌فن‌ها خیلی موجودات خطرناکی ان، مثلاً توی تیک‌تاک و توی اینستاگرام خیلی زیاد شده بود یه مدت که ویدیو می‌داشتن از خودشون که مثلاً ما چندین ساله با جونگ‌کوک ازدواج کردیم، ولی مخفی نگهش داشتیم یا مثلاً یکی از دخترها که فن بی‌تی‌اس بود و ویدیو گذاشته بود توی اینستا که من عاشق تهیونگم و ما بالاخره یه روزی ازدواج می‌کنیم و هیچ کس حق نداره بایسش تهیونگ باشه، با این که تهیونگ اون همه طرفدار داره، حالا تو بیا همه رو راضی کن که فقط من طرفدارشم، مگه

امکان پذیره؟ یکی هم توی اینستا بود که خیلی هم معروف شد، اسمش جیمی بود و یه پسر گی بود که عمل زیادی کرده بود و حالت‌های زنونه زیادی داشت و گیر داده بود که با جیمین ازدواج کرده و توی رابطه هستن، آرمی‌ها هم شاکی بودن و بدشون می‌اومد. این قدر این خبر زیاد شد که خود بی‌تی‌اس اون رو شنید و جیمین هم در جریان قرار گرفت و می‌دونست، ولی ری‌اکشنی نشون نداد، چون معمولاً کمپانی‌ها اعتقاد دارن که اگه آیدول‌ها ری‌اکشن نشون ندن، خیلی بهتره و اون طرف هم می‌بینه تو اهمیتی نمی‌دی، با خودش می‌گه چرا این قدر تلاش کنم برای این قضیه، ولی جیمی همچنان ادامه داد و هنوزم هست و توی یه برنامه‌ای اومده بود و بنر جیمین رو گرفته بود دستش و با اون زندگی می‌کرد، حتی یه ویدیو گذاشته بود و اون بنر جیمین رو بوسیده بود یا مثلاً عروسک جیمین که شکل خودش بود رو گرفته بود و باهاش زندگی می‌کرد، حتی اون رو می‌گذاشت جلوی خودش و باهاش غذا می‌خورد، خیلی حالت توهمی داشت».

سارینای ۱۳ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از لباس‌های کوتاهی که ستاره‌های کی‌پاپ دختران باید بپوشند، ابراز ناراضی کرده است و دیبای ۱۵ ساله نیز گزارش می‌دهد که اصولاً در عالم کی‌پاپ، هر مشکلی پیش بیاید، ستاره‌ها به راحتی برای از سرگذراندن مشکل، توسط کمپانی‌ها قربانی می‌گردند: «نظر شخصی خودت راجع به این که بعضی از آیدول‌ها خیلی سن کمی دارن و فعالیت می‌کنن، چیه؟»

خیلی بده، مثلاً یه آدم ۱۳ ساله باید تو اون سن درس بخوانه و خوش‌گذرونی کنه، نه که یهو بیاد آیدول بشه، چون یک از خانواده‌اش دور می‌مونه، دو تمرینات براش خیلی سخته و سه توی اون سن مجبوره سختی‌های یه آیدول کامل رو بکشه، مثل هیتهایی که بهش می‌دن و رژیم و این‌ها. - مثالی برای این موضوعاتی که تو صحبت‌هات درباره بخش تاریک کی‌پاپ گفتی، به ذهنت می‌رسه که بهم بگی؟

برای آزار جنسی فکر کنم آیرین بود که یه مرد چینی همه‌اش بهش دست می‌زد تو برنامه و بعد جکسون اومد و جداس کرد یا مثلاً یکی از لباس‌های جوی از ردولوت^۱ توی اجرا خیلییی کوتاه بود و دایم داشتم توی اجرا با معذب بودن می‌کشیدش پایین».

«می‌شه مثال بزنی که مثلاً چرا یک آیدول رو از گروه بیرون می‌اندازن؟ مگه چه کاری انجام داده بوده که سزاوار این کاره؟»

مثلاً هیونجین از استری کیدز یک‌بار به قلدری متهم شد و به خاطر این موضوع مجبور شد تا یه مدت از فعالیت‌های گروه کناره‌گیری کنه یا مثلاً چند روز پیش داشتم یک ویدیو از اتفاقات بد سال ۲۰۲۲ برای کی‌پاپ رو می‌دیدم که خب توی اون ویدیو، چندتا گروه دیس‌بند شده بودن یا چندتا از اعضای

۱. گروه ردولوت (Red Velvet) یک گروه پنج نفره دخترانه و تحت نظر کمپانی SM می‌باشد که از سال ۲۰۱۴ فعالیت دارد.

گروه‌های مختلف یا خودشون از گروه رفته بودن یا از گروه بیرون انداخته شده بودن. حقیقتاً من گذری نگاه می‌کنم و دقیق نمی‌شم، برای همین نمی‌تونم دقیق اسم بگم، ولی در کل یکی از ویژگی‌هایی که اکثر کمپانی‌ها دارن، اینه که وقتی یک شایعه‌ای درمیاد، قبل از این که هیچ پیگیری‌ای درباره اون شایعه بشه، آیدول رو به طور موقت از کار کنار می‌گذارن و به نظرم دلیلش می‌تونه این باشه که اون موج و هیجانات مردم بخوابه و بعد بتونن با مسأله درگیر بشن. در حقیقت اون ابتدا، اول صورت مسأله رو پاک می‌کنن».

احسان ۱۷ ساله در مصاحبه‌اش، ماحصل برخورد ابزاری با ستاره‌ها را تخریب روانی آنان برشمرده است:

«- به نظرت کمپانی با این کارش جنسیت‌زدایی در عشق رو ترویج نمی‌کنه؟
دقیقاً هدفش همینه.

- احسان این کار کمپانی چه تأثیری روی ستاره‌ها داره؟

آیدول‌ها با شنیدن شایعات همجنس‌گرایی در مورد خودشون از نظر روحی و روانی داغون می‌شن. بعضی‌هاشون افسردگی می‌گیرن و به خوردن قرص‌های اعصاب روی میارن و همه‌ی این شایعات رو از چشم کمپانی می‌بینن.

- به نظرت چاره کار در چیست؟

خوردن قرص‌های اعصاب موقتی اثر می‌کنه و برای یه مدتی فراموش می‌کنند، چه بلایی سرشان آمده و اثر مخرب این شایعه تا زنده ان همراه اون‌ها هست. تنها چاره کار اینه از این گروه استعفاء بدن و بیان بیرون و یه زندگی جدیدی رو شروع کنند».



۲-۳۹- انتظار نادیده گرفتن تناقض‌ها از سوی ستاره‌ها

برخی از هواداران مصاحبه شده، با کنار هم نهادن شعارهای کمپانی و دستورالعمل‌هایی که فراروی ستاره‌هایش می‌گذارد، تعارض این موارد را نتیجه گرفته، خاطرنشان ساخته‌اند که در شگفت هستند، ستاره‌هایی که به فرض می‌گویند: «خودت را دوست داشته باش»، چگونه حتی جزئی‌ترین انتخاب‌های زندگی خودشان را به دست کمپانی سپرده‌اند و یا ستاره‌ها در عین داشتن گرایش به جنس مخالف‌شان، در برابر انبوهی از مخاطبان کنسرت، رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه را از خود به نمایش می‌گذارند.

شقایق ۱۹ ساله و شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خودشان با اشاره به تعارض‌های موجود بین شعارها و عملکرد ستاره‌ها، می‌گویند:

«- گفتی اعضای گروه خیلی بهم دیگه نزدیک هستند، جامعه خودشون این مسأله رو قبول می‌کنه؟ بین خب کره‌ای‌ها و کلاً غربی‌ها روابط آزادانه‌تری باهم دارن و در نتیجه خیلی چیزایی که ما قبول نمی‌کنیم رو قبول می‌کنن، ولی در این حدش نه دیگه، حتی خب گفتم که زبون‌شون رو یاد گرفته بودم تو کامنت‌ها مردم‌شون نوشته بودن که این حرکت خیلی پسندیده نیست و شما هم‌جنس‌گرا نیستید و این حتی مسخره کردن اونا هست. یعنی خیلی اوکی نیستن خودشون هم با این حرکات، مگر طرف واقعاً هم‌جنس‌گرا باشه که اینا نیستن، چون رفتارای غیر اونم دارن، مثلاً می‌بینی کمپانی بهشون گفته از فلان دختر که حالا معروفه تعریف جنسی کنی و بگید چه قدر جذابه و اینا که این دلیلش جذب افراد غیر هم‌جنس‌گرا هست. ولی خب اینا فقط مخاطب‌شون کره‌ایا نیستن که کل جهان ان، تو آسیا، تو خاورمیانه کلی فن دارن می‌دونن خودشونم چون دایم تگ‌شون می‌کنن و اصن این متناقض رفتار کردن این که جلو دوربین همو ماچ کنن و بعد در واقع این جواری نباشن و حال‌شون هم بهم بخوره که قطعاً همین طوره، به نظرم این ناهماهنگی بین رفتار و ذهن خیلی آسیب زننده هست به خودشون اول از همه. تناقض هر کسی رو روانی می‌کنه.»



«- این کار کمپانی رو چگونه توجیه می‌کنی؟»

این کارهای کمپاتی از نظر همه مردود است. ازدواج حق طبیعی و شخصی هر کسی است و این کار کمپانی ظالمانه و مستبدانه است و دخالت در شخصی‌ترین مسأله آیدول‌ها هست.

- این کار کمپانی چه تأثیری روی ستاره‌ها گذاشته؟

کارهای مستبدانه کمپانی و سلب آزادی‌های شخصی اعضای گروه رو افسرده کرده. تا جایی که به خوردن قرص‌های اعصاب و روان روی آورده اند.

- یکی از شعارهای گروه اینه که خودت رو دوست داشته باش. آیا این که حق ازدواج و رابطه با جنس

مخالف رو ندارند، با این شعار منافات ندارد؟

راستش کاملاً منافات داره. هم خودت رو دوست داشته باشی، هم به خودت سختی بدی هر دو ضد هم هستند. پس گزینه جنسی شون رو تا کی و تا چه مدت باید سرکوب کنند. کجای این قضیه دوست داشتن خود است. این تنها ایرادیه که به گروه وارده و مقصرش کمپانی هست.

- یه شعار دیگرشون اینه که قوی باش. خوب به نظرت الان گروه با این همه تنش قوی هست؟

نه، باز این شعارشون با رفتارهای کمپانی و افسردگی آیدول‌ها منافات داره. با رفتار مستبدانه کمپانی گروه حق تحقق شخصی‌ترین مسأله زندگی شون رو ندارند و با تهمت‌هایی که بهشون زده می‌شه، دچار افسردگی شدن و به خوردن قرص‌های اعصاب روی آورده اند و چه بسا ممکنه دست به خودکشی بزنن. یعنی به ظاهر قوی به نظر می‌رسن، ولی از درون متلاشی شدن.

- به نظرت این تناقض شعارها با عملکرد ستاره‌ها چه تأثیری روی هواداران دارد؟

باعث تردید و شک هواداران نسبت به صداقت آیدول‌ها می‌شه و باعث دلسرد شدن در ادامه هواداری

و بی‌تفاوتی نسبت به بی‌تی‌اس می‌شه.»

شب‌نم ۲۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با دیدن تعارض شعارها و عملکرد ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس، اذعان می‌دارد، واقعاً وی نمی‌داند آنچه ستاره‌ها از خود به معرض نمایش می‌گذارند، تا چه حد واقعی و تا چه حد غیرواقعی است:

«- این کنترلی که خودت هم اذعان می‌کنی که کمپانی بر روی ستاره‌ها داره، به نظرت با اون

شعاری که آیدل‌ها می‌دن که خودتون باشید و تحت تأثیر کسی قرار نگیرید و قواعد و اصول رو جدی نگیرید، تناقض نداره؟

خب... الان که بهش از این زاویه‌ای که تو می‌گی نگاه می‌کنم یه جوریه.

- چه جوریه؟

به قول تو متناقضه. این که خودت یه چیزی بگی، ولی در عمل پیرو یه سری اصول سخت و شدید

باشی، باهم نمی‌خونه!

- نسبت به پیامی که سعی می‌کنند انتقال بدهند تو رو به شک نمی‌اندازه؟ یعنی این که این پیام هم احتمالاً پیامیه که از بالا در دستور کارشون قرار داده و چیز خودخواسته‌ای براشون نیست. چرا خب تو درست می‌گی. کلاً سیستم رو به هم ریختی (می‌خندد). مثل این فیلما که آخر فیلم همه اتفاقاً رو نشون می‌ده و می‌بینی از کجا شروع شده و چه برنامه‌ای پشتش بوده. البته این جمله‌ای که الان گفتی فقط نه‌ها، کلاً در طول این مصاحبه‌ها بیش‌تر عمیق شدم روی همه چیز.

- و تو رو به چه نتیجه‌ای رسونده؟
نمی‌دونم. یه مقدار شکم برده به همه چی. به این حجم از تبلیغاتی که پشت بی‌تی‌اس وجود داره و این که این تصویری که به من ارایه دادن تا چه حد واقعیه و چه قدرش ساختگی و فتوشاپیه! صوفیای ۱۸ ساله، در گزارش خود درباره گروه‌های کی‌پاپ کره جنوبی، خاطرنشان می‌سازد، تعارضی که در سطح ستاره‌های بی‌تی‌اس دیده می‌شود، خاص این گروه نبوده، در سایر گروه‌های کی‌پاپ نیز وجود داشته و ملاحظه می‌شود:

«- اون اوایل، سعی نکردی از استانداردهای زیبایی‌شون الگو بگیری؟
نه هیچ وقت. واقعاً هیچ وقت. از همون اول به نظرم واقعاً مسموم بود این قضیه. چون تو ذهنم نمی‌تونم بگنجونم که یکی روزی، یه دونه سیب بخوره و ورزش‌های سنگین بکنه. من اگه یه دونه سیب بخورم غش می‌کنم. ولی دوست داشتم که مثلاً مثل آيو باشم. خیلی ناراحت کننده هست دیگه. چیزای خیلی مسموم و سمی رو تبلیغ می‌کنن و به دخترا مخصوصاً آسیب می‌زنن.
- مثل آيو باشی؟

آره. یه خواننده هست. سولو کار می‌کنه. بعد رژیمش معروفه تو کی‌پاپ. اوایل دیبوش مثلاً پاهای پری داشت اینا. بعد مجبورش کردن رژیم بگیره. خب الان واقعاً خوشگله. خوش تپیه. دوست دارم مثل اون باشم. ولی نه با اون روش. و نه اونقدرم دیگه.

- خوب توی باطن این چیزی که داری می‌گی، جنسیت زدگی خیلی واضحه. ولی یکی از شعارای کی‌پاپ اینه که اومده با جنسیت زدگی مخالفت کنه.
آره و این یه تعارضه».

۲-۴۰- القای هویت ربات مانند (رباتیک) به ستاره‌ها

«دقیق نمی‌دونم لایو کدوم یکی از اعضای بی‌تی‌اس بود، ولی لایو تولدش بود و از این بادکنک بزرگا گذاشته بودند و یه حالت آینه‌ای داشت و معلوم بود یه نفر داره رو تخته می‌نویسه که اون آیدول چی بگه و چه کار کنه» (مهسا، ۱۴ ساله).

کمپانی بیگ‌هیت با راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس در صدد تحقق اهداف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و عقیدتی و زیبانشاخصی خویش است، بنابراین برای پیش‌برد تک‌تک اهداف اخیر خود نیازمند افرادی

است که به اجرای دستورالعمل‌های متعدد وی در جهات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و مانند آن اقدام کنند. به عنوان مثال، کمپانی برای کسب سود بیشینه خویش، در صدد برمی‌آید، افراد با گرایش‌های جنسی گوناگون (متماایل به جنس مخالف، متمایل به جنس موافق، متمایل به هر دو جنس) را زیر پوشش خویش درآورد، بنابراین ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس باید ضمن اخفای گرایش جنسی خویش، علایمی دال بر تمایل به گرایش‌های جنسی مختلف را از خود به نمایش بگذارند که البته این مسأله (و موارد مشابه) فشارهای روانی زیادی به ستاره‌ها وارد می‌آورد.

مضاف بر خواست‌های مختلف کمپانی، وجود افراد بی‌هویتی که هویت‌یابی خویش را در گرو حمایت از این گروه یا آن گروه می‌جویند یا افرادی که دارای هویت‌های سمی بوده، تنها با اهانت به دیگران، قادر به به نمایش نهادن خویش هستند، ستاره‌های بی‌تی‌اس (و البته دیگر گروه‌های پاپ کره‌ای و پاپ‌های دیگر) را مورد آماج ناسزاها و تهمت‌های خویش قرار می‌دهند که باز هم تحمل اهانت و ناسزاهای ناروای این دسته از افراد، کار دشواری است.

رخساره ۱۶ ساله و نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌های خود، مصادیقی از موارد پیش‌گفته را به معرض دید نهاده اند:

«- اوهوم. خب راجع به شیپ کردن هم برام می‌گی؟»

شیپ کردن افراد هر کسی از اعضاء را حداقل با یک نفر شیپ کردن، مثلاً یعنی محبوب‌ترین شیپ بین اعضاء بی‌تی‌اس وی کوک بین تهیونگ که سرکوک هم بهش می‌گن.

- چه جور شیپ کردنی هست؟

یه جوری ثابت می‌کنند که انگار باهم هستند، مثلاً رله همدیگه ان، تو رابطه هستن.

- کی این‌ها رو شیپ می‌کنه با همدیگه؟

آرمی‌ها.

- و خود آیدول‌ها نظرشون چیه از این که شیپ می‌شن؟

والا آیدول‌ها می‌دونین... خب آیدول‌ها نظر خاصی ندارن به این واکنشی نشون نمی‌دن.

ولی کمپانی‌شون قبلاً به آرمی‌هاشون گفته که آره شیپ نکنید و همچین چیزا. ولی آرمی‌ها یه مدت ساکت شدند، ولی الان دوباره آرمی‌ها شروع کردند و آیدول‌ها اصلاً ناراحت یا مخالف این کار هم نیستن، واکنش خاصی هم ندارن.

- ببین یعنی چی شد که گفتن یه مدت این کار را نکنید؟

دیگه گفتن به اعضاء آسیب می‌رسونید و این‌ها، در حالی که این جور نیست، اعضاء خودشون مشکلی ندارن با این کار.»



«- منظورتون را از عذاب توضیح بدین لطفاً؟»

شما ببینید اگر یک نفر ۲۴ ساعته به شما کامنت‌های هیت بده، خوب آدم کاملاً حالش گرفته است مثلاً بگه چه قدر تو زشتی، چه قدر صدالت بده، چه قدر این، چه قدر اون، خیلی‌ها قدرت ندارند این هیت‌ها را تحمل بکنند، ولی وقتی می‌بینم که اون‌ها می‌تونن چرا من نتونم؟ هم هیت‌ها باهاشون بدن، هم کمپانی فقط تحت فشار قرار می‌ده.»

با توجه به آنچه از آن یاد شد، مسوولان کمپانی بیگ‌هیت خود را موظف می‌دانند، در جریان آموزش کارآموزان که باید عهده‌دار مسوولیت‌های سنگینی درآینده بوده، تعارض نقش‌ها آنان را به سردرگمی و آشفتگی روانی بکشاند، افراد ربات ماندی تربیت کند که به فرض وقتی از وی خواسته می‌شود خلاف گرایش جنسی خودش، لب‌های عضو دیگر گروه را در برابر ۸۰-۹۰ هزار هوادار ببوسد، به سادگی به انجام این کار مبادرت ورزد.

تا اینجا از مواردی مانند: برگزاری آزمون جهت جذب کارآموز، اعمال استانداردهای سخت‌گیرانه زیبایی، الزام ستاره‌ها به جراحی زیبایی در صورت نیاز، استفاده از برنامه سفیدکردن پوست بدن برای ستاره‌ها، در نظر گرفتن انجام تمرین‌های سنگین برای کارآموزان، منوط شدن رابطه کارآموزان و ستاره‌ها با خانواده‌شان به اجازه کمپانی، الزام به قرار نگذاشتن و ازدواج نکردن ستاره‌ها، الزام ستاره‌ها به تبعیت از رنگ کردن موها، آرایش، پوشش و زیورآلات درخواستی کمپانی، الزام ستاره‌ها به کاربری از برندهایی که تبلیغ می‌کنند، الزام ستاره‌ها به تبعیت از بازی‌های رسانه‌ای، نداشتن حق اعتراض ستاره‌ها به شایعات مرتبط با خودشان، ممنوعیت همکاری ستاره‌ها با هنرمندان دیگر بدون اجازه کمپانی، الزام به تبعیت از تماس بدنی در جریان اجراها توسط ستاره‌ها، الزام ستاره‌ها به همکاری در تهیه لحظات جذاب، الزام ستاره‌ها به عدم طرح گرایش جنسی خویش، الزام ستاره‌ها به تبعیت از رژیم‌های غذایی خاص، الزام ستاره‌ها به بیش‌تر نشدن و زدنشان از حد مقرر، الزام ستاره‌ها به جهت‌گیری‌های سیاسی طبق نظر کمپانی، پذیرش نظارت ناظران کمپانی بر فعالیت ستاره‌ها (در فضای مجازی، برنامه‌های زنده - لایو- و مانند آن)، در نظر گرفتن تمهیدات جانبی برای موفقیت گروه، الزام به بی‌نقص و ایده‌آل جلوه کردن ستاره‌ها، تعیین نیروهای حفاظتی برای مراقبت از ستاره‌ها، پذیرش تنبیه در صورت تخلفی ستاره‌ها از قوانین و

مقررات کمپانی، پذیرش کنار نهاده شدن پس از چند سال دیدن دوره کارآموزی، پذیرش عدم تمدید قرارداد (و به تعبیری انحلال گروه) در صورت صلاحدید کمپانی، کم توجهی به سلامت جسمانی و بهداشت روانی ستاره‌ها، داشتن نگاه ابزاری به ستاره‌ها، القای هویت ربائیک به ستاره‌ها؛ یاد شد که در عمل به تربیت افرادی می‌انجامد که با کنار نهادن عواطف و اندیشه‌های خویش، بسان یک ربات تربیت شده، تنها و تنها مجری اهدافی قرار می‌گیرند که بدان‌ها دستور داده شده است.^۲

۱. لازم به ذکر است که لیست اخیر، لیست کاملی نیست و موارد دیگری را می‌توان بدان افزود. به عنوان مثال، باران ۲۰ ساله در مصاحبه‌اش از ممنوعیت امضاء دادن ستاره‌ها در جامعه، به هواداران یاد کرده است.

۲. برخی از هواداران با ارایه شواهدی دیگری از گروه‌های کی‌پاپ دختران، در عمل شرایط آنان را بسیار دشوارتر از گروه‌های کی‌پاپ پسران ترسیم کرده‌اند. به این معنا که در این گروه‌ها، بعضاً دختران کارآموز ملزم به همبستر شدن با این و آن می‌شوند. ستاره‌های مورد نظر در صورت پذیرش دستورهای مسوولان کمپانی و به نمایش تبعیت محض خویش، راه پیشرفتشان هموارتر می‌گردد، در غیر این صورت با کنار نهاده شدن آنان، کمپانی از تربیت ستاره‌هایی که ممکن است در آینده در برابر تصمیم‌های مسوولان کمپانی بایستند، ممانعت به عمل می‌آورد.

شیدای ۲۰ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خویش در همین ارتباط اظهار داشته‌اند:

«- بین دوستان و آشناها و هنرآموزهای شما کسی هست که طبق همین روشی که توضیح دادی، رفته باشه؟

نه من کسی رو نمی‌شناسم که اقدام کرده باشه و رفته باشه. اما خب خیلیا رو می‌شناسم که علاقه دارن که برن. ولی در حد همین دوست داشتنه.

- انکار این طور به نظر می‌رسه که خیلیا قصد و علاقه و جوش رو دارن، ولی به مرحله عمل نمی‌رسه. درسته؟

به نظرم یک دلیلش اینه که با خانواده‌هاشون به مشکل می‌خورن و خانواده نمی‌ذاره یا کلاً خوش‌شون نمیاد از این موضوع یا نمی‌تونن به چنین ریسکی بکنن که بچه‌هاشون رو توی اون سن کم بفرستن به جای غریب که این قوانین سفت و سخت رو هم داره و اطلاعات زیادی هم درباره‌اش نیست. خیلیا هم که اقدام می‌کنن می‌گن خیلی سخت می‌گیرن و به این راحتی کسی قبول نمی‌شه که بخواد بره.

یکی از دوستای دوستم، به دختری بود که از طریق کمپانی اس‌ام رفتش. از این عشق‌های اکسو و بی‌تی‌اس هم بودش و استایل و ایناش هم قشنگ می‌خورد بهشون، لاغر بودش و کلاسه‌ای رقص می‌رفت و رقصیدنش هم خیلی خوب بود. بالاخره هم با این که خانواده‌اش مخالف بودن و مذهبی بودن، ولی در نهایت راضی شدن و این رفت. با این که رشته‌اش پزشکی بود و بهترین دانشگاه تهران قبول شده بود. گذاشت کنار و رفت.

بعد تحت نظر کمپانی اس‌ام رفت کره و خیلی هم اونجا بهش سخت گذشت. این جوریه بود که اصلاً به مدت نمی‌تونست با خانواده‌اش در ارتباط باشه. تعریف می‌کرد اولش که وارد کره شده، همه چیز در اختیارش گذاشته بودن و انواع کلاسه‌های زبان و موسیقی و رقص و آواز توی کمپانی اس‌ام. این جوریه بوده که سه زبان بهشون درس می‌دادن. اصلاً در طول هفته وقت خالی نداشتن و فقط یک روز در هفته یا ماهی یه بار اون گروه هنرآموز رو مسافرت می‌بردن و خوش‌گذرونی و اینا هم توی اون زمان بوده. اما می‌گفت بعد از چند وقت بردن شون کلاب. یه کلاب‌های خاصی بود که می‌گفت کلی مرد سن بالا بودن به عنوان مشتری و اون راهنما یا رئیس شون بهشون گفته که می‌رید از این مردها پذیرایی می‌کنید و هر چیزی ازتون خواستن نه نمیارید. بعد می‌گفت، من دستم به هیچ جا بند نبود و فقط گریه می‌کردم و اون رئیس هم می‌گفت، اگه بخوای قبول نکنی، قراردادت رو لغو می‌کنیم و تهدید می‌کرد که هر کاری ما می‌خواهیم رو باید انجام بدید. بعد این جوریه هم نبوده که فقط بری براشون برقصی و آهنگ اجرا کنی. می‌گفت قشنگ اتاق اتاق بود و اون مردها چندتا چندتا دخترا رو می‌بردن توی اتاقای خصوصی! البته این چیزی نبود که فقط

القای هویت ربات مانند (رباتیک) به ستاره‌ها، مقوله جدی و مهمی است که شمار قابل توجهی از مصاحبه شونده‌گانی که از دیدی انتقادی در ارتباط با کمپانی بیگ‌هیت و گروه بی‌تی‌اس آن برخوردار بوده‌اند، مورد تأکید قرار گرفته است. هویت ربات مانند (رباتیک)، هویتی است که در آن فرد مانند یک

دوست من بگه. گویا خیلیا جرأت به خرج داده بودن و این مسایل رو لو داده بودن و همین باعث شد که اس‌ام بدنام بشه و بیاد پایین بین این کمپانی‌ها.



– در نهایت چه اتفاقی برای اون فرد که کمپانی ازش باج جنسی خواسته بود، افتاد؟
می‌گفت یه تیمی خیلی افسرده شده بودم و در نهایت هم قراردادش رو به هم زده بود و اومده بود ایران. البته می‌گفت بابت لغو قراردادم یه هزینه‌ای باید پرداخت می‌کرده که خانواده‌اش چون وضع‌شون خوب بود، داده بودن. ولی خیلیا هم هستن که نمی‌تونن و همین جوری ادامه می‌دن، ولی به جایی هم نمی‌رسن. مثلاً توی سایت‌ها رو اگه چک کنی می‌بینی هیچ کدوم از ایرانی‌هایی که رفتن، به موفقیت و محبوبیت نرسیدن. حداقل از طریق اس‌ام من که ندیدم. ولی کلاً برای ایرانی‌ها هم کار سخت‌تره، چون یه جور نژادپرستی‌ای دارن و بعضی از نژادها و ملیت‌ها رو بیش‌تر ترجیح می‌دن. منم وقتی اینا رو شنیدم و خودمم تحقیق کردم و به خصوص از این دوستم شنیدم، خیلی نظرم عوض شد».

«– وقتی که داشتی به این فکر می‌کردی که بری و به عنوان دنس‌ر توی کی‌پاپ فعالیت کنی، از سختی‌ها و فشارهایی که روی آرتیستا می‌گذاشتن، خبر داشتی؟
نه قطعاً. بعدها فهمیدم که پدرشون در میاد.

– چه چیزهایی رو فهمیدی؟
رژیمای سخت می‌دن بهشون. محدودشون می‌کنن. خیلی از کارهایی رو که دوست دارن، نمی‌تونن انجام بدن. مجبور هستن هر چی بگن، گوش کنن. تمرینای خیلی خیلی سخن می‌دارن برای دنس‌رای کی‌پاپ. من دقیق یادم نیست چیا بود که خوندم. مال خیلی وقت پیشه، ولی می‌دونم که وحشتناک بود. بعد دنس‌را چون مثل آرتیستا شناخته شده نیستن و طرفدار ندارن، خیلی راحت هر کاری بخوان باهاشون می‌کنن. بهشون تجاوز می‌کنن. ازشون سوءاستفاده می‌کنن. با قول این که اگر بهشون خدمت جنسی بدن، جایگاه‌شون پیشرفت می‌کنه، فریبشون می‌دن. یادمه یه داستان خوندم اون وقتا از یکی از همین دنس‌رای کی‌پاپ، مال یه بند خیلی معروف بود. منتهی پسر بود. دختر نبود. خیلی آزارش داده بودن. این شرایط البته به مراتب برای دختری بدتر و وحشتناک‌تره. تمریناشون سخت‌تره و خب بیش‌تر آسیب می‌بینن. چه جسمی چه جنسی چه روحی. خیلی سخته شرایطشون بعد که کلاً کارشون با دنس‌را تموم می‌شه، مثل یه تیکه آشغال اونا رو دور می‌اندازن و دنس‌را هم خیلی سودی نمی‌برن از این کارشون. بیش‌تر اون عشق به کاره که نگاهشون می‌داره. خیلی سخته شرایط دنس‌رای کی‌پاپ. البته نه فقط کی‌پاپ کلاً همه جا».

ربات از سوی کمپانی برنامه‌ریزی و هدایت می‌شود و فرد از کم‌ترین حق انتخاب برای بیان خود و یا مسیر زندگی خویش برخوردار نیست.

از منظر سحر ۱۵ ساله، فشارهای زیادی که از طرف کمپانی به ستاره‌ها از زمان کارآموزی آن‌ها وارد می‌آید، سبب می‌شود آنان، هویت فردی خویش را از دست داده و به پذیرش هویت دیکته شده از سوی کمپانی روی آورند که از هویت اخیر می‌توان با عنوان هویت ربات مانند یاد کرد. سحر در مورد فشارهای وارده از سوی کمپانی به ستاره‌ها بیان می‌دارد:

«... وقتی افراد دارن دوره کارآموزی رو می‌گذرونن، هنوز وقت دارن که انصراف بدن و ادامه ندن، برای همین کمپانی‌ها سعی می‌کنن اونجا رو به شکل بهتری براشون نشون بدن، یعنی حتی اتاق‌های آیدول‌های دیگه که قدیمی‌تر هستند، نمی‌برن نشون تا صحبتی بین‌شون پیش نیاد و از واقعیت ماجرا زیاد باخبر نشن. کارآموزها فقط توی اتاق تمرین می‌رن. البته به کارآموزها می‌گن، شما اگر نخواید دیبو کنید و انصراف بدید، باید پول ما رو بدید، چون برای آموزش شما وقت گذاشتیم و کلی هزینه کردیم، ولی اگر دیبو کنید، می‌تونید با پولی که از اجراها و ویوهایتون به دست میارید، پول ما رو بدید، برای همین تا یه مدت بهشون حقوق کمی می‌دن تا پول دوران کارآموزی‌شون جبران بشه، برای همین اکثر کارآموزها شرایط سخت رو تحمل می‌کنند، چون با خودشون فکر می‌کنند، اگر بخوایم بریم، باید کلی پول بدیم. کلاً فضا براشون جوری درست می‌کنند که این باور رو القا کنند که هر چه قدر کار سختی داریم، تلاش می‌کنیم که به رؤیامون برسیم. توی اون حالت کارآموزها خیلی ذوق دارند و تا قبل از این که دیبو کنند، کمپانی نمیاد مستقیم بهشون بگه که شما باید همه چیزتون کنترل شده باشه و حتی اگر شرایط خیلی سخت بشه بهشون، می‌گن شما دارید تلاش می‌کنید تا به رؤیاتون برسید. برای همین تا قبل از این که دیبو کنند، از بعضی چیزها خبر ندارند و تازه بعد از دیبو بخش دارک (تاریک) این صنعت موسیقی رو می‌بینند، این که مجبورند یه سری نمادها رو نشون بدن به خاطر قراردادهایی که کمپانی‌ها با ایلومیناتی می‌بندند، این که مجبورند یک شخص دیگه باشن، در حدی که جیسونگ می‌گفت، فکر می‌کنید من واقعاً همون جیسونگم؟ که این نشون می‌ده ممکنه، حتی این شخصیت‌ها واقعی نباشند.»

سحر ۱۵ ساله در مورد از دست دادن هویت فردی آیدول و پذیرش هویت دیکته شده از سوی کمپانی، بیان می‌دارد:

«کل صنعت موسیقی می‌تونه فیک باشه به خصوص کی‌پاپ که اصلاً معروفه به این که فیکه، چون که مثلاً لایو تو‌لد جی (یکی از اعضای گروه ان‌های پن) جلوی دوربین بود و قشنگ داشت پشت دوربین رو نگاه می‌کرد و جواب می‌داد و فقط یه سری کامنت‌های خاص رو می‌خوند و یه سری جواب‌های خاص می‌داد و این جوری بود که فن‌ها از انعکاس بادکنک پشت سرش دیدن که یه دختر داره براش روی تخته وایت برد می‌نویسه و نشونش می‌ده. تمام حرف‌هاشون کنترل شده هست و

نمی‌توند به این دستورها عمل نکنند. دیگه چیزیه که هست و باید نقش بازی کنند، مثلاً جیسونگ (عضو گروه استری کیدز) توی یکی از برنامه‌ها گفت، من بازیگر خوبی هستم بعد بهش گفتن تو بازیگر خوبی هستی؟ گفت آره، من همین الان هم دارم نقش بازی می‌کنم و همه این حرفش رو به عنوان شوخی گرفتند، ولی جیسونگ لحنش و چهره‌اش خیلی جدی‌تر از یه شوخی ساده بود. گفت من همین الان هم دارم نقش بازی می‌کنم، فکر می‌کنید اسم واقعی من هان جیسونگه؟ فکر می‌کنید من اینم؟ یه مثال دیگه اینه که خیلی وقت‌ها وقتی تولد یکی از خواننده‌های کی‌پاپه و از جشن تولد فیلم می‌گیرن، یه صحنه ساختگی درست می‌کنن که توش کیک می‌فته زمین و این اتفاق توی چندتا از تولدها تکرار شده پس نمی‌تونه اتفاقی باشه، دلیلشم اینه که به خاطر رژیم‌های سختی که دارند اجازه ندارند شیرینی و کیک بخورند. خیلی ظلمه که حتی تو روز تولدت هم نتونی کیک بخوری».

سحر ۱۵ ساله، در ادامه، در مصاحبه خود از هویت ربات مانند آیدول‌ها، به قرار زیر یاد کرده است:
«به نظرت عمل‌های زیبایی و رژیم‌های سخت غذایی که بی‌تی‌اس دارند، برخلاف شعار خودت را دوست داشته باش نیست که سعی در تبلیغش دارند؟»

به نظر من خیلی تناقض داره، چون کسی که عمل جراحی می‌کنه قیافه خودش رو دوست داره، اما خب دست خودشون که نیست، این کاریه که کمپانی ازشون می‌خواد و اعضای بی‌تی‌اس به خواست خودشون این کار رو نمی‌کنند. مثلاً جیهوپ اوایل دببو حتی گوشواره هم نمی‌انداخت، فقط گاهی اوقات گوشواره چسبی استفاده می‌کرد تا نیاز نباشه گوشش رو سوراخ کنه ولی جدیداً گوش‌هاش رو خیلی سوراخ کرده و خب مشخصه که خواست خودش نبوده و اجبار کمپانی بوده».

ریحانه ۱۷ ساله در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد، اندیشه افزایش سود سبب شده است که کمپانی برای پیش‌برد اهداف خویش در این زمینه، به تعریف هویت ربات مانند برای آیدول‌های خویش بپردازد و با آنان بسان یک مهره شطرنج رفتار کند:

«خب این که کمپانی این قدر روی اونا نفوذ و تسلط داره، به نظرت این امکان هست که کلاً آیدولا شخصیت و رفتاری که از خودشون نشون می‌دن با شخصیت واقعی خودشون متفاوت باشه؟ اهوم، ممکنه!»

سمانه ۱۷ ساله نیز در مصاحبه خود، پس از تأکید بر از دست رفتن هویت فردی آیدول‌ها و پذیرش هویت دپکته شده از سوی کمپانی توسط آنان، خاطر نشان می‌سازد، می‌توان با توجه به تحولاتی که

۱. برخی از هواداران مصاحبه شده در نهایت می‌کوشند تا کمپانی بیگ‌هیت را از مضان اتهام دور ساخته، تربیت برده‌وار ستاره‌ها را به گونه‌ای توجیه کنند. کوثر ۲۵ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه‌اش کوشیده است تا با انتساب سخت‌گیری‌های غیرمتراف کمپانی در ارتباط با ستاره‌هایش، کمپانی را از مواردی مانند سوءنیت و سوءمدیریت تبرئه کند:
«اگه بخوام به صورت کلی بگم، فشار روی آرتیستای کی‌پاپ نسبت به مثلاً آرتیستای هالیوودی، خیلی بیش‌تره، ولی این صرفاً به خاطر فرهنگ خاص کره‌ایا هست».

اعضای گروه بی‌تی‌اس در کمپانی به خود می‌بینند، از شکل‌گیری هویتی به نام هویت ربات مانند یاد کرد:

«- ولی جلوی دوربین خودشون رو خوب نشون می‌دن؟»

آره، خیلی خودشون رو خوب و شاد و پرانرژی نشون می‌دن. آدم از خودش بدش میاد، حس می‌کنه افسرده هست جلوی اونا، (باخنده)، می‌گن و می‌خندن و همه چی عالیه و همه چی چه قدر آرومه.

- توی آهنگ‌ها یا کلیپ‌هاشون؟

هر دو، آهنگاشون که فقط بالا پایین می‌پرن دیگه.

- به نظرت می‌شه چیزی به نام هویت رباتیک را در موردشون به کار برد؟

آره، می‌شه گفت. چون واقعاً هم همین ان، دیگه خودشون نیستن که توضیح دادم.»

سمانه به تبع طرح هویت ربات مانند (رباتیک)، از سوءاستفاده کمپانی از آیدول‌ها برهمن مینا یاد کرده است:

«- خوب این‌ها کشور خودشون توی آسیا هست، پس چه ربطی به غرب دارن؟»

آره توی آسیا هستند، ولی ساختارشون مطابق با غرب هست، حتی همین جنسیت‌زدایی پوشش یا سعی در جذب مخاطب به هر طریقی برای پول، خب همه‌اش برای غریبه و حتی تلاش برای جذاب نشون دادن خودشون از لحاظ ظاهر. خود کمپانی آسیایی هست، ولی در اساس تفکرش مال اون‌ور آب هست.

- از طرف کمپانی نمی‌گذارن هویت جنسی‌شون رو بگن؟

آره، دقیقاً کمپانی می‌گه، اینا هم بازیگر ان دیگه، انجامش می‌دن. این‌ها حتی مدل موشون و سایر علایق‌شون با کمپانیه و عملاً اختیاری از خودشون ندارن.

- در واقع مسوولان کمپانی ازشون سوءاستفاده می‌کنن؟

آره دیگه، می‌شه گفت، ولی خب اینا با رضایت خودشون رفتن اونجا، کسی چاقو زیر گلوشون نذاشته که، پول خوبی می‌دن و شهرت و همه امکانات رو بهشون می‌دن. اینا هم می‌گن، حالا که همه چی هست، اگه اختیارم نباشه، نباشه، اوکیه یه جورایی جسم‌شون رو می‌دن به کمپانی کلاً روح‌شون هم که دیگه هر چی شد، شد، مهم نیست.

به تعبیر دیگه چون اینا فقط جسم‌شون رو به نمایش می‌ذارن، لباسای رنگی رنگی و موهای رنگی و

در این میون دیگه روح‌شون هیچ وقت فرصت آشکار شدن نداره.»

سمانه ۱۷ ساله، در ادامه از نظر خود دال بر «اعمال برده‌داری نوین توسط کمپانی» یاد کرده معتقد

است آیدول‌ها در کمپانی باید در نهایت هویت فردی خویش را از دست داده و تن به هویت دیکته شده کمپانی بدهند:

«- کمپانی در زندگی شخصی آیدول‌ها هم دخالت داره؟»

صددرصد، اصن می‌گم که تعهد می‌دن دیگه هر کار بگن، باید بکنن، وگرنه برچسب می‌خورن و پرت می‌شن بیرون و بدنام می‌شن یا این که چه حرفایی بززن، حتی بهشون گفته می‌شه، رنگ موشون انتخاب خودشون نیست و این رو حالا فن‌های نزدیکشون هم گفتن و اکسسوری رو هم به انتخاب خودشون نمی‌اندازن، کلاً به علایقشون توجهی نمی‌شه که مثل عروسک لباس تنشون می‌کنن، اونا رو می‌فرستن جلو دوربین، ولی خب جذابیت‌هایی که گفتیم رو هم دارن دیگه، برای همین جذب می‌کنن.

- از کجا می‌دونی زیورآلات مورد استفادهشون رو خودشون انتخاب نمی‌کنن؟

خبراش از فنای نزدیکشون میاد دیگه، اونا خبرای موثق رو می‌گن، همیشه اینا رو هم بارها گفتن، درز کرده ازشون... .

- دخالت زیاد از حد کمپانی مشکلات روحی در آیدول‌ها ایجاد نمی‌کنه؟

قطعاً ایجاد می‌کنه، آره با این فشار کی سالم می‌مونه؟ این که همیشه عالی نشونشون بدن و هر چی گفتن بگن و بپوشن و بخورن و... همه‌اش خب فشار روحی میارن دیگه و اصن نمی‌دونم خبر دارید یا نه، دو، سه تاشون خودکشی کردن سر این که اومدن بیرون، یعنی این اتفاق افتاد، ولی جهانی نشد، چون نداشتن بازتاب پیدا کنه، به ضررشون بود، ولی خودکشی بوده توشون، چون به هر دلیلی لفت دادن از گروه و انگ و برچسب خوردن، بیماری‌های روحی هم مثل افسردگی، آره دارن خیلایشون، ولی نشون نمی‌دن یه بار فن نزدیک بهشون باز اینم لو داده بود که قرص‌های اعصاب می‌خورن خیلی وقتا، یعنی بهشون می‌دن بخورن که روحیه داشته باشن فقط و آروم شن و در واقع صورت مسأله پاک بشه».

۳- ارایه محتواهای جذاب

اقتضای قابل تأملی از هواداران مصاحبه شده، در مصاحبه‌های خودشان خاطرنشان ساخته اند که محتواهای ارایه شده توسط گروه بی‌تی‌اس، محتواهایی جذاب و قابل تأمل هستند و همین ویژگی مهم، تفاوت معناداری بین آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و دیگر گروه‌های کی‌پاپ یا پاپ غربی پدید آورده است. مواردی مانند: طرح برخی از مسایل جوانان، امید و انگیزه دادن به مخاطبان، تلاش در جهت ارتقای مهارت‌های زندگی هواداران، افزایش اعتماد به نفس مخاطبان، استفاده از برخی از محتواهای فلسفی و روان‌شناختی در آهنگ‌ها، ارایه محتواهایی مؤدبانه‌تر از کی‌پاپ‌ها و پاپ‌های ایرانی و غربی، در برخی از موارد ارایه محتواهای جنسی، طرح پازل‌گونه برخی از مفاهیم در آهنگ‌های مختلف، اجرای بعضی از آهنگ‌ها در مکان‌های تاریخی و هنری، سوق دادن هواداران به سمت رؤیاپردازی و رویکرد شاد بسیاری از برنامه‌ها، از جمله مواردی هستند که افراد مصاحبه شده در توصیف محتواهای جذاب گروه بی‌تی‌اس عنوان کرده اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۳-۱- طرح برخی از مسایل جوانان

«- تا حالا شده که موزیکی که داری گوش می‌دی ببینی چه قدر با شرایط خودت انطباق داره؟ آره، آهنگ فرندز جیمین و تهیونگ دقیقاً تک تک جمله‌هایی که می‌گه، عین دوستی من و دوستمه» (فاطمه، ۱۹ ساله)

هواداران قابل توجهی در تبیین علت گرایششان به گروه بی‌تی‌اس، روی طرح مسایل نوجوانان و جوانان توسط این گروه، تأکید ورزیده و خاطرنشان ساخته اند، در حالی که در بسیاری از گروه‌های دیگر مسایل مبتدلی نظیر عشق‌های سطحی و هیجانی و مانند آن مطرح می‌شود، گروه بی‌تی‌اس، شروع کارش را با طرح مشکلات نوجوانان و جوانان شروع کرد و در ادامه نیز با پرداختن به برخی از مسایل و مشکلات مبتلابه نوجوانان و جوانان، در عمل نشان داد که مسایل جوانان برای اعضای گروه (و در واقع کمپانی)، مهم هست و آن‌ها در این مسیر می‌کوشند تا از سویی با توجه دادن افراد به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های ارزشمند خودشان و از سوی دیگر با ارایه رهنمود به آنان، در تخفیف و تعدیل مشکلات پیش گفته، مؤثر واقع آیند.

دیبای ۱۵ ساله و کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش، در توصیف شروع کار گروه بی‌تی‌اس و علایق وافر آنان به طرح مسایل نوجوانان و جوانان به بیان موارد زیر پرداخته اند:



«اولین آهنگ‌های بی‌تی‌اس مثل نو مور دریم اکلاً درباره مدرسه بود، مثلاً موزیک ویدیوش هم توی یه اتوبوس مدرسه بود و همه اعضا یه حالت گنگی داشتن و انگار به زور فرستادن شون به مدرسه. نسلی که به این کانسپت هم جذب شدن با این موضوعات خودشون دست و پنجه نرم می‌کردن و یه جورهایی با این موضوعاتی که توی آهنگ خوانده می‌شد خُو گرفتن.»

«مفهوم آهنگای بی‌تی‌اس با مفهوم تمام آهنگای کی‌پاپ فرق داشت. یعنی مثلاً قبل از این که بی‌تی‌اس آهنگاش رو بده کی‌پاپ اکثراً محدود به آهنگای عاشقانه‌ی مثلاً فلان بود، که مثلاً وای، دختر من تو رو از دست دادم فلان اینا، حتی خود بی‌تی‌اس هم یه سری آهنگای این طوری داره. ولی اساس و پایه‌ی آهنگای بی‌تی‌اس روی مشکلات تینیجرا بود.

- اوهوم.

نه فقط تینیجرا، هم تینیجرا، هم جوونا. مشکلاتی که تو جامعه‌شون وجود داشت. سختیایی که داشتن. مثلاً یه آلبوم دارن که کلاً در مورد اینه که مثلاً چه قدر بچه‌ها تو مدرسه اذیت می‌شن و مثلاً موزیک ویدیوش رو تو مدرسه ریکورد کردن.»

سونیای ۱۷ ساله در گزارش خود خاطرنشان می‌سازد، گروه بی‌تی‌اس با مخاطب قرار دادن جوانان و طرح مشکلات آن‌ها، در صدد توجه دادن جامعه به قشر جوان و نیازها و آمال و آرزوهای آنان است:

«- موضوع آهنگ‌های بی‌تی‌اس معمولاً چیه؟»

چون این هفت نفر سن شون زیاد نیست، انگار می‌دونن که جوونا و نوجوونایی که دارن در حال حاضر زندگی می‌کنن، چه مسایلی براشون پیش میاد. مثلاً یکی افسرده شده، یکی از ظاهر خودش راضی نیست و می‌خواد خودش رو تغییر بده، یکی اعتماد به نفس نداره، یکی دوست داره کارایی رو انجام بده که بهشون علاقه داره، ولی خب تو فضایی قرار گرفته که کنترل می‌شه، یعنی اختیار نداره که بره سمت چیزایی که دوست‌شون داره و من بین دوستانم می‌بینم که این طور چیزا وجود داره.

وقتی آهنگایی گوش می‌دی که مشکلات خودت توشون وجود داره، اون حس خوب رو می‌گیری ازش».

زهرای ۲۴ ساله و دیبای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های خودشان اظهار می‌دارند، گروه بی‌تی‌اس ضمن ارایه لیستی از مسایل و مشکلات جوانان، در صدد توجه و رهنمود دادن به آنان برآمده است و از نوجوانان و جوانان می‌خواهد، با وجود مشکلاتی که با آن‌ها مواجه هستند، نباید این مسأله را فراموش کنند که در درجه اول اهمیت، آنان باید خودشان را دوست داشته باشند و سایر مسایل مطرح شده توسط بزرگسالان در اولویت‌های بعدی آنان قرار می‌گیرند و در درجه بعدی اهمیت، باید بدانند که با وجود همه سختی‌هایی که در زندگی آنان وجود دارد، آنان نباید از لذت‌ها و زیبایی‌هایی که در اطراف و اکناف آنان وجود دارد، غافل شوند و با نادیده گرفتن این ابعاد مثبت، خود را تنها به دست نامالیقات جامعه بسپارند:

«- دغدغه‌هایی که تو شعرهاشون ازش صحبت می‌کنی، بیش‌تر در ارتباط با چه مواردی هستن؟ بخوام خیلی کلی بگم مفهوم شعرهاشون خوبه و خب دغدغه‌هایی که ازش صحبت می‌کنی در مورد زندگی روزمره و واقعیت‌هایی هست که تو خیلی از جوامع وجود دارن.

- امکانش هست، مثالی رو در موردش بیان کنید؟

بله، مثلاً تو چندتا از شعرهاشون درباره‌ی دخالت بزرگ‌ترها تو تصمیمات کوچک‌ترها صحبت می‌کنی، در مورد این که بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها رو تحت فشار می‌گذارن برای این که مسیر آینده‌شون رو طوری انتخاب کنن که خودشون می‌خوان، یعنی مطابق میل خود بچه نباشه و در آخر هم می‌گه باید دنبال علاقه خودتون برید و چیزی که دوست ندارید، نباید به شما تحمیل بشه یا مثلاً اعتماد به نفس داشتن یا مفهوم به لیریک معروفش اینه که فقط هدف رو نبیین و از مسیر رسیدن به هدف لذت ببر یا این که زندگی ادامه داره.

- در مورد این سه مورد، منظورم اعتماد به نفس، ادامه داشتن زندگی و لذت بردن از مسیر در جهت رسیدن به هدف هم می‌شه مثل مورد اول توضیح بدید؟

تو آهنگ‌های مختلف در مورد اعتماد به نفس داشتن صحبت کردن که معروف‌ترین شون هم لاو یورسلفه^۱ که می‌گن باید خودمون رو دوست داشته باشیم، جدا از همه تفاوت‌هایی که بین آدم‌ها وجود داره، مثلاً یکی چاقه، یکی لاغره، یکی قد بلنده یا یکی کوتاهه، خب این ویژگیا خوب یا بد، باید پذیرفته بشن و ما خودمون رو دوست داشته باشیم.



زندگی ادامه داره هم منظورش اینه با تمام سختی‌هایی که هست، باز زندگی قشنگی‌های خودش رو داره و باید تا حد ممکن ازش لذت برد».

«- آیا به جز مفاهیم دوست داشتن خود و جریان داشتن زندگی، بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هاشون به موضوعات دیگه هم اشاره می‌کنن یا نه؟

معمولاً آرم درباره این جور مسایل می‌خوانه که مثلاً من کی هستم، یعنی همون چیزی که اکثر نوجوون‌ها یا حتی جوون‌ها درگیرش هستن که الان تکلیف من چیه، من چه نقشی توی جامعه دارم، از نظر شخصیتی چه جوری‌ام، چه قدر مورد قبول جامعه قرار می‌گیرم و مردم درباره من چی فکر می‌کنن و این جور چیزها. خود آرم هم گفته که با چنین موضوعاتی درگیر بود، برای همین بیش‌تر راجع به این موضوع می‌خونه، مثلاً توی آهنگ پرسونا می‌گه که «من کی‌ام؟ این سوال‌یه که من همیشه از خودم می‌پرسم».



- به جز تأثیر نسبی‌ای که بی‌تی‌اس روی دوست داشتن خود در شما داشته، آیا اثرات دیگه‌ای هم داشته؟

من قبلاً خیلی از خودم ایراد می‌گرفتم و دایم به خودم می‌گفتم که من چرا این جوریم یا مثلاً باید دماغم رو عمل کنم، ولی الان اصلاً دیگه اون جور نیستم و شدتش خیلی کم شده یا این که وقتی خودم رو با بچه‌های دیگه و هم سن و سال‌هام توی مدرسه می‌سنجم، احساس می‌کنم که زندگی رو خیلی آسون‌تر می‌گیرم و چیزهای مثبت بیش‌تری رو درباره خودم و زندگی نسبت به بقیه می‌بینم».

ترانه ۱۸ ساله، در گزارش خویش یادآور شده است که مداخله گروه بی‌تی‌اس در مسایل نوجوانان و جوانان و روشنگری و امیدبخشی این گروه، به اثرهای مثبتی در سطح جامعه جوانان کره جنوبی انجامیده است و از میزان خودکشی بالای این جامعه کاسته است:

«بی‌تی‌اس چه طوری توی کشور کره جا باز کرد؟»

در بین مردم کشور کره، آمار خودکشی خیلی بالا بود، خصوصاً بین نوجوانان، به خاطر این که شیوه سخت رقابتی برای درس خوندن وجود داره، درس خوندن توی کره خیلی سخته و فشار عصبی زیادی از طریق والدین به بچه‌ها وارد می‌شه، در حوزه کاری هم فشارهای زیادی دارن، در واقع هر کسی نمی‌تونه در کشور کره زندگی کنه، یک زندگی خاص با نظم و شیوه و سیستم خاص، من با یک دانشجوی اوکراینی صحبت می‌کردم، با وجودی که بورسیه شده بود و در کره درس می‌خواند، نتونست اونجا دوام بیاره، مجبور شد خسارت بده و برگرده. کی‌پاپ سبک نوجوان داره و بیش‌ترین کسی که به این شاخه پر و بال داد، بی‌تی‌اس بود و در زمینه کاهش افسردگی و خودکشی نوجوانان خیلی مؤثر بود. توی فن‌میتینگ‌ها خیلی از جوان‌ها می‌اومدن و می‌گفتن که «ما می‌خواستیم خودکشی کنیم و به خاطر بی‌تی‌اس برگشتیم یا به خاطر حرفایی که می‌زنن، الان ما زنده‌ایم».

۳-۲- امید و انگیزه دادن به مخاطبان

مسوولان کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت از سوپی با فهم سردرگمی کم و بیش نوجوانانی که وارد عرصه بلوغ خویش شده‌اند و از سوی دیگر با فهم تحول‌های روانی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی، سیاسی که افراد در آغاز جوانی خود با آن مواجه می‌گردند، کوشیده‌اند تا با پاسخ به نیازهای اخیر نوجوانان و جوانان، در عمل موفقیت‌گروه موسیقیایی خویش را تضمین کنند. از این رو، نه تنها جهت‌گیری برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس معطوف به امیددادن و انگیزه‌بخشی در پاسخ به سردرگمی‌های نوجوانان و جوانان جامعه است، بلکه اعضای گروه بی‌تی‌اس خود را موظف می‌بینند که در مواضع اجتماعی خویش، با حمایت به عمل آوردن از نوجوانان و جوانان، در عمل مهر تأییدی بر موضوع‌های مطرح شده در آهنگ‌های خویش بزنند. مضاف بر این، اعضای گروه بی‌تی‌اس با طرح سختی‌هایی که تحمل کرده‌اند تا به شهرت و جایگاه فعلی خویش برسند و با پیش گرفتن بیانات انگیزشی و شعارهای حمایت‌کننده،

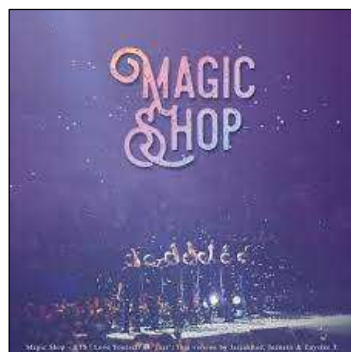
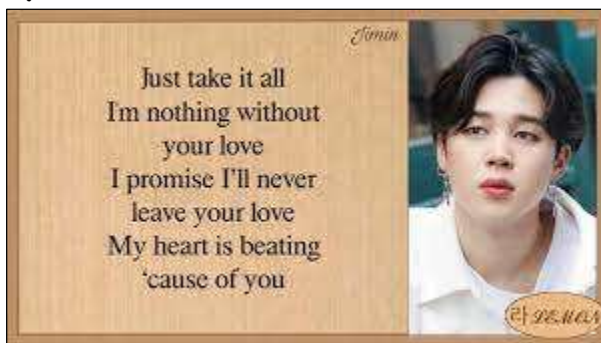
توجه عملی خویش به مخاطبان نوجوان و جوان را به نمایش می‌گذارند. مجموعه موارد پیش گفته، اسباب دلگرمی افشار قابل توجهی از مخاطبان گروه بی‌تی‌اس را فراهم می‌آورند.

باران ۲۰ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس که بعضاً مشحون از امیدبخشی و انگیزه دادن به مخاطبانش است، از امیدی که آهنگ‌ها به «تغییر»، «شروع دوباره» و «پشت سر نهادن غم‌ها و شکست‌ها» می‌دهند، یاد کرده و تأکید ورزیده است، این مضامین با کم رنگ کردن ناراحتی‌های وی، در بهبود حال بد او موثر واقع آمده، حال او را خوب می‌کنند:

«- متن آهنگ مورد علاقه‌ات رو بگو و درباره احساسات خودت در این باره توضیح بده.

آهنگ استیل ویت یو^۱ از کوکی، آهنگ ویت یو^۲ جیمین، آهنگ مجیک شاپ، آهنگ بولت پروف، کوکی دوتا آهنگ کاور کرده که وقتی ناراحتم خیلی گوش می‌دم خیلی دوست دارم یکیش فالینگ^۳ از هری استایلز و اون یکی تو یو^۴ از جاستین بلیبر، آهنگ زیرو (صفر) خیلی خیلی برام مهمه، متنش رو برات می‌فرستم، حتماً تو مصاحبه من بذار. من خیلی بهش علاقه دارم، چون می‌گه، همیشه می‌شه شروع کرد.







«یه روزایی هست،
روزایی که بی هیچ دلیلی غمگینی،
یه بدن سنگین،
یه روزی که همه به غیر از من،
سرشون شلوغه و حریص ان،
قدم هام نمی افتن،
فکر کنم همین الانشم دیر کردم، می بینی؟
کل دنیا نفرت انگیزه،
همه جا سرعت گیره،
قلبم تیکه تیکه شده و کلمات برام محو می شن،
چرا داشتم خیلی سخت می دویدم؟
اوه، چرا من؟
برمی گردم خونه،
رو تختم لم می دم،
فکر می کنم،

تقصیر من بوده؟
شب گیج کننده هس،
یهو به ساعت نگاه می کنم،
تقریباً دوازدهه،
چیزی تغییر می کنه؟
مطمئنأ قرار نیست یه همچین چیزی بشه،
ولی این روز،
تموم شده،
وقتی ثانیه شمار،
با دقیقه شمار یکی می شه،
دنیا برای یه لحظه ی کوتاه نفسش رو حبس می کنه،
ساعت دوازده نیمه شبه،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدیده،
ساعت دوازده نیمه شبه،
کم کم، ضربان قلبم می زنه،
نمی تونم یه حالت عادی رو صورتم داشته باشم،
همه اش لیریکای آشنا رو فراموش می کنم،
هیچ چیز دیگه ای مثل قلب من نیست،
درسته اینا تمام چیزیه که گذشته،
حتی اگه با خودمم حرف بزوم، خیلی راحت نیست،
این تقصیر منه؟
این مشکل منه؟

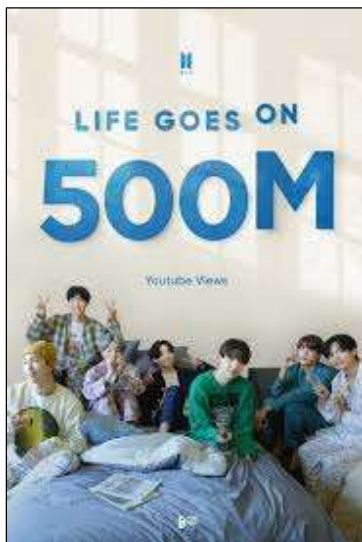
فقط صدای منه که،
هیچ جوابی نداره،
برمی‌گردم خونه،
رو تختم لم می‌دم،
فکر می‌کنم،
تقصیر من بوده؟
شب گیج کننده هس،
یهو به ساعت نگاه می‌کنم،
تقریباً دوازدهه،
چیزی تغییر می‌کنه؟
مطمئناً قرار نیست یه همچین چیزی بشه،
ولی این روز،
تموم شده،
وقتی ثانیه شمار،
با دقیقه شمار یکی می‌شه،
دنیا برای یه لحظه‌ی کوتاه نفسش رو حبس می‌کنه،
ساعت دوازده نیمه شبهه،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه‌ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدیده،
ساعت دوازده نیمه شبهه،
دوتا دستام رو روی هم می‌ذارم،
و دعا می‌کنم،
که یه کم بیش‌تر لبخند بزخم،
فردا،

برای من،
یه کم حس بهتری داشته باشه،
برای من،
اگه این آهنگ،
تموم شه،
ممکنه یه آهنگ جدید،
شروع شه،
یه کم بیش تر خوشحال باشم، آره،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدید،
ساعت دوازده نیمه شبه».



فکر کنم آهنگ لایف گووز آن رو هم که تو دوران کرونا منتشر کردن برای این بود که حال همه بهتر بشه.

متنش به شدت عالی، اینم به عنوان قسمتی از حرفای من بذار:



«یه روز، دنیا ایستاد،
بدون هیچ هشدار،
بهار نمی‌دونست که باید صبر کنه،
حتی یک دقیقه هم تأخیر نداشت،
خیابون‌ها از جای پا خالی شدن،
من اینجا افتاده روی زمین دراز می‌کشم،
زمان برای خودش می‌گذره،
بدون این که حتی متأسف باشه، آره،
انگار امروز هم قراره بارون بیاد،
کل بدنم خیس شده، بارون هنوز نمی‌خواد بند بیاد،
از اون ابر بارونی سریع‌تر می‌دوم،
فکر می‌کردم همین کافیه، فک کنم هر چی که باشه، بازم منم یه انسانم،
من توی دنیایی از دردم، این سرمایی که دنیا بهم داده،
باعث می‌شه که بخوام اون دکمه‌ی خاک گرفته‌ی بازگشت رو بزنم،
بدون ریتم می‌رقصم، روی زمین دراز می‌کشم،
به محض این که زمستون رسید، بیا نفس‌مون رو بیرون بدیم یه نفس گرم‌تر،
نمی‌تونم تهش رو ببینم،
راه خروجی هست؟
پاهام دیگه نمی‌خوان حرکت بکنن،

برای یه لحظه چشم‌هات رو ببند،
دستم رو بگیر،
بیا به سمت اون آینده فرار کنیم،
مثل پژواکی تو جنگل،
اون روز برمی‌گرده،
انگار که هیچی اتفاقی نیفتاده،
آره، زندگی ادامه داره،
مثل تیری تو آسمون آبی،
یه روز دیگه هم می‌گذره،
روی بالشم، روی میزم،
آره، زندگی دوباره همین طوری ادامه داره،
بذار با این آهنگ بهت بگم (آی)،
مردم می‌گن دنیا عوض شده،
اما خوشبختانه بین من و تو چیزی عوض نشده،
با «انیونگ»ی که روزمون رو باهاش شروع و تموم می‌کنیم،
بیا فردا رو به امروز وصل کنیم،
الآن ایستادم، ولی تو سایه قائم نمی‌شم،
روشنایی روز دوباره به درخشش در میاد،
نمی‌تونم تهش رو ببینم،
راه خروجی هست؟
پاهام دیگه نمی‌خوان حرکت بکنن،
برای یه لحظه چشمت رو ببند،
چشمت رو برای یه لحظه ببند،
دست من رو بگیر،
مثل پژواکی تو جنگل،
اون روز برمی‌گرده،
انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده،
آره، زندگی ادامه داره».



محمدرضای ۲۱ ساله، با اشاره به مضامینی که باران از آن‌ها یاد کرده بود، خاطرنشان می‌سازد، برخی از افرادی که حتی تصمیم به خودکشی و انتحار داشته اند، با شنیدن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، از تصمیم خویش مبتنی بر خودکشی، منصرف گردیده اند:

«دیگه خیلی از آدمای افسرده که الان آرمی هستن، می‌گن ما اگه با این گروه آشنا نمی‌شدیم، قطعاً خودکشی می‌کردیم یا خیلیا بودن خودکشی کردن، ولی مثلاً ناموفق بوده، بعدش که با این گروه آشنا شدن، بعد بیش‌تر هم دختر بودن وقتی با این هفت نفر یا اصلاً بقیه آیدولا ولی من بیش‌تر اطلاعاتی که دارم در مورد بی‌تی‌اسه، وقتی با اینا آشنا شدن، خب به روال زندگی عادی‌شون برگشتن. دینامیت، آیدول، باتر اینا خب بهترین موزیکاشون هست، اگه کسی گوش بده واقعاً به زندگی امیدوار می‌شه، لیریکاشم خب شما می‌فهمید دیگه چون انگلیسیه».

باران در قسمت دیگری از مصاحبه‌اش با استناد به بیانات اعضای گروه بی‌تی‌اس، از دید متفاوت این گروه در مقایسه با دید نه چندان مثبت جامعه به جوانان، یاد کرده است:

«ترجمه‌ی قسمتی از صحبت‌های بی‌تی‌اس در مجمع عمومی سازمان ملل رو برات می‌فرستم تا ببینی اعضای گروه چه دید مثبتی را در مورد جوانان مطرح می‌کنند:

ما شنیدیم که جوانان در سنین نوجوانی و بیست سالگی خودشون رو «نسل گمشده‌ی کووید ۱۹» می‌نامند. بهشون می‌گن «نسل گمشده» فقط برای این که راهشون رو در زمانی که چالش‌های جدیدی

رو باید امتحان می‌کردن و برایشون مهم و تعیین کننده بوده، گم کردن. به هر حال، این منصفانه هست که بهشون بگیم گمشده، چون اونا به چشم یه انسان بزرگ شده، هنوز نتونستن کاری انجام بدن... . جیمین: الان، اگه ما به این عکس‌ها نگاه کنیم، به طور واضح می‌بینیم اینجا افرادی هستن که به سختی تلاش می‌کنن که به صورت آنلاین و شیوه‌های جدیدی دوستی‌هاشون رو ادامه بدن و به سختی تلاش می‌کنن زندگی سالمی داشته باشن، ما باید افراد جوان رو درک کنیم، کسانی که شجاعت پیدا کرده و چالش‌های جدیدی رو انجام می‌دن.

جین: ما این جسارت رو انجام می‌دیم و به جای استفاده از عبارت نسل گمشده از عبارت «نسل خوش‌آمد گویی‌ها» برای این نسل استفاده می‌کنیم، به طور ویژه، این عبارت به این خاطر برای نسل جوان استفاده شده که به جای ترسیدن، با یک خوش‌آمد گویی گرم از تغییرات استقبال و به سمت آینده پیش‌روی می‌کنن.

نامجون: کاملاً صحیح. ما بدون هیچ قیدی به این باور داریم که با اعتقاد به امید و ممکن بودن در مواقع غیر منتظره، مردمی که بهشون گفته شده راهشون رو گم کردن، این توانایی رو دارن که راه جدید و مختص خودشون رو بسازن و هموار کنن».

مهشید ۲۱ ساله در بیانات خودش، خاطرنشان می‌سازد، اعضای بی‌تی‌اس با ترسیم سختی‌هایی که در راه رسیدن به موقعیت فعلی خویش کشیده‌اند، از آنان به عنوان الگوهای عملی جوانان یاد کرده است:

«گاهی اوقات در مورد زندگی خودشون می‌گن که مثلاً چه طوری به این جایگاه رسیدن، همه چیز گل و بلبل نبوده، همه چیز عالی نبوده و سختی‌هایی هم بوده که متحمل شدن و حالا رسیدن به جایی که هستن. انتقادهایی که بهشون می‌شه، گاهی اوقات یک سری موسیقی‌هایی هستن که به اصطلاح می‌گن این موسیقی‌ها برای هیترها هست. هیترها کسانی هستن که دائماً شروع می‌کنن به هیت دادن... این گروه بده... این گروه قوی نیست... ضعیفه... این مشکل داره. بعضی از این موسیقی‌ها هم در جواب این پیچ‌ها و صحبت‌های انتقادی و پاسخش رو می‌دن، نهی می‌کنند و یا توضیح راجع بهش می‌دن».

سرانجام رخساره ۱۶ ساله، اثر آرامش بخش و انگیزشی بیانات اعضای گروه بی‌تی‌اس را به احساس بغل شدن از راه دور تشبیه کرده است:

«- این که احساس می‌کنی به اون‌ها تعلق داری، باعث شده که تو زندگی‌ت اتفاق خاصی بیفته؟ من وقتی ناراحتم کلیپشون رو نگاه می‌کنم، حرف‌های انگیزشی‌شون رو نگاه می‌کنم که باعث آرامشم می‌شه، آهنگ‌هاشون رو گوش می‌کنم.

بعد جیمین در یه کلیپ یه حرف خیلی آرومی با صدای آهنگ به آرمیا زده که اون را هر وقت ناراحت می‌شم، نگاه می‌کنم، واقعاً حس آرامش و آرومی بهم دست می‌ده.

- گفتمی به خاطر همون لحن خودش، فقط لحنش یا چیزی که داره می‌گه؟

بین خیلی آروم داره مثلاً می‌گه، آرمیای من، نمی‌دونم سوییتهای من، حالتون خوبه، اشکالی نداره. شاید مثلاً روز بدی داشته باشی، ولی دلیل نمی‌شه همیشه این طوری باشه. یه همچین چیزایی می‌گه.

- یک جووری که انگار از راه دور بغل می‌شی؟

آره.

- خیلی برات پیش میاد که به این گوش بدی؟

آره».

اعضای گروه بی‌تی‌اس، در فراز دیگری از اقدام‌های خویش، به طرح موضوع‌هایی نظیر این که «اگر کل دنیا پشت تو نباشند، من هستم»، «ما مراقب شما هستیم»، «ما کنارتان هستیم» و مانند آن پرداخته‌اند، اگر چه موارد اخیر چیزی بیش‌تر از شعار نیستند و فردی که در کره جنوبی است و مثلاً هواداران ایرانی خویش را هیچ‌گاه ندیده است، واقعاً هیچ اقدام ملی برای آن‌ها نمی‌تواند به عمل بیاورد، اما صرف زدن برخی از حرف‌های انگیزشی و امیدوار کننده، گاهی می‌تواند نوجوانان و جوانان هیجان زده را تحت تأثیر (و یا حداقل تأثیر موقت) قرار دهد. مهتاب ۲۵ ساله، گلاره ۱۴ ساله و کوثر ۲۵ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خویش در این زمینه بیانات زیر را داشته‌اند:

«مثلاً گروه تو آهنگش می‌اومد اول مشکل رو مطرح می‌کرد. بعد می‌گفت من درکت می‌کنم. بعد می‌اومد امید می‌داد یا مثلاً یه آهنگ دیگه دارن که یه بخش خیلی معروف داره که می‌گه (خواندن کره‌ای) که یعنی It's OK!.

بعد حالا بگو یک، دو، سه. با من بشمر، بیا با من مثلاً فلان این طوری. بعد میاد امید می‌ده و یه حالت همراهی که آره من هستم، حتی اگه کل دنیا پشت تو نیستن، من هستم و کنارتم و اون موقع، الان تو کی پاپ خیلی خواننده‌ها از این کارا می‌کنن و خیلی آهنگای این جووری زیاده، ولی اون موقع بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که این مدل آهنگا رو می‌داد و این ارتباط عمیق رو با طرفداراش برقرار کرد و آمد از مشکلات گفت».

«فکر کنم تقریباً ۹۰ درصد آرمی‌ها این شرایط رو داشتن که توی دوران نوجوانی و بلوغ که داشتن بزرگ می‌شدن ناراحت بودن یا حال‌شون بد می‌شده و توی همین دوران بوده که با بی‌تی‌اس آشنا شدن و حال‌شون خیلی بهتر شده.



بی‌تی‌اس به‌همون بر عکس این که یاد بده برای دیگران چه جوری باشیم، این رو یاد می‌ده که چه جوری برای خودمون باشیم و خودمون رو دوست داشته باشیم و چه جوری زندگی کنیم و این خیلی تأثیرگذاره. نمی‌دونم درست باشه این رو بگم یا نه، ولی من یه زمانی حتی با سن کمی که داشتیم، شب‌ها قبل از خواب همیشه گریه می‌کردم و اصلاً حالم خوب نبود و خب هیچ‌کس هم متوجه این موضوع نمی‌شد، ولی بی‌تی‌اس نه تنها توی آهنگ‌هاش که می‌گه زندگی ادامه داره، بلکه توی همه چیزش مثل همون ران‌ها و برنامه‌ها و مصاحبه‌هاش به‌همون امید می‌دن و می‌گن که ما رو دوست دارن و این موضوع خیلی روی من تأثیر داشت و حالم رو خوب می‌کنه».

کوثر ۲۵ ساله در فرازی از مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، گروه کمپانی بیگ‌هیت چنان روابط عمیقی با مخاطبان جوان خویش برقرار کرده است که برخی از هواداران، اعضای این گروه را حتی با خانواده‌شان عوض کرده، از آنان با عنوان خانواده جدیدشان یاد می‌کنند:

«یه پیام مراقبت‌کننده طور می‌دادن تو متن آهنگاشون، که آره ما هستیم، ما مراقب‌تون هستیم، ما کنارتون هستیم و یه چیز دیگه‌ای هم که بود، این بود که بی‌تی‌اس می‌دونست یه تعداد خیلی زیادی از طرفداراشون به خاطر بی‌تی‌اس به زندگی برگشتن. و این در واقع، شاید بتونم بگم یه درصد خیلی بالایی، بیش‌تر از نصف طرفدارای بی‌تی‌اس، سر این آلبوم، یه همچین حسی داشتن که انگار یه حس خیلی بهتری به خودشون پیدا کردن. آلبومش، اسم آلبومش لاو یورسلف بود.

خودت رو دوست داشته باش. سه‌تا آلبوم بود به عنوان سری لاو یورسلف. یعنی سری لاو یورسلف خودش نزدیک دو سال طول کشید. بعد کل تمرکز این آلبوم لاو یورسلف روی این بود که خودت رو همین جوری که هستی دوست داشته باش و من مثالی بارزش رو می‌دیدم، یعنی مثلاً طرف می‌گفت

که من واقعاً می‌خواستم همه چی رو تموم بکنم و خودم رو بکشم، ولی با شنیدن این آلبوم، از این کار منصرف شدم... .

خود من توی دورانی که تینیجر بودم، واقعاً اگه بی‌تی‌اس نبود، حتی سر همین آلبوم لاو یورسلف، اگه بی‌تی‌اس این آلبوم رو نمی‌داد، من هیچ‌وقت خودم رو اون جوری که هستم قبول نمی‌کردم. به خاطر این که انگار نیاز داشتم یه نفری که دوستش داشتم، بیاد این حرف رو به من بزنه. و خیلی اثرش بیش‌تر از صدها کتاب بود که من پیام بخونم که هی به من بگه که... .

- آیا درست دارم متوجه می‌شم که این گروه یه جورایی جایگزین خانواده‌ای بود که احساس کمبودش رو می‌کردی؟

قطعاً، البته بیش‌تر برا من حکم یه دوست صمیمی رو داشت که نداشتم. ولی برای خیلیا آره. جایگزین خانواده هم بود. جایگزین یه جایی که حتی بهش بگن خونه. بعد مثلاً اعضای اون خانواده هم می‌شن مثلاً طرفدارایی که مثل تو اون گروه رو دوست دارن. همون چیزی رو که تو دوست داری، اونا هم همون رو دوست دارن».

۳-۳- افزایش اعتماد به نفس مخاطبان

دوره نوجوانی در عین آن که دورانی از تحول‌های روانی، اجتماعی و عقیدتی و زیباشناختی است، دورانی از تحول‌های مغزی نیز هست به این معنا که اولاً به دلیل تفاوت در میلینی شدن سلول‌های عصبی در قسمت‌های شناختی و هیجانی مغز، نوجوانانی که هنوز سلول‌های مراکز هیجانی آن‌ها میلینی نشده است، واکنش‌های هیجانی شدیدتری را از خود نشان می‌دهند و ثانیاً به سبب آن که اصولاً ماده خاکستری مغز در دوره نوجوانی، تا پیش از رخ دادن فرایند هرس سلولی، بیش‌تر از ماده خاکستری مغز افراد بزرگ‌سال است، نوجوانان مسایل هیجانی را با شدت بسیار بسیار بیش‌تری تجربه می‌کنند.

هیجان‌های شدید نوجوانان و جوان از سویی و دیگر تحول‌های آنان از سوی دیگر، در مجموع سبب می‌شوند که نوجوان و جوان سریع‌التأثیرتر از بزرگ‌سالان عمل کرده، در برخورد با کم‌ترین ناملایمات، به سادگی ناکامی و شکست را پذیرا شوند و همین امر به کاهش اعتماد به نفس نوجوانان و جوانان عاطفی و هیجانی بینجامد.

برخی از هواداران مصاحبه شده در جریان مباحث خویش، خاطرنشان ساخته اند که آنان در مواجهه با بعضی از ضعف‌های خویش، خود را سرزنش کرده یا خودشان را دوست نداشتند، اما در برخورد با آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، در عمل ملاحظه کرده اند، اعضای گروه بی‌تی‌اس نیز عیناً تجربیاتی شبیه آنان را تجربه کرده اند، اما با پایداری و مقاومت در برابر آن‌ها، در عمل به افق‌های فراتری دست یافته اند. از این رو افراد اخیر، با کنار نهادن سرزنش و نفی و انکار خود، با انتخاب مسیر دوست داشتن خویش و یافتن آرزوهای بزرگ، برای دستیابی به افق‌هایی بالاتر، دست به کوشش و تلاش مضاعف زده اند.

نیکوی ۱۵ ساله، مرضیه ۱۹ ساله و پریناز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته اند، از ارتقای اعتماد به نفس خویش در جریان کاربری از گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- گوش دادن این آهنگ‌ها چه تأثیری روی تو گذاشته و پیام‌هایی که توی آهنگ‌هاشون می‌دن

روی زندگیت تأثیر مستقیم گذاشته و باعث شده که چیزی در زندگی تو تغییر بکنه یا نه؟

آره، مثلاً من وقتی هنوز طرفدارشون نبودم، هیچ وقت این پیام خودت را دوست داشته باش گوشم نخورده بود و بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، تازه با اهمیت این موضوع آشنا شدم و مشکلاتم رو بهتر درک کردم. البته که با وجود عیب‌ها و نقص‌ها هنوزم کامل نتونستم خودم رو دوست داشته باشم، یعنی بهتر از قبل شدم، ولی کامل نشده، مثلاً اعتماد به نفسم چند سال پیش این جور بود که وقتی خودم رو می‌دیدم تو آینه به خودم فحش می‌دادم، ولی بعد از این که این پیام رو شنیدم، خیلی تأثیر گذاشت که مثلاً قیافه‌ام رو دوست داشته باشم، هیکلم رو دوست داشته باشم، شخصیتم رو تا به جایی پذیراش باشم، ولی خوب مثلاً روی دوستانم که طرفدار بی‌تی‌اس هستن، خیلی روی بعضی‌هاشون تأثیر گذاشته و آدم قشنگ متوجه می‌شه که اعتماد به نفس شون بیش‌تر شده یا مثلاً تا به مدتی فکر می‌کردم این که به موقع‌هایی بی‌دلیل ناراحت باشم و یا دلیل کوچک و مزخرفی باشه برای ناراحت بودنم و گریه کنم، خیلی به معنای ضعیف بودنمه، در صورتی که اصلاً این طوری نبود و این اشتباه بود و این رو وقتی متوجه شدم که توی یک برنامه‌ای که اسمش رو یادم نیست، شوگای بی‌تی‌اس داشت می‌گفت که کاملاً اوکی و طبیعی هست که به موقع‌هایی حال‌تون خوب نباشه، حتی بی‌دلیل، این به چیز طبیعی و اصلاً مشکلی نداره و این که باید در برابر مشکلات، در مورد نقص‌هایی که داریم و اتفاقات بدی که می‌افته، باید قوی باشیم. مثلاً به سری اتفاقات وحشتناک برای افراد خوب می‌افته و این بخشی از زندگیه و این طبیعت انسانه که گاهی وقتاً ناراحت بشه و گریه کنه و این کاملاً اوکی هست و نشانه ضعف نیست، این پیامش خیلی روی من تأثیر داشت».

«- از بی‌تی‌اس چه چیزهایی یاد می‌گیری؟

اونا زندگی کردن و ادامه دادن رو بهم یاد دادن، حتی وقتی احساس خلاء و ناامیدی می‌کردم، باز ادامه دادن همان طور که نامی می‌گفت، اگر می‌خواستین کاری رو انجام بدید، ولی سخت‌تون بود یا انگیزه‌ی انجام دادنش رو نداشتید، به خاطر من انجامش بدید، اونا به ما درسایی دادن که تو کتاب‌هامون و خانواده ردی ازش رو نمی‌بینیم، امید به روزی بهتر رو به رگ‌هامون تزریق می‌کنن، پس امیدوار می‌شیم به آینده‌ای که شاید حتی از نظر خودمون و اطرافیانمون دور از واقعیت باشن، مثل یونگی که می‌گفت به به جایگاهی رسیدم که خانواده‌ام هم فکرش رو نمی‌کردن، عمیقاً درکش می‌کنم و عمیقاً از سوی اونا ما درک می‌شیم، منی که از رؤیاهام به خانواده‌ام می‌گم و غیرواقعی و دور از تحقق می‌بیننش، روزی بهشون نشون خواهم داد، تلاش کردنشون رو دیدم و شیفته تلاش کردن شدم، برای رسیدن به

رؤیاهام، بهم نشون دادن می‌شه از سئول نباشی، ولی رشد کنی، می‌شه محدودیت‌ها رو بشکنی و بالا بری، می‌شه حتی اگه معیارهای زیبایی که حاکمه بر دنیا رو نداشته باشی با یه چهره‌ی شرقی پسند هم موفق بشی، این برام دلگرم کننده هس، خجالتی بودن و ترسو بودن رو صفت‌های از این قبیل، هیچ کدوم باعث برتری نمی‌شن، من خجالتی بودم همیشه، ولی انکارش می‌کردم، بقیه بهم می‌گفتن خیلی خجالتی هستی، نمی‌خواستم بپذیرمش، چون خجالتی بودن رو بد و منفی می‌دونستم، ولی بعدش که تهیونگ گفت: «آیم سو شای» (من خیلی خجالتی‌ام)، منم پذیرفتمش یا مثلاً وقتی تهیونگ می‌گفت، خودم رو دوست ندارم و احساس می‌کنم زیبا نیستم، واس همین یه مدت طولانی سلفی نمی‌انداخت، من یادمه یه بار تو یه جمع سه‌تایی بودیم، یکی از دوستانم گفت که بدترین دوره‌ی زندگی‌م زمانی بود که خودم رو دوست نداشتم، بعد یکی از بچه‌ها برگشت گفت، مگه می‌شه، اصلاً چه قدر آدم‌های ضعیفی هستید، همون بهتر که بمیرید، خب منم همچین احساسی رو تو یه دوره از زندگی‌م تجربه کردم، اما نتونستم دیگه حرفی بزنم و ریختم تو خودم، فقط گفتم فکر کنم همه یه همچین دوره‌ای رو تو زندگی‌تون تجربه می‌کنن که دوباره برگشت، گفت نه، من اصلاً این طوری نبودم، همیشه خودم رو دوست داشتم، اصلاً از این حرفش احساس خوبی نگرفتم، ولی یکی مثل اونا رو می‌بینم که چه قدر شبیه ما ان و احساسات‌مون یکیه، خوشحال می‌شم.

- احساس می‌کردی شبیه هم هستید و از سوی همدیگه درک و فهمیده می‌شید؟

دقیقاً توی برنامه ۷۷ سوال یه سوال از تک تک اعضا پرسیده شد، سوال این بود که تو زندگی با ارزش‌ترین احساس‌تون چیه؟ من ویدیو رو مکث زدم و خودم به این سوال پاسخ دادم و پاسخی که من دادم، دقیقاً عین پاسخی بود که تهیونگ داد، فقط شاید یه کمی کلمه‌هاش و زبانش متفاوت بود و یک‌سری جملات و حرفایی که می‌زدن آرامش بخشم بوده و هست.

- هنوز اون هیجان و تازگی که پسرها از اول برات داشتن رو دارن یا نه؟

آف کورس (بله البته)».

«- گروه بی‌تی‌اس و دنبال کردن اون‌ها چه تأثیرات مثبتی توی زندگی‌ت داشته؟

بی‌تی‌اس واقعاً، واقعاً توی زندگی من تأثیر زیادی داشته، یکی از بزرگ‌ترین‌هاش دگرگونی من و زندگی من بوده، یعنی کلاً بهم انگیزه داد که رویاهای بزرگ داشته باشم و تلاش کنم براشون و این که هر کدوم از ما می‌تونیم یه آدم خاص باشیم کافیه هدف داشته باشیم و برای اون هدف بجنگیم و این که جا نزنم، کنار نکشم و قوی باشم. من با جملات بی‌تی‌اس دارم زندگی می‌کنم، قبلاً شاید به خاطر عیب‌هام خودم رو سرزنش می‌کردم، ولی الان پذیرفتم که هیچ کس بی‌نقص نیست و طرز دید من رو نسبت به آدم‌های اطرافم تغییر داده، مثل کسی که دیدش تاره، ولی وقتی عینک می‌زنه، شفاف می‌تونه ببینه، واقعاً برای من این طوری بود. این گروه باعث شد نسبت به آینده و حتی زمان حال خودم شفاف‌تر فکر کنم، روشن‌فکر بشم یه جورایی».

۳-۴- تلاش در جهت ارتقای مهارت‌های زندگی^۱

نوجوانان و جوانان در آغاز زندگی خویش نیازمند فراگیری بسیاری از مهارت‌های اجتماعی هستند. برقراری روابط سالم با دیگران، تصمیم‌گیری، حل مسأله، مدیریت تنش، مدیریت احساسات، همدلی، تفکر نقادانه، تفکر خلاق، مهارت مدیریت رابطه، خودآگاهی، برخی از مهارت‌های ضروری برای هر جوانی به حساب می‌آیند. اعضای گروه بی‌تی‌اس نیز در راستای تحقق اهداف اقتصادی تا سیاسی کمپانی خودشان، کوشیده‌اند تا با طرح برخی از مشکلات فراروی جوانان و روشنگری در زمینه آن، به نوعی در ارتقای مهارت‌های زندگی مخاطبان خویش مؤثر واقع آیند. مهشید ۲۱ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، به گزارش نمونه‌ای از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس که ارتقای مهارت‌های زندگی مخاطبانش را مدنظر دارد، به قرار زیر یاد کرده است:

«- نوع موسیقی که می‌خوانند، چه طور هست؟»

همه جور می‌خونن، ولی غمگینش هم تهش یک پیامی داره. حالت موسیقی‌شون همیشه نه غمگینه و نه همیشه شاده، همه‌شون یک جوری می‌خوام بگم انرژی‌زا هستند، ولی حتی اگه غمگین باشه، یه جورایی پیام توش داره، به طور مثال، یک آهنگ خیلی معروفشون هستش به نام فیک لاو یعنی عشق

۱. سازمان بهداشت جهانی مهارت‌های زندگی را به این شکل تعریف کرده است که «مهارت‌های زندگی مجموعه مهارت‌های روانی-اجتماعی هستند که به ما کمک می‌کنند به شکلی سازنده با نیازها و چالش‌های زندگی روزمره روبه‌رو شویم و بهتر با آن‌ها کنار بیاییم».

۲. متن آهنگ فیک لاو که با تلفیقی از زبان کره‌ای و انگلیسی اجرا شده است، به قرار زیر است:

من می‌تونم به خاطر تو وانمود کنم،

که خوشحالم، وقتی غمگینم،

به خاطر تو من حاضرم جوری رفتار کنم،

قوی هستم، وقتی درد آورده،

ای کاش عشق به همون اندازه که بی‌نقصه، بی‌نقص بود،

ای کاش تمام ضعف‌های من پنهان می‌شد،

در رؤیایی که به واقعیت نمی‌پیوست،

من گلی که نمی‌تونست شکوفه بزنه رو بزرگ کردم،

حالم از این عشق دروغین به هم می‌خوره،

متأسفم، اما این یک عشقه دروغینه،

من می‌خوام مرد خوبی باشم فقط برای تو،

من دنیا رو به پات ریختم،

من به خاطر تو همه چیز رو تغییر دادم،

حالا خودم رو نمی‌شناسم، من کی هستم؟

در جنگل خودمونم، تو اونجا نبودی، مسیری که تا اینجا اومدم رو یادم رفته،

دروغین، یک آهنگ غمگینه، تماماً در مورد یک عشق الکی و عشق دروغین صحبت می‌کنه. توی یک پارتش (بخش) جالبه می‌گه: «من می‌خواستم بهترین مرد دنیا برای تو باشم و خواستم اون قدر خودم رو تغییر بدم تا اون چیزی که تو می‌خوای بشم، بعد اون قدر تغییر کردم که حتی وقتی جلوی آینه هم رفتم، خودم، خودم رو نشناختم که این واقعاً منم، اون وقت فهمیدم که تو اگر واقعاً عاشق من بودی، من رو با تمام خوبی‌ها و بدی‌ها می‌خواستی، نه این که من بشم یه آدمی که تو می‌خوای تا اون هویت اصلی خودِ خودم از یادم بره». درسته آهنگ جنبه‌ی غمگینی داره... اما تهش داره این پیام رو می‌ده که تو حتی واسه یه آدمی که دوستش داری، حتی آدمی که عاشقش، نمی‌خواد تغییر کنی، یعنی خودت رو تبدیل کنی به یه آدمی که اون می‌خواد. درسته عوض شدن خوبه‌ها، ولی عوض شدنی که نتیجه مثبت داشته باشه، نه عوض شدن و تغییری که بشی یه آدم دیگه، آدم دیگه‌ای که بقیه دل‌شون بخواد، نه اون‌ی که تو هستی. خیلی از آهنگای دیگه حتی اگر غمگین باشن، پیام یک چیز دیگه‌ای رو داره... دارن در مورد یک چیز دیگه‌ای صحبت می‌کنه».

من حتی مطمئن نیستم کی بودم،
پس سعی می‌کنم از آینه بپرسم، من کی هستم؟
شدیداً دوست دارم، شدیداً دوست دارم،
برای تو یک دروغ زیبا ساختم،
عشق خیلی دیوانه‌واره،
من خودم رو حذف می‌کنم تا عروسک تو باشم (مثل عروسک خیمه شب بازی رفتار می‌کنم تا تو رو داشته باشم)،
چرا این قدر ناراحتی؟ نمی‌فهمم، نمی‌فهمم،
بخند، بگو که دوستم داری،
بهم نگاه کن، من خودم رو انداختم دور،
حتی تو نمی‌تونی من رو درک کنی،
تو می‌گی من غریبه‌ام، به شخصی تبدیل شدم که تو قبلاً دوستش داشتی،
تو می‌گی من اون شخصی نیستم که تو قبلاً می‌شناختی،
نه؟ منظورِت چیه نه؟ من کورم؟
عشق؟ عشق دیگه چه کوفتیه؟ اینا همش عشق دروغینه؟
نمی‌دونم، نمی‌دونم، نمی‌دونم، چرا،
حتی من، حتی من خودم رو نمی‌شناسم.
فقط می‌دونم، می‌دونم، می‌دونم، چرا،
چون این عشق سر تا پاش دروغه،
برای تو یک دروغ زیبا ساختم.
(به نقل از سایت لبریکس وان).

۳-۵- استفاده از برخی از مفاهیم فلسفی و روان‌شناختی در آهنگ‌ها

برخی از مصاحبه‌شوندگان در توصیف دلایل علاقه‌مند شدن خویش به گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت، از محتوای جذاب ارایه شده این گروه یاد کرده، خاطر نشان ساخته‌اند، محتوای اخیر که مواردی نظیر: استفاده از برخی از مفاهیم فلسفی و روان‌شناختی در آهنگ‌ها و مانند آن‌ها، عامل پیشی گرفتن گروه بی‌تی‌اس در گروه‌های کی‌پاپ کره و جا گذاشتن پاپ هالیوودی است و آنان بر مبنای همین دلایل، متوجه گروه کمپانی بیگ‌هیت شده‌اند.

ریحانه ۲۱ ساله، در مقایسه موسیقی هالیوودی و کی‌پاپ، موسیقی کی‌پاپ را به دلایل «محتوای عمیق فلسفی و روان‌شناختی»، «کاربری از اسطوره‌ها»، «پرداختن به مسایل جوانان» و مانند آن‌ها، یک موسیقی متفاوت و قابل توجه می‌داند. وی در همین رابطه بیان می‌داشت:

«- خوب ریحانه، کلاً دلیل این که خودت جذب کی‌پاپ شدی، چی بود؟»

راستش من از قبل به موسیقی‌های آمریکایی علاقه داشتم واقعاً. هنوزم دارم. ولی هیچ علاقه‌ای به موزیک ویدیوها و لیریک‌هاشون نداشتم. به نظرم اکثراً معنی‌های جالبی نداشتن و خیلی سطحی و بدون پیچیدگی و کانسپت خاصی به نظر می‌اومدن. بعد از این که چندتا کلیپ کوتاه از موزیک ویدیوهای کره‌ای دیدم، اول جذب فضای پر از تنوع و رنگ و موزیک ویدیوهای پر هزینه و چشم‌گیرشون شدم و این که توی همین موزیک ویدیوهای چند دقیقه‌ای، یک داستان و یک موضوع و چندین تئوری و تحلیل و عمق خوبی رو گنجونده بودن هم برام خیلی جذاب بود. چون به موزیک ویدیوهای بی‌محتوا و اکثراً جنسی و کم‌هزینه‌ی هالیوودی عادت کرده بودم و این مقدار از توجه روی محتواشون خیلی برام جدید و جالب بود و علاقه داشتم که ببینمشون، درباره‌شون بخونم و بدونم داستان پشت این صحنه‌ها و تصاویر و تحلیل‌هاش چیه.

مورد بعدی هم محتوای آهنگ‌ها بود. متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس اکثراً از فضای آهنگ‌های جنسی و عاشقانه و صرفاً بیس‌دار آمریکایی-اروپایی خیلی فاصله داشت و توی متن آهنگ‌ها، یک مفهوم فلسفی یا روان‌شناسی گنجونده شده بود. این از مهم‌ترین علت‌هایی بود که به بی‌تی‌اس جذب شدم.

۱ . ملاحظه برخی از آهنگ‌های ارایه شده توسط گروه‌های کی‌پاپ نیز از وجود برخی از مفاهیم سطحی و مبتدلی که در این گروه‌ها هست، حکایت دارد. متن آهنگ پول (money) از لایسا، رپر گروه بلک پینک به قرار زیر است:
«آخر ماه و آخر هفته هست،

می‌خوام این چک رو برای خودم خرج هر چیزی کنم،

می‌خوام به خودم پاداش بدم و هم‌هاش رو برای خودم خرج کنم،

مثل سیل سرازیر شده به خودم می‌رسم،

چک، چک، چک، اون پول رو چک می‌کنم،

برای خودم شماره حساب بانکی درست می‌کنم،

چون متن آهنگ‌ها بسیار قوی بودن و روی یک خط داستانی و محتوایی خیلی منسجم و خوب پیش می‌رفتند و توی هر آرایه و دوره‌ای توی کار موسیقی‌شون، به یک محتوای عمیق می‌پرداختن، مثل جوانی، مشکلات نوجوانان، مشکلات سیستم آموزشی، پذیرفتن خود، دوست داشتن خود و تمام ابعاد خودمون».

ریحانه در فرازی دیگر از «سوق یافتن موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس به سمت یک داستان یا فیلم» به عنوان یکی از نقاط قوت و درخشش این گروه و البته کمپانی آن یاد کرده است:

«- بیش‌تر موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس تئوری داره؟»

اکثراً تئوری‌ها و تحلیل‌های خاص خودشون رو دارن یا تئوری هستن، یعنی یک داستان و یک روایت خاص رو بیان می‌کنن که این، موزیک ویدیو رو به حالت یک فیلم و یک داستان شبیه می‌کنه تا جذابیت بیش‌تری به محتوا بده یا تحلیل هستن که به کانسپت کلی آلبوم برمی‌گردن».

ریحانه ۱۷ ساله (که مصاحبه‌شونده دیگری است)، در مصاحبه خود به این معنا اشاره دارد که کمپانی در کنار تبلیغات گسترده، با افزایش جذابیت محتوایی که توسط گروه موسیقی خویش آرایه می‌کند، این گروه را بیش از پیش در منظر مخاطبان مطرح می‌سازد:

این لعنتی چیزیه که تو هیچ وقت نمی‌تونی تجربه‌اش کنی،

عوضی، من پولام رو به رقص در میارم و چمدون چمدون پول در میارم،

وقتی فروشنده بهم می‌گه «اینجا رو امضا کن»، فقط دست ختم رو براش می‌ذارم و می‌رم،

اسکناس‌های دلار، اسکناس‌های دلار،

ببین شون که دارن رو سرم می‌ریزن،

حسی که بهم می‌دن رو دوست دارم،

اسکناس‌های دلار، اسکناس‌های دلار،

همین طوری بیش‌تر و بیش‌تر برای من بریزین،

حسی که بهم می‌ده رو دوست دارم،

اومدم اینجا تا به کم از پولام رو بریزم، همه پولام رو بندازم هوا،

یه کم پول بریزم، این پول خیلی خوشمزه‌ان، آره،

وقتی چیزی که دوست دارم رو می‌خرم، تو پوست خودم نمی‌گنجم،

دلار، اسکناس‌های دلار امشب از زمین و آسمون برام می‌ریزه،

همه ساکت،

گوش کنین پول‌هام چی می‌گن،

هر طوری که بخوام خرج‌شون می‌کنم،

آره همه می‌دونن که من چقدر خودخواهم،

وقتی عصبانی می‌شن خودخواهیم برطرف می‌شه،

هر چیزی که می‌خوام رو بهم بده، هر چیزی که می‌خوام رو بهم بده».

(ترجمه آهنگ از مجله مارگارتا برداشت شده است).

«- عزیزم من دقیقاً نتونستم متوجه بشم چرا این‌ها رو منتشر می‌کنن، یعنی مفهوم خاصی رو می‌خوان برسونن؟»

کلاً هر کدام از موزیک ویدیوها پشت‌شون کلی تئوری و فلانه. هر چیزی اونجا استفاده شده و هر اکسسوری‌ای، یه معنی‌ای قطعاً این وسط هست که خب حالا بعضی از آرمیا یه سری دیدگاه خاص خودشون رو دارن، یعنی تئوریا خیلی متفاوته، مثلاً توی موزیک «فیلم اوت» می‌گن که بچه‌ها توی دنیای موازین و جین داره کاری می‌کنه و حالا داره دنبال‌شون می‌گرده و اینا، ولی کلاً هر چیزی پشتش یه مفهومی داره و شاید ما درست نفهمیم و فقط یه حدسایی می‌زنن.

- یعنی می‌خوان یه پیامی بفرستن؟

آره دیگه، مثلاً توی متن آهنگاشون هم پیام می‌فرستن برای طرفداراشون مثلاً توی «نو مور دریم» می‌گه راه خودت رو برو، حتی اگه یه روز برای زندگی داری و ضعفات رو بذار کنار که خب بهمون انگیزه می‌ده که تلاش کنیم برای زندگی خودمون و حال‌مون رو خوب می‌کنه».

کوثر ۲۵ ساله در فرازی از مصاحبه‌اش، با طرح مواردی مانند: «استفاده از مفاهیم فلسفی و روان شناختی در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس»، «ارایه آهنگ‌های مفهومی» و «ایجاد یک پازل مفهومی در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس» را از ویژگی‌های قابل تأمل کمپانی بیگ‌هیت می‌داند که توسط گروه وی محقق شده اند:

«اون موقع که بی‌تی‌اس اولین بار موزیک ویدیوش رو داد، بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که اومد، از استوری لاین (داستان پس‌زمینه‌ی یک آهنگ) خیلی دیپ و عمیقی تو موزیک ویدیوهاش استفاده کرد. به این صورت که مثلاً توی یه سال موزیک ویدیویی که می‌داد، به هم ربط داشتن. یعنی مثلاً یه حالت داستان طور بود که طرف منتظر بود که ببینه بقیه‌اش چی می‌شه و بالاخره پیام اصلی رو می‌داد که اون پیامه هم معمولاً یه پیام خیلی مفهومی و عمیق بود. بعد کاراکترسازی می‌کرد توی موزیک ویدیوهاش. از کتابای فلسفی استفاده می‌کردن تو موزیک ویدیوهاشون».

«اونا اولین کسانی بودن که این کارا رو کردن. یعنی اولین کسانی بودن که شروع کردن آهنگای مفهومی بدن و اولین کسانی بودن که شروع کردن موزیک ویدیوهای عمیق بسازن و دیگه بعد از اون گروه‌های دیگه تلاش کردن این کارا رو بکنن، ولی دیگه اون جوابی که سر بی‌تی‌اس داد، براشون همون جواب رو نمی‌داد، چون دیگه مردم آشنا بودن به این قضیه و دیگه چیز جدیدی براشون نبود. ولی اون موقع براشون جدید بود و همین جدید بودن، اون کلیک رو می‌زنه تو ذهنه. اون کانکشن رو برقرار می‌کنه».

مهتاب ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، برخی از اعضای گروه بی‌تی‌اس نظیر نامجون و شوگا، در جریان تهیه و تدوین متن برخی از آهنگ‌های گروه، با توجه به سوابق مطالعات

فلسفی و روان‌شناختی خویش و یا استناد به منابعی مانند کتاب «نقشه روح یونگ»، به این کار مبادرت می‌ورزند.

«چیزی که من رو به خودش جذب کرد، اول از همه پرفورمنس‌ها و کنسرت‌هاشون بود و این شوری که توی کنسرت‌هاشون وجود داره و چیز دومی که من رو به خودش جذب کرد، پیامی بود که با آهنگ‌هاشون می‌خواستند برسوند و می‌رسوند.

- چه پیام یا پیام‌هایی؟

اول این که اعضای بی‌تی‌اس خودشون معمولاً کار لیریک^۱ (محتوای آهنگ) نوشتن و آهنگ‌سازی رو انجام می‌دن. این باعث می‌شه که از تجربیات جوونی و نوجوونی خودشون بنویسن که خود این مسأله باعث می‌شه که نوجوان‌ها بتونن باهاش و با پیامی که آهنگ می‌خواد برسونه، ارتباط برقرار کنند. مثل شوگا^۲ که توی یکی از آهنگاش که اسمش د لست^۳ بود، از مشکلاتی که توی نوجوونی داشته می‌گه که ممکنه خیلی از نوجوانا با شنیدن اون تجربیات حس بهتری در مورد خودشون بگیرن. همین آهنگ یکی از آهنگ‌های مورد علاقه خود منه. چون می‌دونید، یه حالت همذات‌پنداری آدم پیدا می‌کنه، چون مشکلاتی که بهش اشاره می‌شه، می‌تونه مشکلات تو هم باشه. حداقل برای من بود.



یه مورد دیگه‌ای هم که هست، اینه که بی‌تی‌اس سطح کاراش عمیق‌تر از بقیه‌ی گروه‌ها هست یا شاید بتونم بگم گسترده‌تره. اونا از فیلم‌ها و کتاب‌ها برای کاراشون الهام می‌گیرن و از نمادهای مختلفی استفاده می‌کنن. حتی نامجون^۴ و شوگا مطالعه‌ی روان‌شناسی و فلسفی دارن و از اون برای نوشتن متن آهنگ‌ها استفاده می‌کنن. مثلاً برای آلبوم مپ اف د سول^۵ (نقشه‌ی روح) از کتاب نقشه‌ی روح یونگ استفاده کردن. به خاطر همین می‌گم، پیامی که می‌رسونن، باعث می‌شه ما بشینیم و به مفهومی که

1 lyric

2 Suga

3 The last

4 Kim Namjoon

5 Map of the soul

اون آهنگشون داره فکر کنیم که معمولاً این مفهوم در مورد دوست داشتن خود، امید به زندگی و این چیزها هست.



این‌ها مفاهیم مهمی هستند که به نظر من اتفاقاً توی جامعه امروز در جهان، چه توی غرب یا توی همین ایران، لازمه بهشون توجه بشه، چون که امید نداشتن یا خشم و تنفر چیزهایی هستند که در روزگار جدید، خیلی زیاد شدن و همین باعث بالا رفتن آمار جرم و جنایت و خشونت و بیماری‌های روانی می‌شه. در این مورد می‌شه به آهنگ لایف گووز آن^۱ (زندگی جریان دارد) اشاره کرد، پیام پشت این آهنگ اینه که زندگی هیچ وقت برای ما صبر نمی‌کنه و همیشه ادامه داره، حتی تو شرایط سخت، زندگی ادامه داره و ما باید حتی وقتی احساس ناامیدی و غم داریم، برای آینده تلاش کنیم.



پیام پشت آهنگ باتر (کره) هم اینه که تو شرایط سخت زندگی، مثل کره نرم و شکننده نباشیم و در برابر مشکلات زود نشکنیم و کم نیاریم.



آلبوم لاو یورسلف (خودت رو دوست داشته باش) هم که پیامش دوست داشتن خودمونه و این پیام اصلی گروه بی‌تی‌اس هم هست که همیشه و همه جا اون رو گفته. یعنی این که خودمون رو به همون شکلی که هستیم دوست داشته باشیم و به خاطر بقیه خود واقعی خودمون رو عوض نکنیم».



شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان ساخته است که در آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، حتی مفاهیمی از انجیل مسیحیان مورد استفاده قرار گرفته اند. وی در همین ارتباط می‌گوید: «این که می‌گی بی‌تی‌اس توی آهنگاشون از کلمات انجیل استفاده می‌کنن، چرا برای شما جالبه؟ خب چون می‌گن که دین صلح و محبتیه دیگه. بعد جملاتی که من شنیدم که از انجیل به کار می‌برن، همه‌اش جملات مثبتیه.»

– می‌شه چندتاش رو که یادت میاد رو بگی؟
مثلاً این که تلافی نکن. جواب بدی رو با بدی نده. به همه محبت کن».

۳-۶- فاصله گرفتن نسبی از محتواهای بی ادبانه موسیقی سایر پاپ‌ها

از آنجا که موسیقی پاپ، یک موسیقی اعتراضی شناخته می‌شود، بیانگر برخی از واقعیات تلخ اجتماعی و به تبع آن، خشم، کینه و نفرت است، خود به خود با ناسزاگویی توأم شده و عاری از فحاشی نیست. برخی از هواداران مصاحبه شده، با اشاره به متن موسیقی پاپ‌های دیگر (نظیر پاپ هالیوودی) یادآور شده اند که آنان فحاشی و ناسزاگویی موسیقی پاپ مرسوم را نمی‌پذیرند، از این رو گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس را که در موسیقی خود از کلمات مستهجن استفاده نکرده یا استفاده قلیلی دارد، بر دیگر گروه‌های پاپ ترجیح می‌دهند.

زهرای ۲۴ ساله، مهشید ۲۱ ساله و گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌های خویش با اشاره به فحاشی‌های موجود در پاپ‌های دیگر، بیانات مؤدبانه‌تر گروه بی‌تی‌اس را امتیازی برای این گروه شمرده اند:

«- پس در برخورد اول، شوخ بودن شون باعث شد که شما جذب شون بشید.

بله، هم فان بودن هم خوش اخلاق و شاد.

- در ادامه که به سراغ موسیقی‌های گروه رفتید، چه چیزی باعث شد که شما به آهنگ‌های گروه

علاقه‌مند بشید؟

معانی شعرهاشون جالبه و اغلب برخلاف رپ فارسی الفاظ رکیک استفاده نمی‌شه و اکثر اوقات نه همیشه، درباره‌ی دغدغه‌ها صحبت می‌شه».

«- موسیقی بی‌تی‌اس را از چه لحاظ دوست داری، ریتم‌شون، لیریک یا چیزهای دیگه؟

من تفاوت صداشون رو دوست دارم. قانون کی‌پاپ اینه که تو یه گروه باید چندتا وکال باشن، چندتا

رپر... یعنی چندتا آدم که رپ می‌خونن و یا وکال می‌خونن. همین موسیقی که ما می‌شنویم، این طوری

نیست. مثلاً توی آمریکا بعداً هم توی ایران باب شد که رپر، انگار باید آدم خاصی باشه... توی نصف

موسیقیش فحش باشه... نصفش رو داد بزنه، مثلاً این یعنی رپر. تعریفش توی کره فرق می‌کنه، خیلی

کم پیش میاد تو موسیقی فحش گفته بشه، اصلاً این کار واقعاً نکوهیده‌ای در کره هست. از اونجا که

موسیقی‌هاشون رو تلویزیون پخش می‌کنه، دنس‌ها و لیریک‌ها (متن‌های ترانه) که مشکل دارن، حذف

می‌شن و ترجیحاً بهشون گفته می‌شه، رعایت کنند، اصلاً چیز زشت و فحش بده. تو آمریکا نگاه کنیم

یه سری از موسیقی‌ها توی سبک رپ یا سبک جاز شروع می‌کنن به فحش دادن و داد زدن‌های مکرر

و یکی از دلیل‌هایی که بی‌تی‌اس رو دوست دارم».

۱. وکال در کیپاپ به معنی خوانندگی است. مین وکالیست (Main Voclist) نیز به فرد یا افرادی گفته می‌شود که صدای بهتری نسبت به سایر اعضا دارند و مدت زمان بیشتری می‌خوانند.

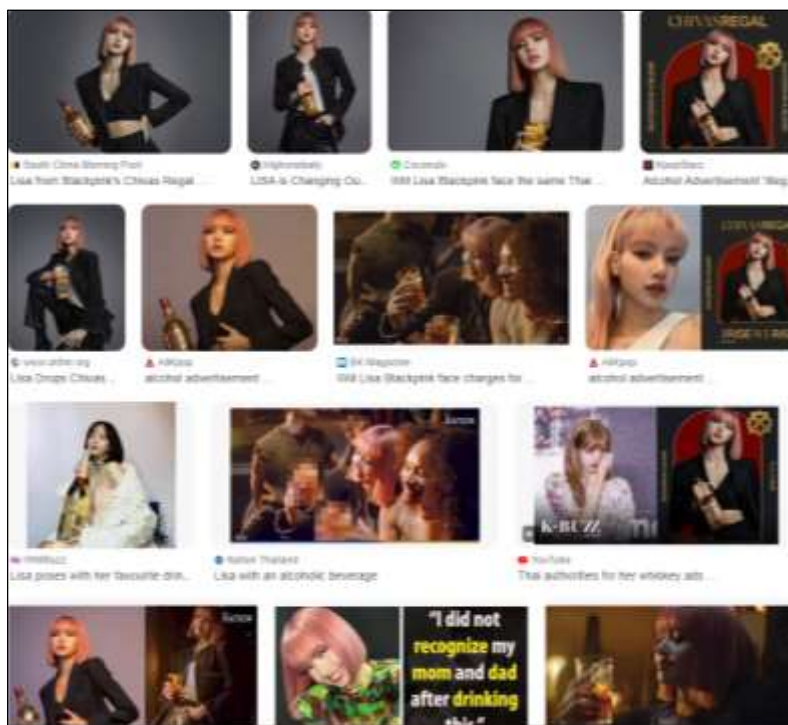
«... مثلاً از کلمات فحش و بی‌ادبی رایج توی دنیا و کلمات انگلیسی نباید استفاده بکنن و حتی کلمات فحش کره‌ای رو هم استفاده نمی‌کنن. البته دیگه کم‌کم از محدودیت‌هاشون داره کم می‌شه، نه این که محدودیت‌ها کامل بخواد برطرف بشه‌ها، ولی کم‌کم چون دارن پیشرفت می‌کنن و هم بیش‌تر جهانی می‌شن، بعضی محدودیت‌های اون‌ها کم‌کم داره عادی می‌شه».



۳-۷- ارایه گاه و بی‌گاه برخی از محتواهای جنسی

اگر چه گروه بی‌تی‌اس به عنوان یک گروه پاپ اعتراضی، از واژه‌های نامناسب در حد و اندازه دیگر گروه‌های پاپ استفاده نمی‌کند، اما به سبب آن که کمپانی بیگ‌هیت در کنار اهداف اقتصادی خویش، اهداف دیگری از جمله اهداف فرهنگی را دنبال می‌کند و یکی از اهداف فرهنگی آن جنسیت‌زدایی از عشق هست، بنابراین در برخی از اجراهای این گروه می‌توان شاهد طرح برخی از مفاهیم (و حرکات) جنسی بود. ترنم ۱۸ ساله در مصاحبه خودش در این ارتباط چنین بیان داشته است:

«... مثلاً تو آهنگ دینامیت، اولش جونگ‌کوک می‌گه صبح‌ها پا می‌شم شیر می‌خورم. نه مثل این گروه دخترونه بلک‌پینک که لیسا تو یک آهنگش می‌گه، مشروب و الکل، از سال ۱۸۹۵ عه حتی از اون موقع که من نبودم برام نگه داشتن و یه جورایی طرفدارهاشون را تشویق به مصرف این جور چیزها می‌کنن، من خوشم نمی‌اومد، چون اکثر فن‌های چه بی‌تی‌اس باشه، چه گروه دیگه‌ای، از ۱۲ سال بگیر تا به بعدش فن می‌شن و اینا بزرگ می‌شن به تقلید از حرف‌های اونا همین کار رو انجام می‌دن، البته بی‌تی‌اس هم بعضی جاها صحبت‌های مثبت ۱۸ می‌کنن‌ها، ولی تازگی این کارها رو انجام می‌دن، تو چپتر اول اصلاً نبود. کلاً یکی از دلایلی که بی‌تی‌اس رو فراتر از کی‌پاپ می‌دونم، همین سبک کاری‌شون هست که موسیقیش با کی‌پاپ متفاوت».



حدیث ۱۴ ساله و ترانه ۱۸ ساله هم با بیان برخی از معیارهای کمپانی برای ستاره‌های خودش، نظیر برخورداری پسران از سیکس‌پک و چشم‌های درشت و چهره و اندام استخوانی، از هیجان‌زده شدن خودشان در این ارتباط یاد کرده اند.

سرانجام فرشته ۱۸ ساله، از کراپ‌تاپ^۱ پوشیدن آیدول‌ها و یا آرایش زنانه و تلاش جیمین بر دخترانه کردن صدای خودش به عنوان مواردی غافل‌گیر کننده برای خودشان یاد کرده اند. رهای ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از نگاه‌های عاشقانه و رفتارهای بسیار نزدیکی که ستاره‌ها روی صحنه باهم داشته و رنگ و بوی هم‌جنس‌گرایی می‌دهند، یاد کرده است:

«- گفتم یه سری از رفتارهای ستاره‌ها عمدیه. منظورت چی بود؟»

این طوری که خب مثلاً کمپانی بهشون می‌گه مثلاً توی کنسرت یا توی فلان برنامه، بی‌هوا نگاهش کن. دستش رو بگیر (می‌خندد). بعد شیپرها میان این مومن‌ها رو در میان. باورشون می‌شه که چیزی هست. و اینا باهم ان. بعد این چیزا خودش کلی توجه رو میاره سمت گروه. یعنی به نفع کمپانیه.

- چه طوری؟

مثلاً ببین نگاه عاشقانه وقتی با دست دادن و بغل کردن باشه، آدم رو به شک می‌اندازه. نه یه دست دادن عادی. اینا رو نگاه‌های یواشکی، در حالی که دوربینا عمداً می‌گیرن و اینا. منظورم ایناست.

- تا حالا خود آیدول‌ها صریحاً راجع به گرایش‌های جنسی شون صحبت نکردن؟

نه. جامعه‌ی کره نمی‌تونه این رو بپذیره و براشون دردسر می‌شه. برای آیدولا. شده مثلاً بعضی آیدولا خیلی ریبیبیز یه چیزی بپروندن که آدم رو دو به شک کنن که آقا این طرف حالا واقعاً پسرها رو هم دوست داره یا فقط دختر دوست داره یا هر جفت‌شون رو دوست داره و اینا. ولی نمی‌تونن هیچ وقت راجع بهش مستقیم حرف بزنن. اگر هم حرف بزنن تهش یا از گروه مجبورشون می‌کنن که برن یا نمی‌دونم کل گروه کنسل می‌شه و این جور چیزا. برای همین به ریسکش نمی‌ارزه که این کار رو بکنن».

زهرای ۲۴ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته اند، دلیل فرهنگی رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه‌ای را که ستاره‌های بی‌تی‌اس انجام می‌دهند، تعدیل واکنش‌های منفی نسبت به اقلیت جنسی و حمایت از این گروه عنوان کرده اند، هر چند برخی از افراد مصاحبه شده دیگر، دلیل رفتارهای اخیر را جذب مخاطبان از هر قشری (غیر هم‌جنس‌گرا، هم‌جنس‌گرا) می‌دانند:

«- در مورد دیدگاه‌های هم‌جنس‌گرایانه که پیرامون گروه وجود داره، چه نظری دارید؟»

این که اعضاء هم‌جنس‌گرا هستن یا هم‌جنس‌گرایی رو ترویج می‌دن؟

- با توجه به مواردی که بقیه می‌گن شایعات درباره‌ی هر دو مورد هست. اگر نظر خودتون رو در مورد هر دو بگید، خیلی خوب هست.

۱. لباس کراپ به لباس‌هایی می‌گویند که طول آن‌ها در مقایسه با تی‌شرت و دیگر لباس‌های فرد کوتاه‌تر است و معمولاً نیم‌تنه بالایی فرد را پوشش می‌دهند.

من به شخصه مشکلی با همجنس‌گرایی ندارم، حالا یه سری می‌گن ترویج می‌دن این قضیه رو. تاحالا حمایت کردن از این افراد، اما نگفتن عضوی از این جامعه هستن یا نه.

پس من نمی‌تونم بگم که اینا ترویج می‌دن یا نه و نظر من درباره‌اش چیه، وقتی اصلاً بحثی از این نشده. درسته یه سری‌ها اینا رو به قول ما شیپ می‌کنن باهم، ولی خودشون این رو تأیید نکردن. من حمایت‌شون رو انکار نمی‌کنم، چون بارها خیلی مستقیم حمایت کردن مثل خیلی از گروه‌های دیگه و یا خواننده‌های دیگه کی پاپ.

- پس حمایت‌هایی از افرادی که همجنس‌گرا هستن، داشتن، ولی این که خودشون همجنس‌گرا هستن رو تأیید و یا تکذیب نکردن.

بله، در مورد خودشون حرفی نزدن، ولی حمایت کردن از این قشر جامعه. علاوه بر بی‌تی‌اس افراد و گروه‌های دیگری هم حمایت‌های خودشون رو نشون دادن، یعنی فقط بی‌تی‌اس نیست که این کار رو انجام می‌ده و فعالان دیگه‌ای هم در کی پاپ هستن که این کار رو انجام می‌دن».

«- نظر شخصی خودت در ارتباط با همجنس‌گرایی و تلاش‌هایی برای عادی شدن روابط همجنس‌گرایانه رو می‌خوام، البته اگر دوست نداری، می‌تونم جواب ندی.

نه، نه، اصلاً مشکلی نیست، حتماً می‌گم. اول این که خب آره چیزی که گفتی کاملاً درسته، یعنی فعالیت گروه به صورت غیرمستقیم هست، اگر نظر خودم رو هم بخوام بگم، خب به نظر من کاری که انجام می‌دن مثبت، کاملاً مثبت، بین، من نمی‌گم بی‌تی‌اس یا اصن هر گروه دیگه، چون کلاً آیدولای کی‌پاپ دنبال این هستن که همه چیز رو عادی جلوه بدن، چیزایی که مردم خیلی سخت می‌گیرن شون رو عادی جلوه بدن.

مثلاً این که طرف گرایش جنسیش به هم‌جنس خودش و اینا دنبال این هستن که این رو عادی‌سازی کنن که به نظر من واقعاً مثبت، چون آخه اون طرف که تقصیری نداره به همجنس خودش گرایش پیدا کرده، اگر اصن دست خودش بود، قطعاً این کار رو نمی‌کرد، به نظر من چون کلاً تو دنیا خیلی دیدگاه‌های منفی در مورد همجنس‌گراها وجود داره، بعد حالا تو وقتی چند نفر ازت حمایت کنن سر یه سری از مسایل، خب واقعاً خوبه، چون همون طوری که گفتم، کلاً تو جهان دیدگاه مثبتی نسبت به همجنس‌گراها وجود نداره و اکثراً این آدم‌ها که گرایش جنسی‌شون این طوری هست، هیت می‌شن واقعاً».

۳-۸- طرح پازل گونه برخی از مفاهیم در آهنگ‌های مختلف

برخی از افراد مصاحبه شده، با بیان این که گروه بی‌تی‌اس در آهنگ‌های خود، گاهی مفاهیمی را به صورت پازل گونه در یک آهنگ مطرح کرده، در اثر و یا اثرهای دیگرشان به ادامه آن می‌پردازد، از این نکته به عنوان وجهی شاخص برای موسیقی گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند.

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه‌اش با اشاره به نکته اخیر، بیان می‌دارد:

«موزیک ویدیوهای یکی از آلبوم‌ها مثلاً در مورد هفت تا کاراکتر بود که با همدیگه دوست بودن و هر کدام به زندگی‌ای داشتن. بعد مثلاً یکی شون باباش یا ناپدریش خواهرش رو اذیت می‌کرده، بعد این مثلاً درگیر همچین جریانی بوده و یه روز دعوای خیلی شدیدی با ناپدریش می‌کنه، بعد مثلاً با یه اوضاع خیلی آشفته‌ای میاد بیرون، بعد مثلاً تلفن رو برمی‌داره و زنگ می‌زنه به دوستش که یکی دیگه از اعضای گروهه.

خب؟ این رو مثلاً اینجا داشته باش. بعد، یکی دیگه از اعضا شون نشون می‌ده که توی وانه و مثلاً دوش آب همه چیز بازه و خب این مثلاً نشون دهنده‌ی اینه که این طرف مثلاً افکار خودکشی داره. میاد درگیری این رو مثلاً نشون می‌ده... یا مثلاً یه کاراکتر دیگه شون نشون می‌ده که توی اتاقشه و اتاقش داره آتیش می‌گیره. بعد این صحنه‌ها رو داری و بعد تو موزیک ویدیوی بعدی نشون می‌ده که اصلاً چی شده. مثلاً نشون می‌ده که اصلاً چه اتفاقی افتاده که طرف خودش اتاق خودش رو آتیش زده. نشون می‌ده که قبلاً توی بیمارستان روانی بوده یا اون یکی که تو وان آب بوده، توی موزیک ویدیوی دو سال بعدشون داستانش رو میاد نشون می‌ده که مثلاً یه اتفاقی افتاد که اصلاً این وانه نشون دهنده‌ی افکار این طرف بوده، نه این که واقعاً توی وان بوده و حالا خیلی چیزای، خیلی ابعاد فلسفی‌طور چی می‌گن، رضایت بخشی داره برای بیننده. در حالی که مثلاً از اول بشینی اینا رو نگاه کنی اون طوری که این داستانا تو ذهنت به هم متصل می‌شن خیلی موسیقی‌ای رو که داری می‌شنوی برات لذت بخش می‌کنه.

- بعد یه حس تعلق هم داره که مثلاً این موزیک ویدیو در طول سالیان داره پخش می‌شه و تو هر دفعه بیش‌تر، یعنی تو رو درگیر خودش می‌کنه. مثل یه سریالی که تو منتظر فصل بعدیش هستی و مثلاً جای حساس تموم شده».

ترنم ۱۸ ساله، در بیاناتی مشابه، خاطرنشان می‌سازد، ارایه محتوای پازل گونه سیاستی از جانب کمپانی بیگ هیت اینترنتینمنت است که با جلب کنجکاوی مخاطبان، آنان را به پیگیری جدی تر آثار گروه بی‌تی‌اس دعوت می‌کند:

«- چپتر رو دقیق توضیح می‌دی؟»

دقیق نمی‌دونم چه طوری می‌تونم تعریفش کنم، اما یه توضیح می‌دم در موردش امیدوارم که متوجه بشی. چپتر مثل فصل می‌مونه. مثلاً یه فصل کاری. انگار که وقتی وارد یه چپتر می‌شن، وارد فصل جدیدی از یه کار شدن. مثل مدرسه، فکر کن از کلاس اول بری کلاس دوم. یه کم ارتقاء پیدا می‌کنی، چپتر اول با آلبوم خودت رو دوست داشته باش، در سال ۲۰۱۸ شروع شد که اعضاء در مورد آینده و گذشته‌ای که باهم و در کنار هم سر کردن ترانه می‌نویسن و می‌خونن. با انتشار آلبوم پروف راه برای ورود به چپتر دوم را باز کردن، تو چپتر دوم با آلبوم‌های سولو و سینگل‌های سولو از زندگی شخصی شون و سختی‌هایی که تو دوره گذشته برای شخص خودشون پیش اومده، ترانه می‌نویسن و می‌خونن، درست مثل تیکه‌های پازل که کنار هم پیچیده می‌شه یه بخش کوچیک از زندگی شون رو تو یه آهنگ می‌کن و بخش‌های دیگه تو آهنگ‌های دیگه و تو با هر بار شنیدن آهنگ جدید مشتاقانه منتظر کارهای بعدی شون می‌مونی. بی‌تی‌اس تنها گروه کی‌پاپ هست که این داستان فصل رو شروع کرده، بعد از بی‌تی‌اس خیلی کمپانی‌های دیگه خواستن این کار رو با آیدول شون بکنن و یک گروه مثل بی‌تی‌اس که باهم در این حد سازگاره بسازن و بتونن با آهنگ‌هاشون با مخاطب صحبت کنن، اما نتونستن چون کسی به اندازه بی‌تی‌اس خوب برنامه‌ریزی نمی‌تونه بکنه، بی‌تی‌اس جواری نشون می‌دن که اگه تو گذشته این سختی‌ها رو نمی‌کشیدم یا حتی اگر سختی‌های گذشته رو فراموش می‌کردم، قطعاً به اینجا نمی‌رسیدم».

۳-۹- اجرای بعضی از آهنگ‌ها در مکان‌های تاریخی و هنری

یکی از ویژگی‌های قابل توجه گروه بی‌تی‌اس، اجرای برخی از موزیک ویدیوهایشان در محل‌های تاریخی و یا هنری است که این مسأله با توجه به مفاهیم بعضاً روان‌شناختی یا فلسفی موجود در آهنگ‌هایشان، جذابیتی مضاعف به اجراهای گروه می‌دهد. دیبای ۱۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط می‌گوید:

«- می‌شه یک مثال برای این که برای موزیک ویدیوها خیلی فکر گذاشته می‌شه، بزنی؟ مثلاً موزیک ویدیوی آهنگ بلاد سوییت اند تیرز از بی‌تی‌اس، پر از رنگ‌های مختلف بود و توی یه محل قصرمانندی فیلم‌برداری شده بود و خب رقص‌هاشون هم به نظرم چیزی نیست که آسون باشه و خیلی به تمرین نیاز داره. الان که دارم فکر می‌کنم رقص‌هاشون هم یکی از جنبه‌هایی بود که من رو جذب کرد، چون واقعاً قشنگ و خاص بودن».



۳-۱۰- سوق دادن جوانان به سمت رؤیاپردازی

اگر پیوستاری را در نظر بگیریم که یک سر آن تولد و سر دیگر آن مرگ باشد، از آنجا که نوجوانان و جوانان از سن کمی برخوردارند، فاصله زیادی با قطب مرگ دارند، حال آن که افراد بزرگسال، از آنجا که عمری را از سر گذرانده اند، از قطب تولد دور بوده، بیش تر به قطب مرگ نزدیک شده اند. به تعبیر دیگر می‌توان بیان داشت، ویژگی اخیر سبب می‌شود، نوجوانان و جوانان بیش تر در آینده زندگی کنند، حال آن که افراد بزرگسال که به مرگ نزدیک تر شده اند، بیش تر از آن که به آینده بیندیشند، در گذشته غور و تفحص می‌کنند.

ویژگی در آینده زندگی کردن نوجوانان و جوانان سبب می‌شود، جامعه اقشار جوان خویش را افرادی خیال پرداز که در رؤیا زندگی می‌کنند، بداند.

گروه بی‌تی‌اس به سبب آن که از هیچ شروع کرده و طی کم تر از یک دهه، به محبوبیت و شهرتی جهانگیر نایل آمده است، مطلوب طبع غالب نوجوانان و جوانان قرار گرفته، آنان را به سمت جهانی رؤیایی سوق داده و خواهد داد و هر یک از این مخاطبان ممکن است به سادگی خود را در آینده، فردی همسان با اعضای گروه بی‌تی‌اس ببیند.

نیکوی ۱۵ ساله در مصاحبه خود با اشاره به معنای اخیر، اظهار می‌دارد:

«علاقه به خوانندگی قبل از آرمی شدن در تو بود یا بعد از این که طرفدار بی‌تی‌اس شدم، این

علاقه در تو شکل گرفت؟

نه، قبلش هم علاقه به خوانندگی داشتم، ولی کم تر بود تا این که آرمی که شدم، در این زمان علاقه‌ام بیش تر شد. ما حتی یه اکیپ دوستی داشتیم که چهار نفر بودیم و خیلی به فکر این بودیم که وقتی بزرگ تر شدیم و هجده سال مون شد بریم کره و تا اون موقع فقط کاور کنیم و بعد از هجده سالگی بریم اونجا آودیشن بدیم و یک گروه کی‌پاپ بشیم و این رؤیای ما بود و می‌خواستیم خواننده بشیم. البته این تصمیم بیش تر به خاطر بلک‌پینک بود، نه بی‌تی‌اس، چون بلک‌پینک دختر بودند مثل ما و این که یه چیزهایی شون شبیه ما بود، مثل دوستی بین شون و این که چه طوری باهم آشنا شدن و این که اون‌ها هم مثل ما چهار نفر بودند. البته الان یه مقدار فرق کرده و دو نفرمون دیگه نمی‌خوان که خواننده

باشن و فقط من و یکی از اون دوستانم تصمیم داریم که خواننده بشیم و اون دوستم بیش تر دوست داره خواننده کی پاپ بشه و طرفدار گروه های زیادی از کی پاپ هست، یعنی بیش تر از من. ولی من دیگه زیاد تو خواننده کی پاپ شدن نیستم دیگه، بیش تر خود خوانندگی رو دوست دارم، چون از بیجگی هم این علاقه بوده و برام فرقی نمی کنه تو کی پاپ باشه یا هالیوود یا ایران یا هر جا.

- گفتمی دو نفر از دوستان دیگه تمایلی به آیدول شدن ندارند، دلیل این تصمیم شون چی بود؟
اونا از اول هم خیلی علاقه به خوانندگی نداشتن و یکی شون به من می گفت که اصلاً دلیل اصلی ای که من توی گروه بودم و همراهی می کردم، به خاطر این بود که می خواستم گروه دوستی مون از بین نره و این که جو بین خودمون رو دوست داشتیم، ولی خیلی علاقه به خوانندگی نداشتیم و اگر هم قرار بود خواننده بشیم، دوست داشتیم که تکی خواننده بشیم. البته اینم اضافه کنم که الان من و اون یکی دوستم هم به این نتیجه رسیدیم که دوست داریم تکی کار کنیم برای خوانندگی، چون زیاد نمی شه گروهی جلو رفت، خیلی اختلاف نظر و دعوا بین مون زیاد بود.

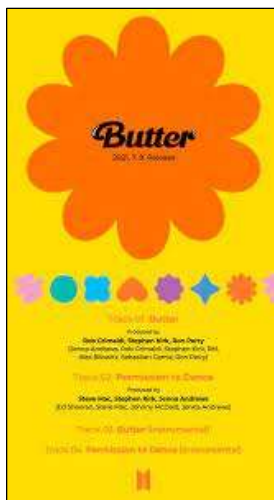
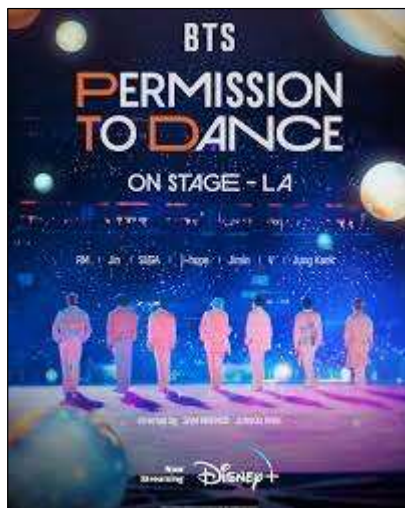
- دلیل اختلاف نظرهای بین شما چی بود؟
بین ما تقریباً واسه همه چی دعوا مون می شه، از انتخاب اسم گروه مون بگیر تا انتخاب آهنگ و حتی این که کی کدوم بخش رو بخونه. کنار نمی اومدیم زیاد».

۳-۱۱- اجرای برنامه های شاد

بسیاری از هواداران گروه بی تی اس، آهنگ ها و برنامه های سرگرمی جانبی آنان را که در فاصله بین دو اجرا، هواداران را سرگرم می سازند، برنامه هایی شاد و پر انرژی برشمرده و قلمداد کرده اند.
گلنوش ۱۴ ساله در مصاحبه ای که دارد، بیان می کند، گروه بی تی اس در آهنگ «دعوت به رقص»، در عمل مخاطبان خود را دعوت می کند که بدون اجازه این و آن، به رقص بپردازند.

«- گفتمی که متن آهنگ ها رو می خونی، می شه در مورد محتوای آهنگ ها توضیح بدی و بگی که چه چیزی رو بیش تر توی محتواشون دوست داری؟

معنی آهنگ ها بیش تر چیزای مثبت و امیدوارکننده هست. بعضی وقت ها خیلی چیزا رو یاد می ده، راهنمایی می کنه، نشاط بخشه و ساده و قابل فهم و دلنشین. همیشه توصیه می کنه شاد باشی و برقصی و نگران هیچی نباشی. یه جا می گه که ما برای رقصیدن نیازی به اجازه نداریم، نیازی به نگرانی نیست یا مثلاً می گه که نباید بترسی و دلیل واسه ترسیدن از چیزی نیست، اگه شکست خوردی باید قوی تر ادامه بدی و توی همین مایه ها».



سحر ۱۵ ساله آهنگ‌های گروه بی تی اس را اصولاً آهنگ‌هایی ضدافسردگی برمی‌شمرد که آدمی با شنیدن آن‌ها می‌خواهد برقصد. سونیای ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌کند، آهنگ‌های گروه

بی‌تی‌اس برخلاف آهنگ‌های رپ اعتراضی که با نوعی از خشونت همراه هستند، با آرامش، شادی و نشاط توأم هستند:

«- موسیقی بی‌تی‌اس رو از چه نظر بیش‌تر دوست داری، ریتم‌شون، محتواشون یا اجراشون؟ هم ریتم (آهنگ)، هم لیریک (متن) و هم پرفورمنس (اجرا)شون. من واقعاً توی موسیقی هیچ کشور دیگه‌ای ندیده بودم که همه این جوری باشن و همه چیزشون باهم خوب باشه، یعنی تو خواننده‌های کشورهای دیگه می‌بینی، طرف می‌خونه، ولی نمی‌رقصه، اما خب رقصنده دورش زیاده. ولی این‌ها خودشون می‌رقصن و هم‌زمان خودشون می‌خونن...»

- بعضی خواننده‌های هالیوودی مثل لیدی گاگا یا جنیفر لوپز هم هستند که هم‌زمان می‌خوانند و می‌رقصند، فرق گروه‌های کی‌پاپ با اون‌ها چیه؟

تفاوت‌شون اینه که کی‌پاپ از افسردگی رهاست و مثل خواننده‌های کشورهای دیگه تبلیغ افسردگی نمی‌کنند. کلاً تو کی‌پاپ هیچ وقت سبک افسردگی نداشتیم، یعنی آهنگ‌ها همه شاد بود و همه‌اش در حال رقصیدن بودن، ولی بی‌تی‌اس گروهی بود که اومد، آهنگ کاملاً ضد افسردگی ساخت و گفت، خودتون رو دوست داشته باشید. خیلی خوشم اومد که آهنگ‌هاشون حس خوبی داره و افسردگی رو نشون نمی‌ده و کسی حتی اگه آرمی نباشه، وقتی که آهنگ‌هاشون رو بشنوه، دلش می‌خواد پاشه برقصه».

«- حس خوبی از آهنگ‌هاشون به دست میاری؟

آره.

- این حس چه قدر ادامه پیدا می‌کنه، طولانی مدته یا گذرا و محدود؟

بعضی از آهنگا رو که گوش می‌دم از خواننده‌های دیگه واقعاً تأثیر خوبی داره روی من. احساس خوبی پیدا می‌کنم ولی مثلاً نهایتاً بعد از چند ساعت از بین می‌ره. ولی بی‌تی‌اس این طوری نیست، احساسی که از آهنگ‌هاشون می‌گیرم، بیش‌تر روی من می‌مونه. بعد من آهنگ‌هاشون رو زیاد گوش می‌دم، برای همین حالم رو خوب می‌کنن همیشه.

- این احساس و حال خوب رو می‌شه یه کم عینی‌تر برامون توضیح بدی که بیش‌تر متوجه بشیم،

این حس خوب چه طوریه؟

برای من یه احساس آرامشی رو داره، البته بستگی به سبک موسیقی که گوش می‌کنیم هم داره، مثلاً کسی که رپ گوش می‌ده، خب خیلی بعیده که آرامش احساس کنه، چون رپ موسیقی اعتراضیه که مشکلات و سختیا رو داره می‌گه. کسی که هوی متال گوش می‌ده تنها چیزی که احساس نمی‌کنه، آرامشه (باخته).

۱۹۴ / بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (بیگ هیت) از منظر هواداران ایرانی

آهنگای بی‌تی‌اس از لحاظ فضایی که آهنگاشون دارن، اگر بخوام بگم، تقریباً دوتا حالت داره یا شاد و پر انرژی یا ملایمه و آرامش خوبی توی آهنگ وجود داره، وقتی که من گوش می‌کنم، احساسی که می‌گیرم، همون احساسی هست که توی آهنگ وجود داره».

سایه ۲۱ ساله، از منظری دیگر، با اشاره به برنامه‌های سرگرمی گروه بی‌تی‌اس که درصدد برطرف کردن خلاء موجود بین دو اجرای بی‌تی‌اس است، برنامه‌های اخیر را برنامه‌هایی شاد و طنزآمیز معرفی می‌کند که موجبات نشاط هواداران را فراهم می‌آورند:

«- گفتمی که کمپانی برنامه روزانه به این‌ها می‌دن. این رو بیش‌تر توضیح می‌دی؟

آره. یه جورایی شبانه روزیه دیگه. اینا خودشون دیگه زندگی ندارند. دیگه حداقل یه ۷، ۸ سال تو خوابگاه کمپانی زندگی می‌کنند. یعنی مثلاً کل مدیاشون دست کمپانیه، کل برنامه‌های روزانه‌شون، الان مثلاً یه برنامه معروفی هست به نام ران بی‌تی‌اس که تا الان فکر کنم ۱۴۰ قسمت این طورا ازش اومده.



- سریاله؟

پوینتش (امتیازش) همینه. نه سریال نیست. یه جورایی سرگرمیه. مثلاً چه کار می‌کنند؟ اینا هفت نفر اند دیگه. اینا مثلاً تو یه قسمت می‌شینن مافیا بازی می‌کنند یا می‌نشینن آشپزی می‌کنند یا تو یه قسمت می‌رن کارپول؟



همین جوری هر قسمت یه کاری انجام می‌دن. شما هم وقتی طرفدار یه گروهی هستی و بهش علاقه داری از دیدن فعالیت‌هاش هم لذت می‌بری. مثلاً یه تایمی رو این طوری هر هفته باهاشون می‌گذورنی. برای چند سال متوالی. مثلاً بی‌تی‌اس از ۲۰۱۳ دیو کرده دیگه. الان تقریباً ۱۰ ساله دیگه. حالا دو سالی هست که این برنامه پخش نمی‌شه، ولی شما فرض کن که برای ۸ سال متوالی هر سه شنبه این برنامه پخش می‌شد و طبعاً اگر موسیقی جدیدی هم از گروه منتشر نشده بود، فن‌ها با این مدل برنامه‌ها همراه می‌شدند و دنبال شون می‌کردند. مثل سریال فرندز که می‌گن که دلیل موفقیتش این بود که سال‌های متوالی هر هفته پخش می‌شد، این تو کره هم خیلی مرسومه و از این مدل برنامه‌های طولانی خیلی رایجه».

۴- پردازش پرهیجان و پرشکوه صحنه اجرا

کمپانی بیگ‌هیت پس از تلاش در جهت تحول‌آفرینی در محتواهای عرضه شده گروه کی‌پاپ خویش و پرداختن به مواردی مانند مسایل جوانان، عمق دادن به محتوای موسیقی خویش با طرح مفاهیم فلسفی و روان‌شناختی و نظایر آن‌ها، در بعد اجرا نیز می‌کوشد تا اجرای گروه بی‌تی‌اس را با هیجان زایدالوصفی ارایه کند تا در نتیجه چشم‌های بیش‌تری را به سوی گروه هفت نفره بی‌تی‌اس معطوف کند. از این رو کمپانی بیگ‌هیت تمهیداتی مانند: توام شدن اجرای آهنگ‌ها با رقص، توجه به جذابیت فیزیکی ستاره‌ها، تنوع پوشش و رنگ موی ستاره‌ها در هر اجرا، استقبال ستاره‌های مرد از آرایش، وجود رقصان پس صحنه، ایجاد صحنه‌های هیجان‌انگیز و پرمخاطره در جریان اجرا، تنوع اجرا و استفاده از سبک‌های مختلف موسیقیایی، اجرای کنسرت‌های بین‌المللی گروه بی‌تی‌اس در استادیوم‌های ۹۰-۸۰ هزار نفره، استفاده از البسه سنتی کره و قومیت‌های دیگر، استفاده از چراغ‌های دستی نورافشان (لایت-استیک) و رقص نور در جریان اجرا، ایجاد عرصه‌ای جهت تخلیه روانی و هیجانی هواداران و ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری را به کار می‌گیرد تا بر هیجان صحنه‌های اجرای گروه کی‌پاپ خود بیفزاید.

همان‌گونه که از عناوین ارایه شده برمی‌آید، مواردی مانند تنوع پوشش، آرایش، افزوده شدن رقص به صحنه اجرا و نظایر آن‌ها، مخاطبان صحنه را هیجان‌زده می‌کنند و البته هواداران هم با تهیه چراغ‌های دستی نورافشان که برای نورپردازی با خود به صحنه‌های اجرا می‌برند و یا با غرق شدن در هیجان صحنه، در استادیوم‌های ۹۰-۸۰ هزاره نفره، ایستاده صحنه را دنبال کرده و همزمان با ستاره‌ها دست به هم‌خوانی و پای‌کوبی می‌زنند، اوجی از هیجان را در صحنه می‌آفرینند و به این ترتیب گروه بی‌تی‌اس موفق به جلب نظر مخاطبان بسیاری شده، در بسیاری از جشنواره‌های موسیقی در انتخاب‌های مردمی برنده جوایز متعددی گردیده است.

۴-۱- توجه به جذابیت فیزیکی ستاره‌ها

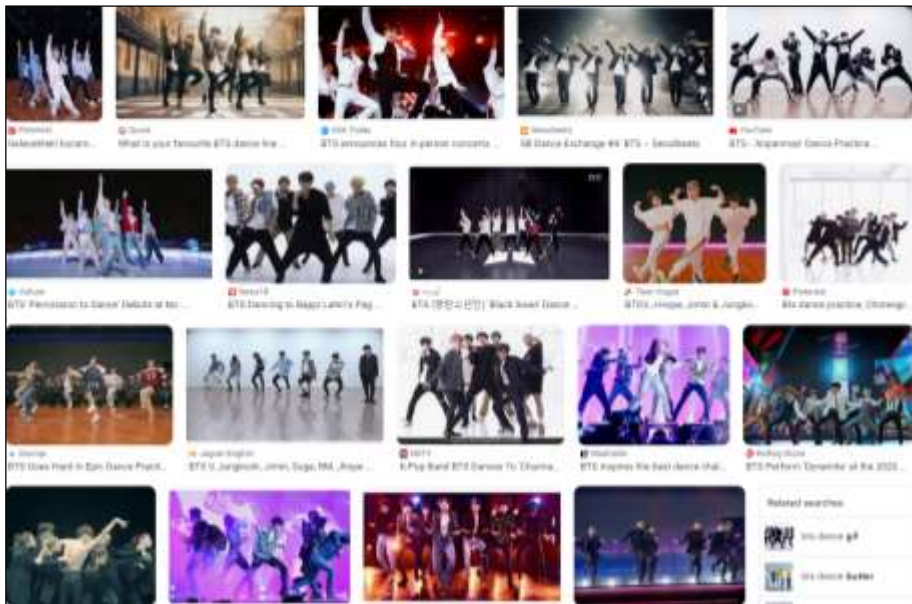
به سبب سیطره هیجانی که بر جوانان حاکم است و خاصه به دلیل آن که نوجوانان ممکن است، هنوز از تفکر عینی خویش به سمت تفکر انتزاعی سوق نیافته باشند، به ابعاد عینی و ظاهری، توجهی بیش از حد از خود نشان می‌دهند. از این رو تقریباً تمامی صنعت موسیقی و سینما، با عطف توجه به ابعاد ظاهری و فیزیکی افرادی که در صنعت موسیقی و یا فیلم حضور می‌یابند، به ویژگی‌های صوری و

جذابیت‌های اولیه فیزیکی آنان توجه می‌کنند تا اگر محتوای آرایه شده آنان نیز در مخاطبان رضایت خاطر ایجاد نمی‌کند، حداقل ویژگی‌های ظاهری ستاره‌های به کار گرفته شده برای آنان راهگشا واقع شده، مخاطبان با توجه به ارضای بصری خویش، رضایتی نسبی را از خود به نمایش بگذارند.

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خود از جذب ابتدایی خویش به صنعت کی‌دراما از طریق دیدن ستاره‌های سینمایی کره (که بعضاً ممکن است خوانندگان کی‌پاپ هم باشند)، یاد کرده است و ال‌ناز ۱۲ ساله و بهاره ۱۴ ساله، در گزارش خویش علت اولیه جذبشان به گروه بی‌تی‌اس را ملاحظه چشم‌های درشت، اندام استخوانی و دیگر جذابیت‌های فیزیکی ستاره‌های این گروه عنوان کرده اند.

بنابراین جذابیت فیزیکی ستاره‌ها از موارد مهم و قابل توجهی هست که بسیاری از نوجوانان و جوانان با اتکاء بدان جذب گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت شده اند.

۴-۲- توأم شدن اجرای آهنگ‌ها با رقص



با ملاحظه اجرای غالب خوانندگان مطرح جهان، ملاحظه می‌شود که آنان در صحنه عمدتاً در صد آرایه صوت خودشان به بهترین شکل ممکن هستند. البته برخی در این میان با به کارگیری رقصان صحنه، سعی کرده اند به نوعی بر جذابیت آرایه خویش بیفزایند، اما اندکی از خوانندگان، نظیر ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس، در حین خواندن، به رقص نیز می‌پردازند که این مسأله مورد توجه بسیاری از نوجوانان

و جوانانی که دنبال هیجان و هیجان بیش‌تر هستند، قرار می‌گیرد. دیبای ۱۵ ساله در مصاحبه خویش در همین زمینه می‌گوید:

«... یه موزیک ویدیو دیگه هم که الان تو ذهنم اومد، بلک سوان هست که از روی یه کسی باله کار می‌کرد و از این مسأله و توی مسیرش خیلی آسیب دیده بود، ساخته شد. در کل این که خیلی کانسپت مختلفی به کار می‌برن و این نشون دهنده فکریه که پشت قضیه هست و خب آدم جذب می‌کنه. تو موزیک ویدیوهای ایرانی این جوریه که خواننده با یه صحنه عادی و ایستاده و می‌خوانه و خب خیلی ساده است، ولی موزیک ویدیوهای کی‌پاپ این جوریه نیست و خب آدم رو جذب می‌کنه».



سحر ۱۵ ساله و فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خودشان با اشاره به «خواندن و رقص هم‌زمان اعضای گروه بی‌تی‌اس» و «قدرت خوانندگی، سرعت رپ و استقامت رقص آیدول‌ها»، از شگفت‌زدگی خود در این ارتباط یاد کرده‌اند.

نکته دیگری که در همین ارتباط لازم به یادآوری است، استفاده گروه بی‌تی‌اس از رقصان پس‌صحنه هست. به این معنا که در برخی از اجراهای گروه، در عین نقش‌آفرینی اعضای گروه در صحنه، رقصان پس‌صحنه نیز با رقص خود آنان را همراهی کرده به این ترتیب بر هیجان صحنه اجرای گروه می‌افزایند.

۴-۳- تنوع پوشش و رنگ ستاره‌ها در هر اجرا

نوجوانان و جوانان هیجان طلب، با ملاحظه شورآفرینی‌های ستاره‌های کی‌پاپ، به وجد و نشاط در می‌آیند، خاصه آن که برای نوجوانانی که زمان زیادی از حاکمیت تفکر عینی بر آنان نگذشته است، تنوع پوشش و آرایش ستاره‌ها، مسأله پراهمیت و مهمی تلقی می‌گردد. پربیناز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از الزام ستاره‌ها به استقبال از رنگ مویی متفاوت در هر اجرا، به قرار زیر یاد کرده است:

«... چون بی تی اس گروه مشهور و جا افتاده‌ای هست، سخت‌گیری‌هاش یه کم کم‌تر شده، یه سری سخت‌گیری روی رژیم و اینا همچنان هست، یادمه یه بار شوگا لایو گذاشته بود و می‌گفت من نمی‌تونم خوب غذا بخورم. یه موضوع دیگه‌ای که جین ازش شکایت می‌کرد، درباره رنگ موهاش بود. خب کمپانی برای هر کدوم از موزیک ویدیوهاش اعضاء رو مجبور می‌کنه که رنگ موهاشون تغییر بدن و اگه توی گوگل نگاه کنی می‌بینی.»



۴-۴- استقبال ستاره‌های مرد از آرایش

اگر چه در کره جنوبی، آرایش مردان، همچون آرایش زنان تقریباً پذیرفته شده است، اما آرایش اعضای گروه بی‌تی‌اس، گاهی چنان افراطی می‌شود که تشخیص مرد بودن ستاره‌ها دشوار شده، افراد ناآشنا ممکن است در برخورد با تصاویر آنان، تصور کنند این ستاره‌ها، زن هستند.



سمانه ۱۷ ساله و ترانه ۱۸ ساله نیز در مصاحبه‌های خویش با بیان شگفت زده شدن از آرایش اعضای گروه بی‌تی‌اس و این که پسران نیز همسان با دختران نسبت به مراقبت‌های پوستی خودشان حساسیت به خرج می‌دهند، از شگفتی خویش در برخورد با آیدول‌ها سخن گفته اند.

۴-۵- ایجاد صحنه‌های هیجان‌انگیز و پرمخاطره در جریان اجرا



نوجوانان و جوانان هیجان‌جو، به دنبال ارضای هیجان‌های شدید خودشان هستند و کمپانی‌های فیلم و موسیقی، با عنایت به همین تقاضا، می‌کوشند تا در تهیه تولیدهای خویش، در اشکال مختلف به این خواست پاسخ مقتضی و مناسب را بدهند. از همین رو هست که مثلاً در اجرای آهنگ فایر (آتش)، ۱۳ ماشین هم‌زمان به آتش کشیده شده یا در آغاز موزیک ویدیو، فرد حاضر در صحنه نیز به آتش کشیده می‌شود.



مهرسای ۱۴ ساله و سارینای ۱۳ ساله در مصاحبه خودشان، با اشاره به صحنه‌های هیجان‌انگیزی که در گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس و گروه‌های دیگر کی‌پاپ شاهد آن‌ها بوده‌اند، در همین ارتباط چنین بیان می‌دارد:

«... من الآن نشستم پا تلویزیون دارم کنسرت ۲۰۲۲ «یت تو کام» رو می‌بینم، واقعاً به این هیجانه احتیاج داشتم.

- چه ویژگی‌هایی کنسرت‌شون داره که می‌تونه هیجان رو بهت منتقل کنه؟
واقعاً همه چیزاش.

- خوب بگو به من، البته می‌دونم همه چیز هم گفتنی نیست.

اون همه آرمی، نورپردازی، بک آپ دنسرا، ترکیب صداشون و هارمونی و گوش دادن لایو آهنگایی که دوس‌شون دارم، اون هیجان توی سالن کنسرت رو واقعاً بهم منتقل می‌کنه، آتیش بازی دنساشون، اون انرژی که می‌ذارن یا شنیدن حرفاشون که تشکر می‌کنن و قدر می‌دونن. من قدری کره‌ای بلدم، به خاطر همین تاحدودی می‌فهمم چی می‌گن».

«- آهنگ باتر چه ویژگی‌ای داشت که باعث شد خیلی سروصدا بکنه؟

باتر سبک بی‌تی‌اس رو به جواری عوض کرد و اون فاز دنس و هیجان‌انگیز بردش توی یه فاز رنگی...».



«توی اموی (موزیک ویدیو) کیل دیس لاو! بلک‌پینک مجبور شدن توی صحنه اصلی‌اش از یه گازی استفاده کنن که حتی مقدار زیادش باعث کوری می‌شن یا مثلاً توی همین اموی جنی مجبور

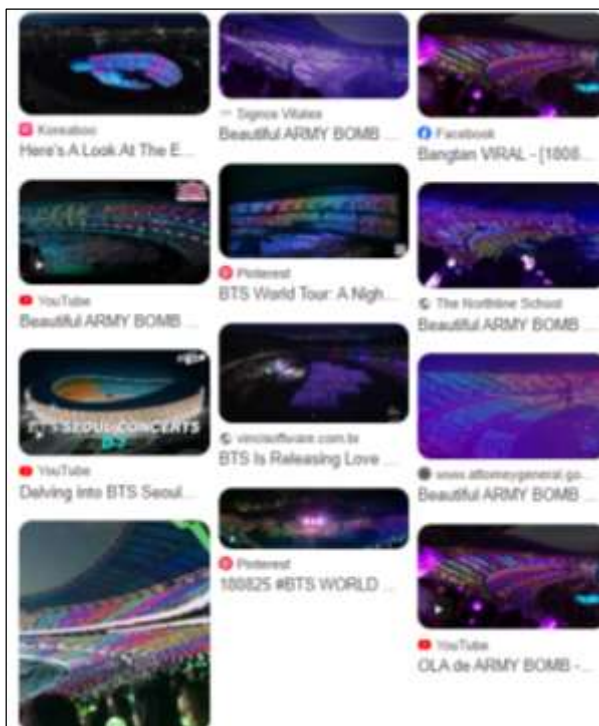
پردازش پرهیجان و پرشکوه صحنه اجرا / ۲۰۳

شد از فاصله خیلی زیاد بشینه رو قوهایی که خیلی کم استحکام داشتن یا مثلاً توی اموی فایر بی تی اس مجبور شدن تو صحنه اول یکی رو واقعاً آتیش بزنن و خب همینکه که کی پاپ رو بقیه متفاوت می کنه».



استفاده از چراغ‌های نورافشانی دستی یا لایت استیک، تمهید دیگری است که کمپانی در جهت شورآفرینی هر چه بیش‌تر برنامه‌های گروه بی تی اس اندیشیده است، به این معنا که چراغ‌های نورانشان دستی که به سیستم بلوتوث مجهز هستند، می‌توانند با دستور لازم، تغییر رنگ داده، در همراهی با موج‌های جمعیت طرفداران، صحنه‌های پرشوری را پدید آورند.





۴-۶- تنوع اجرا و استفاده از سبک‌های مختلف موسیقایی

انسان‌ها در برخورد مدام با یک محرک یک‌سان، رفته رفته نسبت به آن محرک اشباع شده و آن محرک با وجود همه جذابیت‌های اولیه‌اش، از چشم آنان می‌افتد، از این رو کمپانی‌های مختلف برای زنده نگه داشتن ستاره‌هایی که در صنعت موسیقی یا سینما مطرح کرده اند، حاشیه‌پردازی‌های مختلف و ایجاد تنوع در سبک و سیاق آرایه‌های هنری آنان را از جمله الزام‌های کاری خود می‌دانند.

سارینای ۱۳ ساله و ریحانه ۲۱ ساله «آرایه آهنگ‌هایی با سبک‌های متفاوت» را از امتیازهای گروه بی تی اس (و به تبع آن کمپانی بیگ هیت) می‌دانند:

«- می‌شه مثال بزنی که سبک آهنگ‌های بی تی اس چه جوریه که می‌گی برای هر حس و حالی می‌تونه آهنگ داشته باشه؟»

مثلاً غمگین مثل لودر دن بامبز^۱ و فیک لاو^۲، شاد مثل آیدول، هیجانی مثل فایر، رنگی رنگی و کیوت (بامزه) مثل باتر^۳.

1 Louder than bombs (2020)

2 Fake love (2018)

«- به نظرت در مقایسه با هنرمندای هالیوودی، این نقطه‌ی قوتیه که کی‌پاپ و بی‌تی‌اس دارن؟ این هم هست. اما تنها نقطه‌ی قوت نیست. کی‌پاپ و بی‌تی‌اس، توی سبک‌های مختلف موسیقی فعالیت می‌کنن و از نظر فیلم‌برداری و تصاویر هم توی هر سبکی محتوا تولید می‌کنن و این باعث می‌شه هر سلیقه‌ای به سمت شون کشیده بشه.

علاوه بر این، بی‌تی‌اس نه فقط از کانسپت خوب که از استعدادهای خوب توی عرصه‌های مختلف مثل خوانندگی، مدلینگ و ویدئووال و حتی بازیگری برخوردارن و این، باز هم حیطه‌ی کاری شون رو متنوع‌تر و گسترده‌تر می‌کنه.

از پروموت خوب، مدیریت قوی و سیاست‌های کمپانی‌ها هم نمی‌شه چشم‌پوشی کرد». مرضیه ۱۹ ساله، از منظر دیگری با اذعان به این که موسیقی اعتراضی رپ در گروه بی‌تی‌اس، به عنوان موسیقی آرامش بخش برای کودکان مبتلا به اوتیسم نیز ارایه گردیده است، از انعطاف‌پذیری آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است:

«- موارد مؤثر در یک موسیقی خوب از نظر تو چیه؟»

ملودیش خوب، زیبا و آرام بخش باشه و البته نوازنده‌های حرفه‌ای و خفن پشتش باشن، مثل کارای رستاک حلاج عزیز و در مورد آهنگای بی‌تی‌اس، من خیلی از وقتا، متن آهنگ رو یادم نیست، ولی ملودی و ریتمش تو ذهنم تکرار می‌شه و دنس‌هاشون رو تکرار می‌کنم، هارمونی بین ملودی و ترانه رعایت شه، بارها دیدم، یه آهنگ غمگین ریتم شادی داره و خب این اصلاً قشنگ نیست و هیچ جوهره نمی‌فهممش، بیش‌تر از این با موسیقی آشنا نیستم، ولی خب خیلی از آهنگا باعث می‌شن من سر درد بگیرم و اینم برام مهمه، آهنگی که گوشش می‌کنم، اذیتم نکنه که آهنگای بی‌تی‌اس این طوری نیست و حتی بچه‌هایی که اوتیسم هم داشتن، با گوش کردن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس آروم شد، در کل خب به هر حال تکنیک‌های خوانندگی که من از شون خبر ندارم، به همراه صدای دلنشین خواننده هم تو زیبایی کار، هم تو حرفه‌ای بودنش اثر گذاره».





۴-۷- ارایه موسیقی کی پاپ با چند زبان مختلف

اگر چه گروه بی‌تی‌اس در ابتدای کارش تنها به زبان کره‌ای می‌خواند، اما در گذر زمان و در تعقیب اندیشه جهانی شدن، گروه بی‌تی‌اس در ارایه آهنگ‌هایش، دست به تلفیق زبان‌های کره‌ای و زبان‌های انگلیسی و ژاپنی زد و گاهی تمامی آهنگ مورد نظر را به زبان خارجی ارایه کرد. ارایه آهنگ به زبان مطرح در آسیا در راستای گسترش مرزهای گروه بی‌تی‌اس از کشور کره به قاره آسیا و ارایه آهنگ به زبان انگلیسی، تلاش در جهت گسترش مرزهای گروه بی‌تی‌اس به همه قاره‌های جهان بود.

ریحانه ۱۹ ساله، ترنم ۱۸ ساله و شبنم ۲۵ ساله در مصاحبه‌های خویش، خواندن آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس به سه زبان را یکی از دلایل مهم و مؤثر در روند جهانی شدن آنان می‌دانند: «گروه‌های کی‌پاپ بیش‌ترشون اکثر آهنگاشون کره‌ای- انگلیسیه. یعنی یه سری جاها کره‌ای می‌خونن، بعد یه جاها انگلیسی می‌خونن. هست که خیلی از گروه‌ها هم مثلاً یک ورژن آهنگ می‌دن فقط تمام انگلیسی یا تماماً کره‌ای و حتی آلبوم‌های ژاپنی هم می‌دن بیرون.» «- سبک موسیقی بی‌تی‌اس چه فرقی با گروه‌های دیگه کی‌پاپ داره؟

انگیزشی هست، عاشقانه هست، غمگین هست، بعد هر سلیقه‌ای هم توش وجود داره. رپ هست، هیپ هاپ هست، کلاسیک هست، راک هست. همه نوع موسیقی رو تو یک آهنگ و یا آلبوم جا می‌دن و یک شاهکار می‌سازن. از طرفی تلفیق موسیقی و آهنگ‌های کره‌ای با آهنگ‌های انگلیسی، یکی دیگه از دلایل محبوبیت سبک بی‌تی‌اس هست.»

«- شبنم به نظر شما به طور کلی گروه بی‌تی‌اس چه تأثیراتی بر روی طرفدارانش دارد و چرا این قدر محبوبه؟

این گروه‌ها به خاطر رقصاشون، تیپ‌هایی که می‌زنن، رنگ مو یا کیوت بودنشون، باعث می‌شه هواداراشون خیلی تحت تأثیر قرار بگیرن و خیلی رفتاری اونا رو تقلید کنن. بیش‌تر یعنی هشتاد درصد هواداران‌شون نوجوون هستنند و محبوبیت‌شون بیش‌تر به خاطر رقص و هماهنگی و چهره و به خاطر اینه که به سه زبان می‌خونن. بعد یکی از چیزایی که خیلی برای هواداران مهمه اتحاد گروهه. به هیچ وجه دوست ندارن گروه از هم بپاشه».



۴-۸- اجرای کنسرت‌های بین‌المللی در استادیوم‌های بزرگ



یکی از اهداف مهم کمپانی بیگ‌هیت از آغاز، جهانی شدن گروه بی‌تی‌اس بود و کمپانی در مسیر تحقق این هدف، اعضای گروه را برای برگزاری کنسرت، به کشورهای مختلفی در جهان فرستاده است. اجرای کنسرت‌های گروه بی‌تی‌اس در استادیوم‌های بزرگ ۹۰-۸۰ هزار نفره از سوئی و خواندن ترانه‌هایی با زبان‌های مختلف از سوی دیگر، جذابیت بیش از پیشی را برای اعضای گروه به همراه داشته، در جهانی شدن آنان نقش مهمی ایفا می‌کند.



۴-۹- استفاده از البسه سنتی کره و قومیت‌های دیگر



یکی از تمهیدات دیگری که کمپانی برای عرضه هر چه جذاب‌تر گروه بی تی اس مدنظر قرار داده است، پوشیدن لباس‌های ادوار تاریخی گذشته کشور کره و اجرای موسیقی مورد نظر (که در هم‌خوانی با البسه تاریخی نیز به سر می‌برند) هست. پوشیدن لباس‌های خاص دیگر کشورهای جهان نیز که بر جذابیت

گروه بی‌تی‌اس در نزد هواداران آن کشورها می‌افزاید، اقدام دیگر کمپانی در همین راستا است. بنفشه ۲۰ ساله و ریحانه ۱۷ ساله در مصاحبه‌های خویش در این زمینه بیان داشته اند:

«استایلابی که تا سه، چهار سال پیش توی موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس بود، هم‌اشار از استایلابی جدید و بروز امروزی بود و از برندهای جهانی معروف استفاده می‌کردن، اما جدیداً لباس‌های جدیدی اضافه شده که بهش می‌گن هامبوک مدرن، همون طور که می‌دونی هامبوک لباس سنتی کره هست، از همون پیراهن‌ها یا مثلاً بلیزهای مردونه و شلوارهای گشاد یا پیرهن‌های بلند که برای زن‌ها هست و جدیداً مدرنش کردن و ازش استفاده می‌کنن تو موزیک ویدیوهاشون و یک نوع تلفیق حتی تو آهنگ دجیتا هم شوگا لباس سنتی مشکی پوشیده.



- عکس‌هاش رو می‌تونم برام بفرستی؟
آره.



این عکس برای آهنگ اگوست دیه شوگا هست.



- درباره آهنگ دچیتا شوگا هم توضیح می‌دی چون اشاره کردی که هم توش از موسیقی و هم از لباس سنتی شون استفاده شده.

آره، کلاً این موسیقی و تئوریاش خیلی به فرهنگ و سنت کره مربوط می‌شه. اول از همه دچیتا یه Murching music هست. یعنی برای ورود پادشاه می‌زدن، یعنی کلاً برای ورود پادشاه بوده و وقتی می‌خواستن برن استقبال شاه یا وقتی شاه وارد می‌شده یا شاه مهمونی داشته، اون موقع می‌زدند. توی اول موزیک ویدیو وقتی شوگا داره از بازار رد می‌شه، لایه‌های اصلی کاراکتر رو نشون می‌ده، در واقع این مفهوم رو می‌رسونه یه آدم عادی از دل قشر پایین جامعه که پر هرج و مرج هست و اتفاقی زیادی در اون می‌افته، بی‌اعتنا به اطرافش داره مسیر خودش رو می‌ره و براش مهم نیست، چه اتفاقی داره اطرافش می‌افته، هدفش براش مهمه. کلاً این قسمت داستان خوبی رو بیان می‌کنه.

سه تا نکته توی لیریک آهنگ هست، می‌گه گذشته‌ات رو بذار تو جعبه برنج این اشاره می‌کنه به یه داستانی که توی کره هست شاهزاده‌ای هست به اسم سادو که پدرش شاه بوده به دلایلی تصمیم می‌گیره این رو بندازه تو یه باکس برنج و این سادو بعد یه مدت از گرسنگی و تشنگی می‌میره. دومین نکته‌اش اینه که می‌گه من توی یک گودال به دنیا اومدم، اما به یک اژدها بزرگ تبدیل شدم یه ضرب المثل کره‌ای هست که می‌گه یه مار ۱۰۰۰ سال طول می‌کشه تا یه اژدها بشه، این داره به سخت‌کوشی شوگا اشاره می‌کنه تو اون مسیر هنری که طی کرده، یعنی با همه تلاش‌هاش تونسته از یه آدم سطح پایین تبدیل بشه به یک پادشاه، سومی هم به یک شاه اشاره می‌کنه، پانزدهمین شاه سلسله چوسانه که یک رعیت میاد جای شاه رو می‌گیره و یه چیزیم هست تو تاریخ کره، هر کسی که یک زخم داشته باشه رو صورتش، نمی‌تونه پادشاه بشه، اما اگوست دی تو موزیک ویدیو یک زخم داره روی صورتش و با این حال شاه شده، همون طوری که تو عکس برات فرستادم.

تئوری که کاملاً از توی ذهن خودم میاد و خیلی دوشش دارم، دقت می‌کنم می‌بینم که درسته، چون وقتی بعد نشستیم فکر و بررسی کردم، کاملاً این قضیه اومد توی ذهنم، توی شو بی‌زینس کره سه تا کمپانی وجود دارد که بزرگ‌ترین کمپانی‌های لیبل (عنوان) موزیک کره هستن و اکثر آرتیست‌ها و بندهای موزیک که دارن کار می‌کنن و معروف شدند، مخصوصاً تو سطح اینترنشنال، تحت لیبل این

سه‌تا کمپانی ان، یعنی چی بیایم این جوری در نظر بگیریم که اونا خانواده سلطنتی ان، قشر سلطنتی ان و هر کسی بخواد پادشاه بشه هر کسی می‌خواد موفق بشه باید توی این قشر قرار بگیره، اما بی‌تی‌اس این اتفاق براش نمی‌افته بی‌تی‌اس یه بندیه که خودشون شروع کردن با یک لیبل دیگه، به جز این سه‌تا شروع به کار کردن و همون موقعی که شروع کردن بهشون گفتن که شما بازنده اید، ته داستان معلومه شما باختید، چرا چون جزو سه‌تا کمپانی نیستید، این گوشه‌ها دارید برا خودتون کار می‌کنید، همین جاها هم می‌مونید، اما چیزی نگذشت که تبدیل شدن به بزرگ‌ترین بوی بند جهان تبدیل شدن، به پادشاه اگوست دی که رعیت بود، جزو خانواده سلطنتی نبود، اما اومد و تبدیل به پادشاه شد و بعد معروف شد، به قدری معروف شد که کل دنیا به عنوان بزرگ‌ترین بوی بند جهان بهشون لقب دادند.

بعد زخم روی صورت چیه، به نظر من اون زخم‌هایی در طول مدت کارشون و مخصوصاً اول شروع کارشون هیترها و آدمای دیگه مدیا وارد کردن به اعضای بی‌تی‌اس، اون زخم جاش موند، اما گروه موفق شدند در شرایطی که قرار نبود موفق بشن هیچ رعیتی و هیچ کسی که زخم روی صورتش باشه، قرار نیست موفق بشه اما بی‌تی‌اس این کار رو کرد و شد.



یک موضوع دیگه هم که تو موزیک این رو می‌گه، می‌گه این مسخره بازیای تلنت شو رو جمع کنید، کسی که استعداد داشته باشه، خودش میاد بالا و احتیاجی به این کارا نیست کسی که کارش رو بلد باشه، خودش میاد بالا اون اتفاقه براش می‌افته، هم به هیترا یه جوابی داده هم به بقیه لیبل‌ها و کمپانی‌های قدرتمند کره و کل کُل ادامه داره. برداشت شخصی من اینه نمی‌تونن بگی صددرصد درسته، ولی درمیون گذاشتمش و خوشحالم این دقیقاً نشون می‌ده، آدم تو هر شرایطی می‌تونه موفق بشه، اگر استعداد و توانایی و پشتکارش رو داشته باشه و این امیدیه که به همه آرمیا می‌دن اینا».

۱۳۱۲ بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (بیگ هیت) از منظر هواداران ایرانی

ریحانه ۱۷ ساله هم با بیان این که در یکی از برنامه‌های گروه بی‌تی‌اس، اعضای گروه لباس‌هایی با طرح گل بته ایرانی به تن داشتند، یادآور می‌شود که این دست از رفتارها به شدت مورد توجه هواداران بین‌المللی گروه بی‌تی‌اس قرار گرفته، توجه آن‌ها را معطوف به خود می‌کند:

«... تو کنسرت ال‌ای بود فکر کنم، پرمیشن تو دنس هم بته جقه ایرانی رو لباس شون بود. حالا یه چندتا عکس دارم ولی یه اجرا هست آیدول فکر کنم توی موزیک بانک که همه شون لباس ایرانی تن شون بود.

- فکر کنم برای فنای ایرانی جذاب باشه این نوع استایلشون.
قطعاً».



۴-۱۰- ایجاد عرصه‌ای جهت تخلیه هیجانی و روانی هواداران

اجراهای گروه بی‌تی‌اس را می‌توان عرصه مناسبی جهت تخلیه هیجانی و تخلیه روانی افراد شرکت کننده در کنسرت بی‌تی‌اس دانست. به این معنا که نوجوانان و جوانان پرهیجان و هیجان طلب، با حضور در اجرایی که در کنار آهنگ‌هایش توأم با رقص و نورافشانی و نورپردازی است، در فضای جمعی استادیوم محل اجرا، تحلیل رفته، به سادگی عواطف و احساسات خویش را بروز می‌دهند. از سوی دیگر شور و هیجانی که خوانندگان بی‌تی‌اس در جمع پدید می‌آورند، سبب می‌شود، حاضران بعضاً در حالت محبوب خویش بزنند و به این ترتیب زلزله‌ای مصنوعی ایجاد کنند که ممکن است ده‌ها دقیقه به طور بینجامد!

فضای اخیر فضای مناسبی برای تخلیه هیجانی و یا تخلیه فشارهای روانی وارده بر افراد به شمار می‌آید.

۴-۱۱- ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری به مخاطب

«خب در مورد بی‌تی‌اس گفتم موسیقیشان فرق داشت. ترجیح می‌دادی. موسیقیشان از چه لحاظی ترجیح می‌دی؟ ریتمشون یا لیریکشون یا چه می‌دونم پرفورمنشون مثلاً؟
من خودم آدمی‌ام که مثلاً لیریک-محورم. مثلاً لیریک برام خیلی مهمه. بعد کلاً خب اون قدر که مثلاً پرزرق و برقه دیگه کی‌پاپ. مثلاً فضای رنگی‌ای داره. مثلاً یه سری موزیک ویدیوها. بعد مثلاً برای اجراشون خیلی تلاش می‌کنن. مثلاً پرفورمنسای پر دنگ و فنگی داره، رقصای خوبی داره. همشون انگار یه پکیج کامله دیگه» (نسترن، ۲۳ ساله).

افراد مصاحبه شده زیادی در توصیف اجراهای گروه بی‌تی‌اس، اجرای این گروه را عبارت از یک بسته کامل دیداری و شنیداری دانسته‌اند که در آن از ظواهر جذاب خوانندگان گرفته تا رنگ موها، تیپ لباس، رقص و کلاً اجرای متفاوت گروه و تئوری‌هایی که پشت برخی از آهنگ‌های گروه وجود دارد، جذابیت خاصی به اجراهای گروه بی‌تی‌اس داده‌اند تا جایی که گاه مخاطبان ده‌ها بار پشت سرهم به دیدن موزیک ویدیوها و اجراهای گروه نگاه کرده‌اند.

گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خودش از دیدن ۴۰ بار موزیک ویدیو باتر یاد کرده است و تأکید داشته که واقعاً از هر بار دیدن این موزیک ویدیو، لذت برده است:

«این تماشا کردن از سر اجبار و حمایت کردن بی‌تی‌اس هم نیست. ممکنه ۵۰ بار یه موزیک ویدیو رو ببینمش، فقط به خاطر این که ازش لذت می‌برم، یعنی هیچ‌وقت به خاطر این که بخوام از بی‌تی‌اس حمایت کنم نمی‌رم و بگذارم و ویدیو رو ببینم و واقعاً از ته دلم لذت می‌برم که ویدیوهاشون رو تماشا کنم. فکر کنم تا الان شاید بیش‌تر از چهل بار موزیک ویدیو باتر رو دیده باشم یا حتی آهنگ‌های دیگه بایسم رو».



ریحانه ۱۵ ساله نیز در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، وی در روز اول دیدن موزیک ویدیوی آیدول، تنها ۲۰ بار به دیدن این موزیک ویدیو پرداخته است. ریحانه علت این امر را جذابیت ظاهری ستاره‌ها، پوست صاف و لطیف ستاره‌ها، تناسب اندام، لاغر بودن، سفیدی پوست، رنگ مو، لباس و موارد مشابه در ستاره‌ها دانسته است:

«- دقیقاً از چی شون خوشت میاد ریحانه؟»

خب کلاً به سبک خاصی ان، هم آدمای گروهش، ظاهر و قیافه‌هاشون، هم حرکات هماهنگ با آهنگشون، کلاً به رنگ و لعاب خاصی داره می‌دونی. فیلم‌هاشون خیلی باکیفیت، همه چی شون درجه یک کلاً. هیچی رو کم نداشتن. از تیپ و قیافه‌شون بگیر تا صحنه و همه چی.

- می‌تونی مثال بزنی؟

مثلاً رنگ موهاشون یا مدل موهاشون، لباس‌های خاصی که می‌پوشن و ست می‌کنن، خیلی اسپرت و خاص ان، مثلاً به موزیک ویدیو دارن اسم آهنگش آیدوله، خیلی دوستش دارم. فقط کافیه حرکات- شون رو ببینی یا پشت صحنه‌های فیلمش رو. مثلاً به جای فیلم جیمین دهنش رو باز می‌کنه با کامپیوتر درست کردن به دفعه از تو دهنش می‌ره تو به صحنه دیگه. می‌خوای نشونت بدم؟ ببینی عاشقش می‌شی. دفعه اولی که دیدم، اون روز بیش‌تر از ۲۰ بار دیدمش. یا خیلی طرح‌های این جور تو فیلمش داره. تو آهنگش می‌گه، عاشق طرفدارام یا این که همیشه تناسب اندام دارن و لاغر، پوست‌شون سفید و خوشگل‌هه، فک کن با این که پسر ان، اما از به دختر پوست‌شون بهتره، کلاً خیلی به خودشون می‌رسن و اهمیت می‌دن، در کل خیلی خوش‌تیپ هستن».

نسترن ۱۹ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان ساخته است که متن زیبای آهنگ، اجرای خوب و اجرای توأم با رقص ستاره‌ها، در عمل یک بسته کامل دیداری و شنیداری برای وی پدید آورده است: «- خوب در مورد بی‌تی‌اس گفتم موسیقی‌شون فرق داشت و اون رو ترجیح می‌دادی. موسیقی‌شون رو از چه لحاظی ترجیح می‌دادی؟ ریتم یا لیریک‌شون (متن ترانه) یا چه می‌دونم پرفورمنس‌شون (اجرا)؟ من خودم آدمی‌ام که مثلاً لیریک محورم. مثلاً لیریک برام خیلی مهمه. بعد کلاً خب اون قدر که مثلاً پرزرق و برقه دیگه کی‌پاپ. مثلاً فضای رنگی‌ای داره. مثلاً به سری موزیک ویدیوها. بعد مثلاً برای اجراشون خیلی تلاش می‌کنن. مثلاً پرفورمنس‌ای پر دنگ و فنگی داره، رقص‌ای خوبی داره. همه‌شون انگار به پکیج کامله دیگه».

دیپای ۱۵ ساله و سایه ۲۱ ساله نیز در گزارش خودشان، از مواردی مانند تئوری موجود در پشت سرآهنگ‌ها، صدای زیبای خوانندگان، رقص آنان، لباس‌های متفاوت ستاره‌ها و پردازش متفاوت صحنه، یاد کرده اند که جذابیت کار گروه بی‌تی‌اس را برای آنان به اوج رسانده است و تأکید کرده اند که ستاره‌ها در عمل یک بسته کامل دیداری و شنیداری برای آنان پدید آورده اند:

«- عزیزم توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه خصوصیتی وجود داره که باعث می‌شه ازشون خوشت بیاد یا دلت بخواد به طور مثال یک آهنگ رو چند بار گوش بدی؟
من اصلاً از این مدل‌هایی نیستم که ۲۴ ساعت شبانه روز مشغول بی‌تی‌اس باشم و چند بار موزیک ویدیوهاشون رو ببینم یا آهنگ‌هاشون رو گوش بدم، ولی در کل آهنگ‌های بی‌تی‌اس این مدلیه که هر آهنگ یه پیامی داره و خب من دوست دارم معنی پشت آهنگ‌هاشون رو بدونم و بفهمم برای همین لیریک رو می‌شه گفت که برام مهمه. مفهوم و تئوری‌های پشت موزیک ویدیو هم بعضی اوقات برام جالبه. ملودی آهنگ‌ها هم من رو خیلی جذب می‌کنه یا صدای اعضاء رو هم خیلی دوست دارم.»
«استیج‌های بی‌تی‌اس یه چیز خیلی جذابی که روی ثانیه به ثانیه‌اش کار شده. الان که استیج‌های آمریکایی رو می‌بینم، به نظرم خسته کننده می‌رسند. بیش‌تر نمایش موزیکاله تا کنسرت.
- یعنی داستان داره؟

نه، لزوماً داستان نداره، ولی رقصی داره که با اون رقص یه مفهومی رو می‌خوان برسوند. هر عضوی به نسبت اون مفهومی که می‌خوان برسوند، یه هماهنگی‌ای پیدا می‌کنند و در نهایت شما یک تصویر کلی‌ای دریافت می‌کنی. بعد جدای از اون اگر بازه رقصش هم بیش‌تر باشه، بازم شما می‌بینی که سطح کار فرق می‌کنه، حتی اگر یه موسیقی متوسطی رو اجرا کنند. لباس‌هایی که می‌پوشند و استایل‌شون و صحنه و همه چیز متفاوت و این به مرور جذب می‌کنه، حتی اگر همون لحظه اول نگی خیلی خب از این به بعد زندگی من حول محور اینا می‌چرخه. بعد من هم استیج‌ها رو می‌دیدم و هم ویدیوهای خنده‌دار بی‌تی‌اس رو هم آورده بود و همین جوری نشستیم دیدم، دیدم، دیدم، دیدم تا این که نمی‌دونم چی شد که سر کام‌بک^۱ (بازگشت) فیک لاو (عشق دروغین) خودشون که همون سال ۲۰۱۸ بود، به خودم اومدم دیدم ۲۴ ساعته نخواهیدم تا تعداد بازدیدهای یوتیوب و اسپاتیفای این‌ها رو بالا ببرم.»





۴-۱۲- تهیه آهنگ توسط خود ستاره‌ها

یکی از ویژگی‌های قابل توجه کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، دادن امکان تهیه متن آهنگ توسط اعضای گروه است. امکان عمل اخیر در بسیاری از گروه‌های موسیقی دیگر وجود ندارد و تهیه متن آهنگ توسط خود ستاره‌ها، از دید هواداران آن‌ها، بر جذابیت آهنگ و ویدیو موزیک اجرا شده آنان می‌افزاید.

مهتاب ۱۸ ساله در مصاحبه خودش در همین ارتباط می‌گوید:

«چه چیزی در بی‌تی‌اس هست که باعث شد شما هوادار این گروه بشید؟»

راستش چیزی که درباره بی‌تی‌اس خیلی توجه من رو به خودش جلب کرد و باعث شد که من طرفدارشون بشم، یکی این که حس خیلی خوبی از آهنگ‌شون می‌گیرم و بهم یه انرژی مثبت می‌دن و چیز دیگه هم یا در واقع برتری‌ای که این‌ها نسبت به گروه‌های دیگر کی‌پاپ دارند، اینه که اینا از صفر تا صد آهنگ‌هاشون و پرفورمنس‌هاشون همه مال خودشونه و به اصطلاح اصالت داره، به نظرم خیلی نکته مهمیه درباره‌ی گروه وقتی شما بدونی که متن یا رقص یا هر چیز دیگه‌ای از این گروه مال خودش نیست و اعضای این گروه اون رو خلق نکردن و از طرف کمپانی یا چیز دیگه‌ای بهشون داده می‌شه زیاد خوشت نیما. دیگه چه ارزشی داره؟ پس آدم باید بره طرفدار اون کمپانی بشه نه این گروه».

۵- تبلیغات کمپانی برای گروه بی تی اس

کمپانی بیگهیت در فرازی از اقدامهای خویش برای طرح بیش از پیش گروه بی تی اس، دست به تبلیغات گسترده‌ای در ارتباط با این گروه می‌زند تا با جلب توجه بیش تر مخاطبان به گروه بی تی اس، در عمل بازدهی گروه را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیباشناختی و مانند آن‌ها بیش تر کند.

مصاحبه شوندگان پژوهش حاضر، در ارتباط با روش‌های تبلیغاتی کمپانی بیگهیت برای گروه بی تی اس، در مصاحبه‌های خودشان از موارد زیر یاد کرده اند: انجام تبلیغات گسترده، همه جانبه و فراگیر، توجه به مسأله حقوق زنان، برگزاری پرشکوه جشن‌های مرتبط با ستاره‌ها، تلاش برای بین‌المللی ظاهر شدن گروه بی تی اس، راه‌اندازی خبرگزاری اختصاصی و تعامل با رسانه‌های دیگر، طرح چندتوانی اعضای گروه بی تی اس، کمک به مراکز درمانی و خیریه، فرهنگ‌سازی جهت سوق دادن آرایه هدایای جشن تولد ستاره‌ها از سوی هواداران به سمت کمک به مراکز درمانی و خیریه، عرضه انواع زیورآلات و وسایل بی تی اسی، عرضه ویدیوی آموزشی رقص هر اجرای ستاره‌ها، استقبال از حاشیه‌سازی‌های مختلف، باج دادن به رسانه‌ها و افرادی که به شکل بالقوه امکان تهدید ستاره‌ها را دارند. در ادامه، هر یک از عناوین پیش گفته، مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۵-۱- انجام تبلیغات گسترده همه جانبه و فراگیر برای گروه بی تی اس

«گروه بی تی اس به تازگی در پیامی اعلام کرده است که دیزنی پلاس در حال ساخت مستندی با عنوان «یادبود بی تی اس: فراتر از ستاره» از زندگی آن‌ها هست که در سال جاری میلادی پخش خواهد شد» (مهسا، ۱۴ ساله).

انجام تبلیغات جهت شناساندن موضوع مورد نظر در سطح جامعه و جامعه جهانی امر مهمی است که می‌تواند توجه مخاطبان را نسبت به موضوع تبلیغ شده جلب کند.

کمپانی بیگهیت پس از تشکیل گروه بی تی اس، برای معرفی این گروه به مردم کره جنوبی، نخست به شکل رایگان دست به اجرای کنسرت‌هایی می‌زد و در ادامه برای جهانی شدن نیز عیناً با اجرای کنسرت رایگان در امریکا، کوشید تا چشم‌ها را متوجه خویش سازد.

در ادامه کمپانی با بسیج هواداران و به نوعی جهت دادن به آنان، بر گستره و عمق تأثیر خویش افزوده است. به همین ترتیب کمپانی بیگهیت در تلاش برای تبلیغ بیش از پیش گروه بی تی اس، با

کمپانی ماتل (صاحب امتیاز عروسک‌های باربی) یا کمپانی‌های بازی‌سازی طرف قرارداد شده، با ارایه شخصیت‌های گروه بی‌تی‌اس برای تهیه عروسک‌های آن‌ها در کنار باربی و یا به نمایش نهادن آن‌ها در بازی‌های دیجیتالی، در عمل می‌کوشد تا ستاره‌های خویش را هر چه بهتر در اذهان کودکان و نوجوانان نشانده، آنان را به شکل بالقوه طرفدار گروه بی‌تی‌اس کند.

تبلیغات مرحله به مرحله کمپانی توسط ستاره‌ها، وجه دیگری از تبلیغات بیگ‌هیت را تشکیل می‌دهد. الناز ۱۲ ساله در مصاحبه‌اش از ارایه بلیط رایگان اجراهای اولیه گروه بی‌تی‌اس در سطح جامعه کره، به قرار زیر یاد کرده است:

«برای بی‌تی‌اس یه ۵، ۶ سال طول کشیده که خیلی شناخته و معروف بشن.

- پس از اول این طور معروف نبودن؟

نه، نبودن، یه چند سال تلاش کردن و اون اوایل بلیط‌هاشون رو رایگان می‌دادن بین مردم و می‌گفتن که بیاید به کنسرت ما و کنسرت‌مون هم رایگانه اون اوایل این طور بود و کم‌کم رشد پیدا کردن و الآن هم که خیلی معروف شدن».

مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش به ارایه گزارش مشابهی پرداخته، خاطرنشان می‌سازد، گروه بی‌تی‌اس پس از سفر به امریکا، عیناً شبیه به کشور خودشان، با در اختیار قراردادن بلیط رایگان کنسرتشان، کوشیدند تا خود را در اذهان مردم امریکا نیز مطرح سازند:

«موضوع دیگه اینه که اعضای گروه خیلی علاقه‌مند بودن که توی مسابقات آمریکایی شرکت کنن، وقتی توی مسابقات آمریکایی شرکت کردن، به دنیا معرفی شدن، یکی دیگه از دلایل معروف شدن شون این جوریه... گروه‌های دیگه نتونستن یا این که بی‌تی‌اس اولین بود. خود بی‌تی‌اس می‌گه، ما اولین بودیم، بعدها هیچ کس مثل بی‌تی‌اس نمی‌شه، جای خودشون... همون طور که بی‌تی‌اس جای هیچ کس و گروه دیگه‌ای نبوده. بعد فقط می‌شه گفت چون اولین بودن، راه رو برای بقیه راحت‌تر کردن، الآن خیلی گروه‌های کره‌ای دیگه مثلاً میان توی برنامه‌های آمریکایی و اصلاً معروف شدن، ولی اولین گروه بی‌تی‌اس بود و خودش رو دوست داشت، در سطح جهانی معروف کنه، اولین راهش این بود که بیاد در سطح امریکا خودش رو ببینه».

باران ۲۰ ساله، از ستایش غیرمستقیم عملکرد گروه بی‌تی‌اس، توسط خود اعضای گروه به قرار زیر یاد کرده است:

«عکس همین آلبوم پروف رو داری؟

آره.



همان طور که در عکس هست، در پشت سر اعضا جای گلوله‌های زیادی هست، این کانسپت نشان دهنده گلوله‌هایی که به سمت اعضا پرتاب شده اند، اما اعضا در مقابل اون‌ها مقاومت کرده اند و ضدگلوله هستن، در واقع این گلوله‌ها همان سختی‌هایی هستن که اعضا کشیده اند. مثل حرف‌ها، شایعات و هیت‌هایی که در طول ۹ سال تحمل کردن. همچنین پوکه‌های گلوله‌ها را در عکس می‌بینید که نشان دهنده همین موضوع هست، خب تو این مدت خیلی مشکلات داشت بی‌تی‌اس، مثل این که کمپانی‌شون می‌گن پولدار نبود، خوب محبوب و معروف نبود.

کمپانی تازه کار و کم پول بود و هفت نفر توی یه اتاق کوچیک بودن یا مثلاً خیلی به اعضا هیت می‌دادن، به نامجون می‌گفتن به اندازه کافی زیبا نیست، می‌گفتن صداتون زیاد خوب نیست، به جیمین می‌گفتند که چاقه، خلاصه که کلی اذیت‌شون می‌کردن و این گلوله‌ها هم نشونه‌های اون‌ها هست که مثلاً انگار از پشش بر اومدن و به اینجا رسیدن و اگه دقت کنی، اون گلوله‌هایی که پشت هر اعضا خورده، متفاوت مال جیمین اگه اشتباه نکنم پوشش پشت سرش خیلی بیش تر آسیب دیده بود تا اون جایی که پاره شده بود».



محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، کمپانی بیگ‌هیت در راستای تبلیغات غیرمستقیم خویش، موارد مورد علاقه خود را به شکل‌های هواداری (فندوم‌ها) القاء می‌سازد: «به نظرت این مسأله یکی از راه کارای خود کمپانی نیست که بخواد محبوبیت‌های آیدول‌ها رو افزایش بده؟

می‌تونه باشه، ولی غیرمستقیمه، چون ببین بعضی از فن‌پیجا که خیلی هم دنبال کننده دارن و زیاد فعالیت می‌کنن هست که مثلاً پیج اصلی کمپانی اومده یه پست از اون فن‌پیج رو لایک کرده، بعد طرفدارا هی می‌رن تو اون فن‌پیجا و بیش‌تر در مورد اینا می‌خونن و فک می‌کنن این شیپ کردنا واقعیه، چون پیج کمپانی رفته اون پست رو لایک کرده دیگه، برای همین اگر هم کمپانی پشت این ماجراها باشه، خب خیلی به نفعشه، ولی کلاً غیرمستقیمه این جور کاراشون».



کمپانی بیگ‌هیت در فراز دیگری از تبلیغات خویش برای نهادینه کردن ستاره‌های خود در اذهان کودکان، کوشیده است تا با طرف قرارداد شدن با کمپانی‌های مطرح تهیه عروسک و اسباب بازی و بازی‌های دیجیتالی، در عمل اعضای گروه بی تی اس را در اذهان مخاطبان کم سن نهادینه کند تا آنان در بزرگسالی خویش، راحت‌تر به سمت ستاره‌های بی تی اس رو آورند.



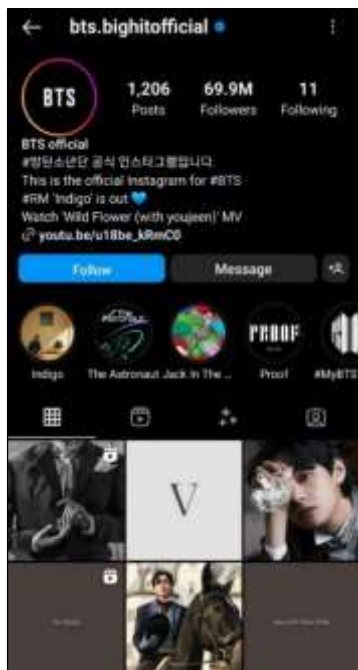




ریحانه ۱۷ ساله و زهرای ۲۴ ساله در جریان مصاحبه خودشان از به کارگیری تبلیغات گسترده و برنامه های پرهیجانی که کمپانی در آغاز ارایه یک اجرای جدید پیش می گیرد، به شرح زیر یاد کرده اند:

«... کلاً سر هر آهنگی بخواد بیاد، توی تاریخ‌های مختلف مشخص می‌کنن مثلاً ۳ یا ۴ هفته قبلش. می‌گن فلان تاریخ قراره مثلاً چندتا عکس بیاد مثلاً قراره تیزر و موزیک ویدیو بیاد و فلان تاریخ قراره تیزر اصلیش بیاد و فلان تاریخ هم خود موزیک ویدیو بیاد. بعد یه سری کانسپت‌ها، عکسای که خب مربوط به اون آهنگه. بعد این عکسایه روز مثلاً گروهی شون رو می‌ذارن یه روز تکی هاشون رو می‌ذارن، از هر عضو با همون استایل و این می‌شه تم اون آهنگه یا تم اون موزیک ویدیوشون، تم اون وایبی که داره و یه چندتا عکس می‌دن براش که بگن این عکسام باهاشه و تو آلبومام دارن از این فوتوبوکا و اینا می‌ذارن توی آلبوما. این رو بهش می‌گن کانسپت یعنی یه تم خاصی داره هر آهنگ و لباس و تیپ مخصوص خودش رو داره.»

«- در صفحات خود گروه و یا اعضا بیش‌تر چه مواردی اشتراک‌گذاری می‌شن؟ معمولاً عکس‌های خودشون هست یا تک نفره یا گروهی، البته بعضی وقتا هم مثلاً سه نفره یا چهار نفره هستن. اگر آهنگ یا موزیک ویدیو جدید بخوان ریلیز کنن هم تو صفحه‌های خودشون اعلام می‌کنن. کنسرت‌ها هم همین‌طور، بعد این طوری هم نیست که فقط یک نفر پست بذاره، ولی هفتاشون هم باهم پست نمی‌ذارن. مثلاً اول جیمین پست می‌ذاره، بعد از سه یا چهار روز چون کوک، چهار پنج روز بعدش هم وی یه پست می‌ذاره که ساعت دقیق انتشار رو مشخص کردن داخلش. ضمن این که تبلیغاتی هم که انجام می‌دن رو به اشتراک می‌ذارن، مخصوصاً مربوط به لباس و پوشاک رو.»



۵-۲- توجه به مسأله حقوق زنان

کمپانی بیگ‌هیت در فرازی از اقدام‌های تبلیغاتی خویش، اعلان می‌دارد این کمپانی برای رعایت احترام و حقوق زنان، متن آهنگ‌های خویش را قبل از انتشار، به متخصصانی از حقوق زنان عرضه می‌کند تا در صورت عدم رعایت حقوق زنان در آن متن، متن مورد نظر تغییر یابد. باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین زمینه چنین بیان داشته است:

«از دیدگاه تو طرفدار کی‌پاپ بودن استانداردها رو بالا می‌بره؟ مثلاً بعضی افراد تو رسانه‌ها دیده می‌شن که دوست پسرانشون شاکی ان از این قضایا 😊»

برای من بله، اکثر آرمی‌هایی که دیدم دنبال درس و کار ان و تو انتخاب دوست و پارتنر استانداردهاشون زیاد شده، مثلاً بی‌تی‌اس اون قدر برای زن‌ها احترام قایله که متن آهنگ‌ها رو با یه متخصص حقوق زنان چک می‌کنه که بی‌احترامی به زن‌ها توش نباشه. همین قضایا هست که باعث می‌شه استانداردهای ما بره بالا».

اما لازم به یادآوری است، همان‌گونه که در فصل نخست کتاب اشاره شد، کمپانی در عمل با سوءاستفاده از پدیده عشق تخیلی که عارض بسیاری از نوجوانان در سن بلوغ شده، در گذر زمان از بین می‌رود، ستاره‌های خویش را به شکلی رؤیایی برای دختران هوادار مطرح می‌سازد که در شرایط اخیر غالب هواداران دختر، عاشق ستاره‌های بی‌تی‌اس می‌گردند.

حساسیت کمپانی در این جهت چنان زیاد است که حتی در موزیک ویدیوی «دختر من بهت نیاز دارم» گروه بی‌تی‌اس، حتی حاضر به طرح یک دختر نیز در طول موزیک ویدیو نمی‌شود تا دختران هوادار، بدون احساس هیچ رقیبی، عشق ستاره‌ها را در ذهن خود پروراندند که بالطبع شکست خوردن در این مسیر، واجد تبعات روانی وخیمی خواهد بود. به تعبیر دیگر، کمپانی برای تحقق سود بیش‌تر خود، ظلم مضاعفی را بر هواداران مؤنث خویش تحمیل می‌کند، اما در تبلیغات خویش با طرح مواردی مانند «تلاش برای حفظ حقوق زنان»، می‌کوشد تا وجهه‌ای انسانی و دموکراتیک به خود بگیرد.

۵-۳- برگزاری پرشکوه جشن‌های مرتبط با ستاره‌ها

کمپانی بیگ‌هیت در فراز دیگری از تبلیغات خویش، می‌کوشد تا به بهانه‌های مختلف، نظیر جشن تولّد ستاره‌ها یا تاریخ شکل‌گیری و راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس، با برگزاری جشن‌های بزرگی توجه مردم را معطوف به ستاره‌ها و کمپانی آن‌ها کند.

کمپانی در طول سال ۷ بار جشن تولدهای پرشکوهی برای ۷ عضو گروه بی‌تی‌اس گرفته، نه تنها سئول و دیگر شهرهای کره جنوبی را از تصاویر ستاره‌های مورد نظر پر می‌کند، بلکه در اقصاء نقاط جهان با همراهی هواداران دست به برپایی جشن تولّد برای ستاره‌هایش زده و مثلاً روی برج خلیفه

دبی، دست به نورپردازی و انداختن تصویر ستاره مورد نظر می‌کند. به همین ترتیب در جشن فستا که به مناسبت راه‌اندازی گروه بی‌تی‌اس صورت می‌پذیرد، کمپانی قریب به ۱۳ روز جشن گرفته، یاد، نام و خاطره ستاره‌ها را در اذهان مردم و هواداران آن زنده نگه می‌دارد.

عرفان ۲۱ ساله و احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خودشان از برگزاری جشن تولد پرشکوه آیدول‌ها به عنوان تمهیدی برای طرح بیش از پیش گروه بی‌تی‌اس و کسب منافع بیش‌تر این گروه، یاد کرده‌اند:

«- عرفان کمپانی برای جشن‌های دیگر هم هزینه‌های زیادی می‌کند؟»

بله، برای همه‌ی جشن‌ها کلی هزینه می‌کند.

- یه نمونه دیگه می‌شه مثال بزنی؟

بله، مثلاً هزینه‌هایی که برای جشن تولد هر کدام از آیدول‌ها می‌کند، ده‌ها برابر جشن فستا است. برای تولد آیدول‌ها نه تنها در کره جشن می‌گیره، بلکه در اکثر کشورها هم کلی بنر و پوستر از آیدول‌ها بر در و دیوار و برج‌های معروف جهان می‌چسبانن. برای تولد هر کدام‌شان از یه رنگ استفاده می‌کنن، مثلاً برای تولد تهیونگ از رنگ بنفش استفاده کردن و برای تولد جین از رنگ صورتی استفاده کردن.

- عرفان به نظرت کمپانی این همه هزینه برای جشن‌ها رو از کجا می‌آورد؟

اگر کمپانی برای هر جشنی هزینه کند، آنقدر با قدرت برای جشن‌ها تبلیغات می‌کند و از قبل آهنگ‌هایی آماده می‌کند که نه تنها هزینه‌ها برمی‌گرده، بلکه چندین برابر نیز سود می‌کند.

- چه طور همچین چیزی ممکنه؟ مثال می‌زنی.

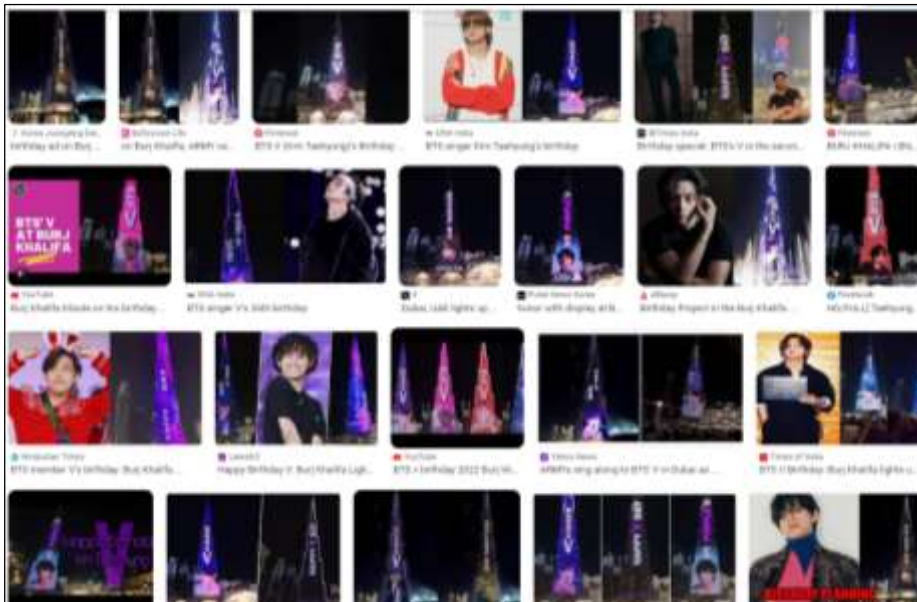
مثلاً وقتی جشن تولد تهیونگ رو گرفتن، عکس و بنر تهیونگ رو بر روی معروف‌ترین برج‌های دوبی و ژاپن و ویتنام و ده‌ها کشور دیگه با نور افشانی به رنگ بنفش نشان داده شد. یعنی آنقدر تهیونگ رو به دنیا شناساندن که کافی بود تهیونگ بره به هر کدام از این کشورها و آلبوم خودش رو اجرا کنه. آن وقت بلیط برای فروش کم می‌آوردن یا حتی می‌تونستن بلیط‌ها رو دو، سه برابر قیمت واقعی شون به فروش برسانن. در نتیجه هر چه هزینه می‌کنن، ده‌ها برابرش از راه‌های دیگه به جیب‌شون برمی‌گرده.»



«- احسان راجع به جشن تولدهای پر هزینه آیدول‌ها توسط کمپانی و هواداران اطلاعاتی داری؟ بله، هر بار که سالگرد تولد یکی از اعضای گروه بی‌تی‌اس باشد، کمپانی سازنده گروه از هفته‌ها قبل از روز تولد، دست به تبلیغ وسیع در خبرگزاری‌های کره و رسانه‌های ملی این کشور می‌زند و این خبر تولد توسط هواداران در فن‌پیج‌هاشون دست به دست می‌شود. بعد کمپانی به مناسبت تولد هر کدام از آیدول‌ها در بسیاری از کشورهای پر طرفدار بی‌تی‌اس شروع به نصب بنرهای تبریک تولد و نصب پوسترهایی از عکس آیدول مورد نظر می‌کند و برای هر کدام از آیدول‌ها از یک رنگ برای نور افشانی استفاده می‌کند.

- هدف کمپانی از جشن تولدهای پر هزینه چیه؟

اولین هدفش بهانه‌ای برای تبلیغات گسترده برای گروه و درآمدزایی بیش‌تر و دومین هدفش از این جشن‌ها زنده نگه داشتن نام و اسم گروه در اذهان مردم.»



کمپانی بیگ‌هیت، در یک حرکت نمادین مشابه، آغاز شروع به کار گروه بی‌تی‌اس را مورد توجه خود قرار داده با برگزاری جشنی به نام فستا طی روزهای اول تا سیزدهم ژوئیه هر سال، در عمل می‌کوشد تا گروه بی‌تی‌اس را با این بهانه دوباره مطرح کرده، ایجاد آن را به عنوان رخدادی مهم، مورد تأکید قرار دهد.

عرفان در فرازی از مصاحبه خودش با اشاره به جشن فستا، چنین بیان کرده است:

«... جشن فستا هر ساله از اول ژوئن تا ۱۲ و ۱۳ ژوئن برگزار می‌شود. توی این دوره سیزده روزه اعضای گروه بی‌تی‌اس به آرمی‌ها هدیه‌هایی مثل پروفایل‌های خنده‌دار و عکس‌ها و یا آهنگ‌های زیبا

و یا کاورهای خودشون رو می‌دن که واقعاً خیلی باحالت و در آخرین روز از فستا، اعضاء پارتی تولد برای بی‌تی‌اس می‌گیرن که کل محتوای اون رو خودشون آماده می‌کنن. هر سال هشتک‌های مختلفی مثل فستا و بی‌تی‌اس و آرمی و... ترند می‌شه. در کل فستا به چیزیه بین آرمی‌ها و بی‌تی‌اس که باهم جشن می‌گیرن و اعضا از خاطراتشون و شادی‌هاشون حرف می‌زنن که واقعاً هر آرمی هر ساله منتظر این روزه. این قدر این جشن فستا رو در رسانه‌های سراسر کره پخش می‌کنه که مردم و طرفداران هر ساله دراول ژوئن منتظر جشن ان و در سراسر جهان هم این زمان بین هواداران هر ساله جشن گرفته می‌شه و کمپانی مقداری از درآمدش رو به کارهای خیر و کمک به نیازمندان اختصاص می‌دهد.

- برگزاری جشن فستا چه تأثیری روی هواداران داره؟

چون این جشن دوازده تا سیزده روز ادامه داره، خیلی به هواداران خوش می‌گذره. معمولاً آیدول‌های بی‌تی‌اس در این سیزده روز با هواداران ارتباط برقرار می‌کنن و لحظات شادی رو ایجاد می‌کنن مثلاً خاطرات خنده‌دار می‌گن و آهنگ‌های زیبا می‌خوانن که گاهی با رقص توام هستن و هواداران انرژی مثبت می‌گیرن».



۵-۴- تلاش در جهت بین‌المللی ظاهر شدن گروه بی‌تی‌اس

کمپانی بیگ‌هیت پس از آن که گروه بی‌تی‌اس خود را در کره جنوبی به عنوان یک گروه کی‌پاپ موفق تثبیت کرد، در صدد طرح این گروه در سطح جهان برآمد. اقدام اخیر از طریق برگزاری اجراهایی با خوانندگان غربی شرکت در جشنواره‌های موسیقیایی معتبر جهان و برگزاری تورهای جهانی صورت پذیرفته است.

ویکی پدیا در مورد همکاری گروه بی‌تی‌اس با سلبریتی‌های غربی می‌نویسد:
«گروه بی‌تی‌اس آلبوم آیدل خود را با همکاری نیکی میناژ در سال ۲۰۱۸ منتشر ساخت. گروه بی‌تی‌اس در همین سال در آهنگ نقشه روح: پرسونا، با هالزی خواننده آمریکایی همکاری داشت. بی‌تی‌اس در ژوئن ۲۰۱۹، سه تک‌آهنگ همکاری منتشر کرد، رؤیای درخشان با همکاری خواننده انگلیسی چارلی اکس‌سی‌اکس، یک روز نو به همراه خواننده سوئدی زارا لارسون و تمام شب با همکاری رپر آمریکایی جوس وولد».



کمپانی بیگ‌هیت با اطلاع‌رسانی‌های مختلف و بسیج هواداران خویش، هواداران را به شرکت در رأی‌گیری‌ها و نظرسنجی‌های مختلف در مورد انتخاب آهنگ‌های برتر توسط سایت‌های معتبر موسیقی (۱۰۰ آهنگ داغ و ۲۰۰ آهنگ جهانی بیل‌بورد) و انتخاب آهنگ‌های برتر توسط انتخاب‌های مردمی، فرا می‌خواند تا با برنده شدن در موارد اخیر، به نوعی جهانی شدن خویش را بیش از پیش تثبیت کند!



کوتر ۲۵ ساله، تغییر نسبی سبک آرایه گروه بی‌تی‌اس را با تلاش کمپانی بیگ‌هیت برای برنده شدن در جشنواره‌های موسیقیایی غربی تبیین می‌کند. از نظر وی طرح یک گروه در سطح بین‌المللی، ضمن آن که تداعی گر اهمیت گروه هست، متضمن جذب هواداران بیش‌تر و در نتیجه کسب سود و منافع بیش‌تر و پیش‌برد بیش از پیش اهداف مختلف کمپانی است. کوتر در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«موزیک ویدیوی اول‌شون در حد موزیک ویدیوی، بقیه موزیک ویدیوهای کی‌پاپه. موزیک ویدیوهای آخرشون سبک هالیوودیه. یعنی جوری ساختن که طرفدارای هالیوود خیلی بیسندن و بتونن گرمی و جایزه‌های بیلبورد رو ببرن...»

بی‌تی‌اس دیگه تقریباً یکی، دو سال آخر سبک و سیاق آهنگاشون رو برده بودن به سمت سبک و سیاق هالیوودی. مثلاً مدل آهنگای هالیوودی آهنگ می‌خوندن. جوری که مثلاً اونا می‌پسندن و توی جشنواره‌هاشون باهاش جایزه می‌برن و دیگه اون حس... دیگه اون مفهوم رو آهنگا به اندازه قبل نداشتن... داستان عمیق رو نداشت موزیک ویدیوها و واقعیتش جذابیتش برام کم شد و اینم بازم سیاست کمپانی بود که همچین آهنگایی رو بخونن که بیان جایزه‌های جشنواره‌های خارجی رو ببرن. چون دیگه هیچ جایزه‌ای تو کره نمونده بود که نبرده باشن و تموم جایزه‌ها رو درو کرده بودن. یه جورایی می‌خواستن مسیر پیشرفت رو طی کنن که کردن هم تا یه حد زیادی».

نکته دیگری که در ارتباط با مقوله نظرسنجی لازم به ذکر است، شرکت هواداران در نظرسنجی‌های مرتبط با ستاره‌ها اما غیر مرتبط با خوانندگی آنان است و آن نظر دادن در مورد مواردی مانند انتخاب جذاب‌ترین مردان است. آیدای ۱۷ ساله در مصاحبه خودش به مورد اخیر به شرح زیر اشاره دارد:

«- آیدا حکایت این رأی دادن توی اینستا به بچه‌های گروه بی‌تی‌اس چیه؟»

یه مسابقه به نام جذاب‌ترین مرد سال آسیا تو اینستا و بقیه سایت‌ها شروع شده و چند تا از بچه‌های بی‌تی‌اس هم شرکت کردن، از جمله تهیونگ، جونگ‌کوک، جیمین و نامجون و جیهوپ. به خاطر همین همه هواداران بی‌تی‌اس خودشون رو مکلف می‌دونن برای انتخاب جذاب‌ترین مرد سال آسیا، یکی از آیدول‌های مورد علاقه‌شون رأی بیش‌تر رو بپاره، من خودم شخصاً برای تهیونگ تبلیغ می‌کنم. چون تهیونگ از همه‌شون جذاب‌تره و من دوستش دارم».

کمپانی بیگ‌هیت در فراز دیگری از اقدام‌های خود، با برگزاری تورهای جهانی، می‌کوشد تا چهره بین‌المللی گروه بی‌تی‌اس را بیش از پیش تثبیت کند.

کمپانی در آغاز پس از تثبیت گروه بی‌تی‌اس در داخل کره جنوبی، با فرستادن گروه بی‌تی‌اس به امریکا و برگزاری اجرای رایگان توسط آنان در این کشور، کوشید تا گروه بی‌تی‌اس را در سطح جهان غرب نیز معرفی کند. در ادامه، کمپانی بیگ‌هیت با برگزاری تورهای جهانی، نسبت به کسب منافع مادی و پیش‌برد اهداف دیگر خود اقدام می‌کند.

مه‌لقای ۱۹ ساله در فرازی از مصاحبه‌اش، پیشی گرفتن گروه بی‌تی‌اس نسبت به گروه کی‌پاپ اکسو را که متقدم‌تر از گروه بی‌تی‌اس بود، برگزارای تورهای جهانی این گروه می‌داند:

«- فکر می‌کنی بی‌تی‌اس چرا نسبت به اکسو این قدر یهو توی کل دنیا معروف شد؟»

کمپانی بی‌تی‌اس خیلی ازش حمایت می‌کنه و به تمام درخواست‌ها بله می‌گه. در صورتی که کمپانی اکسو اجازه نمی‌ده موزیکای اکسو تو رادیوهای امریکا مثلاً پخش بشه یا زیاد براشون تور خارج از آسیا نمی‌ذاره و محدودیت‌هایی امثال این که درنهایت همه‌شون باعث بشن اکسو خارج از آسیا زیاد معروف نشه. بی‌تی‌اس همچین محدودیت‌هایی نداشت و وارد موسیقی غرب شد و بعدشم با چندتا سلبریتی مطرح فیت داد و یه چیز کاملاً طبیعی که انقدر یهو معروف بشه. همه‌اش سیاستای تجاریه دیگه».

۵-۵- راه‌اندازی خبرگزاری اختصاصی و تعامل با رسانه‌های دیگر

کمپانی بیگ‌هیت برای اطلاع‌رسانی در مورد آیدول‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌های پیش‌رویشان، دست به راه‌اندازی خبرگزاری رسمی خویش زده است. مضاف بر این، بنا بر اظهارات تنی چند از هواداران گروه بی‌تی‌اس، کمپانی با رسانه زردی مانند دیسپیچ نیز مراودات نزدیکی دارد، زیرا گاهی دیسپیچ، دست به نشر پیامک‌های آیدول‌ها می‌زند که این کار جز با همکاری کمپانی امکان‌پذیر نیست. بعد به شکل متقابل، در مواردی که کمپانی نمی‌تواند به صراحت منویات خویش را محقق سازد، رسانه زرد دیسپیچ به یاری کمپانی شتافته و خواست و اهداف آن را محقق می‌سازد.

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش در توصیف خبرگزاری کمپانی بیگ‌هیت که در مورد برنامه‌های مختلف گروه بی‌تی‌اس به هواداران اطلاع‌رسانی می‌کند، بیان می‌دارد:

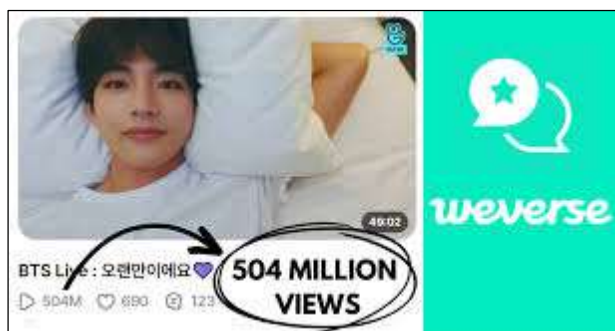
«... بعد برنامه‌ای که بی‌تی‌اس خیلی داخلش فعالیت داره و جواب همه‌ی آرمی‌ها رو می‌ده و عکس

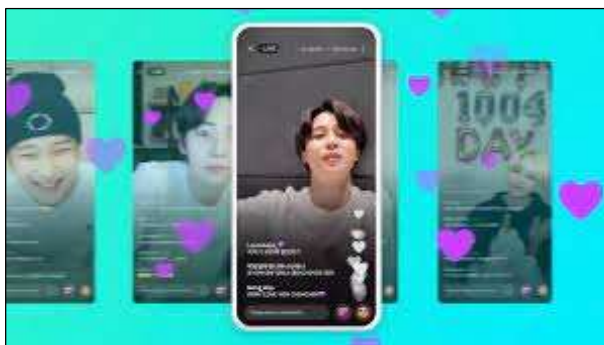
این چیزا رو پست می‌کنه وی‌ورسه.

- چه طوری؟

وی‌ورس یه برنامه‌ایه که آیدول‌های کی‌پاپ دارنش و کامنت‌های آرمی‌ها رو جواب می‌دن و

روزمرگی‌شون رو اونجا می‌ذارن».





فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه خود از تعامل کمپانی و رسانه زرد دیسپچ به قرار زیر یاد کرده است:
«من چیزهایی درباره سایت دیسپچ دیدم که به چتها و زندگی شخصی آیدول‌ها دسترسی داره، درست‌ه؟»

آره، دیسپچ در واقع مجموع‌های از افرادی‌ه که یا برای کمپانی کار می‌کنند یا خبرهای دسته اول در رابطه با آیدول‌ها رو به صورت کاملاً مجزا از طرف خودشون منتشر می‌کنند که بیش‌تر مواقع دیسپچ‌ها افرادی هستند که از کمپانی پولی رو دریافت می‌کنند تا با سند و مدرک واقعی از یک آیدول اون رو در دسترس داشته باشند تا اون رو در مواقع مخصوص تحت فشار قرار بدن یا از اون استفاده کنند که حتی بعضی وقت‌ها بدون این که خود آیدول خبر داشته باشه، خبر قرارش رو با مدرک واقعی بین عموم قرار می‌دنند تا همه اون رو ببینند... .

- دیسپچ‌ها معمولاً چه اخباری رو منتشر می‌کنند و چه اطلاعاتی براشون مهمه؟
دیسپچ‌ها خبرهای مهم مثل خبر قرارها رو پخش می‌کنند و در این مورد خیلی کار می‌کنند و روی قرار آیدول‌ها خیلی زوم هستند، چون این موضوع برعکس غربی‌ها، برای کره‌ای‌ها، خیلی مهمه این که کی با کی قرار می‌ذاره یا حتی اونا خودشون رو در حدی می‌دونن که برای اون آیدول اظهار نظر کنند و بگند، مثلاً این خوب نیست، این بهتره، تو اصلاً چرا با اون رفتی سر قرار، شما اصلاً سناتون یا قدهاتون نمی‌خوره یا همچنین چیزهایی در واقع دیسپچ با ارایه سند و مدرک واقعی برای یک موضوع، اون رو به واقعیت و باورپذیری نزدیک‌تر می‌کنه، مثلاً شایعه‌ی قلدری پارسال خیلییی ضررها داشت و خیلی هم موضوع داغی بود که اونا میان مثلاً چت آیدول با یک شخص دیگه یا هر چیزی رو در رابطه با اون آیدول منتشر می‌کنند یا می‌دن به کمپانی تا کمپانی منتشر کنه یا هر چیزی که مربوط به صحت خبر باشه و باورپذیریش بیش‌تر بشه... .

- از تنبیه‌های دوران کارآموزی اون‌ها اطلاعی داری؟
اگر زیر پا گذاشتن قوانین متعلق به دوران کارآموزی باشه، می‌تونه شامل تمرینات سخت‌تر و فشرده‌تر از بقیه باشه یا ممکنه منع اون‌ها از دیبو با گروهی که داره دیبو می‌کنه باشه یا عقب انداختن زمان

کارآموزی‌شون و یا حتی ممکنه به صورت ندادن وسایل مورد نیاز و اضطراری مثل مکان، خوابگاه، لباس و هر چیز دیگه‌ای باشه یا مثلاً گرفتن پول بیش‌تری از اون کارآموز، به خاطر این که از یک قانون سرپیچی کرده و خب کلاً کمپانی‌ها قبل از کارآموزی قدرت خیلی بیش‌تری دارند و تنبیهی هم که برای آیدول در نظر می‌گیرند، فکر می‌کنم سخت‌تر باشه، ولی خب بعد از دوران کارآموزی، زمانی که آیدول شدند، کمپانی برای زمانی که بخواد آیدول رو تنبیه کنه دستش بازتر هست، چون خب گزینه‌های بیش‌تری هست تا بخواد اون آیدول رو تحت فشار بذاره و حتی این تنبیه‌ها ممکنه خبر دادن یک شایعه بی‌اساس یا حتی یک شایعه درست درباره قرار میان یک آیدول و یک آیدول دیگه باشه با کمک دیسپچ این کار رو انجام می‌ده که این قطعاً خیلی از نظر روحی و روانی اون آیدول رو تحت فشار می‌ذاره، چون کامنت‌های مخرب و صحبت‌های ناشیانه یا هر چیز دیگه‌ای قطعاً روی اون آیدول تأثیر داره».

۵-۶- طرح چندتوانی اعضای گروه بی‌تی‌اس

در زندگی روزمره، غالب افراد در یک زمینه مهارت و برتری یافته، تنها می‌توانند تجربیات همان زمینه محدود را از خود به نمایش بگذارند، اما در مواردی که فرد یا افرادی ملاحظه شوند که هم‌زمان دارای چندین و چند توان در عرصه‌های مختلف هستند، بالطبع این افراد بیش‌تر از افرادی که تنها از یک شاخصه قابل توجه برخوردارند، مورد توجه قرار می‌گیرند. از این رو کمپانی بیگ‌هیت با سوق دادن ستاره‌ها به سمت عرصه‌های دیگر، نظیر تهیه کارهای دستی هنری از سوی آیدول‌ها، به این مهم جامه عمل پوشانده، با تأکید چندتوانی اعضای گروه، آنان را بیش‌تر از پیش در اذهان مخاطبان خویش مطرح می‌سازد.

مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش با یادآوری دوران کارآموزی ستاره‌های بی‌تی‌اس خاطرنشان می‌سازد، به جز یک نفر از ۷ عضو گروه، سایر افراد گروه در زندگی شخصیشان با فقر روبه‌رو بودند و پس از تشکیل گروه، آنان ضمن کار کردن و کسب درآمد برای گذران معیشت خویش، تمرین‌های فشرده جهت اجرای موسیقی را انجام می‌دادند تا به مرحله اجرای عملی برنامه‌هایشان در جامعه رسیدند: «می‌گن اعضای گروه خیلی پولدار شدن در دنیا. در صورتی که از این هفت عضو فقط یکی شون شرایط مالیش خیلی خوبه. بزرگ‌ترین عضو گروه یکی هست به نام سوک جین یا حالا جین که از نظر سنی بزرگ‌ترین فرد توی گروهه. بعد جین، پدرش جزو بیست نفر پردرآمد و ثروتمند کره هست و شرایط مالی بی‌نظیری داره، مثلاً توی دوران کودکی، کلاس پیانو رفته، ولی چیز جالب اینه که با این که این قدر شرایط مالی خیلی خفن و عالی داشته پدرش، به قدری که می‌گن در کل کشور جزو بیستای اوله که شرایط مالی عالی رو داشته، با این حال پسرش رو می‌ذاره بره در رستوران کار کنه. به عنوان گارسون یا پیشخدمت... به عنوان... الان اصطلاحش رو یادم رفته... اینایی که می‌رن رستوران رو تزیین

می‌کنن... کار می‌کنه تا پول دربیاره. خودش گفت پدرم گفت تو باید بری یاد بگیري که برای پول درآوردن زحمت بکشی... کارکنی و این طور نبوده که بگیریم به واسطه پدرش شرایط خیلی عالی رو داشته... با این حال انگار توشون جا افتاده برای این که شرایط عالی داشته باشی باید تلاش کنی تا عالی باشی... سختی باید بکشی تا به یه جایی برسی. الان وضعیت مالیش از پدرش هم حتی بهتره. مثلاً... نمی‌دونم... برای سالگرد ازدواج پدر مادرش بود یا برای روز پدر یا مادر بود، یه خونه چند میلیاردی به ارزش پول ما، تهیه کرد و به پدر و مادرش هدیه داد. فکر کن فقط هدیه‌اش این قدره. به خاطر همین این طوری نیست که... اون جوری که تلویزیون می‌گه، انگار آدم‌های خیلی منتخب شده با شرایط خیلی عالی و اینا، نه اتفاقاً فقط بین این هفت تا فقط یه نفره این شکلیه. ۲ نفرشون که شرایط مالی شون واقعاً... واقعاً داغون بود، یعنی یکی از اعضای دیگه بعد از جین... اسمش یونگیه، توی یه خانواده چهار نفره هست و یه برادر بزرگ‌تر از خودش داره، پدرش شرایط مالی خیلی بد داشته، اون موقعی هم که این گفته من می‌خوام رپر بشم و برم سئول... چون توی یکی از شهرستان‌های کره بوده، وقتی که می‌خواد بیاد سئول، خانواده‌اش بهش می‌گن، نه این چه حرفیه تو باید بری درست رو بخونی، بعدش بری کار کنی... اصلاً مخالفت شدیدی داشتن، با این وجود شعر می‌نویسه، ولی خانواده‌اش بعضی از شعرهاش رو پاره می‌کنن. یه روز میاد به سئول، شروع می‌کنه آودیشن دادن و درخواست قبولی برای کمپانی رو داشته... آودیشن می‌ده تا این که در یکی از کمپانی‌ها پذیرفته می‌شه، یعنی وضعیت مالی داغونی داشته. یا یکی دیگه از عضوهای تهیونگه، اون هم همین طور اون هم از خانواده شلوغ، با سه تا خواهر برادر، کارش رو شروع کرده، تهیونگ بزرگ‌ترین فرزند این خانواده پنج نفره بوده، شرایط مالی‌اش اصلاً خوب نبوده، پدرش کشاورزی بود و سطح مالی پایینی داشته، این میاد یهو این قدر پول دار می‌شه... مثلاً چند ماهه پیش بود، چون سفیر برند هیوندا هستن، همون ماشین جدید هوندا که تبلیغش رو کرده بود، خرید و به عنوان هدیه به پدرش داد. پس این طوری نیست که طرف آدم خیلی خاصی باشه که اون رو انتخاب می‌کنن، نه، اصلاً این طور نیست، افراد از جای جای اون کشور جمع شدن و حالا کنار هم دیگه شدن این ۷ تا، حالا این هفتا این قدر بولد (مطرح) شدن، وقتی بری توی زندگی شون، می‌بینی که خیلی پستی و بلندی هر کدومشون داشتن تا به اینجا رسیدن، همین یونگی، وقتی که دیبو کردن، شروع کرد به عنوان پیک رستوران کار کردن تا خرجش رو دربیاره که بتونه زندگی کنه، همین که پیک رستوران بود، یه شب که داشته پیتزا می‌برده برای یکی، تصادف می‌کنه و تو این تصادف کتفش آسیب می‌بینه و نیاز به عمل جراحی داشته، ولی چیزی نمی‌گه به کمپانی که نکنه بگن حالا از گروه حذف می‌شی، چون تازه دیبو کرده بودن و چند سال بعدش... تازه مثلاً پارسال بود یا یکی، دو سال پیش بود که عمل کرد، البته کمپانی گفته بود عمل کنه، اما این قدر برنامه کاری شون شلوغ بود که وقت نشد تا این که در زمان کرونا سرشون خلوت شد، تازه عمل کرد و اینا یعنی این طوری هم نبوده که حتی

همون اول همه‌چی عالی باشه که تازه ۴ سال بعد از این که دببو کردن تازه یه کم دیده شدن... چهار، پنج سال بعد از دببو کردن».

سایه ۲۱ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، بیان می‌کند، اصولاً از ستاره‌ها کی پاپ، برخلاف ستاره‌های هالیوودی، انتظار انجام چند کار هم‌زمان، نظیر خوانندگی، رقص و یا حتی بازی کردن در صنعت سینما (برای کسب شهرت و مطرح شدن بیش از پیش) انتظار می‌رود:

«- درباره مفهوم آیدول^۱ یه توضیحی می‌دید، به خواننده‌های کی پاپ که معروف شده اند می‌گن

آیدول؟

نه لزوماً معروف هم نشده باشه، آیدول حساب می‌شه و خواننده هم نمی‌شه گفت. مثل هالیوود نیست که بتونید لزوماً بگید این خواننده است و فلانی بازیگره. چون تنها کارشون خواندن نیست. مثلاً این بین کره‌ای‌ها خیلی مرسومه که خواننده‌ها فیلم هم بازی می‌کنند و بازیگرها هم دوتا ترک^۲ (آهنگ) می‌خوانند. بعد جدای از اون اینا که فقط خوانندگی نمی‌کنند. در کنار خواندن شون یه رقص هم دارند و یه پرفورمنس (اجرا) هم دارند و مجموعه این‌ها هست که کار این‌ها رو می‌سازه. بعد مجموع این ویژگی‌ها باهمه که باعث می‌شه بهشون نگیم خواننده و بگیم آیدول. پس اگر بگیم یکی آیدوله، یعنی هم خواندن داره، هم رقص داره و هم استایل و تیپش توسط یه تیم حرفه‌ای مشخص شده و هر کدوم منظور داره و هر موزیک ویدیوش هم برای خودش یه داستانی داره، ولی خب کره‌ای‌ها هم خواننده‌ای که آیدول نباشه دارند. مثلاً گروه‌های راک‌شون خیلی معروفه در این زمینه که فقط خوانندگی می‌کنند و نه رقصی دارند، نه چیزی. بهشون هم می‌گن کی راک. خواننده‌های دیگه هم هستند که وارد جریان رقص و این‌ها نشدند. بعد اکثر کسانی که آیدول اند، در یک گروه دببو می‌کنند. البته همه‌شون نه، خیلی‌ها هم تکی دببو می‌کنند، ولی بیش‌ترشون تحت گروه دببو می‌کنند».



عرفان ۲۱ ساله در مصاحبه خودش، خاطرنشان می‌سازد، جین در عین خوانندگی، در گروه دست به آهنگ‌سازی نیز می‌زند:

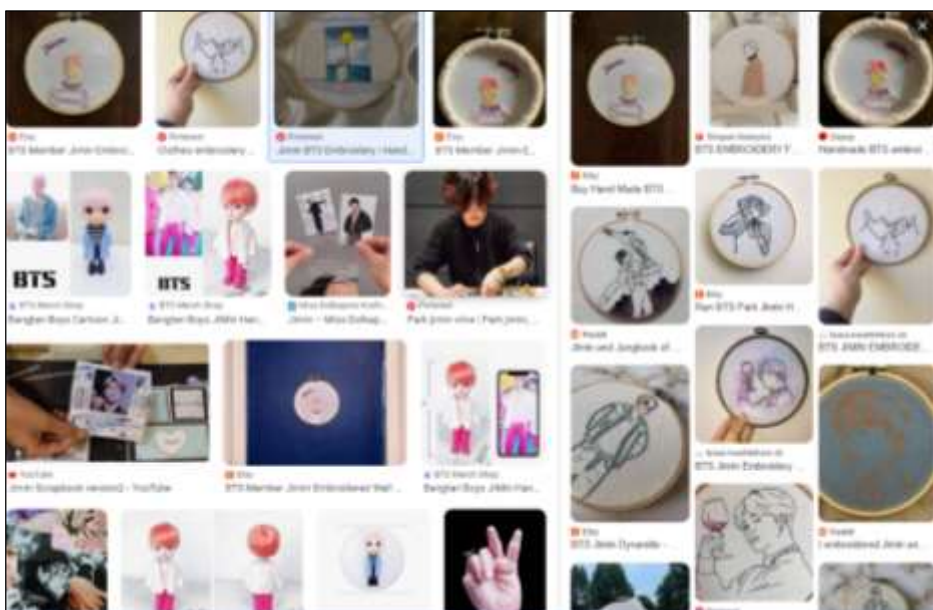
«- خودت چه اطلاعاتی شخصی از جین داری؟»

جین یکی از خواننده‌های گروه بی‌تی‌اسه که متولد سال ۱۹۹۲ است و در همان کره جنوبی متولد شده و در این گروه فعالیت می‌کند. از لحاظ سنی بزرگ‌ترین عضو تیم است. او در بیست سالگی وارد این عرصه شد، در ابتدا رؤیای خودش تئاتر و بازیگری بود. قبل از وارد شدن به این گروه خودش نمی‌دانست که چه قدر استعداد خوانندگی دارد. او سخت کار کرد و تحصیلاتش رو در زمینه موسیقی و آواز به اتمام رسانید.

- نظر خودت در مورد جین چیه؟

به نظرم بهترین آیدوله که از همه لحاظ بی‌نظیره. یعنی تمام حسن‌های خوب به یک‌جا در وجود این آیدول جمع شده. هم جذابه، هم صدایش فوق‌العاده هست و هم بهترین آهنگ‌سازه.
- عرفان از بین بچه‌های گروه بی‌تی‌اس تو خودت طرفدار کدام یکی شون هستی؟
همه‌شون خوبن، ولی من عاشق جین هستم. تا حدی که دیوارهای اتاقم پر از پوستره‌های جین با اون ژست‌های قشنگش هست.»

کمپانی در فراز دیگری از اقدام‌های خویش جهت به نمایش نهادن چندتوانی اعضای گروه بی‌تی‌اس، آنان را تشویق به انجام برخی از کارهای دستی نیز کرده است که اعضای گروه با تولید کارهای هنری و دستی مختلف، آن‌ها را به معرض فروش نیز می‌گذارند.





زهرای ۲۴ ساله هم در مصاحبه خودش از چندتوانی اعضای گروه بی‌تی‌اس به فرار زیر یاد می‌کند:
«- علاوه بر این تبلیغات که بیش‌تر جنبه تجاری برای بی‌تی‌اس و کمپانی‌هایی که براشون تبلیغات انجام شده دارن، شما گفتید بعضی از تبلیغات به دنبال نشون دادن وجهه مثبت و خوب گروه هستند. بله اون تبلیغات هم هستن که هدفشون در اصل اطلاع‌رسانی هست. یعنی می‌خوان بگن که این صرفاً یه گروه موسیقی نیست و فعالیت‌های انسانی و مثبت خیلی خوبی هم داره انجام می‌ده که خب با این فعالیت‌های مثبتی که انجام می‌دن چندتا هدف به دست میاد.
- چه هدف‌هایی هستن؟

مثلاً اولیش این هست که این فعالیت‌ها به خودی خود تأثیر مثبت دارن و باعث پیشرفت اوضاع می‌شن، دومیش این هست که خود گروه مشهورتر می‌شه با توجه به فعالیت‌های چند وجهی که داره، یعنی از یه طرف تو حوزه موسیقی داره کار می‌کنه و از شهرتی که به دست آورده هم برای گسترش

کارای مثبت تو دنیا استفاده می‌کنه، هم برای جهان و هم برای بی‌تی‌اس فایده داره. به قول معروف بازی برد-برد هست دیگه (باخته).

- پس با توجه به قسمتی که از چند وجهی بودن صحبت کردید، از نظر شما بی‌تی‌اس هم چند وجهی هست، درسته؟

کاملاً برای این که الان با زمان گذشته خیلی فرق کرده، اگر بچه‌ها رو هم نگاه کنیم، متوجه می‌شیم کاملاً که پدر و مادر این بچه‌ها تا حد توان خودشون، فقط به این اکتفا نمی‌کنن که دختر یا پسرشون مدرسه بره. در کنار مدرسه سعی می‌کنن مهارت یا دانش دیگه‌ای رو هم کسب کنن مثلاً زبان، هنر، ورزش و برنامه نویسی که خب خیلی مورد توجه قرار می‌گیرن. خب حالا بچه‌ها دارن مهارت‌های مختلف رو یاد می‌گیرن قطعاً افراد مشهور هم این کار رو انجام می‌دن».

هواداران در برخورد با چندتوانی ستاره‌ها در سیر تاریخی شکل‌گیری گروهشان و ادامه آن در حال حاضر، نگاهی تقدس‌آمیز نسبت به ستاره‌های گروه یافته، دست به ستایش بیش از پیش آنان می‌زنند.

۵-۷- کمک به مراکز درمانی و خیریه

یاری رساندن به مراکز درمانی و خیریه، اقدام نوعدوستانه‌ای است که هر فردی و با هر تفکر و اعتقادی به تأیید آن دست می‌زند. بنابراین با توجه به مدل‌های شرطی‌سازی کلاسیک که بیان می‌دارد، رایج تقریباً هم‌زمان یک محرک مثبت (یا منفی) با یک محرک خنثی، بار ارزشی مثبت (یا منفی) آن محرک طبیعی را به محرک خنثی انتقال داده، پدیده شرطی شدن رخ می‌دهد.

کمپانی بیگ‌هیت نیز که می‌داند، دست زدن به اقدام‌های خیرخواهانه و درمانی، به یافتن وجه مثبت افراد ذی‌دخل در این ارتباط می‌انجامد، با تشویق ستاره‌ها به انجام کارهای خیرخواهانه مختلف، در عمل می‌کوشد تا وجه مثبت مضاعفی به گروه خویش بدهد و آنان را به شکل الگوهای برتر و فراتر از دیگر الگوها، مطرح سازد.

رخساره ۱۶ ساله، مهشید ۲۱ ساله و زهرای ۲۴ ساله در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، اعضای گروه بی‌تی‌اس را افرادی خیر توصیف کرده‌اند که به مناسبت‌های مختلف دست به کارهای خیرخواهانه می‌زنند:

«... اعضای گروه بی‌تی‌اس در دیدار با رئیس جمهور وقت امریکا، گفتن که نژاد براشون مهم نیست و تو هر جایی به فکر آرمی‌ها هستن، اولویت‌شون اول آرمی‌هاست، بعد افتخارات‌شون.

- از روی چه کارهایی‌شون، می‌فهمی، اولویت‌شون اول آرمی‌ها هست؟

کارهای خیلی زیادی انجام دادن برای آرمی‌ها، برای بچه‌ها، نمی‌دونم دقیقاً چه مبلغی، ولی مبلغ خیلی زیادی به بچه‌های بی‌سرپرست کمک کردن یا خونه‌ی سالمندان و این جور چیزها برای پیرزن و پیرمردها ساختن، کلاً خیلی کمک کردن به بی‌پناه‌ها و به اونا که سرطان دارن و این جور چیزها».

«- گروه کمپین هم برای کارهای خیریه برگزار می‌کنه؟»

آره خیلی، این بین کره‌ای‌ها خیلی چیز عادی‌ای هست، اصولاً افراد معروف که پولدار هستن، بخشی از پولشون رو هر چند وقت یک‌بار، مخصوصاً در روز تولدشون برای به بیماری یا رفاه یه گروه خاص یا ساخت یه مکان مثل مدرسه، اهدا می‌کنن. در سال حداقل یکی دوبار انجام می‌دن، تازه سعی می‌کنن مخفیانه باشه، ولی مردم خبرش رو پخش می‌کنن.»



«بی‌تی‌اس کمک مالی زیاد انجام می‌ده، حالا این می‌تونه تو زمینه‌های مختلف باشه، مثلاً تو دوره بیماری خیلی از افراد و گروه‌های مشهور اومدن به شورای مختلف کمک کردن برای تأمین کردن لوازم بهداشتی، تولید واکسن یا حتی خوراک و پوشاک برای افرادی که توانمندی مالی ندارن. مثلاً گواردیولا^۱ یک میلیون دلار به اسپانیا کمک کرد. در مورد بی‌تی‌اس هم صحبت‌هایی شد که برای مقابله با بیماری کمک‌های مالی انجام دادن، ولی ضد و نقیض بود. ولی وقتی که اون اتفاق تو آمریکا افتاد که پلیس اومد اون مرد سیاه پوست رو کشت، اسمش رو هم یادم رفته الان یادم میاد.

- جورج فلویید^۲.

آره، وقتی اون اتفاق برای جورج فلویید افتاد، کلاً جهان تکون خورد. مردم تو کشورهای مختلف تظاهرات کردن و افراد مشهور هم به این اتفاق بد پرداختن که اعضای بی‌تی‌اس هم جزو همون‌ها بودن و ساکت نموندن. حتی کمک مالی هم انجام دادن.»

رخساره ۱۶ ساله در فراز دیگری از مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، کمپانی و اعضای گروه شخصاً کمک‌های خیرخواهانه خویش به دیگران را اعلان نمی‌کنند، بلکه این مؤسسات کمک گیرنده هستند

1 Pep Guardiola

2 George Floyd

که شخصاً در مورد کارهای خیرخواهانه گروه بی‌تی‌اس، دست به اطلاع‌رسانی می‌زنند (و به این ترتیب رخساره می‌کوشد تا شائبه هر نوع ریاکاری را در این میان نفی کند):

«- کمپانی می‌گه برن کمک کنن؟»

نه.

- بعد کمپانی اعلام می‌کنه؟

نه. خودشون. کمپانی در این جور چیزها زیاد باهاشون کاری نداره، خودشون این کارا رو انجام می‌دن و حتی از طرف مؤسسه‌ای که کمک می‌کنن، خود مؤسسه هم خبرش رو می‌ذاره که مثلاً آره بی‌تی‌اس انقدر به من کمک کرده».

راضیه ۱۵ ساله و شکوفه ۱۸ ساله در فرازی از مصاحبه‌های خویش، از شرکت برخی از اعضای گروه در کارهای خیرخواهانه و تشویق کمپانی در این که مثلاً در تولد فلان آیدول هواداران هدایای خود را به یک مرکز خیریه ارسال دارند، یاد کرده اند:

«- می‌تونن بگی بی‌تی‌اس چه فرقی داره که توجهت رو بیش‌تر جلب کرد و هوادارشون شدی؟»

اون اولاً که شناختم‌شون، اولین کسانی بودن که همچین حرفایی رو می‌زدن که خودت رو دوست داشته باش، برای خودت ارزش قایل باش، از هر نژادی که باشی مهمی و ترجمه و محتوای آهنگاشون پر از معنی بود برام. تنها کسانی هستن که همیشه همراه من هستن و بدون این که من رو بشناسن، می‌گن دوسم دارن و برام قشنگه که بدون این که بدونن من کی‌م، به علایقم احترام می‌ذارن و تشویقم می‌کنن که خودم باشم و از خودم بودن خجالت نکشم و همین‌طور رابط‌های که بین آرمی و بی‌تی‌اسه. بی‌تی‌اس سالانه میلیون‌ها دلار به جاهای مختلف کمک می‌کنه و این برای آرمی‌ها انگیزه هست که اونا هم باهم پول جمع کنن و به یه خیریه کمک کنن».

«- درآمد اعضای بی‌تی‌اس تماماً در اختیار خودشونه؟»

نه، تمام در آمدشون مال خودشون نیست و چون تمام فعالیت‌هاشون، حتی فعالیت‌های تکی‌شون زیر نظر و با اجازه کمپانیه و کمپانی در این زمینه‌ها هم بهشون کمک می‌کنه، در واقع اعضا، حقوق بگیر هستن و علاوه بر این، بخشی از این در آمدشون رو برای افراد فقیر خرج می‌کنن. یه رپر دارن که اسمش آر‌امه، اون خیلی کمک می‌کنه نصف درآمدش رو صرف امور خیریه و کارهایی از این قبیل می‌کنه».

۵-۸ - فرهنگ سازی جهت سوق دادن ارایه هدایای جشن تولد ستاره‌ها به مراکز درمانی و خیریه

کمپانی در اقدامی مشابه کمک کردن به مراکز درمانی و خیریه، بعضاً به هواداران ستاره‌های بی‌تی‌اس توصیه می‌کند، به جای تهیه و ارسال هدایای مختلف در جشن تولد ستاره‌ها، آنان هزینه تهیه هدیه خویش را به مراکز درمانی و خیریه اهدا کنند.

اقدام خیرخواهانه اخیر، فرهنگ سازی مناسب و پسندیده‌ای هست که در عین جلوه دادن هر چه بیش‌تر به کمپانی و گروه آن، به سوق دادن نسبی عواطف هواداران، به سمت افراد نیازمند جامعه می‌انجامد.

ریحانه ۱۹ ساله و شیرین ۲۲ ساله در مصاحبه‌های خودشان در مورد فرهنگ‌سازی ارزشمند سوق دادن هدایای جشن تولد‌ها به سمت کمک به مراکز درمانی و خیریه گروه بی‌تی‌اس بیان می‌دارند: «در سال ۲۰۲۱ یا ۲۰۲۰ در تولد جونگ‌کوک، خود اون گفته بود، برای تولد من به جای این که پول یا کادو بیارین، اون رو صرف کمک‌های خیریه کنید. می‌دونین این حرف جونگ‌کوک ممکنه باعث چه تأثیر مثبتی بشه، چون که یک‌سری برنامه‌ها هست، اسم‌شون فن‌ساینه که فن‌ها به صورت حضوری می‌تونن آیدول‌ها رو از نزدیک ببینن و باهاشون حرف بزنن، امضاء بگیرن از آیدول‌ها و بهشون کادو بدن.»



جونگ‌کوک گفته بود که به جای این که به من کادو بدید و واسه من چیزی بخرین، پول خودتون رو صرف کمک‌های خیریه بکنین و این حرف جونگ‌کوک باعث شد که برای اولین بار تو ایران سال تولد فک کنم ۲۳ سالگی جونگ‌کوک بود یا ۲۴ سالگی اش که آرمی‌ها تصمیم گرفتند که کمک هزینه جمع‌کنند برای خرید دارو برای بچه‌های سرطانی و تقدیرنامه‌اش هم عکس گرفته بودند که از طرف آرمی‌های بی‌تی‌اس اهدا شده بود، ۱۴ میلیون تومن جمع کرده بودن و کار خیلی قشنگی بود.»

«- شیرین راجع به جشن تولد‌های آیدول‌ها چه اطلاعاتی داری؟»

جشن‌های تولد آیدول‌ها بسیار رؤیایی و افسانه‌ای برگزار می‌شود، جشن‌هاشون رو حتی شاهزاده‌ها هم در خواب نمی‌بینند. جشن‌ها فقط در کره برگزار نمی‌شود، بلکه در بیش‌تر کشورهای جهان برگزار می‌شود، جشن تولد هر آیدولی با یک رنگ برگزار می‌شود، مثلاً برای تولد تهیونگ تمام دنیا به رنگ بنفش در آمد برای تولد جین تمام دنیا به رنگ صورتی در آمد و برای مجلل و با شکوه بودن جشن تولدها کمپانی میلیاردی خرج می‌کند و به خاطر تولد هر کدام از آیدول‌ها کمپانی مقداری از در آمدش رو صرف کارهای خیریه می‌کند.



- این جشن تولدها چه تأثیری روی هواداران می گذاره؟

هواداران هم به تبعیت از کمپانی هر کدام در هر کجای جهان باشند پر از هیجان و انرژی می شن برای برگزاری این جشن ها لحظه شماری می کنند و در دنیای مجازی و رسانه ها پیگیر لحظه به لحظه این جشن ها در سراسر جهان هستند و به تقلید از آیدول ها و گروه بی تی اس در کارهای خیر و کمک به بیماران سرطانی پیش قدم می شن و در فن پیچ هاشون هواداران رو به چالش دعوت می کنند.



- از هواداران در این چالش ها چی می خوان؟

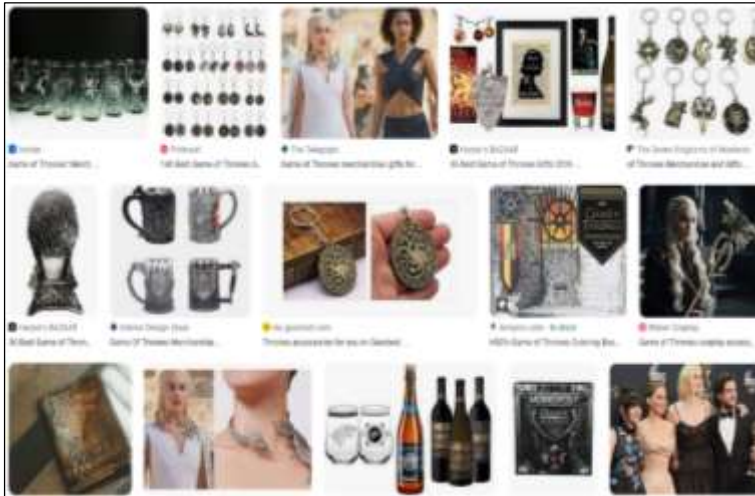
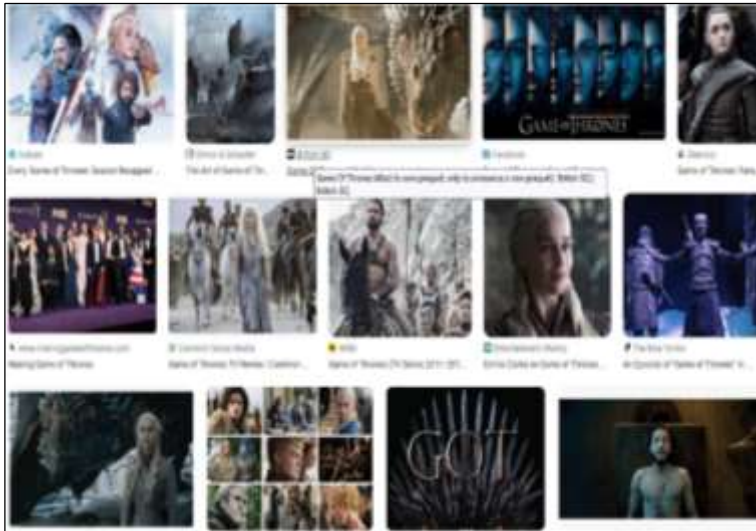
مثلاً می گن بباید این بار این جشن تولد متفاوت تر از جشن تولدهای دیگر برگزار بشه، علاوه بر حمایت معنوی خودمان از آیدول مان با حمایت مالی و کمک به نیازمندان سفیران خیر و سلامتی باشیم، مثلاً این بار بیاییم انجمن حمایت از اوتیسم رو کمک کنیم و بدین صورت هواداران نیز کمک های مالی خود رو با کمک مدیران فن پیچ ها به دست نیازمندان می رسانند.

- این جشن ها چه تأثیر فرهنگی روی هواداران داره؟

فرهنگ زیبای کمک به نیازمندان و بیماران خاص رو فرهنگ سازی می کنه. هم از برگزاری جشن ها هواداران لذت می برند وهم یه کار انسانی و بشر دوستانه انجام می دن».

۵-۹- عرضه انواع زیورآلات، تصاویر و وسایل بی تی اسی

یکی از روش های شناخته شده استفاده از فرصت های تجاری، عرضه زیورآلات، تصاویر و وسایلی است که به فرض در یک فیلم یا سریال نمایش داده شده اند و یا در جریان اجرای یک برنامه، سلبیتی مورد نظر آن را به همراه داشته است.



مسأله اخیر نیز در مجموعه تمهیدات کمپانی بیگ‌هیت قرار گرفته است و ضمن استفاده‌های اقتصادی از زیورآلات و وسایلی که با نشان اعضای گروه بی‌تی‌اس تهیه می‌کند، یاد و خاطره آنان را نیز در نزد هوادارانشان زنده نگه می‌دارد.

مهشید ۲۱ ساله، در گزارش خویش با اشاره به سنت اخیر خاطرنشان می‌سازد، متناسب با عرضه آهنگ جدید، وسایل مرتبط با آن به هواداران عرضه می‌شوند تا هواداران با خرید آن‌ها، ضمن تأمین منافع کمپانی بیگ‌هیت، اهداف فرهنگی وی را نیز محقق سازند:

«بی‌تی‌اس یه سری برنامه‌های فانی داره. یعنی کمپانی براشون فراهم می‌کنه یه سری برنامه-ریزی‌هایی رو که باعث جذب حتی مخاطب می‌شه، مثلاً تو ایران یه بار می‌ره در ماه، تمام، خب این‌ها نه، این‌ها خیلی برنامه دارن، یه روز تیزر 'میاد، یه روز موزیک ویدیو میاد. آلبوم همراه با فتوکارت، یه سری چیزهایی فروخته می‌شه... عروسک‌هایی دارن... دوباره یک کمپانی ژاپنی هستش که باهاش قرارداد دارن موزیک ویدیوها رو تبدیل می‌کنه به شخصیت‌های کارتونی.



ولی خودم واقعاً موسیقی‌شون رو به خاطر متن‌شون، ملودی‌شون و به خاطر تفاوت صداشون خیلی دوست دارم».

سعیده ۲۰ ساله در گزارش خویش از کاربری از وسایل بی‌تی‌اسی بیان می‌دارد:

«من تو اتاقم پر از هدیه‌هایی هست که دوستم نگین واسه تولدم خریده. (می‌خندد و می‌گوید) دیگه هدیه نگین هم غیر از چیزی که مربوط به بی‌تی‌اس باشه، می‌تونه چی باشه؟! فقط چیزایی که به اونا ربط داره می‌تونه من رو تا سر حد مرگ خوشحال کنه. من همه‌اش رو گذاشتم جایی که جلو چشمم باشه. بعضی وقتا از بی‌تی‌اس نقاشی می‌کشم. یا همیشه می‌رم تو دیجی کالا سرچ می‌کنم کالای

۱۳۴۶ بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی تی اس (بیگ هیت) از منظر هواداران ایرانی

بی تی اسی، هر چیزی که می خواد باشه، فقط آرم بی تی اس داشته باشه. تو اون قفسه کتاب هم فوتو کارت های بی تی اس هستند. دو نوع فوتو کارت هست که واسه موزیک ویدیوی با تره. بعد دوتا تابلو از بی تی اسه. بقیه اش هم پیکسل، دفترچه، ماسک، لباس و چیزای دیگه درباره بی تی اسه. یه دفتر هم درست کردم که توی اون عکس های بی تی اس رو می زنم یا نقاشی می کشم».





ریحانه ۱۵ ساله نیز در مصاحبه‌اش با اشاره به بازار گرم خرید و فروش زیورآلات و وسایل متناسب به گروه بی‌تی‌اس، از تهیه و توزیع برخی از اقلام اخیر در ایران یاد کرده، بر کاربری خود و دوستانش از این وسایل تأکید می‌ورزد:

«- تو هم تا حالا محصولات با برچسب بی‌تی‌اس رو خریدی؟»

آره، جامدادیش رو دارم نماد بی‌تی‌اس روشه. یه جورابم دارم همین طوره.

- از کجا خریدیشون؟

جامدادی رو از دیجی کالا، اما جوراب رو از یه مغازه. یه سری پیج‌ها هم هستن که وسایلی که بی‌تی‌اس روشه می‌فروشن.





- تو اون پیج‌ها رو داری؟

آره یه دونه دارم.

- می‌تونی بهم نشون بدی؟

آره الان. البته تازه فالووش کردم هنوز ازش چیزی سفارش ندادم، اما یه سری فتوکارت‌هایی دیدم، عکس هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس رو که بخوای برات روش می‌زنن و می‌تونن سفارش بدی و باهاشون قاب گوشی درست کنی. می‌خوام با عکس جیمین سفارش بدم. بعد یه چیز جالب این که هر کدوم از آیدول‌ها برا خودشون یه باله لب مخصوص خودشون رو دارن، مثلاً یه نوعش مال جیمینه، یکی مال جانگ‌کوک و می‌تونن سفارش بدی، برات بفرستن. آلمانیه. یه سری گردنبندهایی هم هست اسم آیدول‌ها روشه به هر کدوم علاقه داشته باشی می‌اندازی گردنت، دوستانم خریدن، می‌گن هر کی طرفدار بی‌تی‌اسه باید تو گروه‌مون بخره، وگرنه، نشون می‌ده که الکی می‌گه طرفداره».



ریحانه در ادامه گزارش خویش از کاربری از وسایل به اصطلاح بی‌تی‌اسی در جمع دوستانش، خاطرنشان می‌سازد، دوستان وی در صورتی هواداری فردی نسبت به گروه بی‌تی‌اس را می‌پذیرند که وی کاربری از وسایل متناسب به گروه بی‌تی‌اس را در دستور کار خود قرار داده باشد:

«- یعنی دوستان تو گردنبند بی‌تی‌اسی رو نشونه طرفدار واقعی بی‌تی‌اس بودن می‌دونن؟»



آره، منم باید بخرم. می‌خوام مال جیمین رو بخرم. دوستانم حتی کیف بی‌تی‌اس و استیکرش رو هم خریدن. فاطمه می‌گه اگه کسی اینا رو نداشته باشه، از گروه باید بره بیرون. منم یه بار به مامانم گفتم من هم باید بخرم، مامانم گفت کیف دارم و جدید خریدم، سر همون کیف با دوستانم دعوا کردیم. منم قول دادم، سال دیگه می‌خرم.

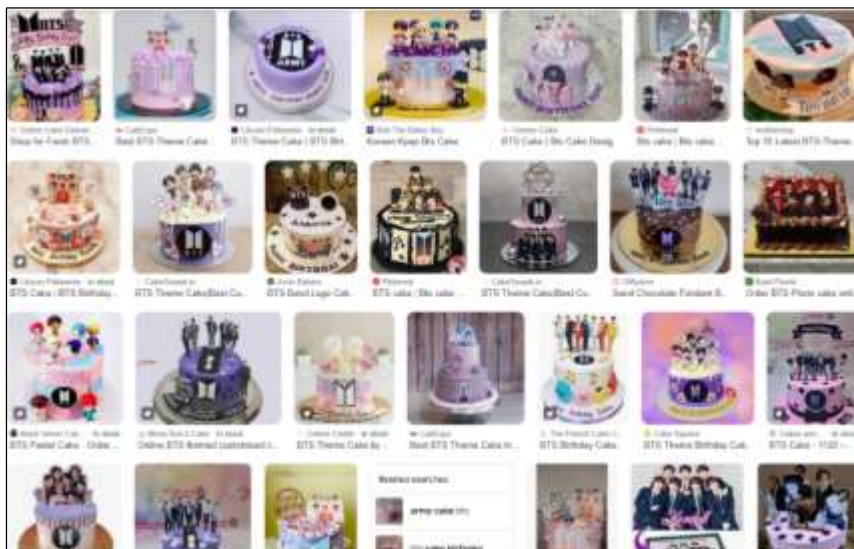
- خوب اگه نخری تو رو هم بیرون می‌کنن؟

آره، ممکنه.

- یعنی فقط به خاطر این که کیف بی‌تی‌اس رو نخردی؟

۱۲۵۰ بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (بیگ هیت) از منظر هواداران ایرانی

خب می‌گن نشونه یه آرمی واقعی هستش. کسی رو هم که آرمی واقعی نباشه، از گروه‌شون بیرون می‌کنن. حتی اگه تو لِد یکی شون باشه، می‌رن بیرون باهم جشن می‌گیرن و کیک اینا می‌گیرن. اکثر وسایل شون رو هم دارن.



- از همون پیجی که گفتی می‌خرن؟
آره، اینم عکشه».



هستی ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش، ضمن آن که از تهیه کلکسیون از تصاویر پسران بی‌تی‌اس یاد کرده است، از لذت زیاد باز کردن سفارش این دست از محصولات (آن باکسینگ)، به قرار زیر یاد کرده است:

«- پس گفتی الان داری یک کلکسیون درست می‌کنی؟

آره یه کالکشن. مثل تمبر جمع کردن قدیمی‌ها. من همیشه دوست داشتم کتابام یه اندازه باشن یا هم‌رنگ باشن. می‌دونی از چی لذت می‌برم؟ وقتی می‌بینم ژستا دقیقاً عین هم دیگه هست، بیش‌تر خوشم میاد حتی. اگر یه ژست جدید تو فتو کارتاش داشته باشه، خوشحال نمی‌شم.

- علاوه بر فتو کارت چیزهای دیگه هم می‌خری؟

آلبوم هم می‌خرم. می‌خرم که بازش کنم فقط. مثل لپ‌لپ می‌مونه برام که تو بچگی داشتیم. تو بچگیم عاشق لپ‌لپ بودم. من البته همیشه موسیقی دوست داشتم، قبل‌کی پاپ هم آلبوم بقیه آرتیستا رو می‌خریدم. خیلییی آلبوم می‌خریدم. یعنی نود درصد آلبوم‌هام غیر کی‌پاپیه. حقیقت رو بگم. حتی دوست دارم پیش‌فروش بخرم آلبوما رو. زمانی که معلوم نیست حتی اون آلبوم چه شکلیه و چی توشه. دوست دارم اون رو بخرم برسه دستم و باز کنم، مثل لپ‌لپ. مثلاً یه آلبوم هست که همه‌ی فتو کارتایی که توشه رو خریدم همه‌شو (با شدت می‌گوید)، ولی بازم آلبومش رو پیش‌فروش از سایت خریدم که بیاد دستم آنباکسش کنم».

۵-۱۰- عرضه ویدیوی آموزشی رقص هر اجرای گروه

یکی از ویژگی‌های مهم گروه بی‌تی‌اس که بسیاری از هواداران به گزارش آن پرداخته‌اند، رقص اعضای گروه در حین خواندنشان است.

کمپانی از اعضای گروه می‌خواهد تا در هر یک از اجراهای خودشان، برای تنوع‌بخشی بیش‌تر از پیش، رقصی متناسب با متن آهنگشان تهیه کرده و آن را هم‌زمان با خواندنشان، اجرا کنند.

اگر چه اعضای گروه بی‌تی‌اس، خواست کمپانی را در این جهت محقق می‌سازند، اما نکته مهم و قابل‌ذکر در این قسمت، عرضه ویدیوی آموزشی رقص اجرا شده توسط کمپانی برای هواداران است تا هواداران در صورت تمایل به کپی‌برداری از رقص جدید گروه، به آن را به راحتی فراگیرند.

نسیم ۱۷ ساله در همین ارتباط در مصاحبه‌اش بیان می‌داشت:

«بعد از هر اجرا، ویدیوی آموزشی رقص آیدول‌ها هم میاد و فن‌ها و هوادارها، از روی اون ویدیو، رقص جدید آیدول‌ها رو یاد می‌گیرند و پیاده می‌کنند».





۵-۱۱- استقبال از حاشیه‌سازی‌های مختلف

یکی از مشکلاتی که غالب بازیگران و خواننده‌ها با آن مواجه هستند، این هست که وقتی چند صبحی از بازی آنان در یک فیلم یا سریال یا خواندن آهنگ جدید آنان بگذرد، با فروکش کردن هیجان پخش آن فیلم یا سریال و یا شنیدن آن آهنگ، رفته رفته سلبریتی‌های مورد نظر در اذهان مخاطبان شان کم رنگ می‌شوند، از این رو کمپانی‌های سلبریتی‌های اخیر، با وقوف به این مشکل، در صدد برمی‌آیند تا شخصاً یا با همکاری دیگران و یا با استقبال از شایعه‌پردازی‌های دیگران، فضای ملتهبی فراهم آورند که مانع از یاد رفتن افرا زیر پوشش خودشان، در اذهان مخاطبان شوند، زیرا این امر به کاهش سود آنان منجر خواهد شد.

بررسی اظهارات هواداران مصاحبه شده، دلالت بر آن دارد که در غالب موارد کمپانی بالاستقلال وارد حاشیه‌سازی برای ستاره‌های خویش می‌شود تا به این طریق، اهداف آشکار و پنهان خویش را پیش ببرد. اما در موارد دیگری کمپانی با استفاده از شرایط پیش آمده و موضع‌گیری در راستای اهدافش، از شرایط ایجاد شده در جهت پیش‌برد اهدافش سود می‌برد. در موارد دیگری کمپانی از طریق هواداران (فندوم‌ها) و ایجاد شایعه و یا هدایت غیرمستقیم هواداران، دست به حاشیه‌سازی‌های مورد علاقه خویش می‌زند.

استفاده کمپانی از رسانه‌های زرد، روش دیگری در جهت ایجاد حاشیه در مورد کمپانی، کمپانی‌های مقابل یا ستاره‌هایش است.

مجموعه شرایط پیش‌گفته سبب می‌شود، هواداران همیشه با حجم قابل توجهی از حواشی روبرو باشند و در این میان اصولاً ندانند که کدام حرف کمپانی درست و کدام حرف آن نادرست است. نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، کمپانی در برخی از مواقع شخصاً با حاشیه‌سازی‌های خودش، می‌کوشد تا منافع بیش‌تری کسب کند:

«به نظرت این روابطی که خبرش پخش می‌شه، واقعیه یا ساختگیه و برای تبلیغ بی‌تی‌اس هست؟ خب اون سالی که این خبر پخش شد، کلاً ژانر عاشقانه، مخصوصاً عاشقانه‌های دبیرستانی مد شده بود و اکثر خواننده‌ها رفته بودن سراغ همین ژانر، بی‌تی‌اس هم همون موقع موزیک ویدیوی پسر عاشق رو داد بیرون که در مورد یه عشق دبیرستانی بود و هم‌زمان با این داستان خبر رابطه‌اش با میکا پرش همه جا پخش شد، واسه همین اگه از این زاویه بهش نگاه کنی، آره می‌تونسته یه جور تبلیغ باشه واسه آهنگ جدیدشون، مخصوصاً که اون موقع اوایل کارشون بود و خیلی نیاز داشتند که تبلیغ کنند و خودشون رو مطرح بکنن، مثل الان نبود که همه دنیا بشناسن شون».

سمانه ۱۷ ساله، فرشته ۱۸ و پریناز ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود از نقش فعال کمپانی در حاشیه‌سازی برای اعضای گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده اند:

«سمانه جان ستاره‌ها حاشیه‌سازی هم می‌کنن تا مطرح بمونن؟»

آره زیاده حتی. خب اینا قانون شونه که نباید رل بزنی و ازدواج کنی. یادمه یه بار خیلی وقت پیش، مثلاً اومد صحنه‌سازی کردن که یکی شون با یکی از بازیگرای کره رفته بیرون و کافه حتی، ولی خب عکساش نبود، ولی خود کمپانی این شایعه رو انداخته بود که حاشیه درست کنه و بعدشم کمپانی خودش اومد گفت، این برخلاف قانون شونه و جریمه داره و اخراج می‌شه، ولی چند وقت بعد دیدیم که اون طرف همچنان هست تو گروه و بعد از این که کلی خبراش دراومد و همه جا پخشش کردن، کمپانی اومد تکذیبیه زد و گفت نه، یکی شبیهش بوده و این نبوده، در واقع می‌خوام بگم برنامه‌شون بود، حالا تو فن پیچ‌هاشونم همین رو گفته بودن، یعنی درز کرده بود از خود گروه که بازی بوده یا مثلاً می‌گن فلانی با فلانی دعواش شده و اینا میان یه کم فیلم بازی می‌کنن و همه باور می‌کنن، بعد (با تعجب) فیلمش اومده بود و درز کرده بود بیرون که پشت صحنه چه قدر هم باهم خوب ان دوتاشون و مشکلی ندارن».

«به نظرت ستاره‌ها در کارهاشون مختار هستند یا هرطوری که کمپانی از اون‌ها بخواد رفتار می‌کنند؟ این موضوع، موضوع خیلی طولانی و قابل بحثی هست. آره، ببین، ممکنه که بعضی‌ها یا بعضی وقت‌ها آیدول‌ها و اشخاص معروف با کمپانی لج کنند، چون بعضی از کمپانی‌ها برای منافع مادی خودشون هم که شده آیدول‌ها رو مجبور می‌کنند کارهایی انجام بدن که اون‌ها دوست ندارند، حتی

شده با وجود این که اون آیدول مخالفت کرده که شایعه‌ی قرارش با یک نفر بیرون درز نکنه، اما کمپانی برای این که بخواد توجه‌ها رو به سمت خودش جلب کنه، همچنین شایعه‌هایی رو استفاده کرده، در صورتی که اون شخصی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته، به هیچ وجه راضی نبوده، ولی خب اون‌ها همچنین کاری رو کردند».

«دوتا نکته که توی کمپانی مطرح هست، این که می‌گن اگه اعضاء اشتباهی مرتکب بشن، کمپانی سریع می‌اندازه بیرون اون شخص رو و یه شخص دیگه رو جایگزین می‌کنه و یه موضوع دیگه اینه که از طریق حاشیه‌سازی منفی بعضی وقتا می‌خواد آیدول‌هاش رو، دوست داره معروف کنه، در حالی که ممکنه این هیت‌ها به اعضاء آسیب بزنه، ولی خب این کار رو می‌کنه. این دوتا مورد رو خیلی انجام می‌ده که جزو معایب این کمپانی هست».

همان‌گونه که از بیانات سمانه برمی‌آید، کمپانی به راحتی در رابطه با ستاره‌هایش تصمیم به حاشیه‌سازی می‌گیرد. فرشته در اظهاراتش خاطرنشان می‌سازد، کمپانی چنان در تصمیمش راجع به حاشیه‌سازی مصرّ و جدی است که حتی مخالفت ستاره‌ها نیز در تصمیم‌های وی تأثیرگذار نیست و پریناز در بیاناتش تأکید می‌کند، حتی اگر حاشیه‌سازی کمپانی اثرات تخریبی روی بهداشت روان ستاره یا ستاره‌های مورد نظر بگذارد، باز کمپانی بدون توجه به آسیب روانی که به ستاره یا ستاره‌هایش وارد می‌آورد، به کار خود در جهت حاشیه‌سازی ادامه می‌دهد.

در برخی از موارد، کمپانی از شرایط پیش آمده توسط کمپانی‌های رقیب یا جامعه، استفاده کرده، سعی می‌کند با سوار شدن روی موج، اهداف خویش را با استفاده از شرایط پیش آمده محقق سازد، به عنوان نمونه، غالباً کمپانی در مواجهه با اهانت‌های بی‌شماری که در جریان داستان‌نویسی (فن‌فیک یا فن-فیکشن) هواداران برای ستاره‌هایش پیش می‌آید، سکوت را پیشه خود می‌کند، حال آن که به لحاظ انسانی ضرورت دارد که کمپانی دست به نفی کسانی بزند که با داستان‌نویسی‌های خودشان و یا تهیه‌گفت‌وگوهای ساختگی با محوریت ستاره‌ها، در درجه نخست اهمیت برای حفظ بهداشت روانی ستاره‌های خود و در درجه بعدی اهمیت برای حفظ بهداشت روانی جامعه، اقدام کرده‌اند.

ریحانه ۱۷ ساله و راضیه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌شان در همین ارتباط به ذکر بیانات زیر پرداخته‌اند: «به شرایط سختی که کمپانی برای افراد ایجاد می‌کنه، اشاره کردی، منم در این باره یه کم شنیدم که رژیم‌های سختی بهشون می‌دن و یا مجبورشون می‌کنن گرایش‌شون رو چیز دیگه‌ای نشون بدن. - آره، درسته. برات الان یه مثال می‌زنم مثلاً تویتتر رو اگه دیده باشی، بزنی بی‌تی‌اس و این عنوان رو سرچ کنی فضای کثیفی این وسط میاد. یکی به یکی دیگه می‌پره، فحش می‌دن و ناسزا می‌گن، یهو یه پیج فیک میاد شایعه می‌سازه و کلی کارای دیگه. بعد پسرا رو هم با همدیگه شپ می‌کنن،

۱ - گاهی ملاحظه می‌شود که برخی از هواداران با تقطیع صحبت‌های یک ستاره و قرار دادن بیانات بریده شده وی در کنار اظهارات بریده شده یک ستاره پورن، به نوعی گفت‌وگوی دو نفره تهیه شده آن‌ها را با محوریت مضامین هرزه‌نگار نشر می‌دهند.

یعنی می‌گن این دوتا باهم ان و گی ان و حتی اون قدر تعصبی ان که آخرش به فحش و فحش‌کشی می‌رسه و این وسط مومنت‌هایی می‌سازن که خطای دیده و می‌گن دارن هم رو می‌بوسن با این که هیچ کس این وسط اعلام نکرده که خب آره، من گی هستم، ولی خب دعوا می‌شه برای گرایش که مال آیدوله و هیچ ربطی به ما نداره یا مثلاً چند وقت پیش یه خارجی اومد شایعه سیگار کشیدن تهیونگ رو پخش کرد و توی مراسم گرمی باز باهم بحث‌شون می‌شه برای چیزی که هنوز اعلام نشده و بستگی به خود طرف داره بکشه یا نکشه یا قرار گذاشتن پسرا با خلیا پخش شده یا دعوا و بحثا با این که این مسایل به زندگی شخصی خود آیدول مربوطه.

کمپانیم خیلی لطف کرد و برای همه اینا سکوت کرد، چون این هم برای سهام و سود خودش خوب بود و هم برای کمپانی مقابلی که شایعه قرارشون پخش شده. بعد از چند ماه، هر چند وقت یه بار میاد می‌گه، همه اینا پیگیری قانونی می‌شه، هیچ صحبتی هم نمی‌کنه، نمی‌دونم آفتاب از کجا دراومد اون دفعه گفته بود شایعات قرار هم پیگیری می‌شه، ولی خب باز ما اونجا نبودیم که بفهمیم پیگیری می‌شه یا نه. کلاً بحث گرایش و اینا رو خدا گذاشته دیگه و کسی نمی‌تونه دستکاریش کنه، اگه کسی هم گی باشه، به نظرم مورد احترامه چون که دست خودش نبوده، این رو انتخاب کنه، ولی خب وقتی چیزی رو هنوز پسرا تأیید نکردن، قشنگ نیست که بیاییم هی بگیم، آره اینا حتماً باهم تو رابطه ان، ولی می‌شه شیپ‌شون کرد، ولی به درستی نه که تهش به فحاشی کشیده بشه».

«- عزیزم خودت به فن‌فیکشن علاقه داری یا می‌نویسی؟»

بعضی اوقات می‌خونم، ولی خودم نمی‌نویسم.

- من دیده بودم که فن‌فیکشن‌ها چند دسته هستند، می‌شه بگی تو به کدوم نوعش علاقه داری؟ بستگی به نویسنده داره، اگه ببینم قلمش قشنگه و از کلمات خوب استفاده کرده و ارزش خوندن داشته باشه، می‌خونم.

- یعنی در کل سبک خاصی رو دنبال نمی‌کنی.

آره.

- یعنی فرقی نداره که سبکش جنایی باشه یا عاشقانه؟

درسته».

در برخی از موارد کمپانی ممکن است از هواداران و تشکیلات آن‌ها (فندوم‌ها)، سوءاستفاده کرده، حاشیه‌سازی‌های مورد نظرش را بدان‌ها احاله دهد و با ایجاد درگیری بین هواداران خودی و هواداران دیگر گروه‌های کی‌پاپ، در صدد پیش‌برد اهدافش برآید.

صباى ۱۶ ساله در مصاحبه خود از دعوا و مشاجره میان طرفداران گروه‌های مختلف یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد کمپانی به این حاشیه‌سازی‌ها با دیده مثبت می‌نگرد، زیرا این درگیری‌ها چشم‌های

بیش‌تری را متوجه کمپانی و گروه وی کرده، این امر نیز به سهم خود مترادف افزایش درآمد کمپانی است:

«- صبا جان ممکنه مثلاً حاشیه‌سازی هم براشون بشه؟»

آره زیاد، حتی گاهی خودشون این کار رو می‌کنن یا کمپانی می‌کنه اصن. مثلاً خودشون میان بین طرفدارا دعوا می‌اندازن، طرفداراشون رو با یه حرف الکی که مثلاً یکی دیگه بهشون زده و اینا ناراحتن مثلاً، به جون بقیه می‌اندازن که همه‌اش بازی خودشونه برای جذب مخاطب و فالور بیش‌تر. گاهی فن‌ها هم باهاشون هم‌دست هستن، حتی اون کله گنده‌هاشون. میان مثلاً حاشیه‌سازی می‌کنن فلانی از طرف دیگران هیت شده یا حالش بده یا این حرف رو به ما زدن و هیت دادن بهمون که فناشون برن با بقیه دعوا کنن. من خودمم فن‌شون هستم، ولی خب تعصبی نیستم، افراطی نیستم، ولی اکثر فن‌ها به شدت افراطی هستن، اصلاً نمی‌شه گفت، مثلاً فلان چیز بد رو دارن، بی‌تی‌اس چنان ریپورت می‌کنن و فوشت (فحشت) می‌دن که نگو و نپرس.»

حدیث ۱۴ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از همکاری کمپانی و رسانه‌های زرد برای حاشیه‌سازی برای آیدول‌ها یاد می‌کند:

«- حدیث دیسپیچ چیه؟»

دیسپیچ یه سایتیه که همه اخبار یا شایعات رو می‌ذاره و هیچ کس نمی‌دونه مدیر این سایت کیه. احتمالاً مدیرش یکی از مدیرای کمپانیا باشه.»

در مواردی هم که کمپانی رأساً و یا با همکاری دیگر نهادها دست به شایعه‌سازی و ایجاد حاشیه برای اعضای گروه بی‌تی‌اس نمی‌زند، نه تنها به مقابله با شایعات و حواشی ایجاد شده برای آیدول‌های خود نمی‌پردازد، بلکه با سکوت معنادار خود، در عمل دست هواداران را در ملتهب کردن شرایط باز می‌گذارد و به نوعی از حواشی ایجاد شده، استقبال می‌کند.

شرایطی که تا اینجا برشمرده شدند، سبب می‌شود، برخی از هواداران به صراحت بیان کنند، در آشفته بازار پدید آمده توسط کمپانی و کمپانی‌های رقیب و هواداران آن‌ها و رسانه‌های زرد مرتبط با آن‌ها، تمیز و تشخیص صواب از ناصواب برای آن‌ها مسیر نیست:

«- به نظرت خبر رابطه بین اعضاء با سلبریتی‌های دیگه واقعه یا ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست و جنبه تبلیغاتی داره؟»

هر دوش می‌تونه باشه. این خیلی احتمالش بالا هست که هدف کمپانی‌ها از نشر این جور خبرها این باشه که اون آیدول‌ها رو بندازن سر زبونا و کلی هشتگ و حاشیه درباره‌شون درست بشه، چون روابط توی صنعت کی‌پاپ مثل روابط توی هالیوود زیاد و عادی نیست، معمولاً توی کی‌پاپ کمپانی‌ها خیلی حواس‌شون جمع هست که همچین چیزهایی پیش نیاد و خبرش پخش نشه، مگر این که به نفع خودشون باشه و خودشون خواسته باشن این حاشیه درست بشه، برای همین احتمال زیاد وقتی داستان

رابطه توی کی پاپ پیش میاد، الکیه و برنامه کمپانی ها هست، ولی از طرف دیگه ممکن این وسط یه سری روابط هم واقعی باشند و خارج از کنترل کمپانی لو رفته باشند و پخش شده باشن. به نظرم هر دوش محتمله» (مریم، ۱۸ ساله).

۵-۱۲- باج دادن به رسانه‌ها و افرادی که به شکل بالقوه امکان تهدید ستاره‌ها را دارند

فضای رقابت‌های اقتصادی، غالباً فضای سالمی نیست و هر یک از بازیگران این صحنه‌ها، در تلاش برای عقب نهادن رقیبان و پیشی گرفتن از آن‌ها در کسب منافع خویش برمی‌آیند. بالطبع به سبب عدم حاکمیت اخلاق در روابط رقابتی کمپانی‌ها، نباید انتظار رفتارهای اخلاقی پررنگی را در این میان داشت. نیکوی ۱۵ ساله و مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خویش به طرح مواردی از این دست پرداخته‌اند که کمپانی‌های کی پاپ، برای کنترل فضا سازی مخالفان علیه خودشان، به راه‌های مختلفی از جمله باج دادن به افراد و رسانه‌های زرد می‌پردازند:

«دیسپیچ خیلی سایت معروفیه و حتی بارها در مورد سلبریتی‌ها گفته که این‌ها باهم قرار می‌گزارن یا باهم هستن یا ازدواج کردن، در صورتی که اصلاً این طوری نبوده، البته گاهی هم درست درمی‌اومد. در مورد بی تی اس هم چند بار یه شایعاتی رو پخش کرد و کمپانی اومد با پول این شایعات را پوشوند و بهشون می‌گفت که این شایعه رو جمع کن و بیش‌تر ادامه ندن و شلوغش نکنن و با پول این این داستان‌ها رو جمع می‌کرد تا سهامش به خطر نیفته و طرفداراش رو از دست نده».



«- آیا کمپانی‌ها و صنعت کی پاپ به صورت کلی بسیاری از اطلاعات شخصی زندگی آیدول رو به نمایش عموم می‌گذارند؟

نه، نمی‌ذارن. برعکس تلاش می‌کنن که کم‌ترین مقدار از اطلاعات خصوصی آیدول به بیرون درز پیدا کنه. چون هم برای خود آیدول و هم برای خانواده و کسانی که می‌شناسه، ممکنه دردسر درست بشه. حتی گاهی آیدول‌هایی که ازدواج می‌کنن یا قرار می‌ذارن، اگه همسر یا پارتنرشون غیر سلبریتی باشه، تمام تلاش شون رو می‌کنن تا هیچ عکس و اسمی ازش پیدا نشه. چون گاهی طرفدارای دیوونه‌ای هستن که به این افراد حمله می‌کنن. به خصوص اگه اکانت فضای مجازی اون شخص رو پیدا کنن.

این طوری منجر می‌شود به فرستادن فحش، توهین و در بدترین حالت ممکن تهدید به مرگ. حتی ممکنه آدرس و شماره هم از شون پیدا کنن و سراغ شون برن، البته این تقریباً درصدش صفره، ولی خب ممکنه اتفاق بیفته. به همین دلیل کمپانی‌ها معمولاً وقتی شایعه‌ای از زندگی خصوصی آیدول پخش بشه، معمولاً سریع تکذیب می‌کنن یا حتی اگه واقعی باشه، گاهی ممکنه که به اخراج آیدول از کمپانی هم ختم بشه. ولی خب خبرگزاری‌هایی مثل دیسپچ و آل کی پاپ هستن که با دنبال کردن مداوم آیدول و به دست آوردن اطلاعات کم‌یاب، این شایعه‌ها رو تأیید می‌کنن و یا باعث درست شدن شایعه‌ی جدید می‌شن. مثلاً خبرگزاری دیسپچ هر سال نوی میلادی، یه کاپل از بین آیدول‌ها و بازیگرها رو اعلام می‌کنه. در مورد آیدول‌های معروف‌تر و کمپانی‌های پولدارتر، به خاطر حفظ آبروی آیدول و از دست ندادن طرفدارا، ممکنه که به این خبرگزاری‌ها پول بدن یا همون باج بدن که هیچ اطلاعاتی از آیدول منتشر نکنن.»

